

جزوه کامل کنکور زبان انگلیسی

هفتم تا دوازدهم

ویژه دانش آموزان متوسطه اول، دوم و داوطلبان کنکور سراسری

تهیه و گردآوری :

دکتر حسن لطفی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

موبایل : ۰۹۳۸۶۸۰۸۷۵۵

ویژگی های منحصر به فرد این جزوه کاربردی :

- (۱) معرفی کامل واژگان هر درس در صفحات textbook
- (۲) طبقه بندی واژگان هر درس در ۵ بخش مجزا مطابق با محتوای کتاب درسی متوسطه دوم
- (۳) ارائه بیش از ۵۰۰ تست استاندارد و کنکوری از واژگان به همراه پاسخ نامه
- (۴) معرفی کامل اقسام کلام و هماینها برای واژه های ضروری کتاب درسی همراه با معنی به طور کامل
- (۵) معرفی کامل ضرب المثل های کتاب درسی همراه با ترجمه
- (۶) معرفی کامل افعال بی قاعده همراه با معنی
- (۷) ارائه تست های متنوع واژه های کاربردی کنکور از پایه های دهم و یازدهم و دوازدهم بصورت درس به درس
- (۸) ترجمه تمامی ریدینگ ها بصورت درس به درس و پاراگراف به پاراگراف و مکالمه های کتاب درسی بصورت خط به خط کتاب متوسطه دوم
- (۹) آموزش گرامر پایه های دهم و یازدهم و دوازدهم بصورت درس به درس و نکته به نکته همراه با نکات کلیدی و تکمیلی
- (۱۰) روش مطالعه مباحث زبان انگلیسی برای کنکور
- (۱۱) ارائه جدولی از مترادف ها و متضادهای ضروری جهت آمادگی کنکور
- (۱۲) آموزش چگونگی مطالعه و پاسخ به کلوز تست ها و متن های درک مطلب با ارائه چندین نمونه
- (۱۳) درسنامه جامع و کامل درس به درس با نکات اضافی و تکمیلی
- (۱۴) جزوه ای جامع جهت داوطلبان کنکور منحصرا زبان
- (۱۵) ارائه ۴۳۵ لغت ضروری و کاربردی که در ده سال اخیر در آزمون های زبان به کار رفته است.

روش های مطالعه موثر زبان انگلیسی برای کنکور سراسری

مباحث زبان انگلیسی در کنکور:

درس زبان انگلیسی آخرین درس از دفترچه عمومی است و مانند سایر دروس عمومی ۲۵ تست را به خود اختصاص داده است. کسب درصد خوب در این درس با توجه به نمودار و تراز این درس در کنکور سراسری رتبه شما را به خوبی ارتقا خواهد داد چرا که بسیاری از آن دسته از داوطلبانی که در این درس درصد منفی کسب می کنند.

این درس از دروسی است که هرکس به اندازه زحمتی که می کشد در آن نتیجه می گیرد پس هرچقدر برایش وقت بگذارید مطمئن باشید که نتیجه اش را می گیرید و هیچ ضرری نمی کنید.

در حال حاضر دو نوع کنکور زبان انگلیسی وجود دارد: اختصاصی و عمومی. موضوع بحث ما کنکور زبان عمومی هست که ۲۵ سوال از آن در کنکور به کار برده می شود. و از سوال شماره ۷۵ تا ۱۰۰ را شامل می شود. مباحث مهم زبان که در کنکور از آنها سوال مطرح می شود به ترتیب ذیل می باشد.

مبحث	تعداد سوالات
گرامر : Grammar	۴
واژگان: Vocabulary	۸
کلوز تست: Cloze Test	۵
درک مطلب : Reading Comprehension	۸

از نحوه تقسیم بندی سوالات مشخص است که یادگیری لغات مهم ترین قسمت کار هست چون به تنهایی ۸ تست را به خودش اختصاص میدهد و برای پاسخ دادن به $\frac{2}{3}$ دیگر سوالات هم مستقیماً به لغات نیاز خواهیم داشت. حیطه های مهم دیگر درک مطلب و گرامر و کلوز تست هستند.

روش مطالعه ی پیشنهادی و حل گرامر (Grammar):

- یکی از روش های ساده و موثر یادگیری گرامر خلاصه نویسی است.
- ابتدا گرامر هر درس را مطالعه کنید و نکات مهم آن را با ذکر مثال خلاصه نویسی کنید.
- حتماً برای یادگیری بهتر از یک مثال برای هر نوع گرامر استفاده کنید.
- بعداً ریدینگ درس را بررسی کنید و جاهایی که نکات جدید گرامری در آن بکار رفته پیدا کنید.

- در حین جستجوی نکات گرامری سعی کنید معنی لغاتی که یاد ندارید را حدس بزنید، زیرشان خط بکشید و از آنها رد بشید، در پایان معنی دقیق آنها را پیدا می‌کنید. با این شیوه شما دامنه لغات و فهم درک مطلب خود را هم تقویت می‌کنید
- تمرین های کتاب را حل کرده در نهایت به حل تست های گرامر بپردازید.
- هفته ای یک بار خلاصه های گرامری را مرور کنید و ۲۰ تست بزنید.
- بهترین منبع برای تمرین کنکور بررسی سوالات کنکور سالهای گذشته است.
- کتابهای پیشنهادی بنده برای فراگیری عالی گرامر.....

روش مطالعه پیشنهادی و حل واژگان : (Vocabulary)

- لغات جدید را طوطی وار حفظ نکنید بلکه آنها را در متن یاد بگیرید.
- لغات را بصورت حجمی و فشرده نخوانید بلکه به تعداد کم و مستمر بخوانید.
- هر روز با توجه به توانایی ذهنیتان ۲۰ تا ۳۰ لغت جدید بخوانید.
- هر هفته ۴۰ تست بزنید البته با توجه به توانایی و علاقتان.
- از ۸ تست واژگان هفت عدد از آنها در کتاب و یک تست خارج از کتاب طرح می شود.
- برای کلمات بد قلق (دشوار) تصویر سازی کنید تا بهتر در ذهنتان بماند.
- یکی از روش های مرسوم یادگیری لغات، دسته بندی لغات جدید است. سعی کنید دفتری جدا برای یادداشت لغات دسته بندی شده داشته باشید. (این دفترچه را همیشه همراه خود داشته باشید)
- می توانید لغت ها را بر اساس مضمون آنها (خوراک، پوشاک، ابزار، ...)، شباهت های ظاهری (مثل Flower, Flour, Floor, flier, flyer, ...) و نقش (Verb, adjective, adverb,) پیشوند و پسوند (Careless, thoughtless, helpless, jobless, ...) و یا مترادف و متضاد دسته بندی کنید.
- برای هر لغت معنای فارسی، معنای انگلیسی یا مترادف، و جمله ای کوتاه به عنوان مثال بنویسید.
- سعی کنید لغت های جدید را در قالب جمله یاد بگیرید و یا از تکنیک جمله سازی استفاده کنید، یعنی برای هر کلمه چند جمله ساده به انگلیسی در ذهن خود بسازید.
- کارشناسان به این نتیجه رسیده اند لغتی که ۸ بار طی فواصل زمانی طولانی مرور بشه تقریباً برای همیشه در ذهن تثبیت خواهد شد.
- کتابهای پیشنهادی بنده جهت افزایش دامنه لغات عبارتند از : الف) ۵۰۴ واژه. ب) ۴۰۰ واژه ضروری. ج) واژگان ضروری برای تافل. د) ۱۱۰۰ واژه. ه) هر سه کتاب دوره متوسطه ۲

نکات مفید در زمینه‌ی مطالعه و حل کلوز تست: (Close Test)

کلوز تست در حقیقت ترکیبی از **لغت** و **گرامر** و **درک مطلب** است که بیشتر روی گرامر و کالوکیشن (نحوه بکار بردن دو کلمه مرتبط به هم) تاکید دارد. رعایت چند نکته می تواند به ما در پاسخ دادن به کلوز تست ها خیلی کمک کند:

- برای حل کردن سوالات کلوز تست گام اول تسلط داشتن بر درک مطلب است یعنی پایه ی کار با درک مطلب است، زیرا کلوز تست ها هم **یک تم داستانی** را دنبال میکنند.
- دوم اینکه اکثر سوالات کلوز تست نکات گرامری دارند و شما باید یک سری نکات ظریف را به خوبی به خاطر داشته باشید به طور مثال باید فرق ضمیر ملکی، ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی را بدانید و جایگاه و کاربردشان در جمله را بلد باشید .
- توجه داشته باشید از ۵ تستی که برای کلوز تست طرح می شود معمولا یک تست از مبحث گرامر خواهد بود.
- دانش آموزان باید با توجه به **سطر اول نکته** و **موضوع اصلی متن** را متوجه شوند.
- کلوز تست ها هم **یک درک مطلب کوچک تر** هستند و موضوع خاصی دارند که توجه به آن می تواند جواب دادن به تست ها را آسانتر نمایند.
- برای حل کلوز تست ها باید افعال و حرف اضافه آنها را به خوبی یاد گرفته باشیم.
- در حل کلوز تست ها باید ساختار جمله را از نظر فاعلی یا مفعولی بودن (**Active or Passive**)، زمان جمله، ضمائر ملکی و ... و سایر نکات گرامری بررسی کنیم و در نهایت با توجه به این ساختار، جای خالی را پر کنیم.
- پیشنهاد میکنم که **هر شب** یا یک شب درمیان یک متن کلوز تست حل کنید، بهتر است ابتدا تمامی کلوز تست های کنکور سراسری و آزاد را حل کنید و سپس به سراغ کلوز تست های تالیفی بروید.
- متن های کلوز تست معمولا ۷ سطر دارند که این نشان می دهد، دانش آموز باید مهارت لازم برای پاسخگویی سریع به آنها را داشته باشد.
- برای پاسخگویی به سوالات این قسمت توجه به نکته اصلی (**Main point**) و کلمات پیرامونی (**Surrounding words**) بسیار مهم و ضروری است.
- **زمان متن** و جملات بسیار اهمیت دارد و شما باید به خوبی آن را رعایت کنید اگر گذشته است یا حال متناسب با آن گزینه ها را انتخاب کنید، مثلا اگر جمله شما با **was** و **were** شروع شده باشد باید بدانید چه نوع فعلی مد نظر است.
- شما باید بدانید جایگاه مفعول در جمله کجاست، فاعل کجا قرار میگیرد و ... دیگر اینکه، به فردیاجمع بودن فعل هم حتما توجه داشته باشید.

روش پیشنهادی مطالعه و حل تست های درک مطلب: (Reading Comprehension)

- طراحان از سال ۸۸ تا کنون در زبان انگلیسی کنکور دو متن را قرار داده اند. هر متن حدود ۱۲ تا ۱۴ سطر دارد و ۴ تست از هر متن طرح می شود.
- اول سوالات متن را بخوانید تا بدانید به دنبال چه اطلاعاتی باشید و دنبال کدام واژه کلیدی بگردید. کدام قسمت را جمله به جمله و کدام قسمت را کلمه به کلمه بخوانید.
- هیچوقت بعد از خواندن متن انگلیسی آن را به فارسی ترجمه نکنید یعنی ضمن خواندن متن انگلیسی معنای آن را در ذهن خود مجسم کنید. این عادت سرعت خواندن و درک مطلب شما را چندین برابر می کند و مانع از دوباره خوانی می شود.
- زمانی که با کلمه ای نا آشنا مواجه شدید سعی کنید با خواندن سایر کلمات معنا و مفهوم جمله را حدس بزنید.
- تا می توانید به دایره لغت خود بیافزایید.
- اکثرا در ریدینگ های کنکورهای سراسری مفهوم اصلی مطلب در ابتدا و آخر پاراگراف گفته شده لذا به آنها حتما توجه داشته باشید.
- در کنکور سراسری بعد از سوالات بخش کلوز تست دو متن آورده می شود با موضوعات مختلف و برای هر یک از این متن ها نیز ۴ تست مطرح می شود که داوطلبان باید با توجه به موضوع درک مطلب ها به این سوالات پاسخ دهند. همانند کلوز تست ها توصیه می شود شبی یک متن را بخوانید و به سوالات آن پاسخ دهید.
- حفظ کردن مترادف ها و متضاد های واژگان بسیار مفید است. چرا که بسیاری از سوالات درک مطلب را بدون اتلاف وقت ، تنها با نگاه کردن مترادف و متضاد خواسته شده در سوال و بدون رجوع به متن به راحتی میتوان پاسخ داد.
- به دو خط ابتدایی و دو خط پایانی متن توجه ویژه ای داشته باشید.
- حتما گزینه ها و عبارات غیر منطقی را حذف کنید.
- به لغاتی که معنی آنها را نمی دانید توجه نکنید.
- توصیه می شود یک شب در میان و به مدت ۳۰ دقیقه از وقت خود را به بررسی یک ریدینگ و کلوز تست اختصاص دهید.

((تپ سوالات درک مطلب به این گونه است)):

- درباره کلمه در متن به چه نکاتی اشاره شده است؟
- مترادف یا متضاد کلمه مشخص شده در متن کدام است؟ تستی که تنها با معنی کردن لغت یا لغاتی خارج از درس می توانید پاسخ دهید.
- نظر و ایده اصلی متن چیست؟
- طبق متن فوق نویسنده با کدام عبارت زیر موافق است؟

باید در هفته ۷ ساعت زبان انگلیسی بخوانید.

۳ ساعت لغات

و ۲ ساعت گرامر

و ۲ ساعت تست زنی

نکات اضافی جهت یادداشت برداری:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مرور کامل واژگان و گرامر پایه هفتم

الف) حروف در زبان انگلیسی: The Alphabet

۱- الفبای زبان انگلیسی شامل ۲۶ حرف می باشد که هم به صورت بزرگ و هم بصورت کوچک نوشته می شود ولی حروف کوچک آن دارای کاربرد زیادی می باشد هرچند دانش آموزان عزیز بایستی بر هر دو صورت بزرگ و کوچک حروف زبان انگلیسی تسلط داشته باشند. در زیر این حروف آمده اند.

(نکته: هنگام نوشتن حروف زبان انگلیسی حرکت دست باید از سمت چپ به راست و از بالا به پایین باشد).

A a	B b	C c	D d	E e	F f	G g
H h	I i	J j	K k	L l	M m	N n
O o	P p	Q q	R r	S s	T t	U u
V v	W w	X x	Y y	Z z		

۲- به حروف سمت چپ حروف بزرگ یا (The Capital Letter) و به حروف سمت راست حروف کوچک یا (The Small Letter) گفته می شود.

۳- به حروف (a, e, o, u, i) حروف صدا دار یا (vowel sounds) می گوئیم.

۴- همیشه اولین حرف جمله را با شکل بزرگ حروف می نویسیم. How are you? Fine.

۵- اسامی انسانها، شهرها، کشورها و به طور کلی اسامی شناس یا معرفه باید با حروف اول بزرگ نوشته شوند اما سایر حروف لزومی ندارند که با این حروف نوشته شوند. مثل:

Ali Khorasan Iran Asia Persian Mehr Hassan

۶- برخی کلمات در زبان انگلیسی و فارسی مشترک می باشند. مثل:

Always **Be Cool**. **Don't** have **Ego**
 with **F**riends and Family. **G**ive up
Hurting **I**ndividuals. **J**ust **K**eeP
Loving **M**ankind. **N**ever **O**mit **P**rayers.
Quietly **R**emember GOD. **S**peak **T**ruth.
Use **V**alid **W**ords. **X**press **Y**our **Z**eal.
AR

(ب) حروف ترکیبی:

Ch	Teacher - chair	St	First - street
Sh	Spanish - shoes	Ee	See - meet
Fr	France - fresh	Ay	Play - Saturday
Sp	Speak - sports	Oo	Look - too
Br	Brother - break	Ll	Ball - tall
Pl	Play - plow	Sw	Swim - sweater
Th	Tooth - weather	Ea	Clean - tea
Qu	Quit - question	Ph	Photo - elephant
wh	When - who	ch	Mechanic - technology

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مرور واژگان قبل از درس اول پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
پیامک	SMS	خوش آمد گفتن	welcome
توانستن ، قادر بودن	can	واژه، کلمه ، لغت	word
نوشتن	write	بررسی کردن، چک کردن	check
هر ، هیچ	any	شما ، تو	you
در ، به	in	دانستن، شناختن	know
حرف الفبا، نامه	Letter	هتل	hotel
الفبا	alphabet	پست، پست کردن	Post
شعر، ترانه ، آواز	song	بازی فوتبال، توپ فوتبال	football
مال تو ، مال شما	your	آمبولانس	ambulance
نام، اسم	name	ایران	Iran
عدد، شماره	number	دیسک فشرده	CD(compact disk)
گفتن، سخن گفتن	say	روشن کردن، شروع	Start
کلاس درس	classroom	تلفن، تلفن کردن	telephone
چیز، شی، کالا، ماده	object	بانک	bank
درب ، در	door	پلیس	police
تخته سیاه	blackboard	حذف کردن، برداشتن	delete
میز تحریر	desk	اتوبوس	bus
صندلی	chair	تاکسی	Taxi
خودکار	pen	دکان، فروشگاه، مغازه	shop
مداد	pencil	ایستگاه، ایست، ایستادن	stop
صحبت ، گفتگو	talk to	مداد پاک کن، تخته پاک	eraser
من، م ، مال من	my	دفتر تکالیف درسی	Notebook
هست ، است	is	بیا، بیاید	let's get
چه ، چه چیز	what	همدیگر، یکدیگر	each other

listen	گوش دادن، شنیدن	please	لطفا، خواهشا، خواهشمندم
Then	بعدا، سپس	book	کتاب
classmate	همکلاسی، همدرس	Dictionary	فرهنگ لغت، لغت نامه
Sharpener	مداد تراش، تیز کننده	bag	کیف، ساک، کیسه، خورجین
pencil sharpener	مداد تراش	backpack	کوله پشتی
pencil case	جامدادی، مدادگیر	marker	ماژیک
Ruler	خط کش	chalk	گچ
bench	نیمکت، میز کار		

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه هفتم

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
lesson	درس	great	عالی، زیاد، بزرگ
name	نام، اسم	Thank you	متشکرم، سپاسگزارم، ممنونم
first name	نام کوچک	Thanks.	ممنونم، سپاسگزارم
last name	نام خانوادگی، فامیل	Good afternoon	عصر بخیر
conversation	مکالمه، گفتگو	Good morning	صبح بخیر
greeting	سلام و احوال پرسی	English	زبان انگلیسی
Hi.	سلام	Persian	زبان فارسی
Hello	سلام	teacher	معلم، دبیر، آموزگار
how	چطور، چگونه	student	دانش آموز، شاگرد، دانشجو
How are you	حالتون چطوره؟	class	کلاس
I'm fine	حالم خوبه	Sit down	بفرمایید. بنشینید
Fine.	خوبم، حالم خوبه	Stand up .	پاشو، بایست
fill out	تکمیل کردن، پر کردن	Correct	صحیح / درست / تصحیح کردن

read	خواندن، قرائت کردن	item	بخش، قسمت، تکه
speak	گفتگو/صحبت کردن	table	میز، جدول، سفره
listen	گوش دادن، شنیدن	below	در زیر، پایین
tell	گفتن، بیان کردن	following	زیرین، دنباله، پیرو
spell	هجی، املا کردن	group	گروه، دسته
ask	سوال کردن، پرسیدن	grade	کلاس، پایه، درجه، رتبه
answer	جواب/پاسخ دادن	many	زیاد، خیلی، فراوان، بسیار
do	انجام دادن، عمل کردن	very	زیاد، خیلی، فراوان، بسیار
work	کار کردن، کار، شغل، وظیفه	ball	توپ، توپ بازی
Like	دوست داشتن	room	اتاق، محل، فضا
have / has	داشتن، خوردن	best	بهترین، خوب ترین
now	الان، اکنون، حالا	friend	دوست، رفیق، یار
today	امروز	man	مرد، انسان، شخص
with	با، همراه	sister	خواهر، همشیره
Mr.	آقا	happy	شاد، خوشحال، خوش، مبارک
Mrs.	خانم، بانو	go	رفتن، راهی شدن
Miss.	دوشیزه، دختر خانم	school	مدرسه، آموزشگاه
what	چه، چه چیز	one by one	یکی یکی، فردا فرد
example	مثال، نمونه، مثل	apple	سیب
question	سوال، پرسش، مسئله	kebab	کباب
sound	صدا، آوا، صوت	cook	پختن، آشپز
both	هر دو	Excuse me	ببخشید، پوزش می خواهم

ضمایر در زبان انگلیسی:

ضمیر کلمه دستوری یا گرامری است که جانشین یک اسم یا عبارت اسمی می شود. ضمیر ها انواع مختلفی دارند که از بین آنها ضمایر فاعلی، مفعولی، ملکی، و انعکاسی جزو ضمایر شخصی به حساب می آیند.

ترجمه	ضمایر ملکی	ترجمه	صفات ملکی	ترجمه	ضمایر مفعولی	ترجمه	ضمایر فاعلی
مال من	mine	مال من	My	به من - مرا	Me	من	I
مال تو	Yours	مال تو	your	به تو - تو را	you	تو	you
مال او	His	مال او	His	به او - او را	Him	او	He
مال او	Hers	مال او	Her	به او - او را	Her	او	She
		مال آن	Its	به آن - آن را	It	آن	It
مال ما	Ours	مال ما	Our	به ما - ما را	Us	ما	We
مال شما	Yours	مال شما	your	به شما - شما را	you	شما	you
مال آنها	theirs	مال آنها	Their	به آنها - آنها را	Them	آنها	They

❖ ضمیر فاعلی همیشه در ابتدای جمله بکار می رود و کننده و انجام دهنده کار می باشد.

❖ ضمیر مفعولی بعد از فعل می آید. Tell **me** your name.

❖ ضمیر مفعولی بعد از حرف اضافه می آید. Let's talk to **him**.

❖ صفت ملکی قبل از اسم می آید. **My** name is hassan.

❖ برای جمع بستن اسم به آخر آن **s/es** اضافه می کنیم

❖ بعد از many همیشه اسم به صورت جمع می آید. many **friends** دوستان زیاد

❖ افعال to be

به افعالی که از مصدر بودن (to be) ساخته می شوند، افعال to be می گویند. در جدول زیر ضمایر فاعلی با افعال مربوط به خود در جدول زیر آمده اند.

مخفف فعل to be	صرف فعل to be	فعل بودن (هستن)
I'm	I am	من هستم
You're	You are	تو هستی
He's	He is	او (مذکر) هست
She's	She is	او (مؤنث) هست
It's	It is	آن هست
We're	We are	ما هستیم
you're	You are	شما هستید
They're	They are	آنها هستند

دستور زبان درس اول:

یکی از اولین قدمهایی که در یادگیری یک زبان دوم اساسی است و باید تسلط کافی بر آن داشت " یادگرفتن چگونگی معرفی خود " و " انجام یک احوالپرسی " است. که شما در درس اول با این موضوعات آشنا خواهید شد.

به این جمله دقت کنید. **I am Hassan Lotfi .**

ترجمه این جمله می شود. من حسن لطفی هستم.
حال به این دو بخش مهم از این جمله دقت کنید.

First name.	Hassan
Last name./family name./surname.	Lotfi

حسن در جمله بالا اسم هست و لطفی فامیل که در جدول معادل های انگلیسی این کلمات آورده شده اند.
❖ قدم بعدی پرسیدن سوال در مورد اسم و فامیل یک نفر است که باید از سوال زیر استفاده کنید.

What is your name? = Whats your name?

نکته ۱: برای پرسیدن فقط اسم طرف مقابل از سوال زیر استفاده می کنیم.

What is your **first** name? اسم شما چیست؟

نکته ۲: برای پرسیدن فقط فامیل طرف مقابل از سوال زیر استفاده می کنیم.

What is your **last** name? فامیلی شما چیست ؟

نکته ۳: در زبان انگلیسی همچون دیگر زبانها و حتی زبان فارسی برای احترام گذاشتن به افراد در وقت صدا کردن و یا اشاره کردن به آنها از لفظ آقای فلانی و یا خانم فلانی استفاده می کنیم و شما در زبان انگلیسی می بایست چهار کلمه اساسی را یاد بگیرید.

Mr.	قبل از اسم آقایان از لفظ آقا استفاده می کنیم.
Mrs.	قبل از اسم خانمهایی که ما می دانیم ازدواج کرده اند.
Miss.	قبل از اسم خانمهایی که ازدواج نکرده اند.
Ms.	قبل از اسم خانمهایی که از مجرد یا متاهل بودنشان اطلاعی نداریم.

واژگان و نکات دستوری درس دوم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
نوزاد، طفل، بچه	baby	محوطه، میدان	yard
پسر، پسر بچه	boy	چه کسی، چه شخصی	who
دختر، دختر بچه	girl	آن، آن یکی	that
مرد، انسان، شخص	man	این، این یکی	this
زن، مونث، ماده	woman	اینها، اینان	these
بین، مابین، درمیان	between	آنها، آنان	those
کتابخانه، قرائت خانه	Library	نو، تازه، جدید	new
کتابدار	librarian	بیا، بیایید، اجازه بدهید	let's = let us
کارت عضویت، برگه	card	خوب، زیبا، نازنین	nice
توانستن، قادر بودن	can	ملاقات، دیدار، ملاقات کردن	meet
نتوانستن	can't = can not	از دیدار تان خوشحالم	Nice to meet you
آیا می توانم کمکتان کنم.؟	Can I help you	هم، همچنین، نیز	too
مطمئنأ، یقینأ، قطعی	sure	خوش آمد گفتن	welcome
متأسف، متأثر، بدبخت	sorry	خوش آمدید	You are welcome
دوباره، یکبار دیگر	again	تمرین کردن، مشق	practice
بله، آری	yes	معرفی / آشنا کردن	introduce
نه، نخیر، ابدأ، خیر	No	معرفی، آشنا سازی، معارفه، مقدمه	introduction
بسیار خوب، صحیح است	ok.	هر، هریک، هریکی از	each
بفرمایید.	Here you are	دیگر، دیگری، نوع دیگر	other
بفرمایید این هم کارت شما	Here's your card	همدیگر، یکدیگر	each other
سلام، احوال پرسی	greet	کسی، شخصی، فردی	someone
تلفن کردن، صدا، صوت	phone	زوج، جفت	pair
شماره، عدد، رقم	number = No	کلمه، واژه، لغت	word

about	درباره، پیرامون، راجع به	short	کوتاه، مختصر، خلاصه
role	رل، نقش، وظیفه	shortest	کوتاه ترین
role play	نقش بازی کردن	long	دراز، طویل، بلند
review	مرور، بررسی، دوره کردن	longest	دراز ترین، بلند ترین
oneself	خود، خودش، خودش	if	اگر، چنانچه، آیا
bed	تختخواب، رختخواب، بستر	people	مردم، خلق، ملت، نفر
student's name	اسم دانش آموز	pen	خودکار، قلم
students' names	اسامی دانش آموزان	map	نقشه

در درس دوم یاد خواهیم گرفت که چگونه غیر از خودمان فرد سوم و دیگری را نیز معرفی کنیم. که این امر فقط با اضافه کردن کلماتی قبل از اسم فرد مورد نظر به راحتی اتفاق می افتد.

صفات اشاره به نزدیک	صفات اشاره به دور
This این	That آن
These اینها	Those آنها

نکته خیلی مهم: وقتی با فردی آشنا می شویم و یا به ما معرفی شده است می توانیم در قدم بعدی از این عبارت استفاده کنیم که همگی به معنای "از دیدار یا آشنایی شما خوشبختم" هستند.

Nice to meet you. / Glad to meet you. / Pleased to meet you.

یک کلمه مهم و پر کاربرد در زبان انگلیسی را یاد بگیریم.

Too

این کلمه به معنای "هم" یا "همچنین" است و وقتی بخواهیم جمله ای را عینا به مخاطب برگردانیم از این کلمه در انتهای جمله هایمان استفاده می کنیم.

نکته ۱: یک کلمه پرسشی مهم در این درس برای پرسیدن در مورد هویت انسانها وجود دارد که به معنای "چه کسی" یا ساده تر بگوییم به معنای "کی" هست و آن کلمه چیزی نیست جز

Who

نکته ۲: ضمیر سوم شخص مفرد یعنی "او" در زبان انگلیسی بر خلاف زبان فارسی با توجه به اینکه مخاطب مذکر است یا مونث (مزد یا زن، پسر یا دختر) متفاوت خواهد بود، به مثالها توجه کنید.

He is my teacher Mr. Kamali.

او (مذکر) معلم من آقای کامالی است. (چون مرد است از ضمیر مذکر استفاده می کنیم).

She is my teacher Mrs. /Ms Kamali.

او (مونث) معلم من خانم کامالی است. (چون زن هست از ضمیر مونث استفاده می کنیم).

❖ برای نشان دادن مالکیت اگر انسان باشد آپاستروف S بعد از اسم بیان می کنیم.

Student's name

❖ اگر چنانچه اسم بصورت جمع بیاید آپاستروف بعد از S جمع به کار می رود.

Students' names

واژگان و نکات دستوری درس سوم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
تاریخ، زمان	date	سن	age
سال	year	تولد، ولادت، پیدایش	birth
ماه	month	جشن تولد، زادروز	birthday
هفته	week	مبارک، فرخنده، شاد	happy
روز، یوم	day	تولد مبارک	Happy Birthday.
شنبه	Saturday	چه وقت، کی، چه موقع	when
یکشنبه	Sunday	چطور، چگونه؟	how
دوشنبه	Monday	چند ساله	how old
سه شنبه	Tuesday	چند سالته، چند سال داری	How old are you
چهارشنبه	Wednesday	من ۱۲ ساله ام	I'm 12(years old)
پنج شنبه	Thursday	شما چطور؟	What about you

really	حقیقتاً، واقعاً، راستی	Friday	جمعه
I see.	می دونم، می فهمم	oh!	اوه، به، ها، عدد صفر
circle	دور چیزی را گرفتن	January	ژانویه
young	جوان، نوباوه، نورسته	February	فوریه
younger	جوان تر، کم سن تر	March	مارس
kind	مهربان، بامحبت	April	آوریل ماه چهارم
Iran	ایران	May	مه
fish	ماهی، ماهی گرفتن	June	ژوئن ماه پنجم
nurse	پرستار، پرستاری کردن	July	ژوئیه
dentist	دندان پزشک، دندان ساز	September	سپتامبر ماه نهم
bank	بانک، ساحل	October	اکتبر
clerk	کارمند، منشی، دفتردار	November	نوامبر ماه یازدهم
paint	نقاشی، رنگ کردن	December	دسامبر

(ج) اعداد، روزها و ماهها:

• توضیحاتی در مورد اعداد انگلیسی:

اعداد در زبان انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند؛ اعداد اصلی (cardinal numbers) و اعداد ترتیبی (ordinal numbers) همانطور که می دانید کاربرد اعداد اصلی تعیین تعداد است. اعداد یک، دو، سه، چهار... اعداد اصلی هستند. از سوی دیگر اعداد ترتیبی برای تعیین رتبه چیزی یا شخصی بکار می روند. البته اعداد ترتیبی برای موارد دیگری همچون نوشتن آدرس و تاریخ به انگلیسی نیز بکار می روند. اعدادی مثل یکم، دوم، سوم، چهارم... اعداد ترتیبی هستند.

در زبان انگلیسی اعداد ۰ تا ۱۰ کاملاً بی قاعده هستند. پس باید این اعداد را به صورت کامل حفظ کنید. برای اعداد ۱۱ تا ۱۹ موضوع کمی متفاوت است، بخشی از این اعداد بی قاعده هستند و بخشی از آنها با قاعده، در واقع اعداد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵ بی قاعده هستند و بقیه با اضافه کردن پسوند **teen** به عدد یک رقمی ساخته می شوند. برای دو رقمی مجذور ۱۰ بیش از ۲۰، خود اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ تا حدی بی قاعده هستند اما بقیه این اعداد با اضافه کردن پسوند **-ty** ساخته می شوند. ساختن بقیه اعداد دو رقمی هم فرمول زیر را دارد:

کافیست رقم اول (پر ارزش) عدد را به صورت مجذور ده بخوانید و سپس رقم دوم (کم ارزش) را پس از آن بخوانید. به این صورت داریم:

➤ 21 = twenty-one

22 = twenty-two

23 = twenty-three

- **نکته:** برخلاف فارسی در انگلیسی نیازی به گفتن "و" بین اعداد نیست و دو رقم پشت سر هم خوانده می شوند.

(د) عدد ترتیبی چیست؟

اعداد ترتیبی همانطور که از نامشان پیداست اعدادی هستند که از آنها برای نشان دادن ترتیب استفاده می شود. مثلاً زمانی که می خواهیم به ترتیب سه دهنده در مسابقه دو اشاره کنیم به جای استفاده از اعداد عادی (یک، دو، سه) از اعداد ترتیبی (اول، دوم، سوم) استفاده می کنیم. در انگلیسی هم این اعداد کاربرد مشابهی دارند. مهمترین کاربرد اعداد ترتیبی در اشاره به تاریخ است.

- **نکته:** دقت کنید که برای بیان یکمی، دومی و سومی از (first, second, third) استفاده می شود حتی اگر، این اعداد بیست و یکم و... باشد که بعد از عدد بیست یکم و دوم و سوم را با (first, second, third) بیان میکنیم. ولی بقیه اعداد با اضافه کردن (th) به آخر آنها بکار برده می شوند. که بطور مثال چهارم، پنجم و ... (یعنی اعداد ترتیبی) می باشند.

The girl is **2nd** in the line
The two pups are **3rd** and **4th**.



خواندن اعداد اعشار: برای خواندن اعداد اعشاری، اگر بعد از اعشار، صفر وجود داشته باشد، فقط از کلمه Zero برای خواندن آنها استفاده می شود. در ضمن در این حالت برای خواندن عدد صفر قبل اعشار (اگر وجود داشته باشد) کلمه Naught به کار می رود.

- 0.05 = **naught point zero five** (پنج صدم)
- 0.002 = **naught point zero zero two** (دو هزارم)
- 9.05 = **nine point zero five** (نه ممیز پنج صدم)
- 10.002 = **ten point zero zero two** (ده ممیز دو هزارم)
- 3.0053 = **three point zero zero five three** (سه ممیز پنج و سه ده هزارم)

در مواقعی هم که **صفر** بعد از اعشار قرار می گیرد، عدد صفر می تواند به صورت **Oh** نیز خوانده می شود.

- 0.05 = **point oh five**
- 0.002 = **point oh oh two**
- 9.05 = **nine point oh five**
- 10.002 = **ten point oh oh two**
- 3.0053 = **three point oh oh five three**

ه) کسرها

هنگام خواندن اعداد اعشار در انگلیسی برای صورت ها از اعداد شمارشی و مخرج ها از اعداد ترتیبی استفاده میکنیم. تقریباً می توان گفت که مثل زبان فارسی است، بطور مثال کسر یک سوم که در فارسی هم مثل انگلیسی صورت ها اعداد شمارشی و مخرج ها اعداد ترتیبی هستند.

شکل نوشتاری	شکل گفتاری
1/3	one third
3/4	three fourth
5/6	five sixth
1/2	one half

ی) در صدها

گفتن و نوشتن در صدها در انگلیسی راحت است چون بعد از گفتن عدد مورد نظر از درصد (percent) استفاده میکنیم، و برای نوشتن بعد از عدد علامت درصد % را قرار می دهیم.

شکل نوشتاری	شکل گفتاری
5%	five percent
25%	twenty-five percent
36.25%	thirty-six point two five percent
100%	one hundred percent
400%	four hundred percent

روزها:

طبق استاندارد بین المللی آغاز هفته روز دوشنبه است، ولی در چندین کشور از جمله ایالات متحده آمریکا و کانادا روز آغازین هفته یکشنبه است. روزهای هفته به دودسته تقسیم می شوند؛ **weekdays** و **weekends**. **Weekdays** به معنی روزهای کاری است و بنابراین شامل ۵ روزی است که تعطیل نمی باشند (دوشنبه تا جمعه). از سوی دیگر **weekends** به معنی روزهای آخر هفته است که تعطیل می باشند **Sunday** و **Saturday**.

برای برخی از ایام هفته ممکن است با مخفف های دیگری نیز برخورد کنید. مثلاً برای **Tuesday** از **Tues.** نیز استفاده می شود، یا برای **Thursday** از **Thur.** یا **Thurs.** نیز استفاده می شود.

اسامی روزهای هفته در بیشتر زبان هایی که ریشه آنها زبان لاتین است از تقویم رومی (Roman Calendar) گرفته شده است که براساس نام سیارات (planets) است و نام روزهای هفته از طریق این زبان ها وارد زبان انگلیسی شده اند که می توانید آنها را در جدول زیر مشاهده کنید.

❖ **نکته:** اسامی روزها همیشه با حروف بزرگ (capital letters) نوشته می شوند.

❖ **نکته:** به طور کلی برای ایام هفته از حرف اضافه **on** استفاده می شود.

روز	ریشه لاتین	ترجمه انگلیسی	ترجمه فارسی
Sunday	dies solis	Day of the Sun	روز خورشید
Monday	dies Lunae	Day of the Moon	روز ماه
Tuesday	dies Martis	Day of Mars	روز مریخ
Wednesday	dies Mercurii	Day of Mercury	روز عطارد
Thursday	dies Iovis	Day of Jupiter	روز مشتری
Friday	dies Veneris	Day of Venus	روز زهره
Saturday	diēs saturnī	Day of Saturn	روز زحل

• ماهها:

جدول تبدیل ماه میلادی به ماه شمسی				
تعداد روز	ماه شمسی	ماه میلادی		
۳۱	۱۱ دی تا ۱۱ بهمن	ژانویه	January	۱
۲۸	۱۲ بهمن تا ۹ اسفند	فوریه	February	۲
۳۱	۱۰ اسفند تا ۱۱ فروردین	مارس	March	۳
۳۰	۱۲ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت	آوریل	April	۴

۵	May	می	۱۱ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد	۳۱
۶	June	جان	۱۱ خرداد تا ۹ تیر	۳۰
۷	July	جولای	۱۰ تیر تا ۹ مرداد	۳۱
۸	August	آگوست	۱۰ مرداد تا ۹ شهریور	۳۱
۹	September	سپتامبر	۱۰ شهریور تا ۸ مهر	۳۰
۱۰	October	اکتبر	۹ مهر تا ۹ آبان	۳۱
۱۱	November	نوامبر	۱۰ آبان تا ۹ آذر	۳۰
۱۲	December	دسامبر	۱۰ آذر تا ۱۰ دی	۳۱

نکات گرامری و دستوری:

(۱) اولین حرف روزهای هفته و ماه را با حرف بزرگ نوشته می شوند. **Saturday June Mehr**

(۲) قبل از نام ماه ها از حرف اضافه **in** استفاده می کنیم. **In september in Aban**

(۳) بعد از **one** (یک) اسم به صورت مفرد به کار می رود. **One book one student**

(۴) بعد از همه اعداد بجز **one** اسم به صورت جمع به کار می رود. **Two boys ten girls**

واژگان و نکات گرامری درس چهارم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
پسر، پسر بچه	boy	خویشاوندی، خویشی	relationship
دختر، دختر بچه	girl	خانواده، خانوار	family
مرد، انسان، شخص	man	عضو، جز، بخش	member

father	پدر، والد	woman	زن، مونث، ماده
mother	مادر، والده، مام، ننه	wife	همسر، زن، خانم، عیال، زوجه
brother	برادر، اخ	uncle	دایی، عمو، شوهر عمه، شوهر خاله
sister	خواهر، همشیره	aunt	عمه، خاله، زن عمو، زن دایی
family tree	شجره نامه، شجره	job	شغل، حرفه، کار، پیشه
tree	درخت، درخت کاشتن	mechanic	مکانیک، تعمیر کار خودرو
grandfather	پدربزرگ، جد	doctor	دکتر، پزشک
grandmother	مادربزرگ	dentist	دندان پزشک، دندان ساز
son	فرزند پسر، ولد، ابن	nurse	پرستار، پرستاری کردن
daughter	فرزند دختر، بنت	housewife	زن خانه دار، کدبانو
picture	تصویر، تصور، منظره	driver	راننده، شوفر
house	خانه، سرا، جایگاه	engineer	مهندس
secretary	منشی، دبیر	painter	نقاش، رنگ کار، رنگ ساز
complete	تکمیل / کامل کردن	farmer	کشاورز
form	فرم، برگه، ورقه	florist	گل فروش، گلکار
for	برای	worker	کارگر
count	شمردن، شمارش کردن	baker	نانوا، خباز
be from	اهل جایی بودن	cook	آشپز، پختن
also	هم، همچنین، نیز	policeman	مامور پلیس، پاسبان
hope	امید، امیدوار بودن، انتظار داشتن	postman	پست چی
next	بعد، آینده، دیگر	employee	کارمند، مستخدم
cup	فنجان، پیاله، جام، گلدان	waiter	پیشخدمت
dress	لباس، لباس پوشیدن	shopkeeper	مغازه دار، دکان دار
Of	کسره، از	Pilot	خلبان، ناخدا، راننده کشتی

مشاغل:

موضوع اصلی درس چهارم بررسی یک سری از مشاغل است که قرار است یاد بگیریم که در مورد شغل آدمها صحبت کنیم.

worker	کارگر	farmer	کشاورز	Soldier	سرباز
driver	راننده	Player	بازیگر	footballer	بازیکن فوتبال
doctor	پزشک	house maker	خانه دار	shopkeeper	مغازه دار
Teacher	معلم	Banker	بانکدار	dressmaker	خیاط زنانه
Tailor	خیاط مردانه	baker	نانوا دار	actor	هنرپیشه مرد
actress	هنرپیشه زن	singer	خواننده	headmaster	مدیر مرد
engineer	مهندس	headmistress	مدیر زن	boss	رئیس
leader	رهبر	gardener	باغدار	boatman	قایقران
president	رئیس جمهور	watchmaker	ساعت ساز	photographer	عکاس
clergyman	روحانی	sergeant	گروهبان	forester	جنگلبان
governor	فرماندار	tiller	سفالگر	welder	جوشکار
demarche	بخشدار	assistant	معاون	cameleer	ساربان
muezzin	موذن	brigadier	سرتیپ	sheeper	چوپان
Grocer	بقال	professor	استاد	merchant	تاجر
carpenter	نجار	colonel	سرهنگ	writer	نویسنده
butcher	قصاب	painter	نقاش ساختمان	student	دانش آموز
minister	وزیر	miner	معدنچی	council	شورا
prime minister	نخست وزیر	waiter	گارسون	rancher	گله دار
porter	باربر	capitan	ناخدا	street sweeper	رفتگر
greengrocery	میوه فروش	specialist	متخصص	repairman	تعمیرکار
mayor	شهردار	seller	فروشنده	housewife	زن خانه دار
lawyer	وکیل	glassmaker	شیشه ساز	Optician	عینکساز

judge	قاضی	barber	آرایشگر مرد	nurse	پرستار
fisherman	ماهیگیر	Decorator	آرایشگر زن	pilot	خلبان
artist	هنرمند	Calligrapher	خوشنویس	clerk	کارمند
pipec	لوله کش	Diver	غواص	cook	آشپز
guard	نگهبان	reporter	گزارشگر	surgeon	جراح
guard man	مرد پاسدار	fireman	آتش نشان	army	نظامی
officer	افسر	tourist	جهانگرد	coach	مربی
speaker	سخنران	doorkeeper	دربان	dentist	دندانپزشک
sculptor	مجسمه ساز	blacksmith	آهنگر	psychologist	روانشناس
caretaker	سرایدار	retired	بازنشسته	operator	تلفنچی

مثل همیشه سوال مهمی که در درس چهارم در این درس یاد می گیریم را در زیر می توانیم ببینیم.

What is your job?

شغل تو (شما) چیست؟

کلمه ای که زیر آن خط کشیده شده است را می توانیم بسته به مخاطبی که ازش می خواهیم سوال بپرسیم تغییر می دهیم و می توانیم از اسم مفرد مورد نظر یا بعضی کلمات دیگر استفاده کنیم.

موضوع دیگری که در درس چهارم باه آن پرداخته می شود. آشنایی با اعضای خانواده و روابط خانوادگی در زبان انگلیسی است. تمام کلمات و عبارات لازم در جدول زیر آمده است.

در مورد نسبت های خانوادگی در انگلیسی:

در فرهنگ انگلستان، ساختارهای خانوادگی اهمیت کمتری داشتند به همین دلیل جزئیاتی که ما در زمینه پیوندهای خانوادگی داریم در زبان انگلیسی دیده نمی شود. برای بسیاری از نسبت های خانوادگی از کلمات مشابهی استفاده می شود.

شاید برای شما این سوال پیش آید که پس چطور متوجه می شوند که چه کسی عمو و چه کسی دایی است؟ واقعیت این است که متوجه شدن چنین جزئیاتی اصلا برای آنها اهمیتی ندارد. (برای ما با توجه به قواعد فرهنگی محرم و نا محرم ، دانستن این جزئیات بسیار مهم بوده).

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
پدر	Father	مادر	Mother
والدین	Parents	پسر	son
خواهر	Sister	نابرداری-برادر خوانده	Step-brother
دختر	Daughter	برادر	Brother
نا مادری - مادر خوانده	Step-mother	نا برادری - برادر خوانده	Half-brother
ناخواهر-خواهر خوانده	Step-sister	نا پدری - پدر خوانده	Stepfather
پدر بزرگ	Grandfather	مادر بزرگ	Grandmother
ناخواهر-خواهر خوانده	Half-sister	پدر بزرگ و مادر بزرگ	Grandparents
نوه	Grandchildren	نوه-پسر پسر-پسر دختر	Grandson
پدر جد	Great grandfather	مادر جد	Great grandmother
عمو - دایی - شوهر عمه - شوهر خاله	Uncle	عموزاده - دایی زاده - عمه زاده - خاله زاده	Cousin
نوه-دختر دختر- دختر پسر	Granddaughter	عمه-خاله-زن / دایی عمو	Aunt
برادر شوهر - برادر زن - باجناق	Brother-in-law	خواهر زن - خواهر شوهر - جاری - زن برادر زن	Sister-in-law
دختر برادر یا خواهر	Niece	پسر خواهر یا برادر - پسر برادر زن و خواهر شوهر	Nephew
تک فرزند	Only-child	دوقلو	Twins
پدر زن - پدر شوهر	Father-in-law	مادر زن-مادر شوهر	Mother-in-law
زن	Wife	دوست دختر	Girl friend
شوهر	Husband	دوست پسر	Boy friend

(۱) حروف صدادار: (A,E,O,U,I)

هرگاه حرف اول اسمی صدادار باشد قبل از آن حرف تعریف نامعین **an** بکار می رود. **An apple**

(۲) هرگاه صفتی قبل از اسم بیاید و با حرف صدادار شروع شود قبل از آن حرف تعریف نامعین **an** می آید.

An English teacher

(۳) اگر آخر حرف اسم به **y** ختم شود و حرف قبل از آن بی صدا باشد هنگام جمع بستن حرف **y** به **i** تبدیل

Family + -es = families

می شود.

(۴) برای سوالی کردن فعل (am - is - are) را در اول جمله قبل از فاعل می نویسیم.

جمله خبری **That is your father.**

جمله سوالی **Is that your father?**

(۵) در پاسخ کوتاه ضمیر فاعلی و فعل بیان می کنیم.

❖ Is that your mother? **Yes, she is.**

واژگان و نکات گرامری درس پنجم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
رنگ، رنگ کردن	color	ظاهر شدن، پدیدار شدن	appear
سیاه، سیاه رنگ، تیره	black	ظاهر، سیما، منظر	appearance
آبی، نیلی	blue	قد بلند، بلند	tall
قهوه ای، خرمایی	brown	قد کوتاه، کوتاه، مختصر	short
خاکستری، کبود،	gray	پوشیدن، پوشاک، عینک زدن	wear
سبز، سبزه، رنگ سبز	green	آنجا	over there
پرتقال، پرتقالی، نارنجی	orange	کدام یک، کدام یکی	which one
صورتی	pink	ریاضی، ریاضیات	math
قرمز، سرخ، خونین	red	علوم ریاضی	mathematics

first	ابتدا، اول، اولین، نخست	white	سفید، سفیدی، سپید
meet	ملاقات کردن، دیدار	yellow	زرد، زردرنگ، زردی
height	بلندی، قد، ارتفاع	old	پیر، سالخورده، مسن، قدیمی
who	چه کسی، چه شخصی	young	جوان، نوباوه، برنا
clothes	لباس، جامه، رخت	special	ویژه، مخصوص، خاص
clothing	پوشاک، لباس	dressing	لباس
dress	لباس پوشیدن	style	سبک، روش، شیوه، سلیقه
shirt	پیراهن	man	مرد، انسان، شخص
T-shirt	زیرپیراهن مردانه، تی شرت	men	مردان، مردها
coat	کت، نیم تنه	woman	زن، مونث، ماده
jacket	ژاکت، نیم تنه	women	زنان، زن ها
suit	یکدست لباس، جامه	Cold	سرد، سرما، سرماخوردگی
sweater	پلوور، ژاکت، عرق گیر	season	فصل، هنگام، دوران
cap	کلاه لبه دار	spring	بهار، چشمه، فنر
hat	کلاه	summer	تابستان، تابستانی، بیلاق
trousers	شلوار	during	در طی، هنگام، در مدت
pants	زیرشلواری،	both	هردوی، این یکی و آن یکی
shoes	کفش	day	روز، یوم
boot	پوتین، چکمه	Today	امروز
sandal	کفش راحتی، سرپایی	tomorrow	فردا، روز بعد
gloves	دستکش	very	خیلی، بسیار، فراوان
manteau	مانتو	well	خوب، سالم، بسیار خوب
chador	چادر	much	زیاد، بسیار، خیلی بزرگ
scarf	روسری	glad	شاد خوشحال، مسرور
scarves	روسری ها	happy	شاد، خوشحال،
sock	جوراب ساق کوتاه	flight	پرواز، هواپیما
belt	کمر بند، تسمه، بند چرمی	Air	هوا، هواپیمایی
sunglasses	عینک آفتابی	arrival	ورود، دخول، زمان رسیدن

will be	خواهد بود	time	زمان، دفعه، وقت
with	با همراه	airport	فرودگاه
with	با، همراه	Iran Air	هواپیمایی ایران
Yours,	ارادتمند شما، مخلص شما	International	بین المللی، بین الملل
bread	نان، قوت	rice	برنج
lamp	لامپ، چراغ، فانوس	car	اتومبیل، ماشین
eye	چشم، دیده، چشمی	There	آنجا، آن مکان، در آنجا

در درس پنجم قرار است آدم ها را از روی ظاهرشون توصیف کنیم و بتوانیم در مورد ظاهر و لباس هایشان در انگلیسی صحبت کنیم.

چند تا از **صفات** مهم و کاربردی که در این درس با آنها آشنا می شویم عبارتند از: **tall – short – young**
old – که از آنها برای توصیف ظاهر آدم ها استفاده می کنیم و بایستی توجه داشته باشیم که این صفات همیشه قبل از اسم بکار می روند و همچنین می توان آنها را به تنهایی با افعال to be نیز بکار برد. مثال:

She is a **tall** man.

او یک زن بلند قد است.

They are **short**.

آنها کوتاه قد هستند.

❖ در بخش بعدی درس به یادگیری انواع لباس و پوشیدنی ها می پردازیم.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
دامن	skirt	بلوز	blouse
شلوار	pants	پیراهن مردانه	shirt
لباس جین	jeans	پیراهن اسپورت	sport shirt
پیراهن زنانه	dress	پیراهن کشفاف	jersey
کت	jacket	سوئتر	sweater
لباس سه تیکه	three-piece suit	کت و دامن	suit
لباس فرم	uniform	کراوات	tie
شلوارک	shorts	تی شرت	T-shirt
لباس کار یکسره	jumpsuit	لباس حاملگی	maternity dress

vest	جلیقه	jumper	سارافون
blazer	کت رسمی	funic	تونیک
leggings	شلوار استرچ	overalls	شلوار پیش بندی
turtleneck	پیراهن یقه برگردان	tuxedo	کت رسمی مردانه
bow tie	پاپیون	gown	لباس شب

ودر ادامه نیز نباید از یادگیری رنگها که آنها هم جزو صفات می باشند غافل شویم.

pink		purple	
red		green	
yellow		blue	
orange		brown	
black		white	
grey		silver	
cream/ beige		gold	

نکات دستوری و گرامری:

(۱) اشیایی (پوشاکی) که از دوبرخ تشکیل شده اند همیشه به صورت جمع به کار می روند.

Shoes sandals socks gloves glasses pants trousers

(۲) زمان حال ساده برای بیان کارهای عادی و روزمره به کار می رود.

(۳) در زمان حال ساده اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد به آخر فعل اصلی s - es اضافه می کنیم.

Mr lotfi teaches us English.

(۴) زمان حال استمراری برای بیان کارهایی که هم اکنون اتفاق می افتد به کار میرود.

..... +now +ing + فعل اصلی + am/is/are + فاعل

She is wearing a brown scarf now.

واژگان و نکات گرامری درس ششم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
کجا، در کجا، در کدام محل	where	خانه، سرای، جایگاه	house
مکان، جا، محل، میدان	place	خانه، منزل، وطن، موطن	home
آشپزخانه	kitchen	مادر، ماما	mom
گاراژ، توقفگاه	garage	مادر، ماما	mum
اتاق خواب، خوابگاه	bedroom	بابا، باباجان، آقاجان	dad
اتاق نشیمن، سالن نشیمن	living room	بابا، پاپا، آقاجان	papa
حمام، گرمابه	bathroom	خیلی، آنقدر، بقدری، چندان	so
هال، اتاق بزرگ، تالار	hall	گرسنه، دچار گرسنگی	hungry
پله، پلکان، نردبان	stair	تشنه، بی آب	thirsty
گوشه، کنج، نبش، زاویه	corner	صبحانه، ناشتایی، افطار	breakfast
حیاط، محوطه، میدان	yard	ناهار، ظهرانه	lunch
گوشه حیاط	the corner of the yard	شام، مهمانی	dinner
دستشویی، توالت	W.C	فعالیت، کار، عمل، وظیفه	activity
انبار کالا، مخزن	storeroom	خوردن، مصرف کردن	eat
انبار کالا، مخزن،	storehouse	نوشیدن، آشامیدن	drink
باغ، باغچه، بوستان	garden	شستن، شستشو دادن	wash
اداره، دفتر، محل کار	office	آمدن، رسیدن	come
شهر کوچک، شهرک	Town	صدازدن، تلفن زدن	call
آپارتمان، قسمتی از یک عمارت	flat	تعمیر کردن، نصب کردن	fix
آپارتمان	apartment	ساعت، تماشا کردن	watch
ویلا، خانه ویلاقی	villa	بازی کردن، بازی	play
برج	tower	نگاهدن، نگرستن، دیدن	look (at)
لال بازی، نمایش بدون گفتگو	Mime	معذرت خواستن، بخشیدن	pardon

change	تغییر دادن، معاوضه کردن	bookcase	قفسه کتاب
use	استفاده کردن، بکاربردن	blanket	پتو، روکش، جل
look like	شبیه بودن، بنظر رسیدن	clock	ساعت، زمان سنج
describe	شرح دادن، توصیف کردن	computer	رایانه، کامپیوتر
name	نام بردن، نامیدن، نام	television	تلویزیون
study	مطالعه کردن، تحصیل کردن	Mirror	آینه
live	زندگی، زندگی کردن	radio	رادیو، بی سیم
sleep	خوابیدن، خواب رفتن	comb	شانه، شانه کردن
swim	شنا کردن	news	اخبار، خبر، آوازه
small	کوچک، محقر، خرده	paper	کاغذ، ورقه، ورق کاغذ
around	در اطراف، پیرامون، دور	newspaper	روزنامه
famous	مشهور، معروف، نامی	Water	آب
part	قسمت، بخش، جزء	fan	پنکه، فن، بادبز، بادزن
partner	یار، شریک، همدست	Van	ون، بارکش، گاری
window	پنجره، روزنه، دریچه	knife	چاقو، کارد

در درس ششم با اجزاء و قسمت های داخلی و خارجی یک ساختمان آشنا می شویم که در جدول بالا به آنها اشاره شده است.

❖ در این درس به دو کلمه سوالی بسیار پر کاربرد در زبان انگلیسی اشاره می کنیم.

what	چه، چه چیز، چکاره	where	کجا، چه مکانی
------	-------------------	-------	---------------

Where am I?

من کجا هستم؟

Where are you?

(تو یا شما) کجا هستید؟

Where is he?/she?/it?

او(مرد)/(زن)/(آن) کجا هستید؟

Where are we?

ما کجا هستیم؟

Where are they?

آنها کجا هستند؟

What are they doing?

آنها در حال انجام دادن چه کاری هستند؟

What are we doing?

ما در حال انجام دادن چه کاری هستیم؟

What is he/she doing?

او(مرد)/(زن) در حال انجام دادن چه کاری هست؟

What are you doing?

تو (شماها) در حال انجام دادن چه کاری هستید؟

واژگان و نکات گرامری درس هفتم پایه هفتم

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
address	آدرس، نشانی	understand	فهمیدن، درک کردن
well	بسیار خوب، تندرست، سالم	suppose	فرض، تصور، گمان کردن
be going to	قصد داشتن، خیال داشتن	contact	تماس، ارتباط
visit	ملاقات کردن، عیادت، دیدار	mobile	تلفن همراه
what time	ساعت چند، چه ساعتی	mobile / cell phone	موبایل
try	تلاش، سعی	cell	سلول، خانه، حفره
street	خیابان، راه، جاده	married	متاهل
before	قبل از، پیش از	alley	کوچه، خیابان کوچک
after	پس از، بعد از	conference	کنفرانس، مذاکره، سخنرانی
bye	خداحافظ، خدانگه دار	language	زبان، لسان، کلام
OK.	بسیار خوب، صحیح است	association	انجمن، اجتماع، شرکت
but	اما، ولی	Application Form	برگ درخواست
come back	برگشتن، بازگشتن	metro	مترو، قطار شهری
leave	ترک کردن، عازم شدن	X-ray	اشعه ایکس
a.m.	قبل از ظهر	give	دادن به، ارایه دادن
p.m.	بعد از ظهر	information	اطلاعات، اخبار، معلومات
morning	صبح	e-mail	پست الکترونیکی
noon	ظهر، نیمروز	afternoon	بعد از ظهر، عصر

در درس **هفتم** با موضوعات متعددی آشنا خواهید که بسیار کاربردی و در عین حال ساده هستند که در زیر قدم به قدم به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

(۱) پرسیدن زمان (**ساعت**) و طرز جواب دادن به آن است. که به دو صورت به سوال What time is it? جواب داده خواهد شد.



الف) روش اول: می توانیم بگوییم فلان دقیقه از ساعت فلان گذشته است. (برای بیان نیم ساعت اول) و می توانیم بگوییم فلان دقیقه به ساعت فلان مانده است (برای بیان نیم ساعت دوم).

ساعت فارسی	ساعت انگلیسی	ساعت فارسی	ساعت انگلیسی
۲:۳۰	Its half past two.	۲:۱۵	Its quarter past two.
۴:۴۰	Its twenty to five.	۶:۵۰	Its ten to seven.
۱۰:۱۰	Its ten past ten.	۱۰:۵۰	Its ten to eleven.

ب) روش دوم: نوع بیان یا نوشتن از روش اول ساده تر است و فقط کافی است که به ترتیب اعدادی را که ساعت نشان می دهد را بنویسیم. برای فهمیدن بیشتر به مثالهای زیر توجه کنید.

ساعت فارسی	ساعت انگلیسی	ساعت فارسی	ساعت انگلیسی
۲:۳۰	Its two thirty.	۲:۱۵	Its two fifteen.
۴:۴۰	Its four forty.	۶:۵۰	Its six fifty.
۱۰:۱۰	Its ten ten.	۱۰:۵۰	Its ten fifty.

نکته: این نکته را به خاطر بسپارید که وقتی بخواهیم در زبان انگلیسی شماره تلفن های مختلف را بخوانیم باید اعداد را پشت سرهم و یک به یک تلفظ کنیم. مثال:

۴۳۳-۷۸۵۱ (four - three - three - seven - eight - five - one)

نکته: اگر توی شماره تلفن عدد صفر بود نیازی نیست کلمه صفر را تلفظ کنید بلکه به جای آن می توانید (۰) استفاده می کنیم. مثال:

۶۵۰۳-۸۶۰۷۴ (six - five - O - three - eight - six - O - seven - four)

در بخش پایانی درس هفتم یاد می گیریم که آدرس بدهیم: تنها می بایست یک نکته اساسی و بسیار ساده را یاد بگیریم و آن اینکه آدرس دادن در زبان انگلیسی کاملاً **برعکس** زبان فارسی است. به عبارت دیگر یعنی ما در زبان **فارسی از کل** شروع می کنیم و سپس جزئیات را می نویسیم و در نهایت به انتهای آدرس یعنی شماره پلاک می رسیم ولی در زبان انگلیسی این موضوع برعکس است یعنی از شماره پلاک و کوچک ترین واحد آدرس به محل شروع می کنیم بعد واحدهای بزرگتر را به ترتیب بیان می کنیم.

واژگان و نکات گرامری درس هشتم پایه هفتم

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
غذا، خوراک، طعام	food	محبوب، مطلوب، مخصوص	favorite
داشتن، خوردن	have /has	نگاه کردن، نگرستن	look
کیک	cake	کافی، بس، به اندازه	enough
شیر، شیره	milk	شماچطور، نظر شما چیه؟	How about you ?
چای	tea	به نظر رسیدن، گمانه زدن	sound
برنج	rice	تمایل داشتن، مایل بودن	I'd like = I would like
شربت، آبمیوه، عصاره	juice	اندکی، قدری، کمی	some
جوجه مرغ، پرندۀ کوچک	chicken	خوب، نیک، نیکو	good
سالاد	salad	پیشنهاد کردن،	suggest

suggestion	پیشنهاد، نظریه	fruit	میوه، ثمر، فرزند
make a suggestion	پیشنهاد / اظهار کردن	dates	خرما، درخت خرما، نخل
feel	احساس، حس	coconut	نارگیل
something	یک چیزی	jelly	ژله
How about	چطوره؟ می خواهی؟	quince	به، درخت به
sir	آقا، شخص محترم	zucchini	کدو سبز
need	نیاز، لازم، احتیاج	apple	سیب
all	همه، تمام، کلیه، هر	carrot	هویج
kind	مهربان، نوع، گونه	Onion	پیاز
keep	نگه داشتن، نگهداری،	banana	موز
body	بدن، بدنه، تنه، جسد	potato	سیب زمینی
strong	قوی، نیرومند، پرزور	tomato	گوجه فرنگی
healthy	سلامتی، بهداشت	omelet	املت،
grain	دانه، حبه، بذر	yoghurt	ماست
like	مثل، مانند، نظیر، شبیه	egg	تخم مرغ، تخم، تخمک
should	باید، بایستی	honey	عسل، شهد
also	همچنین	cheese	پنیر
meat	گوشت	spaghetti	اسپاگتی
bean	باقلا، لوبیا، حبه	pineapple	آناناس
plenty of	فراوانی، بسیاری	ice-cream	آبستنی
too many	خیلی زیاد، بسیار زیاد	sugar	شکر، شیرینی، قند
lots (of)	بسیار، فراوان، خیلی	coffee	قهوه
fat	چربی، چرب، چاق	dessert	دسر
such as	از قبیل، همچون، مانند	cream	کرم، خامه، سرشیر
Iranian	ایرانی، اهل ایران	Soup	سوپ، آبگوشت
different	متفاوت، متمایز	early	زود، بزودی، در اوایل
habit	عادت، خلق و خو، سرشت	light	سبک، نور، روشنایی، روشن
still	هنوز، باز هم	include	شامل بودن، دربرداشتن

sometimes	گاهی اوقات، بعضی اوقات	Japan	ژاپن
Usually	معمولا	quite	کامل، تمام
handwriting	دستخط، خط	booklet	کتابچه، دفترچه، جزوه
mosque	مسجد	Zipper	زیپ لباس، زیپ دار
puzzle	پازل، جدول، معما، چیستان	appendix	دنباله، ضمیمه پیوست

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مرور کامل واژگان و گرامر پایه هشتم

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه هشتم

کلمات جدید درس اول زبان هشتم عمدتاً به موارد زیر اختصاص دارند:

(۱) کلمات مربوط به کشورها

(۲) کلمات مربوط به ملیت ها

کلمات جدید درس اول کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
فارسی (زبان)	Persian	یک مقدار	a little
کفش ها	shoes	آیا شما اهل هستید؟	Are you from ...?
اسپانیا	Spain	زیبا	beautiful
اسپانیایی	Spanish	برزیل	Brazil
صحبت کردن	speak	برزیلی	Brazilian
خوش آمدید	welcome	انگلیسی	British
		اما	but
کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)			
آفریقا	Africa	جوجه	chick
آفریقایی	African	چین	China
آسیا	Asia	چینی	Chines
آسیایی	Asian	صحیح	correct
استرالیا	Australia	کشور	country
استرالیایی	Australian	پسر - دختر عمو (دایی، عمه، خاله)	cousin
		انگلیس	England

fish	ماهی	continent	قاره
France	فرانسه	Europe	اروپا
French	فرانسوی	European	اروپایی
fruit	میوه	North America	آمریکای شمالی
great	عالی	South America	آمریکای جنوبی
Iran	ایران	Iranian	ایرانی
live	زندگی کردن	love	دوست داشتن
nationality	ملیت	or	یا
originally	اصالتاً		

بیان ملیت افراد:

ابتدا به جدول زیر نگاه کنید:

I am ... من ... هستم.	We are ... ما ... هستیم.
You are ... شما ... هستید.	You are ... شما ... هستید.
He is .../ She is ... او ... است.	They are ... آن ها ... هستند.

بیان جملات مثبت: برای بیان این که شخص اهل کدام کشور است کافی است در جای خالی پس از کلمه

ی from نام کشور مورد نظر را یادداشت کنیم.

به مثال های زیر توجه کنید:

I am from Iran.

"من اهل ایران هستم."

She is from France.

"او اهل فرانسه است."

They are from China.

"آن ها اهل چین هستند."

بیان جملات منفی: برای منفی کردن جملات کافی است پس از am, is, are از not استفاده کنیم.

لازم به ذکر است که می توانیم از مخفف کلمات نیز استفاده کنیم.

Am not: مخفف ندارد

Is not: isn't
Are not: Aren't

اکنون به مثال های زیر توجه کنید:

You **aren't** from Spain. "شما اهل اسپانیا نیستید."

He **isn't** from England. "او اهل انگلیس نیست."

I'm not from China. "من اهل چین نیستم."

بیان جملات سوالی: برای پرسشی کردن جملات کافی است **am, is, are** را در ابتدای جمله بیاوریم. به عبارت دیگر اگر جای **am, is, are** را با ضمیرهای فاعلی عوض کنیم جمله سوالی می شود. به مثال های زیر توجه کنید:

Are they from Spain? "آیا آن ها اهل اسپانیا هستند؟"

Is she from Iran? "آیا او اهل ایران است؟"

Is Hossein from England? "آیا حسین اهل انگلیس است؟"

بیان پاسخ کوتاه: برای این که به سوالات پاسخ کوتاه داده شود کافی است در ابتدا **yes** یا **No** بگذاریم و سپس عبارت مناسب را یادداشت کنیم.

به مثال های زیر دقت کنید (برای هر سوال پاسخ مثبت و هم پاسخ منفی ارائه شده است).

Are they from Iran?
Yes, they are. یا No, they aren't.

Is Reza from England?
Yes, he is. یا No, he isn't.

Are you from Brazil?
Yes, I am. یا No, I'm not.

بیان سوال با where: کافی است در ابتدای سوال از **where** استفاده کنیم. به مثال های زیر دقت کنید:

Where are you from? "شما اهل کجا هستید؟"

Where is she from? "او اهل کجاست؟"

برای پاسخ به چنین سوالاتی نیز به راحتی از همان جملات مثبت که قبلاً اشاره شد استفاده می کنیم، به مثال های زیر دقت کنید:

Where is Ronaldo from?

He is from Brazil.

Where are they from?

They are from Iran.

Where are you from?

I'm from France.

نکته: برای بیان ملیت ها دیگر نباید از **from** استفاده کنیم. به مثال های زیر توجه کنید.

They are Chinese.

"آن ها چینی هستند."

She is Spanish.

"او اسپانیایی است."

برای درک بهتر جملات زیر را مقایسه کنید:

You are from Brazil.	You are Brazilian.
She is from Spain.	She is Spanish.

واژگان و نکات گرامری درس دوم پایه هشتم

کلماتی که در درس دوم از کتاب زبان هشتم قرار دارند عمدتاً به موارد زیر اختصاص دارند:

(۱) لغات مربوط به افعال زندگی روز مره

(۲) لغات مربوط به قیدهای زمان (روزهای هفته، زمان های مختلف شبانه روز)

کلمات جدید درس دوم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
درس خواندن	study lesson	بعدازظهر	afternoon
یکشنبه	Sunday	ابتدا	beginning
طلوع آفتاب	sunrise	توانستن	can
غروب آفتاب	sunset	عصر، شب	evening
عالی به نظر می رسد	That sounds great	هر	every

Friday	جمعه	There is	وجود دارد
Go shopping	رفتن برای خرید، خرید کردن	Thursday	پنجشنبه
Go to school	رفتن به مدرسه	Tuesday	سه شنبه
Good at	خوب بودن در	Visit relative	ملاقات کردن اقوام
gym	سالن ورزشی	Watch TV	تلویزیون تماشا کردن
help	کمک کردن	Wednesday	چهارشنبه
How about...?	چطور؟.....	week	هفته
I'll let her know	من او را در جریان خواهم گذاشت	weekdays	روزهای هفته
library	کتابخانه	weekend	تعطیلات آخر هفته
midnight	نیمه شب	when	کی (چه زمانی)
Monday	دوشنبه	why	چرا
morning	صبح	کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)	
noon	ظهر	climb a mountain	کوهنوردی کردن
Play sport	ورزش کردن	day	روز
relax	استراحت کردن	night	شب
right?	درسته؟	Saturday	شنبه
start	شروع کردن	Stay at home	در خانه ماندن
sir	آقا	study	مطالعه کردن

موضوع این درس: زمان حال ساده

همانطوری که در می دانید. فعالیت هایی که تداوم دارند و بصورت روتین در حال انجام هستند را با این زمان بیان می کنیم.

دو کاربرد اصلی این زمان:

الف) فعالیت های معمول usual activities و عادات روزانه daily habits

Ali takes a shower every day.

"علی هر روز دوش می گیرد"

I usually read the newspaper in the morning.

"من معمولاً روزنامه می خونم در صبح"

ب) بیان حقایق طبیعی (general statement of fact)

Babies Cry.

"بچه ها گریه می کنند"

Birds fly.

"پرنده ها پرواز می کنند"

سوالاتی کردن زمان حال ساده:

برای سوالاتی کردن جملات زمان حال ساده دو فعل کمکی **do** و **does** را در ابتدای جمله قبل از فاعل قرار می دهیم . بدین ترتیب که از **does** برای سوم شخص مفرد و برای سایر ضمائر از **do** استفاده می شود.

"آیا او اغلب اوقات چای می نوشد؟" **Does** she drink tea very often?

"آیا من اهل ایرانم؟" **Do** I come from Iran?

"آیا کارگران هر دوشنبه اینجا را نظافت می کنند؟" **Do** workers clean here every Monday?

منفی کردن زمان حال ساده:

برای منفی کردن زمان حال ساده از دو فعل کمکی **do** و **does** با کمک کلمه **not** استفاده می گردد بدین ترتیب که از **does** برای سوم شخص مفرد و برای سایر ضمائر از **do** استفاده می گردد.

مثال:

"او برای صدا و سیما کار نمی کند" He **doesn't** work for I.R.I.B.

"سگ شما با صدای بلند پارس نمی کند" Your dog **doesn't** bark loudly.

واژگان و نکات گرامری درس سوم پایه هشتم

کلمات جدیدی که در درس سوم از زبان هشتم وجود دارند عمدتاً شامل موارد زیر می شود.

(۱) افعال مربوط به توانایی های متعدد افراد

(۲) افعال مربوط به سرگرمی ها

کلمات جدید درس سوم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
جستجو کردن اینترنت	Search the web	توانایی	ability
دیدن	see	همه	all
کوتاه	short	خوب بودن در ...	be good at ...
صدا	sound	ابتدا	beginning
حتما	sure	بین	between
شنا کردن	swim	آوردن	bring
عکس گرفتن	take photo	اما	but
داستان تعریف کردن	tell story	توانستن	can
هم چنین	too	آمدن	come
استفاده کردن	use	غذا پختن	cook
خیلی	very	حل کردن جدول	Do a puzzle
به خوبی	well	دو(عدد)	double
چرا	why	رسم کردن، نقاشی کشیدن	draw
چرا که نه	Why not?	رسم، نقاشی	drawing
کلمه	word	ببخشید	Excuse me
کار کردن با کامپیوتر	work with computer	خوب	good
نوشتن	write	خانه	house
کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)			
بازی کردن در فیلم	act in movies	بلند	long
چای درست کردن	make tea	یک درست کردن	Make a cake
بدمینتون بازی کردن	play badminton	من (به من، مرا)	me
شطرنج بازی کردن	play chess	بسکتبال بازی کردن	Play basketball
پینگ پنگ بازی کردن	play Ping-Pong	فوتبال بازی کردن	Play football
خواندن	read	تنیس بازی کردن	Play tennis
قرائت کردن قرآن	recite the Holy Quran	تلفظ	pronunciation
اسب سواری کردن	ride a horse	سوال	question

really	واقعا	run	دویدن
ride a bicycle	راندن دوچرخه	speak (English)	(انگلیسی) صحبت کردم

صفت های ملکی:

صفت های ملکی برای نشان دادن مالکیت به کار می روند و عبارتند از :

my - your -his -her -its -our -their

که در مطابقت با ضمائر فاعلی به صورت زیر می باشند.

ضمایر فاعلی		صفات ملکی	
من	I	my	مال من
تو	you	your	مال تو
او مونث	she	her	مال او
او مذکر	he	his	مال او
آن (شی)	it	its	مال آن
ما	we	our	مال ما
شما	you	your	مال شما
آن ها	they	their	مال آنها

در مثال های زیر مطابقت ضمیرهای فاعلی و صفت های ملکی را مشاهده می کنید.

1. I have a bag. My bag is yellow.

من یک کیف دارم . کیف من زرد است.

2. She has two pens. Her pens are on the table.

او دو خودکار دارد. خودکارهای او روی میز هستند.

3. We have a house. Our house is in this street.

ما یک خانه داریم. خانه مان در این خیابان است.

نکته ی ۱: صفت های ملکی به تنهایی معنی ندارند و باید قبل از اسم بیایند.

واژگان و نکات گرامری درس چهارم پایه هشتم

لغات جدید درس چهارم زبان هشتم عمدتاً شامل موارد زیر می شود.

(۱) کلمات مربوط به انواع بیماری ها

(۲) کلمات مربوط به توصیه های بهداشتی

کلمات جدید درس چهارم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
آب ریزش بینی	Running nose	راهنمایی	advice
دیدن	see	سالم بودن (خوب بودن)	All right
باید (بهتر بودن)	should	کمر درد	backache
چشم درد	Sore eyes	ساکت باش	Be quiet
گلو درد	Sore throat	اما	but
دل درد	stomachache	تلفن زدن	call
آنفولانزا	The flu	سرماخوردگی	cold
این ها	these	دندانپزشک	dentist
هم چنین	too	نگران نباش	Don't worry
دندان درد	toothache	گوش درد	earache
موضوع چیست؟	What's the matter?	ابتدا	first
مشکل چیست؟	What's the problem?	مقداری استراحت کردن	Get some rest
مشکل چیست؟	What's wrong?	رفتن به خانه	Go home
چرا را انجام نمی دهی؟	Why don't you..?	داشتن	have
کلمه	word	سردرد	headache
کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)			
سرفه	cough	کمک	help
داروخانه	drug store	من بر خواهم گشت	I'll be back

I'll talk	من حرف خواهم زد	have a fever	تب داشتن
let's go	بیا برویم	hospital	بیمارستان
minute	دقیقه	measles	سرخک
more	بیش تر	mumps	اوریون
office	دفتر، شرکت	nurse	پرستار
pain	درد	patient	بیمار
parents	والدین	sneeze	عطسه
problem	مشکل	rest	استراحت کردن

واژگان و نکات گرامری درس پنجم پایه هشتم

کلمات جدید درس پنجم زبان هشتم عمدتاً شامل موارد زیر می شوند:

- (۱) صفات مربوط به ویژگی های شهرها
- (۲) کلمات مربوط به موقعیت های جغرافیایی
- (۳) کلمات مربوط به مکان های شهری

کلمات جدید درس پنجم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
آرامگاه	shrine	راجع به	about
تعدادی	some	در واقع	actually
به زودی	soon	فرودگاه	airport
جنوب	south	هیچ	any
مخصوص	special	بزرگ	big
ورزشگاه	stadium	پل	bridge

building	ساختمان	sure	حتما
capital	پایتخت	Tell me	به من بیان کن، بگو
center	مرکز	There are	وجود دارند
city	شهر	west	غرب
clean	تمیز	What's it famous for?	آن جا معروف به چیست؟
downtown	مرکز شهر	What's it like?	آن جا چه شکلی است؟
east	شرق	where	کجا
famous	معروف	zoo	باغ وحش
food	غذا	کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)	
friend	دوست	bus station	ایستگاه اتوبوس
library	کتابخانه	church	کلیسا
many	زیاد	cinema	سینما
Metro system	سیستم مترو	minaret	مناره ی مسجد
mosque	مسجد	store	مغازه
museum	موزه	tourist	توریست
near	نزدیک	train station	ایستگاه قطار
new	جدید	restaurant	رستوران
north	شمال	see	دیدن
old	قدیمی، پیر	palace	کاخ

واژگان و نکات گرامری درس ششم پایه هشتم

کلمات جدید درس ششم از کتاب زبان هشتم عمدتا شامل موارد زیر می شود.

(۱) کلمات مربوط به وضعیت های آب و هوایی های مختلف

(۲) کلمات مربوط به مناظر طبیعی و فصول مختلف

کلمات جدید درس ششم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
باران	rain	تعداد زیادی (مقدار زیادی)	A lot of
بارانی	rainy	حیوان	animal
پرورش دادن	raise	بودن	be
رودخانه	river	می توانید به من کمک کنید	can you help me?
یکسان	same	پایتخت، بزرگ	capital
برفی	snowy	شهر	city
تعدادی	some	ابری	cloudy
به نظر رسیدن	sound	سرد	cold
بهار	spring	متفاوت	different
تابستان	summer	خشک	dry
گل آفتابگردان	sunflower	مثال	example
آفتابی	sunny	پاییز	fall
درخت	tree	مزرعه	farm
روستا	village	مزرعه، زمین	field
گرم	warm	گل	flower
آب و هوا	weather	دادن	give
خیس (مرطوب)	wet	گرم	hot
آب و هوا چگونه است؟	What's the weather like?	یخ بندان	icy
باد	wind	جالب	interesting
طوفانی	windy	شغل	job
زمستان	winter	خانم	madam
کار کردن	work	زیاد	many
کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)		کوه، کوهستانی	mountain
گاو	cow	مقدار زیادی	much
تپه	hill	نزدیک	near
سگ	dog	مردم	people

place	مکان	hen	مرغ
plow	گاواهن، شخم	cattle	گله گاو

واژگان و نکات گرامری درس هفتم پایه هشتم

لغات جدید موجود در درس هفتم از کتاب زبان هشتم شامل مورد زیر می شود :

(۱) افعال مربوط به بیان سرگرمی ها

کلمات جدید درس هفتم کتاب زبان هشتم را همراه با معنی می توانید در قسمت زیر مشاهده کنید.

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
چیز	thing	در واقع	actually
معمولا	usually	هیچ، هیچ گونه	any
راه رفتن	walk	به عنوان	as
فیلم تماشا کردن	watch movie	کتاب	book
چه کاری انجام می دهید؟	what do you do?	آیا شما هیچ گونه سرگرمی دارید؟	Do you have any hobbies?
کلمات مربوط به آخر کتاب (دیکشنری تصاویر)			
ماهی، ماهی گیری	fish	اوقات آزاد	Free time
رفتن به سینما	go to the movies	رفتن برای خرید	go shopping
اسکی	ski	سرگرمی	hobby
قدم زدن در پارک	walk in the park	اسب سواری	horse riding
کار کردن در باغ	work in the garden	شما چطور	How about you?
واقعا؟	Really?	من ندارم	I don't have
تنیس بازی کردن	play tennis	جالب، جالبه!	interesting
شعر	poem	گوش دادن به رادیو	Listen to radio
خواندن	read	گوش دادن به داستان	listen to story
تنیس بازی کردن	play tennis	دوست داشتن	love

مرور کامل واژگان و گرامر پایه نهم

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه نهم

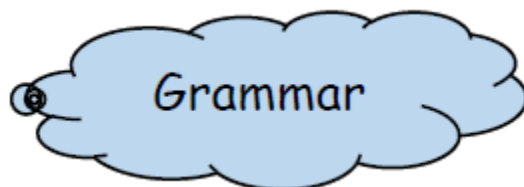
Personality

شخصیت

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
مهربان	Kind	همیشه	Always
تنبل	Lazy	عصبانی	Angry
عضو	Member	بهترین	Best
مرتب	Neat	بزرگ	Big
مضطرب	Nervous	شجاع	Brave
صبور	Patient	بادقت	Careful
شخص	Person	بی دقت	Careless
شخصیت	Personality	باهوش	Clever
دلپذیر	Pleasant	بی رحم	Cruel
مودب	Polite	محیط	Environment
ساکت	Quiet	هر کس	Everybody
خویشاوند	Relative	فراموش کردن	Forget
بی ادب	Rude	صمیمی	Friendly
خودخواه	Selfish	بامزه	Funny
جدی	Serious	بخشنده	Generouse
سرباز	Soldier	خوشحال	Happy

Hard working	سخت کوش	Shy	خجالتی
Helpful	مفید	Talkative	پرحرف
Homework	تکلیف	Upset	ناراحت
kid	بچه	usually	معمولا

Photo dictionary		
a brave soldier	a neat person	a nervous boy
a careless man	a pleasant environment	a cruel boy
a quiet place	a funny story	a rude kid
a generous girl	a selfish person	a hard-working worker
a shy girl	a lazy person	an angry kid



ترتیب اجزای یک جمله ساده و کامل در جملات مثبت و خبری زبان انگلیسی

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل اصلی	فعل کمکی	فاعل
----------	----------	----------	-------	----------	----------	------

نکته مهم ۱: مهمترین و اصلی ترین فعلهای کمکی در زبان انگلیسی که کاربرد بسیاری در زبان انگلیسی دارند، عبارتند از:

am, is, are, was, were, do, does, did, can, could, should, may, might, will, shall, would, have, has, had

نکته مهم ۲: هرگاه بخواهیم جمله ای را منفی کنیم بایستی به فعل کمکی موردنظر زمان جمله قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** اضافه کنیم.

نکته مهم ۳: در جملاتی که فعل کمکی دارند برای سوالاتی کردن آنها کافی است جای **فاعل** جمله را با فعل کمکی عوض نماییم.

تعریف فاعل جمله: کسی یا چیزی است که جمله در باره آن صحبت می کند و انجام دهنده عمل جمله است. بنابراین فاعل جمله همیشه در ابتدای جمله بکار می رود.

تعریف ضمائر فاعلی: ضمائر فاعلی در انگلیسی ضمایری هستند که در جمله به جای **فاعل** قرار می گیرند. به یاد داشته باشید که فاعل در جمله شخص یا چیزی است که عملی را انجام می دهد.

ضمائر فاعلی در انگلیسی به عنوان **فاعل فعل**، استفاده می شوند در حالیکه **ضمائر مفعولی** به عنوان **مفعول** به کار می روند. ضمائر فاعلی در انگلیسی می توانند به صورت **مفرد، جمع، مذکر، مؤنث یا بدون جنسیت** باشند. زمانی از ضمائر مذکر و مؤنث استفاده می کنیم که جنسیت برای ما معلوم باشد.

برای اشیاء غیر جانداران از ضمیر فاعلی **it** استفاده می کنیم. ضمیر **it** همچنین برای حیواناتی که جنسیت آنها مشخص نیست و نوزادانی که هنوز نمی دانیم جنسیتشان چیست و برای بیان آب و هوا، دما و زمان به کار می روند.

هر جمله دارای یک **فاعل**، یک **فعل** و یک **مفعول** می باشد. فاعل یا ضمیر فاعلی همیشه یک شخص، یک شیء، مکان و یا یک ایده است.

مفردها

ضمیر اول شخص مفرد یا first person singular pronoun در انگلیسی می شود **I**

ضمیر دوم شخص مفرد second person singular pronoun می شود **You**

ضمیر سوم شخص مفرد third person singular pronoun مذکر **He**، مؤنث **She**، غیر جاندار **it**

جمع ها

ضمیر اول شخص جمع یا first person plural pronoun می میشود **We**

ضمیر دوم شخص جمع یا Second person plural pronoun می میشود **You**

ضمیر سوم شخص جمع یا Third person plural pronoun میشود **They**

من هر شب انگلیسی مطالعه میکنم. I study English every night.

تو خیلی زیبا هستی You are very beautiful

او خیلی باهوش است. الکس همکلاسی من است. Alex is my classmate. He is very clever.

سارا امروز غایب است. فکر کنم او مریض است. Sara is absent today. I think she is sick.

آن خیلی بزرگ است. یک سگ در حیاط است. There's a dog in the yard. It is very big.

ما امشب قصد داریم به سینما برویم. شما هم دوست دارید بیایید؟ We are going to cinema to night. Do you like to come?

رضا و مهدی ثروتمند هستند. آنها برای یک شرکت معروف کار میکنند. Reza and Mahdi are wealthy. They work for a famous company.

افعال To be (مصدر بودن)

افعال To be

افعال to be ابتدایی ترین، مهمترین و پرکاربردترین فعل ها در زبان انگلیسی هستند. وقتی سخن از افعال to be به معنای «بودن» به میان می آوریم منظور ما شکل های مختلف این فعل یعنی **am** به معنای «هستم» و **is** «هست» و **are** «هستی، هستیم، هستید، هستند» است. (برای زمان حال).

همینطور شکل های گذشته ساده این مصدر **to be** به صورت **was** به معنای «بودم، بود» که شکل گذشته **am** و **is** می باشد و **were** «بودی، بودیم، بودید، بودند» است شکل گذشته **are** می باشد. (برای زمان گذشته).

فعل **am** اول شخص مفرد است و فقط برای ضمیر **I** به معنی من بکار می رود. فعل **is** برای ضمائر سوم شخص مفرد **he, she, it** بکار می رود. و **are** دوم شخص جمع است که از آن برای ضمائر **you, we, they** استفاده می شود.

برای سوالاتی کردن جملات دارای افعال **to be** فقط کافی است که افعال **to be** را به اول جمله بیاوریم. برای منفی کردن جملات دارای افعال **to be** فقط کافی است بعد از افعال **to be** کلمه **not** یا **n't** بیاوریم.

We are You are They are	I am You are He/She/It is	جمله مثبت	حال ساده
Are we? Are you? Are they?	Am I? Are you? Is he/she it?	جمله سوالی	
We are not/aren't You are not/aren't They are not/aren't	I am not/ I'm not You are not/ aren't He/She/It is not/ isn't	جمله منفی	
We were You were They were	I was You were He/She/It was		گذشته ساده

شکل مخفف جملات خبری	
فاعل و فعل to be	ادامه جمله
I'm	...
He's She's It's	...
We're You're They're	...

نشانه های اسم در زبان انگلیسی

a / an	a hunter / a leopard	an elephant / an ear
the	the child / the boy	the women / the cars
this / that	this bird / this door	that tiger / that chair
these / those	these chairs / these children	those men / those mice
my / your / our / his / her / its / our / their	his goat / our car / my friends / their towns	

حروف تعریف معین و نامعین در زبان انگلیسی

حروف تعریف نامعین (نکره) در زبان انگلیسی

حروف تعریف نامعین قبل از اسامی مفرد و یا جمع می آیند و نشان میدهند که آن اسم برای شنونده نامعین و نامشخص است. این حروف تنها قبل از اسامی عام می آیند و قبل از اسامی خاص استفاده نمیشوند. حروف تعریف نامعین شامل **a - an - some - any** می باشند.

a و an کاربرد حروف تعریف نامعین:

هر دو از معرفهای اسم در انگلیسی به شمار میروند و فقط قبل از اسم مفرد قابل شمارش به کار میروند و نشان می دهند که آن اسم برای شنونده نامعین است. در فارسی معادل "یک، ی نکره" می باشند. حرف تعریف an قبل از اسمی به کار می رود که با یک حرف صدadar (**a - e - i - o - u**) شروع شده باشد.

- We have **a** big classroom. "ما **یک** کلاس بزرگ داریم."
- She wants to buy **an** umbrella. "او میخواهد که **یک** چتر بخرد"
- They are working on **a** project this term ". "آن ها این ترم بر روی **یک** پروژه جدید کار میکنند"
- Ramin is watching **an** American movie . "رامین دارد **یک** فیلم آمریکایی تماشا میکند"

نکته: حروف تعریف **a** و **an** همیشه نشان دهنده نا معین بودن اسم برای ما نیستند و گاهی نشان دهنده طبقه بندی هستند. به مثال زیر توجه کنید:

- My mother is **a** doctor. "مادر من یک دکتر است"

در این جمله اسم **doctor** نا معین نیست، بلکه نویسنده میخواهد بگوید که مادرش در طبقه دکترها قرار دارد.

any و some کاربرد حروف تعریف نامعین

حرف تعریف "**some**" به معنای "تعدادی، مقداری" در جملات خبری مثبت به کار میرود و قبل از اسامی قابل شمارش جمع و یا اسامی غیر قابل شمارش می آید. کلمه "**any**" به معنای "هیچ" در جملات سوالی و منفی به کار میرود و قبل از اسامی قابل شمارش و یا غیر قابل شمارش می آید. با توجه به مثالهای زیر کاربرد این دو را درک خواهید کرد:

- My brother wants to read **some** books .
"برادرم میخواهد تعدادی کتاب بخواند. (جمله مثبت)"
- He doesn't have **any** money.
"او هیچ پولی ندارد. (جمله منفی)"
- Do you want **any** water?
"آیا آب میخواهید؟ (جمله سوالی)"

نکته: اگر در جملات سوالی بدانیم جواب مثبت است و یا انتظار جواب مثبت را داشته باشیم از خود "**some**" استفاده میکنیم:

- I think you are hungry. Do you want **some** food?
"فکر میکنم گرسنه هستید. آیا مقداری غذا میخواهید؟"

حرف تعریف the در زبان انگلیسی

کلمه "the" یکی از معرف های اسم و یکی از رایج ترین و پر کاربردترین کلمات انگلیسی می باشد. مطمئناً خیلی ها موارد استفاده آنها را به درستی نمیدانند و به شکل ناخود آگاه به کار میبرند. حرف تعریف "the" تنها حرف تعریف معین در زبان انگلیسی میباشد. زمانی از حرف تعریف the همراه اسم استفاده میکنیم که آن اسم به نحوی برای شنونده معرفه (معین و شناخته شده) باشد. در غیر این صورت از حروف تعریف نامعین استفاده میشود. این حرف تعریف معنی خاصی ندارد و بعضی وقتها معنی "آن" میدهد.

چه زمانی باید از حرف تعریف the استفاده کرد؟

(۱) در مورد اسمی که قبلاً به آن اشاره شده است از حرف تعریف the استفاده میشود:

- Mike was driving a car yesterday. The car was very modern.
"مایک دیروز داشت با یک ماشین رانندگی میکرد. آن ماشین (ماشینه) خیلی مدرن بود."
- I saw my father with a man. I think the man was one of his old friends.
"پدرم را به همراه یک مرد دیدم. فکر میکنم آن مرد (مرد) یکی از دوستان قدیمی اش بود."

(۲) صحبت در مورد چیزی که در یک محلی فقط یک مورد از آن وجود دارد، حتی اگر قبلاً به آن اشاره نشده باشد:

- We went on a walk in the forest yesterday.
"ما دیروز برای پیاده روی به جنگل رفتیم. (در آن مکان فقط یک جنگل وجود دارد)"
- Where is the bathroom of this house?
"حمام این خانه کجاست؟"
- Turn left and go to number 45. Our house is across from the Italian restaurant.
"بپیچ به چپ و برو به شماره ۴۵. خانه ما روبروی رستوران ایتالیایی است."

- My father enjoyed the book you gave him.

"پدرم از کتابی که به او دادی لذت برد."

(۳) هنگامی که شخص یا چیز خاصی را معرفی یا شناسایی میکنیم از the استفاده میشود:

- The writer of this book is famous. "نویسنده این کتاب مشهور است."

- I scratched the red car parked outside.

"من روی ماشین قرمز که در بیرون پارک شده خط انداختم."

- He is the doctor I came to see.

"او دکتری است که آمدم ببینمش."

(۴) با اسامی منحصر به فرد از حرف تعریف معین the استفاده میشود:

- The sun rose at 6:17 this morning. "امروز خورشید ساعت ۶ و ۱۷ دقیقه طلوع کرد."

- You can go anywhere in the world. "شما در جهان به هر جایی میتوانید بروید"

- There are millions of stars in the sky. "میلیونها ستاره در آسمان وجود دارند"

- The president will be speaking on TV tonight.

(۵) قبل از صفت عالی (برترین) و اعداد ترتیبی از the استفاده میشود:

- This is the oldest building house in our city.

"این ساختمان قدیمیترین ساختمان شهرمان است."

- She read the last chapter of her new book first.

"او ابتدا آخرین فصل کتاب جدیدش را خواند."

- Saeid is the happiest person I've ever seen.

"سعید شادترین فردی است که تا به حال دیده ام."

- This is the third time I have called you today.

"امروز این سومین باری است که امروز به تو زنگ زده ام."

(۶) با صفاتی که به تمام افراد از یک گروه یا دسته اشاره دارند از حرف تعریف the استفاده میشود:

- The elderly require special attention.

"سالمندان نیازمند توجه ویژه هستند."

- She has given a lot of money to the poor.
"او پول زیادی به فقرا داده است."

- The Americans enjoy fast food.
"آمریکایی ها عاشق فست فود هستند."

(۷) همراه با نام دهه ها از **the** استفاده میشود.

- He was born in the seventies.
"او در دهه هفتاد متولد شده است."

- This is a painting from the 1820's.
"این نقاشی متعلق به دهه ۲۰ سال ۱۸۰۰ میباشد."

(۸) در جمله ای که با **only** توصیف شده است از حرف تعریف معین **the** استفاده میشود:

- You are the only person he will listen to.
"تو تنها شخصی هستی که او به حرفش گوش میدهد."

- The only fast food I like is hamburger.
"تنها فست فودی که دوست دارم همبرگر است."

- Real Madrid is the only team that I watch its matches.
"رئال مادرید تنها تیمی است که مسابقاتش را تماشا میکنم."

(۹) همراه با نام مکانهای جغرافیایی یعنی رودخانه ها، رشته کوهها، مجمع الجزایر، کانالها و اقیانوسها از **the** استفاده میشود:

- Our ship crossed the Atlantic in 7 days.
"کشتی ما در مدت هفت روز از اقیانوس اطلس گذشت."

- The Nile is the longest river in the world.
"نیل طولانی ترین رود جهان است."

- Hiking across the Rocky Mountains is difficult.
"بالا رفتن از رشته کوه های راکی مشکل است."

They are travelling in the Arctic.

"آنها در قطب شمال مشغول مسافرت هستند."

نکته: اگر کلمات **mount** کوه، **sea** دریا و **lake** دریاچه قبل از اسم به کار بروند دیگر از **the** استفاده نمی شود:

Mount Everest is the highest mount in the world.

"کوه اورست بلندترین کوه جهان است."

(۱۰) با اسم کشورهایی که بصورت جمع هستند یعنی در آخرشان **s** جمع دارند از **the** استفاده میشود:

- I have never been to the Netherlands. "من هرگز در هلند نبوده ام"
- Do you know anyone who lives in the Philippines? "آیا کسی را سراغ داری که در فیلیپین زندگی کند؟"

(۱۱) همراه اسم کشورهایی که در ابتدای آنها کلمات "republic"، "kingdom" و "states" باشد، از حرف تعریف معین **the** استفاده میشود:

- They work in the United States. "آنها در ایالات متحده کار میکنند."
- She is visiting the United Kingdom. "او از انگلستان دیدن میکند."
- James is from the Republic of Ireland. "جیمز اهل جمهوری ایرلند است."

(۱۲) همراه اسم روزنامه ها از **the** استفاده میشود:

- I read that news in the Guardian. "من آن خبر را در گاردین خواندم."
- She works for the New York Times. "او برای نیویورک تایمز کار میکند."

(۱۳) اگر کلمات **university** و **college** قبل از اسم به کار بروند از حرف تعریف **the** استفاده می کنیم:

- Julia graduated from **the University of California** last year.
"جولیا سال قبل از **دانشگاه کالیفرنیا** فارغ التحصیل شد."
- My sister is studying music at **the College of Modern Arts**.
"خواهرم در **دانشکده هنرهای مدرن** موسیقی میخواند."

(۱۴) همراه با اسامی ساختمانهای معروف، کارهای هنری، موزه ها و بناهای یادبود، حرف تعریف معین **the** به کار میرود:

- Have you been to **the Vietnam Memorial**?
"آیا تا کنون در مراسم **یادواره ویتنام** بوده ای؟"
- We went to **the Louvre** and saw **the Mona Lisa**.
"ما به موزه **لوور** رفتیم و **تالگوی مونا لیزا** را دیدیم."
- I would like to visit **the Milad Tower**.
"دوست دارم که **برج میلاد** را ببینم."

چه موقع نباید از حرف تعریف the استفاده کرد؟

(۱) با اسامی کشورها (بجز مواردی که در بالا گفته شد) از حرف تعریف **the** استفاده نمیشود:

- **Iran** is a beautiful country. "ایران یک کشور زیبا است."
- **Japan** is a modern country. "ژاپن یک کشور مدرن است"

(۲) با اسم زبانها در انگلیسی از **the** استفاده نمیشود:

- **French** is a difficult language to learn.
"**زبان فرانسوی** یک زبان سختی برای یادگیری است."
- **English** is taught in many countries.
"**زبان انگلیسی** در بسیاری از کشورها تدریس میشود."

(۳) همرا با اسم وعده های غذایی از **the** استفاده نکنید:

- What do you have for **lunch**?

"برای **ناهار** چی دارید؟"

- I drink a glass of milk in **breakfast**.

"من در **صبحانه** یک لیوان شیر مینوشم."

(۴) با اسم افراد حرف تعریف **the** به کار نمیروند:

- **John** is my best friend.

"**جان** بهترین دوست من است."

- **Sara** works in a modern company.

"**سارا** در یک شرکت مدرن کار میکند."

(۵) به همراه عناوینی که با اسم ترکیب شده اند از **the** استفاده نمیشود:

- **President** Kennedy was assassinated in dallas.

"**رییس جمهور** کندی در دالاس ترور شد."

(۶) همراه با اسم شغل ها و حرفه ها **the** به کار نمیروند:

- He'll probably study **medicine**.

"احتمالا او **پزشکی** خواهد خواند."

(۷) همراه با سالها از حرف تعریف **the** استفاده نمیشود:

- **2018** was a wonderful year for Luka Modric.

"سال **۲۰۱۸** یک سال فوق العاده برای لوکا مودریچ بود."

(۸) همراه با اسامی غیر قابل شمارش در حالت کلی، **the** به کار نمیروند:

- **Rice** is an important food in Iran.

"**برنج** در ایران یک غذای مهم است."

- **Peace** is the most beautiful thing in the world.

"**صلح** بهترین چیز در جهان است."

(۹) با اسامی جزایر، کوهها و دریاچه های منحصر به فرد **the** به کار نمی بریم:

- Mount Damavand is the highest mountain of Iran.
"کوه دماوند بلندترین کوه ایران است."
- He lives near Lake Zrivar.
"او نزدیک دریاچه زریوار زندگی میکند."

(۱۰) همراه با اکثر اسامی شهر ها، خیابانها، ایستگاه ها و فرودگاه ها **the** استفاده نمیشود:

- Can you take me to Azadi street?
"میشه ما را به خیابان آزادی ببری؟"
- She lives in Florence.
"او در شهر فلورانس زندگی میکند."
- Victoria Station is in the center of London.
"ایستگاه ویکتوریا در مرکز لندن است."

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

کاربرد There are و There is

برخلاف معنای واژه **there** ساختارهای **there is** و **there are** هیچ رابطه ای با مکان ندارد و از آنها برای نمایش "وجود داشتن" استفاده می شود. زمانی که می خواهیم وجود یک چیز را نشان دهیم معمولاً از این عبارت ها استفاده می کنیم **there is** برای اسامی مفرد قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار می رود و به معنی (وجود دارد/ هست) می باشد و **there are** برای اسامی جمع قابل شمارش و به معنی (وجود دارند/ هستند) به کار می روند. به مثال زیر توجه کنید:

There	is	an	eraser	in the classroom.
		a one	computer	
	are	two three many some	students	

استفاده سوالی از این عبارت ها بسیار رایج است. برای سوالی کردن آنها کافیه جای فعل **be** را با **there** عوض کنیم. برای پاسخ دادن کوتاه هم از عبارت **there is** یا **there are** با توجه به مثبت یا منفی بودن پاسخ به صورت مثبت یا منفی استفاده می کنیم. برای منفی کردن این عبارات نیز فقط کافی است کلمه **not** یا **n't** را به افعال **to be** اضافه کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

- Are there fifty books in your library?
- Is there any water in the jug?

تست کنکوری

- February normally has twenty eight days, but every four years,..... tenty- nine.
A) There is b) it is c) it has d) there are*
- The sun, the moon, and earth have magnetic fields, and Evidence that the stellar galaxy have fields that extend through vast regions of space.
a) There are b) is c) are d) there is*
- Fish in the Dead Sea because of the high salt content of the water.
a)it is not b)there are not* c)there doesn't d)they are not

در جاهای خالی فعل مناسب is یا are قرار دهید.

- There a whiteboard on the wall.
- There 8 chairs in the classroom.
- There a computer on the desk.
- There two windows in the room.
- He is an Student.
a) Rude b) brave c) quit d) angry
- are not in the classroom.
a) A student b) an student c) students d) studentes.
- There A picture in the classroom.
a) are b) is c) are many many

صفات اشاره

صفات اشاره به نزدیک		صفات اشاره به دور	
This	این	That	آن
These	اینها	Those	آنها

This و **that** هردو با اسمهای قابل شمارش مفرد و غیر قابل شمارش به کار می روند. از "**this**" که معنی آن (این) می باشد برای اشاره به نزدیک و از کلمه "**that**" به معنی (آن) برای اشاره به دور استفاده می شود. که در زبان انگلیسی به این کلمات صفات اشاره گفته می شود.

This is a toy car.

این یک ماشین اسباب بازی است.

That money is in my pocket.

آن پول در جیبم است.

"**theses** و **those**" شکل جمع کلمات بالا می باشند که هردوی اینها با اسم قابل شمارش جمع به کار می روند. "**these**" به معنی (اینها) برای اشاره به نزدیک و "**those**" به معنی (آنها) برای اشاره به دور به کار برده می شود.

- " این پسرها برادران من هستند." • **These boys** are my brothers.
- " آن مردها به خوبی پینگ پنگ بازی می کنند." • **Those men** play ping pong very well.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

واژگان و نکات گرامری درس دوم پایه نهم

Travel

مسافرت

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
نیاز داشتن	Need	فرودگاه	Airport
رمان	Novel	دور	Around
بستن	Pack	سوار شدن	Board
پاسپورت	Passport	رزرو کردن	Book
هواپیما	Plane	خریدن	Buy
شعر	Poem	پذیرش شدن	Check in
ممکن	Possible	تسویه حساب کردن	Check out
مسئول پذیرش	Receptionist	لذت بردن	Enjoy
رزرو	Reservation	تبدیل کردن	Exchange
داستان	Story	قطار سریع اسیر	Express train
ایستادن	Stand	پرکردن	Fill out
بلند شدن هواپیما	Take off	پیدا کردن	Find
بلیط	Ticket	فروشگاه هدیه	Gift shop
جدول زمانی	Timetable	کتاب راهنما	Guide book
گردشگر	Tourist	امیدوار بودن	Hope
سفر کردن	Travel	کلید	Key
سفر کوتاه	Trip	فرود آمدن	Land
سفر دریایی	Voyage	پا، پایه	Leg
چرخ	Wheel	نامه	Letter
جهان	world	نقشه	map

Photo dictionary		
baggage reclaim	fill out a form	board the plane
make a voyage	book a hotel	pack for a trip
buy a ticket	pay toll	exchange money
check in / check out	take an express train	check the passport
take off	check the timetable	weigh the baggage
talk to the receptionist		

زمان حال استمراری Present Continuous Tense

یکی از زمان‌های ۱۶ گانه اصلی در زبان انگلیسی است.

زمان حال استمراری نشان دهنده کاری است که در لحظه صحبت کردن در حال انجام است و هنوز تمام نشده است. این زمان در زبان فارسی به صورت (دارم، داری و ...) ترجمه می شود برای ساخت این زمان باید بعد از فاعل یکی از افعال **to be** در زمان حال (**am, is, are**) را انتخاب میکنیم و به آخر فعل اصلی **ing** اضافه میکنیم. برای اسم مفرد و ضمائر سوم شخص از **is**، برای اول شخص مفرد از **am**، و برای اسمهای جمع و سایر ضمائر از **are** استفاده میکنیم.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ingدار	فعل کمکی am, is, are	فاعل
----------	----------	----------	-------	------------	----------------------	------

I am eating dinner	من دارم شام میخورم
You are eating dinner.	تو داری شام میخوری.
He is eating dinner	او (مذکر) دارد شام میخورد.
she is eating dinner	او (مونث) دارد شام میخورد.
It is eating a bone.	آن (غیر انسان) دارد یک استخوان میخورد.
We are eating dinner.	ما داریم شام میخوریم.
You are eating dinner.	شما دارید شام میخورید.
They are eating dinner.	آنها دارند شام میخورند.
Saeid is eating dinner.	سعید دارد شام میخورد.
Saeid and Amin are eating dinner.	سعید و امین دارند شام میخورند.

نکته: میتوان فاعل و فعل **to be** را به شکل اختصاری نوشت. به مثالهای زیر دقت کنید تا متوجه شوید:

I am writing. → I'm writing.	You are writing. → You're writing.
He is writing. → He's writing.	She is writing. → She's writing.
It is raining. → It's raining.	We are writing. → We're writing.
You are writing. → You're writing.	They are writing. → They're writing.

شکل سوالی زمان حال استمراری:

برای سوالی کردن جملات زمان حال استمراری کافی است فاعل را با فعل **to be** جا به جا کنیم. به همین راحتی. به جدول زیر دقت کنید:

حالت خبری	حالت سوالی
I'm running.	Am I running?
You're writing.	Are you writing?
He's sleeping.	Is he sleeping?
She's talking.	Is she talking?
It's snowing.	Is it snowing?
We're playing tennis.	Are we playing tennis?
You're laughing.	Are you laughing?
They're singing.	Are they singing?

شکل منفی زمان حال استمراری

برای منفی کردن زمان حال استمراری بلافاصله بعد از فعل **to be** از کلمه منفی ساز **not** استفاده میشود. در حالت منفی نیز میتوان این جملات را به شکل اختصاری نوشت، بجز جملاتی که با **I am** شروع میشوند. در مکالمات بیشتر از حالت اختصاری استفاده میشود. به جملات زیر دقت کنید:

جمله خبری	جمله منفی	اختصاری منفی
I am cooking.	I am not cooking	—
You are studying.	You are not studying.	You aren't studying.
He is coming.	He is not coming.	He isn't coming.
She is dancing.	She is not dancing.	She isn't dancing.
It is barking.	It is not barking.	It isn't barking.

We are swimming.	We <u>are not</u> swimming.	We <u>aren't</u> swimming.
You are driving.	You <u>are not</u> driving.	You <u>aren't</u> driving.
They are watching TV.	They <u>are not</u> watching TV.	They <u>aren't</u> watching TV.

نکاتی در مورد افزودن ing به آخر فعل

(۱) اگر فعلی به e ختم شود هنگام اضافه کردن ing به آخر آن، e حذف می شود:

type <u>e</u> → typ <u>ing</u> (تایپ کردن)	write <u>e</u> → writ <u>ing</u> (نوشتن)	drive <u>e</u> → driv <u>ing</u> (رانندگی کردن)
--	--	---

(۲) اگر فعلی به یک حرف بیصدا ختم شود و قبل از آن فقط یک حرف صدادار باشد، هنگام اضافه کردن ing به آخر فعل، حرف آخر تکرار می شود:

hit → hit <u>ting</u> (زدن)	sit → sit <u>ting</u> (نشستن)
swim → swim <u>ming</u> (شنا کردن)	submit → submit <u>ting</u> (ثبت کردن)

کاربرد های زمان حال استمراری:

(۱) بیان کاری که در لحظه صحبت در حال انجام است:

- Look at those dogs. They are chasing a rabbit.
"به آن سگها نگاه کن. آنها دارند یک خرگوش را دنبال میکنند."
- What are you doing? I am doing a puzzle.
"داری چه کار میکنی؟ دارم جدول حل میکنم."

(۲) بیان کاری که برای مدتی به طور مداوم در حال انجام است و یا کاری که تبدیل به یک گرایش میشود:

- They are still working for that company.
"آنها هنوز برای آن شرکت کار میکنند."
- Nowadays, more and more people are becoming vegetarian.
"این روزها افراد زیادی دارند گیاهخوار میشوند."

(۳) برای بیان کاری که از قبل برنامه ریزی شده است و در آینده انجام خواهد شد:

- I'm meeting my friends tonight .
"امشب دوستانم را میبینم."
- Are you visiting us next winter?
"آیا زمستان آینده به دیدن ما میآیید؟"

(۴) برای بیان یک موقعیت یا اتفاقی به طور موقت در حال انجام است:

- He usually plays the piano, but **he's playing** bass guitar tonight.
"او معمولاً پیانو می نوازد، اما امشب دارد گیتار میزند."
- The weather forecast was good, but **it's raining** at the moment.
"پیش بینی درباره هوا خوب بود، اما الان دارد باران میبارد."

(۵) به همراه **قیدهای تکرار** **always** و **constantly** و عبارت **forever** برای تاکید درباره کاری که معمولاً بصورت دنباله دار اتفاق می افتد:

- Jack and Julia **are** always **laughing**.
"جک و جولیا همیشه در حال خندیدن هستند"
- Mr. Brown **is leaving** here forever.
"آقای براون دارد برای همیشه اینجا را ترک میکند."

نشانه های زمان حال استمراری در جمله:

معمولاً یکی از عبارتهای زیر در جملات حال استمراری وجود دارند که در ابتدا یا انتهای جملات می آیند. این نشانه ها این ها هستند:

now (الان)	right now (همین الان)	at this moment (در این لحظه)
at this time (در این زمان)	at present (در حال حاضر)	look (نگاه کن، ببین)
listen (گوش کن)	just (الآن، همین الان، در شرف)	still (هنوز)

نکته: کلمات **look** و **listen** در ابتدای جمله، و کلمات **just** و **still** بعد از افعال **to be** می آیند و بقیه نشانه ها می توانند در ابتدا و یا انتهای جملات حال استمراری بیایند. به مثالهای زیر دقت کنید.

- **Look!** there is a cat in the kitchen.
"نگاه کن! یک گربه در آشپزخانه است."
- **Listen**, someone is talking outside.
"گوش کن، یک نفر دارد در بیرون حرف میزند"
- I'm doing my homework **right now**.
"همین الان دارم تکالیفم را انجام میدهم."
- We are watching a film **at this moment**.
"ما در این لحظه در حال تماشای فیلم هستیم."
- **At present** we are waiting for the taxi.
"در حال حاضر ما منتظر تاکسی هستیم."

- Sara is **just** buying a new purse.

"سارا الساعه / همین الان در حال خریدن یک کیف دستی است."



بیان مالکیت انسان و اشیاء:

یکی از مباحث بسیار مهم در گرامر زبان انگلیسی مالکیت (**possession**) است. همانطور که می دانید چند روش در انگلیسی برای بیان مالکیت وجود دارد مانند استفاده از ضمائر ملکی (**possessive pronouns**)، **of** و **s'** به همراه آپاستروف (**s'**) **apostrophe** در اینجا قصد داریم به نحوه استفاده از **of** و **s'** برای بیان مالکیت بپردازیم. که خیلی در جوامع بیانی قابل استفاده است.

استفاده از s'

به طور کلی هنگامی که مالکیت متعلق به اشخاص، حیوانات، کشورها و سازمان ها می باشد از (**s'**) که (**s-genitive**) نیز به آن می گویند استفاده می شود. چند مثال در این خصوص:

Dog's collar (dog+'s) قلاده سگ	sister's backpack (sister+'s) کوله پشتی خواهر	car's engine (car+'s) موتور ماشین
-----------------------------------	--	--------------------------------------

چند نکته:

اگر یک اسم جمع باشد فقط آپاستروف (') را به انتهای آن اضافه می کنیم **s** را نباید اضافه کرد.

cars' engines (car+s+') موتورهای ماشین ها	sisters' backpacks (sister+s+') کوله پشتی های خواهران	Dogs' collars (dog+s+') قلاده های سگ ها
--	--	--

همچنین ممکن است این سوال برایتان پیش بیاید که آیا اگر یک اسم به **s** ختم شود (اسمی که جمع نیست، مثل اسم **Charles**) باز هم باید نشانه مالکیت **'s** را به آن اضافه کرد. در این خصوص اکثر افراد از **'s** استفاده می کنند و خیلی افراد هم فقط از **(apostrophe')** برای این گونه اسامی استفاده می کنند.

استفاده از of

به طور کلی اگر مالکیت متعلق به اشیاء (**objects**) باشد از **of** استفاده می کنیم. به چند مثال توجه کنید:

- What is the name **of** that street? "اسم اون خیابان چیه؟"
- I'm on the roof **of** the house.

اگر بخواهیم شیء را به شئی دیگر تعلق و مالکیت دهیم ، کافی است حرف اضافه **of** را بین اسم آن دو شی قرار دهیم مثل:

- The door **of** the class: "دربِ کلاس"
- The legs **of** the table: "پایه های میز"

حرف اضافه **of** فقط برای تعلق دادن شی به شی دیگر به کار می رود و برای تعلق دادن شی به انسان ها به کار نمی رود.

واژگان و نکات گرامری درس سوم پایه نهم

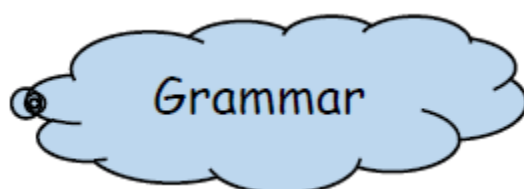
Festivals and ceremonies

جشن ها و مراسم ها

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
برگزار کردن	Hold	سال روز	Anniversary
تعطیلات	Holiday	سرود ملی	Anthem
بین المللی	International	پختن	Bake
اسلامی	Islamic	مراسم	Ceremony
ناهار	Lunch	تغییر کردن	Change
درست کردن	Make	کودکان	Children
وعده غذایی	Meal	تمیز کردن	Clean
نظامی	Military	تمیز کردن، پاک کردن	Clear
مسلمان	Muslim	لباس ها	Clothes
ملی	National	رنگ کردن	Color
روز طبیعت	Nature day	بزرگداشت	Commemorate
سال نو	New year	فرهنگ	Culture
آجیل	Nut	شام	Dinner
رنگ کردن	Paint	ظرف	Dish
رژه	Parade	تخم مرغ	Egg
مذهبی	Religious	روزه گرفتن	Fast
انقلاب	Revolution	جشن	Festival
چیدن	Set	آتش بازی	Fireworks
مخصوص	Special	گرفتن	Get
شستن	Wash	بیرون رفتن	Go out
تماشا کردن	watch	ماهی قرمز	goldfish

Photo dictionary

Islamic-Iranian culture	go out on Nature Day
celebrate a religious holiday	sing the national anthem
Islamic revolution anniversary	commemorate NE martyrs
Read poems of Hafez	watch military parade
wear special clothes	watch fireworks
make lunch / dinner	hold a ceremony
clear the table	set the table
bake a cake	



زمان حال ساده: Simple Present Tense

از زمان حال ساده (simple present) برای نشان دادن کاری که در زمان حال یکبار یا چند بار به صورت تکراری اتفاق می افتد استفاده می کنیم. زمان حال ساده یکی از پرکاربردترین زمان های زبان انگلیسی است. زمان حال ساده برای صحبت کردن درباره حقایق علمی و عادی غیر قابل تغییر، کارهای از روی عادت و روزمره و کارهای برنامه ریزی شده استفاده میشود. **فرمول** زمان حال ساده به قرار زیر است.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	------

ساختار زمان حال ساده:

در جملات مثبت ما از فعل به صورت شکل ساده استفاده می کنیم. تنها برای سوم شخص مفرد فعل باید صرف شده و یک پسوند **-s** به آن اضافه می شود. در شکل منفی و سوالی باید از فعل کمکی **do** یا **does** برای سوم شخص مفرد در جمله استفاده کرد. در صورت وجود فعل کمکی فعل اصلی همیشه به صورت ساده در جمله آورده می شود (حتی در سوم شخص مفرد). جدول زیر ساختار جملات در این زمان را نشان می دهد.

جملات سوالی	جملات منفی	جملات مثبت	فاعل
• Do I speak?	• I do not speak	• I speak	• I/you/we/they
• Does he speak?	• he does not speak	• he speaks	• he/she/it

استثناها برای سوم شخص مفرد:

(۱) اگر جمله به **o** یا **sh** و **ch** ختم شود به جای پسوند **-s** از **-es** استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

do - he **does** wash - she **washes**

(۲) اگر یک فعل به حرف **y** پس از یک **حرف بی صدا** ختم شود، حرف **y** را به **ie** تغییر می دهیم و سپس **-s** را اضافه می کنیم. (در صورتی که قبل از **y** حرف صدادار باشد **y** تغییری نمی کند).

(Worry - he worries) (Play - he plays)

کاربرد ها:

(۱) کارها یا اتفاقاتی که به طور **منظم** یا به خاطر عادت **تکرار** می شوند. گاهی از قیده های زمان برای نشان دادن میزان تکرار استفاده می شود. قیدهایی مثل (always, never, rarely, often): به مثال زیر توجه کنید:

- He **plays** football **every Tuesday**. "او هر سه شنبه فوتبال بازی می کند."

(۲) دو یا چند اتفاق یا کار در زمان حال که **پشت سر هم** اتفاق افتاده اند. به مثال زیر توجه کنید:

- After school Colin **goes** home, **packs** his bag, **puts** on his football shirt and then he **goes** to football training.

"بعد از مدرسه کالینز به خانه می رود، کیفش را میبندد، لباس فوتبالش را می پوشد و سپس به به تمرین فوتبال می رود."

(۳) یک **واقعیت** یا **قاعده عمومی**. به مثال زیر توجه کنید:

- A forward **tries** to score goals for his team.

"یک مهاجم سعی می کند برای تیمش گل بزند."

(۴) برنامه های **آینده** که در زمان حال **برنامه ریزی** شده اند. به مثال زیر توجه کنید:

- The bus **leaves** at half past four. "اتوبوس ساعت چهار و نیم حرکت می کند"
- His training **starts** at five o'clock. "تمرین او ساعت ۵ شروع می شود"

(۵) برای فعل های حالت یا فعل هایی که افکار و شخصیت را نشان می دهند. به مثال های زیر توجه کنید:

- Colin **likes** football. (کالین فوتبال را دوست دارد)
- He **is** a forward. (او یک مهاجم است)

زمان حال ساده اغلب با قیدهایی تکرار مورد استفاده قرار می گیرند. مهمترین قیدهایی تکرار عبارتند از:

Never **rarely** **sometimes** **often** **usually** **always**
0%..... 50%100%

- I **usually** play football with my friends.
- **Sometimes** she plays piano for us.

صفت ملکی (Possessive adjective)

صفات ملکی ضمیر نیستند و جزء تعیین کننده ها (**determiners**) می باشند. اما از آنجایی که شبیه ضمایر ملکی عمل می کنند بهتر است آن ها را در کنار ضمایر دیگر فرا گرفت. صفات ملکی همانند بقیه صفت ها قبل از اسمی می آیند که آن را توصیف می کنند اما مانند ضمیرها جایگزین اسم نمی شوند.

در زبان انگلیسی ۸ صفت ملکی وجود دارد که لیست آنها در جدول زیر آمده است.

ضمیر فاعلی	صفت ملکی	معنی صفت ملکی
I	my	مال من
you	your	مال تو
He	his	مال او (مذکر)
she	her	مال او (مونث)
it	its	مال آن
we	our	مال ما
you	your	مال شما
they	their	مال آنها

به مثال های زیر در این خصوص توجه کنید:

My car is in the yard.	ماشین من در حیاط است.
Your book is so boring.	کتاب تو خیلی کسل کننده است.
His cat is very quiet.	گربه او (مذکر) خیلی آرام است.
Her dog is small.	سگ او (مونث) کوچک است.
Look at that fox. Its tail is short.	آن روباه را نگاه کن. دم آن کوتاه است.
Our house is on main street.	خانه ما در خیابان اصلی است.
Your birds are noisy.	پرند ه های شما پر سر و صدا هستند.
Their room is clean	اتاق آنها تمییز است.

- **Their** house is very big.
- **Her** car is very expensive.
- Is it **your** pen?
- **Whose** wallet is this?

"خانه آنها خیلی بزرگ است."
 "ماشین او خیلی گران قیمت است."
 "این خودکار مال توئه؟"
 "این کیف کیه؟"

تمرین:

در جای خالی صفت ملکی مناسب به کار ببرید.

- 1) Mr Amini has a car .
- 2) Mina's brother has a bag.
- 3) The students have many books.

..... car is blue.
bag is brown.
 Books are in Bags.

واژگان و نکات گرامری درس چهارم پایه نهم

Services

خدمات

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
اطلاعات	Information	حساب	Account
نگه داشتن	Keep	دستگاه خود پرداز	ATM
دیر	Late	آوردن	Bring
یادگرفتن	Learn	خون	Blood
زندگی	Life	خیریه	Charity
گم شده	Lost	ارزان	Cheap
پول	Money	اهدا کردن	Donate
بازکردن	Open	آسان	Easy
بیرون	Outside	اورژانسی	Emergency
کارت پستال	Postcard	پاکت نامه	Envelope
خاموش کردن	Put out	اتاق اورژانس	ER
شارژ مجدد	Recharge	بلیط الکترونیکی	E -ticket
همین نزدیکی	Round the corner	سریع	Fast
نجات دادن	Save	آتش	Fire
فرستادن	Send	ایستگاه آتش نشانی	Fire station
خدمت، سرویس	Service	آتش نشان	Firefighter
شیفت، نوبت کاری	Shift	پمپ بنزین	Gas station
تمبر	Stamp	پیاده شدن	Get off
برداشت پول	Take out	سوار شدن	Get on
داوطلبانه	Voluntary	سخت	Hard
بیدار شدن	Wake up	کرایه کردن	hire

Photo dictionary

ask the information desk	get off a bus	open an account
bring to the ER	get on a bus	put out fire
call the emergency	help charity	recharge your E-ticket
do voluntary work	hire a taxi	send an e-mail
donate blood	keep the city clean	take out money from an ATM

سوال پرسیدن با Wh Question

در زبان فارسی ما یک سری کلمه داریم که برای گرفتن اطلاعات و پرسش درباره چیزهای مختلف از آنها استفاده می کنیم. این کلمات که به آنها کلمه پرسشی می گوییم معمولا با حرف "چ" شروع می شوند مثل:

چرا؟ چگونه؟ چند؟ چه؟ چگونه؟ چقدر؟ چندان؟ چی؟ چه کسی؟ چه چیزی؟....

کلمات پرسشی کلماتی هستند که برای پرسش در مورد شخص، مکان، زمان، تعداد و یا مالک یک چیز به کار می روند.

در زبان انگلیسی دو دسته سوال وجود دارد. **دسته اول** سوالات **yes/no questions** هستند. برای پاسخ این دسته از سوالات ابتدا باید با **بله** یا **خیر** پاسخ داد و اگر نیاز به توضیح بیشتری بود پس از تایید یا رد سوال توضیح را ارائه دهید. **دسته ی دوم** سوالات **information questions** نام دارند. این گونه سوالات را نمی توان با **بله** یا **خیر** پاسخ داد. برای پاسخ به این گونه سوالات باید حتما اطلاعاتی راجع به موضوع سوال شده ارائه شود.

کلمات پرسشی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) کلمات پرسشی دسته ی اول :

بعد از کلمات پرسشی دسته ی اول ابتدا اسم بکار رفته و پس از اسم، جمله به شکل سوالی بکار می رود.

ردیف	کلم پرسشی	معنی	کلمه حذفی	مثال برای جواب
۱	How many	چند تا	صفت مقدار	two - many - some
۲	How much	چه مقدار	صفت مقدار	much - a little
۳	Whose	مال چه کسی	صفت ملکی's دار	My-his-Ali's
۴	which	کدام	صفت	little - thin - clever

(ب) کلمات پرسشی دسته ی دوم:

بعد از کلمات پرسشی دسته ی اول همواره جمله به شکل سوالی بکار می رود.

ردیف	کلمه پرسشی	معنی	کلمه حذفی	مثال برای جواب
۱	what	چه چیز - چه کار	شغل - شیء	a book - a doctor
۲	What color	چه رنگی	رنگ	green - blue - white
۳	What time	کی - چه ساعت	ساعت	At 5 o'clock - at 10
۴	What day	چند شنبه	روز هفته	at Monday - Saturday
۵	How	چگونه - چطوری	قید حالت	slowly - hard - rapidly
۶	When	کی - چه وقت	قید زمان	every day - yesterday
۷	Where	کجا	قید مکان	at home - in the park
۸	Who	چه کسی	شخص	Ali - Mr. Irani
۹	How old	چند ساله	سن	Six years old

برای سوالی کردن جملات انگلیسی به وسیله ی کلمات پرسشی مراحل زیر را انجام می دهیم.

(۱) کلمه ی پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله سوالی قرار می دهیم.

(۲) پس از کلمه ی پرسشی جمله را به شکل سوالی در می آوریم.

(۳) با توجه به معنی کلمه ی پرسشی و طبق جداول فوق کلمه یا کلمات حذفی را از جمله حذف می کنیم.

(۴) چنانچه کلمه ی پرسشی جزء کلمات پرسشی نوع دوم باشد، اسم را در جمله پیدا کرده و آن را پس از کلمه ی پرسشی قرار می دهیم. (اسم همیشه بعد از کلمه ی حذفی قرار دارد).

تذکر: چنانچه کلمه ی حذفی در ابتدای جمله قرار داشته باشد فقط کافی است که آن را از جمله حذف کنیم و به جای آن، کلمه ی پرسشی مورد نظر را قرار داده و بقیه ی جمله را بدون تغییر بازنویسی کنیم.

مثالهای زیر تفهیم این کلمات را برایتان ساده می سازد.

- There is a book on the table. (What) What is there on the table?
- They saw him yesterday. (When) When did they see him?
- My father is at home. (Where) Where is he?
- He is Mr Irani. (Who) Who is he?

قیدهای تکرار: Adverb of Frequency

از قید تکرار در زبان انگلیسی یا همان **adverb of frequency** برای مشخص کردن دفعات تکرار عملی استفاده می کنیم یا حتی می توانیم بگوییم اتفاقی هر چند وقت یک بار می افتاد.

در آموزش زبان انگلیسی یکی از پایه ای ترین گرامر که باید به زبان آموزان آموخت همین قیود تکرار هستند. چهار قانون طلایی برای استفاده صحیح از قید تکرار در زبان انگلیسی:

(۱) به زبان خیلی ساده قید تکرار قبل از فعل اصلی قرار می گیرد.

Adverb + Main verb

- I **always** **watch** TV in the morning.
- She **never** **listens** to music because she is a real Muslim.

(۲) بعد از فعل To be

To Be + Adverb

- He **is** **always** ill.
- We **were** **never** tired as break layers.

(۳) اگر از فعل کمکی در جمله استفاده کنیم (Have, can, must, could, would, should, might, will) قید بین فعل کمکی و فعل اصلی قرار می گیرد.

Auxiliary + Adverb + Main verb

- He **can** **never** **learn** English.
- I **have** **always** **been** tired in my classes.

(۴) در جملات سوالی از Frequency adverb بعد از فاعل استفاده می کنیم.

- Why do **you** **always** get up so early?

واژگان و نکات گرامری درس پنجم پایه نهم

Media

رسانه

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
مصاحبه کردن	Interview	قبل، پیش	Ago
فناوری اطلاعات	IT	شگفت انگیز	Amazing
گذشته، قبلی	Last	آنتی ویروس	Antivirus
بعدا	Later	حضور یافتن	Attend
نگاه کردن	Look	زیبا	Beautiful
مسابقه	Match	وبلاگ	Blog
رسانه	Media	مشغول	Busy
پیام	Message	تماس گرفتن	Call
فیلم	Movie	تغییر دادن	Change
دکه روزنامه فروشی	Newsstand	کانال	Channel
آنلاین	Online	سینما	Cinema
شرکت کردن	Participate	متصل شدن	Connect
برنامه	Program	دوره آموزشی	Course
مسابقه تلویزیونی	Quiz show	فرهنگ لغت	Dictionary
دریافت کردن	Receive	متفاوت	Different
گزارش	Report	دانلود کردن	Download
دیدن	See	رویداد	Event
پیامک کردن	Text	رویایی	Fantastic
جنگی	War	اتفاق افتادن	Happen
شگفت انگیز	Wonderful	نصب کردن	Install
دیروز	yesterday	جالب	interesting

Photo dictionary

attend a TV program	participate in an online course
change the TV channels	receive an e-mail
connect to the internet	see a war movie
look at the newsstand	text a message
install a computer dictionary	update a blog
install an antivirus program	use IT
interview somebody	watch a quiz show
download something from the internet	

زمان گذشته ساده: (simple past)

در زبان انگلیسی از زمان گذشته ساده (simple past) معمولاً برای بیان وقایعی که یک یا چند بار در گذشته اتفاق افتاده اند و دیگر تمام شده اند استفاده می شود.

طریقه نوشتن جملات در زمان گذشته

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	قسمت دوم فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	------

ساختار زمان گذشته ساده:

- در زمان گذشته ساده فعل اصلی جمله به شکل گذشته در می آید. در صورتی که فعل باقاعده باشد این کار با اضافه کردن پسوند **ed** - اتفاق می افتد و در صورت بی قاعده بودن فعل باید شکل گذشته آن را پیدا کنید. برای منفی یا سوالی کردن جملات در این زمان باید از فعل کمکی **did** استفاده کنید. پس از اضافه شدن فعل کمکی به جمله، فعل اصلی در شکل عادی (زمان حال) ظاهر می شود. جدول زیر ساختار جملات در زمان گذشته ساده را نشان می دهد:

جملات مثبت	جملات منفی	جملاتی سوالی	
I played	I did not play	Did I play?	افعال با قاعده
I spoke	I did not speak	Did I speak?	افعال بی قاعده

کاربردها: مهم ترین استفاده های این زمان عبارتند از :

(الف) بیان عمل یا حالتی که در یک زمان مشخص در گذشته شروع و تمام شده است.

- She **met** Sarah three weeks **ago**. "او سه هفته پیش سارا را دید."

(ب) بیان کارهایی که در گذشته یکی پس از دیگری اتفاق می افتد.

- I **got** up early in the morning, **washed** my face, **ate** breakfast, **got** dressed, and **went** to school.

"صبح زود از خواب بیدار شدم، صورتم را شستم، صبحانه خوردم، آماده شدم و به مدرسه رفتم."

(ج) بیان عملی که در طول مدتی در گذشته شروع و پایان یافته است.

- Mina **lived** in Japan **for** seven years. "مینا در ژاپن به مدت هفت سال زندگی کرد."

(د) بیان عادت ها، اعمال و یا واقعیت هایی که در گذشته انجام می شده ولی در حال حاضر آنها را انجام نمی

دهیم. در چنین حالتی معمولاً از قیود تکراری نظیر **always** همیشه، **often** اغلب، **sometimes** معمولاً و **never** هرگز، استفاده می شود. در این حالت می توان از عبارت **used to** هم استفاده کرد.

- My father **always listened** to classical music.

"پدرم همیشه به موسیقی سنتی گوش می داد."

- John never **stayed** home **at weekends**.. "جان هرگز آخر هفته ها را خانه نمی ماند"

(Be) بودن

فعل **be** یا بودن یک فعل کاملاً بی قاعده است. در صورتی که این فعل به عنوان فعل اصلی در جمله باشد دیگر برای سوالی یا منفی کردن جمله به آن فعل کمکی اضافه نمی کنیم و از همین فعل استفاده می شود.

جملاتی سوالی	جملات منفی	جملات مثبت	
Was I?	I was not	I was	I/he/she/it
Were you?	you were not	you were	you/we/they

(((((در پایان جزوه فعلهای بی قاعده پر کاربرد جهت استفاده آمده است.))))))

واژگان و نکات گرامری درس ششم پایه نهم

Health and injuries

سلامتی و آسیب دیدگی ها

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
حمله قبلی	Heart attack	تصادف	Accident
بر خورد کردن	Hit	توصیه	Advice
عجله کردن	Hurry up	دوباره	Again
صدمه دیدن	Hurt	قوزک پا	Ankle
آسیب ، صدمه	Injury	پشت ، کمر	Back
دعوت کردن	Invite	خونریزی کردن	Bleed
زانو	Knee	شکستن	Break
دریاچه	Lake	کبودی	Bruise
پا	Leg	سوختن، سوزاندن	Burn
کوچک	Little	گچ	Cast
نیاز داشتن	Need	بالا رفتن	Climb
برنامه ریزی کردن	Plan	گریه کردن	Cry
چسپ زخم	Plaster	بریدن	Cut
قرار دادن	Put	رانندگی کردن	Drive
جای زخم	Scar	خوردن	Eat
چسپاندن	Stick	افتادن	Fall
مراقبت کردن از	Take care of	پیدا کردن	Find
سفر	Trip	انگشت	Finger
پیچ خوردن	Twist	کمک های اولیه	First aid
زخم	Wound	سر	Head
حیات	yard	سلامتی	health

Photo dictionary

He broke his leg	It hurts a lot.
He had a car crash	It is bleeding
He has a black eye	She burned her hand.
He has a scar	She cut her finger
He has his leg in a cast	She had a heart attack
He has some bruises	She takes care of her child
He hit his head on the door	Stick / put a plaster on the wound
I hurt my knee	

ضمایر مفعولی: Object Pronouns

از ضمایر شخصی یا Personal Pronouns برای جایگزین کردن اسامی استفاده می شود. ضمایر شخصی را برای صحبت کردن در مورد خودمان یا دیگران استفاده می کنیم و میتوانند به عنوان فاعل یا مفعول در جمله عمل کنند.

ضمایر مفعولی ضمایی هستند که در نقش مفعول در جمله بکار برده می شود. به دلیل اینکه نقش مفعول را دارا می باشند پس در جمله عملی توسط فاعل بر روی آنها صورت گرفته است.

ضمایر فارسی	ضمایر مفعولی	ضمایر فاعلی
به من / مرا	Me	I
به تو / تورا	You	You
به او / او را (مذکر)	Him	He
به او / او را (مونث)	Her	She
به آن / آن را	It	it
به ما / ما را	Us	we
به شما / شما را	You	you
به آنها / آنها را	them	they

الف) اگر چه این ضمایر را ضمایر مفعولی می نامیم، اما آنها به جز در جای مفعول در هر جای دیگری هم می توانند قرار بگیرند، مثلاً بعد از فعل یا بعد از یک حرف اضافه:

- you and your wife, you and her.

تست واژگان کنکوری با کمی تغییرات

1. Our class at 8:00 and finished at 10:00 yesterday.
a)began b)set c)raised d)held
2. "The money you have to pay to use a particular road,bridge etc"
a)baggage claim b)toll c)boarding d)voyage
3. His feet were from standing so long.
a)falling b)aching c)holding d)turning
4. The man in front of the taxi..... me with a knife.
a)attacked b)called c)hired d)raised
- 5.The teacher wanted the students to write their names in..... .
a)churches b)bruises c)anthems d)capitals
- 6.Iranians have the fajr filmeach year.
a)culture b)martyr c)festival d)reclaim
7. They believe that they shouldtheir website weekly.
a)interview b)participate c)updates d)download
8. The in our city are open to the public.
a)parades b)palaces c)plows d)plasters
9. We all try to keep our apartment clean ,so its usully
a)neat b)relevant c)generous d)military
10. I don't know what his in the project was.
a)role b)media c)interview d)charity
11. "Show your child how to use a simpleto take the temperature of the water."
a)reservation b)thermometer c)tractor d)fireworks
12. Some people from our countryfor health reasons.
a)feel b)fast c)fill d)find
13. The doctor asked the sick woman to lie down on her..... .
a)skin b)hair c)teeth d)stomach

14. "To fill a battery with electricity so that it can work again."
 a)recharge b)celebrate c)board d)stick
- 15.Iran is a country , butis a continent.
 a)American b)Asia c)England d)European
- 16.Ted says he has a(n)with the new manager.
 a)passport b)environment c)culture d)interview
- 17.Our teacher alwaysa book from the Internet every week.
 a)installs b)download c)upload d)brings
- 18.My cousinme a map of how to get there.
 a)taught b>wrote c)drew d)held
- 19.His blue eyes shine in the
 a)spotlights b)shrines c)newsstands d)timetabels
- 20.We are going tothose who lost their lives in the great war.
 a)set b)save c)commemorate d)twist
21. Arent you going to do.....work for the Red Crescent? I think you have free time for that, son.
 a)voluntary b)military c)pleasant d)relevant
22. The Smith are English ,but they live in France.
 a)orally b)originally c)internationally d)nearly
23. The meeting is on the fifth ,and we are hopping everyone will.....
 a)attend b)attack c)browse d)hold
24. Because of histhroat,my grandfather went to the doctor at 2 a.m.
 a)pain b)ache c)bloody d)sore
25. It took several months for histo healthy.
 a)members b)events c>wounds d)arms
26. The childrentheir prayers and got into bed.
 a)told b)said c)read d)gave
27. I don't want to the voyage alone.
 a)build b)make c)get d)go

28. Someoneposters all over the walls.
a)drew b)climbed c)stuck d)booked
29. After the accident,the nurse tried to give the injured first.....
a)aid b)hwlp c)both 1&2 d)need
30. When we arrived at the station ,the driver asked us to getthe train
a)back b)up c)off d)to
31. Minas father want to meet the tall dark man with aon his left hand.
a)blood b)shrine c)turn d)scare
32. My uncleenough to buy a small house for his family.
a)gave b)took c)learned d)saved
33. Do you know what the“pick up the oil” means?
a)word b)phrase c)letter d)sentence
34. How can a person stop runningvery fast?
a)nose b)mouth c)eye d)ear
35. The word “sore” NOT go with.....
a)eye b)knee c)throat d)head
36. I opened theon which there was a(n),pulled out the letter and read it.
a)stamp / envelope b)stamp / interview
c)envelope / stamp d)envelope / interview
37. His son,who was usually quit and shy,was verythat morning.
a)favorite b)pleseant c)military d)talkative
38. my friends.....boating on the lake every other day.
a)go b)come c)do d)play
39. Alice s father had been veryto her when she was a child.
a)cruel b)correct c)voulantry d)talkative
40. Make a leftat the station.
a)scar b)turn c)hand d)leg
41. The receptionist says places are fullyfor the Summer Camp.
a)acted b)booked c)got off d)filled out

42. I was still sitting; he was standing , his armsbehind his back.
a)hurt b)stuck c)twisted d)turned
43. Let your child help with meals by choosing foods,.....food and.....the table.
a)prepareing / setting b)setting / preparing
c)prepareing / sitting d)eating / sitting at
44. Which word does NOT go with "bleeding"?
a)severe b)heavy c)both1&2 d)generouse
45. How much would you like toout? B: I want to\$20.
a)take / fill out b)boring / withdraw
c)bring / fill out d)take / withdraw
46. This time I was back for a ceremony of
a)pronounciation b)commemoration c)reservation d)connection
47. Penicillin was a(n).....in medicine.
a)information b)attention c)celebration d)reveloution
48. The old farmers know how tothe land.
a)plow b)plant c)grow d)raise
49. The good news is that weall theinformation.
a)got / kind b)reported / cruel
c)made / holy d)received / relevant
50. The baby was crawling around on its
a)hands and knee b)hands and finger
c)stomach and nose d)feet and leg

پاسخنامه تست های واژگان هفتم تا نهم

1-a	2-b	3-b	4-a	5-d	6-c	7-c	8-b	9-a	10-a
11-b	12-b	13-d	14-a	15-b	16-d	17-b	18-c	19-a	20-c
21-a	22-b	23-a	24-d	25-c	26-b	27-b	28-c	29-a	30-c
31-d	32-d	33-b	34-a	35-d	36-c	37-d	38-a	39-a	40-b
41-b	42-c	43-a	44-d	45-d	46-b	47-d	48-a	49-d	50-a

پایه دهم

درس اول

Saving nature

We made from water every living thing

Al-Anbia 30

ما همه چیز را از آب زنده گردانیدیم. "آیه ۳۰ سوره انبیاء"

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه دهم

Part 1

Get ready & conversation

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Alive	زنده	Conversation	گفتگو - مکالمه
Around	تقریباً - در حدود	Cut	بریدن
Care	دقت - توجه	Duck	اردک
Divide	تقسیم کردن - از هم جدا کردن	Elephant	فیل
Endanger	در معرض خطر گذاشتن	Following	بعدی - زیر - دنباله
Endangered	در معرض انقراض	For example	برای مثال - برای نمونه
Hurt	صدمه زدن - آسیب زدن	Goat	بز
Increase	افزایش دادن (یافتن)	Group	گروه - دسته
Injured	مجروح - زخمی - مصدوم	Hear	شنیدن
Living	زنده	Leopard	پلنگ
Nature	طبیعت	Panda	پاندا
Oral	شفاهی - خوراکی	Plan	نقشه - طرح - برنامه
Protect	حمایت کردن - حفاظت کردن	Ready	آماده - مهیا
Protection	حفاظت - حمایت	Really	واقعا - حقیقتاً
Put out	خاموش کردن آتش	Right	درست
Take care of	مراقبت کردن از	Save	نجات دادن
Above	بالا	Whale	نهنگ
Cat	گربه	Wildlife	حیات وحش
Cheetah	یوزپلنگ	Wolf	گرگ

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The police put his son under
a)nature b)break c)protection d)conversation
2. Here,the riverinto there channels.
a)divides b)draws c)attends d)shows
3. My grandmother is dead,but my grandfather is still
a)oral b)alive c)injured d)tall
4. Dadhis back moving some heavy boxes.
a)lost b)ached c)attacked d)injured
5. Food pricesby 10% in less than a year.
a)increased b)saved c)stuck d)began
6. She isher grandmother while her grandfather is in hospital.
a)sitting down b)filling out c)taking care of d)looking at
7. My father says he has noto buy the old house.
a)baggage b)plans c)gifts d)charity
8. The English exam the students are going to take next Monday isand they don't need a pen or a pencil.
a)written b)oral c)important d)hard
9. Ia strange noise coming from the room above.
a)heard b)raised c)listened d)hired
10. Smoking at homeyour baby's life.
a)sets b)protects c)endangers d)divides

پاسخنامه تست های واژگان بخش یک

1-c	2-a	3-b	4-d	5-a	6-c	7-b	8-b	9-a	10-c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2 New words & expression , reading

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
درک مطلب	Comprehension	دیگر - بیش از این	Anymore
زمین	Earth	توجه	Attention
دیگر - جز این	Else	خراب کردن - نابود کردن	Destroy
جنگل	Forest	منقرض شدن - پژمرده شدن	Die out
آینده	Future	عبارت - اصطلاح - بیان	Expression
اسب	Horse	امیدداشتن - امیدوار بودن	Hope
انسان - بشر	Human	شکار کردن	Hunt
جنگل	Jungle	شکارچی	Hunter
فقط - تنها	Only	شکار	Hunting
قسمت - بخش	Part	به جای - در عوض	Instead
تمرین - مشق - تمرین کردن	Practice	علاقه مند به	Interested
جاده	Road	جفت کردن - جور کردن	Match
بنابراین	Then	معنی دادن - منظور داشتن	Mean
ببر	Tiger	طبیعی	Natural
راه - روش	Way	دشت - جلگه	Plain
گورخر	zebra	اخیرا - به تازگی	Recently
درمیان	Among	تعداد کمی	Afew
		اطراف - دور	Around

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Things didn't seem to be important
a)any more b)then c)therefore d)among
2. We didn't see the girlthe crowd.
a)between b)above c)over d)among
3. It's notfor a child of his age to be so quiet.
a)natural b)hopeful c)fast d)funny
4. There were a lot of words andin the book ,and the teacher asked us to learn all of them.
a)attention b)commemoration c)expression d)festivals
5. The school was completelyby fire.
a)matched b)hunted c)destroyed d)saved
6. My unclethe color of his coat and his shirt.
a)showed b)drew c)sang d)matched
7. Erfan didn't study IT.,he decided to become an actor.
a)only b)above c)anymore d)instead
8. I want to buy her something really special if you know what I.....
a)hope b)mean c)match d)save
9. I don't know why many people don't pay attention to some animals that are in danger of
a)dying out b)filling out c)saving d)destroying
10. She tried to payto what he was saying.
a)comprehension b)commemoration c)attention d)celebration

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-a	2-d	3-a	4-c	5-c	6-d	7-d	8-b	9-a	10-c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3

grammar

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
غزال	Gazelle	مثبت - جمله مثبت	Affirmative
منفی	Negative	کسل کننده - خسته کننده	Boring
امروزه	Nowdays	انتخاب کردن	Choose
گیاه	Plant	متفاوت - مختلف	Different
شعر	Poem	به ویژه - مخصوصا	Especially
برنامه	Program	امتحان - آزمون	Exam
ساده	Simple	از روی امیدواری	Hopefully
ماندن	Stay	از دست دادن - باختن - گم کردن	Lose
زمان	Tense	کافی	Enough
زیر خط کشیدن	underline	مسافرت کردن - مگس - پرواز	Fly
		رایگان - آزاد - مجانی	Free

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. My father never talks to Alison's husband and says that he is about the mostperson in the family.
a)fantastic b)boring c)affirmative d)interesting
2. A: Is the water warmfor you? B:No,mom.It's cold.
a)much b)lake c)enough d)season
3. When he was writing ,heall sense of time.
a)flew b)attend c)recharged d)lost
4. Don't forget tothe tittle of the essay.
a)lose b)hope c)underline d)destroy
5. Parent send their children to different classes these days ,so they have very littletime.
a)busy b)origanal c)free d)simple
6. It is a serious problem ,.....for people who are already sick.
a)reagily b)especially c)only d)hopefully
7. Isabel went to Paris andthere for a year to study.
a)injured b)stayed c)browsed d)hired
8. The students that study in this school learned how to write their..... .
a)envelope b)homework c)ceremony d)programs
9. It took us ages toa new carpet.
a)underline b)choose c)paint d)match
10. Our teacher says that there is noanswer to this qustions ,but I don't think so.
a)cruel b)generouse c)simple d)neat

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-b	2-c	3-d	4-c	5-c	6-b	7-b	8-d	9-2	10-c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 4 Listening & speaking , pronunciation , writing ,

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
به دنبال.... رفتن - پیروی کردن	Follow	تعجب آور	Amazing
زرافه	Giraffe	مناسب	Appropriate
خلیج	Gulf	براساس - بر مبنای	Based on
مرغ	Hen	خطر	Danger
بلند - پر ارتفاع	High	خطرناک	Dangerous
اما - باین وجود - بنابراین	However	نظر - عقیده - ایده	Idea
مهم	Important	تشخیص دادن	Identify
اطلاعات - خبر - آگاهی	Information	تکیه صدا - آهنگ	Intonation
شیر	Lion	نامنظم - بی نظم - بی قاعده	Irregular
لیست - فهرست کردن	List	شبهه - مثل	Like
آهسته - یواش - کوتاه - پایین	Low	خود - مال خود	Own
نشانه - علامت	Marker	دوتا دوتا شدن - گروه دونفره تشکیل دادن	Pair out
موش ها	Mice	الگو	Pattern
بیشترین - حداکثر	Most	منظم - مرتب - باقاعده - همیشگی	Regular
موش	Mouse	قانون - قاعده	Rule
نقطه - دوره	Period	برنامه - جدول زمانی	Schedule
خلبان	Pilot	از قبیل - مثلاً	Such as
جمع	Plural	باهم دیگر	Together
اسم خاص	Proper	برج	Tower
گزارش	Report	هنوز - تاکنون	Yet
گزارش دادن	report	اضافه کردن - جمع بستن	add
بی خطر - امن - ایمن	Safe	هوا	Air
دوم - دومین - ثانیه	Second	خرس	Bear
مفرد	Singular	با حروف بزرگ نوشتن	Capitalize
برنامه - تدبیر - سیاست	Strategy	دایره - دور چیزی خط کشیدن	Circle

Common	اسم عام	Town	شهرک
Dolphin	دلفین	Type	نوع
End	انتهای - آخر	Verb	فعل
End	تمام شدن - پایان یافتن	Wild	وحشی
Enjoy	لذت بردن - برخوردار بودن از	Zoo	باغ وحش
Farmer	کشاورز	Zoo - keeper	مسئول باغ وحش

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. He was too far away to be able tofaces.
a)end b)browse c)identify d)circle
2. Theof a fire in the home increases during the holidays.
a)rule b)plan c)report d)danger
3. Colleges have to give a writtenon the progress of each student during the year.
a)report b)idea c)cast d)capital
4. It'show often you see drivers using mobile phones .
a)amazing b)endangered c)alive d)injured
5. When the teacher arrived ,I was drawing aon the paper.
a)strategy b)rule c)base d)circle
6. It is not..... for me to discuss that now.
a)high b)appropriate c)wild d)military
7. The trip you are taking is a long one.Do you have a(n)for the trip?
a)circle b)event c)schedule d)palace
8. My friend and I have started to learn French,and our new French teacher says that theof grammar in French are not easy.
a)rules b)end c)ideas d)passage
9. She doesn't feelin the house on her own.
a)dangerous b)safe c)wild d)low

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-c	2-d	3-a	4-a	5-d	6-b	7-c	8-a	9-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

Part 5

workbook

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Consider	بررسی کردن - در نظر گرفتن	Average	متوسط - میانگین - معمولی - عادی
Happen	اتفاق افتادن - رخ دادن	Keep	نگه داشتن
leave	ترک کردن - کنار گذاشتن	Kill	کشتن
Order	مرتب کردن - سامان دادن	Land	زمین کشاورزی - خشکی
Scramble	به هم ریختن - درهم ریخته	Letter	نامه - حرف
Span	مدت - فاصله زمانی	National	ملی
Whenever	هر وقت	Near	نزدیک - در نزدیکی
Wonderful	عالی - فوق العاده	Sheep	گوسفند
Also	همچنین	Till	تا - تا اینکه
Aquarium	اکواریم	too	همچنین - خیلی
camel	شتر		

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Each student is going toone of the sentences on page 52. Nobody will help them.
a)unscramble b)act c)draw d)lose
- We are stillwhere to move to.
a)keeping b)considering c)reporting d)adding
- There was an accident in the street this morning,and the driver was.....
a)loved b)herad c)stayed d)killed
- A: What does thatshow? B: It shows the rise in prices.
a)circle b)gift c)anthem d)chart
- Look carefully at these questions and mark your answers down in the right -hand
a)column b)tower c)rule d)drawing

6. The students looked at the graph on page 18 and ordered the animals on the page based on theirlife span.
a) simple b) average c) safe d) low
7. "a building where people go to look at fish and other water animals"
a) stadium b) gulf c) aquarium d) museum
8. Martin showed me aof their recent sales.
a) graph b) plow c) span d) quiz show
9. Generally speaking ,men have a shorterthan the women.
a) order b) rule c) danger d) lifespan
10. "I will call you tomorrow or the day after, Okay"
a) however b) whenever c) never d) where

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-a	2-b	3-d	4-d	5-a	6-b	7-c	8-a	9-d	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

ترجمه مکالمه درس اول پایه دهم صفحه ۱۹

Maryam is visiting the museum of Nature and Wildlife. She's talking to Mr. Razavi who works in the museum.

مریم در حال بازدید از موزه طبیعت و حیات وحش است. او با آقای رضوی که در موزه کار میکند، در حال صحبت کردن می باشد.

Maryam: Excuse me, what is it? Is it a leopard?

مریم: ببخشید، اون چیه؟ آیا این یک پلنگ است؟

Mr. Razavi: No, it is a cheetah.

آقای رضوی: نه، آن یک یوزپلنگ است.

Maryam: Oh, a cheetah?

مریم: اوه، یک یوزپلنگ؟

Mr. Razavi: Yeah, an Iranian cheetah. It is an endangered animal.

آقای رضوی: بله، یک یوزپلنگ ایرانی که یک حیوان در معرض خطر است.

Maryam: I know. I heard around 70 of them are alive. Yes?

مریم: می دانم. من شنیدم که حدود ۷۰ تا از آن ها زنده هستند، درسته؟

Mr. Razavi: Right, but the number will increase.

آقای رضوی: درسته، اما این تعداد افزایش خواهد یافت.

Maryam: Really?! How?

مریم: واقعا؟! چگونه؟

Mr. Razavi: Well, we have some plans. For example, we are going to protect their homes, to make movies about their life, and to teach people how to take more care of them.

آقای رضوی: خوب، ما یک سری برنامه داریم. به عنوان مثال، ما قصد داریم از خانه های آن ها مراقبت کنیم، فیلم هایی راجع به زندگی آن ها بسازیم، و به مردم آموزش دهیم که چگونه بیشتر از آن ها مراقبت کنند.

ترجمه ریدینگ درس اول پایه دهم صفحه ۲۲

" Endangered Animals"

حیوانات در معرض خطر

Today, there are some endangered animals on Earth. It means that we can find only a few of them around us. Some examples are whales, tigers and Asian elephants.

امروزه، تعدادی از حیوانات در معرض انقراض روی (کره) زمین وجود دارند. این بدان معنی است که مافقط تعداد کمی از آنها را میتوانیم در اطراف خود پیدا کنیم. تعدادی از این نمونه ها: نهنگ ها، پانداها، ببرها و فیل های آسیایی هستند.

Humans destroy the natural homes of the animals in the forests, lakes and plains. When the number of people on earth increases, they need more places for living. They cut trees and destroy lakes. They make home and roads instead. Then the animals don't have a place to live. They will die out.

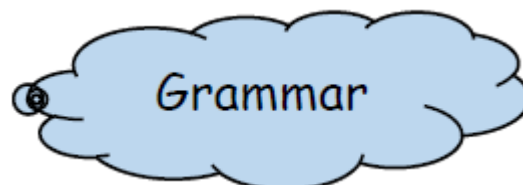
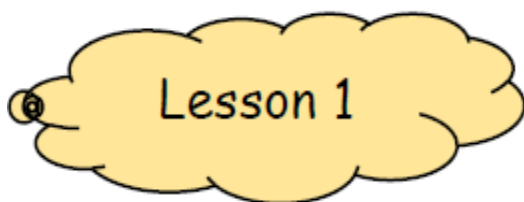
انسانها زیستگاههای طبیعی حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشتهای تخریب می کنند. هنگامی که تعداد انسانهای روی (کره) زمین افزایش می یابد، آنها به مکانهای بیشتری برای زندگی نیازمند هستند. آنها درخت ها را قطع و دریاچه ها را نابود میکنند. آنها در عوض، خانه و جاده میسازند. در این صورت حیوان ها مکانی برای زندگی کردن نخواهند داشت و از بین خواهند رفت .

The Iranian cheetah is among these animals. This wild animal lives only in the plain of Iran. Now there are only a few Iranian cheetahs alive. If people take care of them, there is hope for this beautiful animal to live.

یوزپلنگ ایرانی از جمله این حیوانات است. این حیوان وحشی فقط در دشتهای ایران زندگی می کند. اکنون فقط تعداد کمی از یوزپلنگهای ایرانی زنده هستند. اگر مردم مراقب آنها باشند، امید است این حیوان زیبا زنده بماند .

Recently, families pay more attention to nature, students learn about saving wildlife, and some hunters don't go hunting anymore. Hopefully, the number of cheetahs is going to increase in the future.

اخیراً، خانواده ها توجه بیشتری به طبیعت میکنند، دانش آموزان درباره نجات حیات وحش (مطالبی) می آموزند و برخی شکارچی ها دیگر به شکار نمیروند. خوشبختانه تعداد یوزپلنگها در آینده افزایش خواهد یافت.

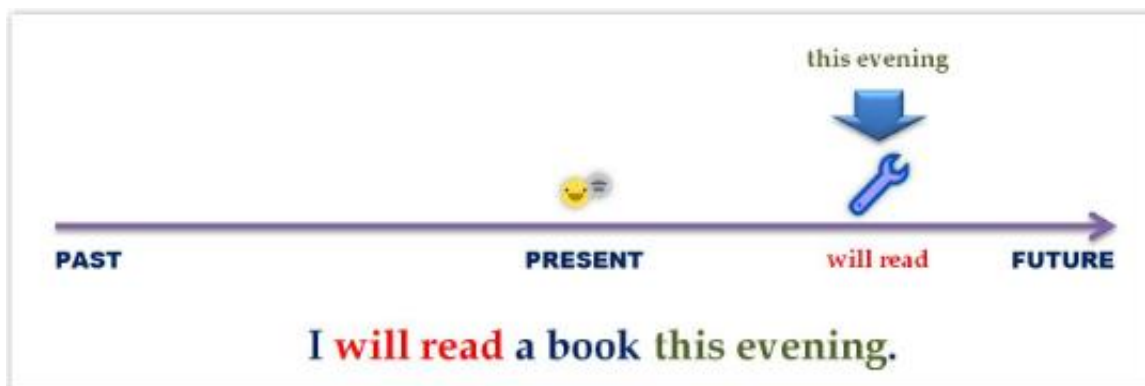


زمان آینده ساده Simple Future Tense

تعریف زمان آینده ساده: یا **future simple tense** یا **future tense** یکی از زمان های ۱۲ گانه اصلی در زبان انگلیسی است. به عملی اشاره دارد که در زمان آینده اتفاق بیافتد. منظور آینده ای است که بدون قصد قبلی و برنامه ریزی انجام بگیرد. ساختار این زمان پیچیدگی خاصی ندارد. و تشکیل یافته از یک فعل کمکی و یک فعلی اصلی است .

فرمول ساخت زمان آینده ساده

قید زمان	قید مکان	قید حالت	قسمت ساده فعل	فعل کمکی مورد نیاز will	فاعل
----------	----------	----------	---------------	--------------------------------	------



زمان آینده ساده

جملات مثبت .. + قسمت ساده فعل + will + فاعل	He will send you an email later. "او بعدا برای شما یک ایمیل خواهد فرستاد."
جملات منفی قسمت + will not/won't + فاعل ... + ساده فعل	He will not send you an email later. "او بعدا برای شما یک ایمیل نخواهد فرستاد."
جملات سوالی Will + فاعل + قسمت ساده فعل + ...?	Will he send you an email later? "آیا او بعدا برای شما یک ایمیل خواهد فرستاد؟"

قید های زمانی در تستها: که بیشتر در این زمان استفاده می شود عبارتند از:

1. **Tomorrow**
2. **Tomorrow** + (morning, afternoon, evening, night)
3. **Next** + (week, month, year)
4. **This** + (week, Monday, Thursday)
5. **Tonight**
6. **Soon**
7. **Later**

کاربردهای زمان آینده ساده:

(الف) برای بیان کردن عمل یا کاری که بطور ارادی و با انتخاب افراد صورت می گیرد.

- My mother will bake a cake for my friend's birthday.
"مادرم برای جشن تولد دوستم یک کیک **خواهد پخت**."

(ب) برای بیان واقعیات (facts) در زمان آینده از **will** استفاده می شود.

- I will take my university degree next year
"مدرک دانشگاهی ام را سال بعد **خواهم گرفت**."

(ج) برای بیان عمل یا کاری که در لحظه صحبت تصمیم به انجام آن داریم (قصد و تصمیم قبلی در کار نیست).

- Don't worry. I will lend you some money
"نگران نباش من بهت یه مقدار پول قرض می دهم."

(د) برای بیان کارهایی مثل قول دادن، پیشنهاد کمک دادن، تقاضا کردن، تهدید کردن و یا خرید کردن استفاده می شود.

I promise I will ask Liz to make an appointment to see Doctor Joe.
"به شما قول می دهم از لیز یک وقت ملاقات بگیرم تا دکتر جو را ببینی."

تست گرامری کنکوری

- I am sure you a lot better after days of rest.
a) Will feel* b) Felt c) Are feeling d) Would feel
- The weather forecast reports that the sun tomorrow.
a) Shine b) Will shine* c) Shined d) Didn't shine
- Don't get up, I the phone.
a) Am answering b) Answered c) Will answer* d) Answer
- A: Hello, may I speak to Jim, please? B: just a moment .Ihim.
a) Get b) will get* c) am getting d) am going to

زمان آینده ساده با Be going to

زمان آینده ی نزدیک (آینده ی قصدی)

از این زمان برای بیان کارهای قطعی و معین در زمان آینده ی نزدیک استفاده می شود. برای بیان قصد و برنامه ریزی و تصمیم انجام عملی در آینده استفاده می شود. در ترجمه این زمان از عباراتی نظیر قصد دارم یا می خواهم استفاده می کنیم.

فرمول و ساختار گرامری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	قسمت ساده فعل	(am, is, are) going to	فاعل
----------	----------	----------	-------	---------------	------------------------	------

جملات سوالی	جملات منفی	جملات مثبت	
Am I going to speak?	I am not going to speak.	I am going to speak.	I
Are you going to speak?	You are not going to speak.	You are going to speak.	you/we/they
Is he going to speak?	He is not going to speak.	He is going to speak.	he/she/it

کاربردهای Be Going to

الف) ما از قبل قصد و تصمیم به انجام کاری را در آینده گرفته ایم. (برنامه قبلی)

They're going to retire to the beach - in fact they have already bought a little beach house.	آنها به ساحل میروند و واقع آنها قبلا خانه کوچک ساحلی را در آنجا خریداری کرده اند.
I'm going to accept the job offer.	من پیشنهاد کاری را قبول خواهم کرد.

ب) زمانی که چیزی قرار است در آینده اتفاق بیافتد. (بر اساس شواهد)
بر اساس شواهد و یا تجربه شما احتمالا چیزی قرار است در آینده اتفاق بیوفتد.

فکر کنم که بارون قرار بیاد. یک قطره بارون را احساس کردم	I think it is going to rain - I just felt a drop
حالم خوب نیست فکر کنم دارم بالا بیارم.	I don't feel well. I think I'm going to throw up

ج) زمانی که چیزی در حال اتفاق افتادن می باشد.

برگرد! بمب الان ها هستش که منفجر بشه.	Get back! The bomb is going to explode
---------------------------------------	---

تست گرامری کنکوری

- I am going to to the radio.
a)listening b)listened c)listen* d)listens
- They're going to Isfahan by train.
a)travel b)traveling c)traveled d)to travel*
- Ali is to write a letter for his brother.
a)going* b)walking c)writing d)reading

انواع اسم در انگلیسی یا Nouns و تعریف آن‌ها

شاید پرکاربردترین ادات سخن یا «parts of speech» در زبان انگلیسی را بتوان «اسم» یا noun در نظر گرفت. به همین خاطر در این گفتار به بررسی انواع اسم در انگلیسی می پردازیم.

تعریف اسم، واژه‌ای است که به عنوان نام یک چیز مورد استفاده قرار می گیرد. در زبان انگلیسی ما انواع مختلفی از اسم‌ها را مشاهده می کنیم.

Common Noun یا اسم عام

اسم عام برای بیان نوع عمومی افراد، مکان‌ها و یا چیزها استفاده می شود.

... و car و house و animal و town و boy مثال:

همانطور که می بینید این اسامی به مکان، فرد یا چیز خاصی اشاره نمی کنند و معنای عمومی دارند. اسم های عام خود به انواع کوچکتری تقسیم می شوند؛ اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش، اسم های ذات و انتزاعی و همینطور اسامی جمع از این موارد هستند.

۲) اسم خاص یا Proper Noun

اسامی خاص برای اشاره به فرد، مکان یا چیزی مشخص و معلوم مورد استفاده قرار می گیرند. در زبان انگلیسی، اولین حرف اسم خاص، بزرگ نوشته می شود.

... یعنی «مریخ» و Mercury و Tehran و Anna و Jack مثال:

نکته مهم: قبل از اسم خاص معمولاً نباید از حروف تعریف یعنی a و an و the استفاده کرد. برخی اسم ها و برخی قواعد از این قاعده استثنا هستند، مانند the Sun و یا کاربرد زیر:

- Is he the John that won the match?

"آیا این همان جان است که مسابقه را برد؟"

۳) اسم مرکب یا Compound Noun

اسم های مرکب دو یا چند واژه هستند که در کنار همدیگر اسمی تازه را پدید آورده اند. اسم های مرکب گاهی یک واژه هستند مانند haircut یعنی «مدل مو» و گاهی با یک خط فاصله کوچک از هم جدا شده اند مثل son-in-law یعنی «داماد» و بعضی اوقات نیز دو کلمه جدا از هم می باشند مانند credit card به معنی «کارت اعتباری».

توجه: هنگام تلفظ اسم های مرکب، استرس روی بخش اول این اسم است.

نمونه های دیگر از این اسم ها، rainfall و sailboat و well-being و alarm clock هستند.

۴) اسامی قابل شمارش Countable nouns و غیر قابل شمارش Uncountable nouns

بطور خلاصه، اسم های قابل شمارش را می توان با عدد شمرد. مثل book که می توانیم بگوییم

one book و two books ...

اما اسم های غیر قابل شمارش برای یک فرد انگلیسی زبان قابل شمارش نیستند. مثل air به معنای «هوا» که

نمی توانیم بگوییم one air یا two airs.

۵) اسم جمع یا Collective Noun

اسم جمع در ظاهر خود مفرد است ولی معنای آن جمع است و به گروه یا تعداد خاصی از اشیاء یا مکان‌ها یا افراد اشاره دارد.

مثال **staff**: یعنی «تیم کاری» و **flock** یعنی گله، **Crowd, team, committee, people, police, family, cattle ...**

۶) اسم ذات یا Concrete Noun

اسم‌های ذات به افراد یا اشیایی اشاره می‌کنند که وجود فیزیکی دارند و حداقل توسط یکی از حواس پنجگانه قابل درک هستند. مثال **sheep** و **apple** و **table** و **ball** و ...

۷) اسم انتزاعی یا اسم معنی یا Abstract Noun

بر خلاف اسم ذات، اسم‌های انتزاعی قابل درک با حواس پنجگانه نیستند و وجود فیزیکی ندارند. این اسامی، افکار و اندیشه‌ها و عواطف و احساسات را نام‌گذاری می‌کنند. توجه داشته باشید که بسیاری از اسم‌های انتزاعی، طبیعتاً غیر قابل شمارش نیز هستند.

Democracy, liberty, justice, wealth, truth, knowledge, fun, happiness, health

۸) اسم مصدر یا Gerund

پیشتر با نقش **verbal** آشنا شدیم و انواع آن را دیدیم. یکی از این انواع دارای **ing** است و با نام **gerund** یا اسم مصدر شناخته می‌شود. این اسم ساخته شده از یک فعل و شبیه آن است. و به همین خاطر گاهی با فعل اشتباه گرفته می‌شود.

- **Running** is good for your health. "دوندگی برای سلامتی شما مفید است"

اسم **running** اینجا به مفهوم دویدن که یک پدیده و چیز است اشاره می‌کند.

نمونه‌هایی دیگر از این نوع اسم **reading** و **thinking** و **trying** و **climbing** و ...

تسلط روی انواع اسامی در انگلیسی نیازمند تمرین است. تلاش کنید که انواع اسم یا **noun** هایی که از این پس و در میان متون مختلف مشاهده می‌کنید را تعیین کنید.

مفرد و جمع بستن اسامی در زبان انگلیسی:

برای جمع بستن کلمات در زبان انگلیسی روش های مختلف و جذابی وجود دارد که البته این روشها را به طور کامل و مفصل در زبان انگلیسی کتاب دهم یعنی همین درس آنها را خواهید خواند.

برای جمع بستن اسمهای مفرد با قاعده به آخر آنها "s" یا "es" اضافه می کنیم.

نکته مهم ۱: اگر حرف آخر اسم مورد نظر به یکی از حروف "z- o- x- ch- sh- ss- s" ختم

شود بایستی به آخر آن اسم "es" اضافه کرد تا جمع شوند. در غیر این صورت "s" به آخر اسم مورد نظر اضافه می شود.

a book = books

a glass = glasses

a box = boxes

الف) با افزودن s و es و ies به اسامی مفرد باقاعده، صورت جمع آنها را می سازیم:

Bus → bus <u>es</u>	Bench → bench <u>es</u>	cliff → cliff <u>s</u>	roof → roof <u>s</u>
baby → baby <u>ies</u>	country → countr <u>ies</u>	photo → photo <u>s</u>	potato → potato <u>es</u>
ball → ball <u>s</u>	boy → boy <u>s</u>	dish → dish <u>es</u>	kilo → kilo <u>s</u>
Song → song <u>s</u>	box → box <u>es</u>	church → church <u>es</u>	class → class <u>es</u>

ب) بعضی اسامی که به f یا fe ختم می شوند، در صورت جمع بسته شدن تبدیل به ves می شوند:

Calf → cal <u>ves</u>	life → liv <u>es</u>	thief → thiev <u>es</u>	leaf → leav <u>es</u>
half → hal <u>ves</u>	loaf → loav <u>es</u>	wolf → wolv <u>es</u>	shelf → shelv <u>e</u>
knife → kniv <u>es</u>	self → selv <u>es</u>	scarf → scarv <u>es</u>	wife → wiv <u>es</u>

ج) بعضی اسامی در صورت جمع بسته شدن شکلشان عوض می شود که بایستی آنها را حفظ کرد:

Man → men	foot → feet	child → children	mouse → mice
woman → women	tooth → teeth	ox → oxen	person → people

د) بعضی اسامی صورت مفرد و جمع یکسان دارند:

One deer → two deer	one series → two series	one sheep → two sheep
one fish → two fish	one means → two means	one species → two species

ه) بعضی اسامی که از زبان های دیگر وارد انگلیسی شده اند، صورت جمع خارجی دارند:

Datum → data	crisis → crises	analysis → analyses
criterion → criteria	basis → bases	medium → media
bacterium → bacteria	hypothesis → hypotheses	parenthesis → parentheses

ی) **طریقه جمع بستن اسمهای مرکب:**

در این کلمات فقط اسم دوم "s" یا "es" جمع میگیرد و اسم اول بدون تغییر در این حالت در نقش یک صفت بصورت مفرد باقی می ماند.

Workbook	Workbooks	Taxi driver	Taxi drivers
Bus stop	Bus stops	Police station	Police stations
Book store	Book stores	Post office	Post offices

نکته: اسم های مفردی که به حرف "y" ختم می شوند . هنگام جمع بستن ، چنانچه قبل از یک حرف بی صدا بیاید، حرف "y" به "i" تبدیل می شود بعد از این تبدیل به اسم مورد نظر "es" اضافه می کنیم. اما اگر قبل از حرف "y" یک حرف صدadar قرار بگیرد آن اسم فقط "s" جمع می گیرد.

key	keys	City	Cities
Boy	Boys	Country	Countries
toy	toys	baby	babies

برخی از اسامی غیر قابل شمارش رایج به شرح ذیل می باشد:

Baggage, clothing, equipment, food, fruit, furniture, garbage, hardware, jewelry, luggage, mail, makeup, mine, cash, change	چیزهایی که از یک جنس باشند:
Water, coffee, tea, milk, oil, soup, gasoline, blood ...	مایعات:
Ice, bread, butter, cheese, meat, gold, iron, glass, paper, wood.....	جامدات:
Steam, air, oxygen, smoke, smog, pollution, sugar.....	گازها:
Rice, chalk, corn, dirt, dust, flour, grass, hair, pepper, salt	

Beauty, confidence, courage, education, fun, health, help, intelligence, important, knowledge, luck, music, peace, patience, truth, progress, sleep, violence, wealth, happiness, Advice, information, news, evidence, proof ... Time, space, energy, homework, work, grammar, vocabulary	اسم های معنی (انتزاعی):
English, Arabic, Chinese, Spanish ...	زبان ها:
Chemistry, engineering, history, literature, psychology, mathematics, physics ...	رشته های تحصیلی:
Baseball, soccer, tennis, chess, poker, billiards ...	سرگرمی ها:
Driving, studying, swimming, traveling, walking, diving...	فعالیت های عمومی:
Weather, fog, heat, lightning, rain, snow, wind, thunder, darkness, light, sunshine, fire, electricity, gravity ...	پدیده های طبیعی:

لغات و مترادف های ضروری در کنکور از درس اول دهم

travel = journey

together ≠ alone

die out = extinct

plural ≠ singular

schedule = timetable

appropriate = suitable

a few ≠ many

increase ≠ decrease

voluntary ≠ obligatory

protect ≠ hurt = injure

especially = particularly

destroy ≠ make = build

alive ≠ dead

natural ≠ artificial

حروف تعریف : Article

حروف تعریف نامعین (نکره) در زبان انگلیسی

حروف تعریف نامعین قبل از اسامی مفرد و یا جمع می آیند و نشان میدهند که آن اسم برای شنونده نامعین و نامشخص است. این حروف تنها قبل از اسامی عام می آیند و قبل از اسامی خاص استفاده نمیشوند. حروف تعریف نامعین شامل **a - an - some - any** می باشند.

an و a کاربرد حروف تعریف نامعین:

هر دو از معرفهای اسم در انگلیسی به شمار میروند و فقط قبل از اسم مفرد قابل شمارش به کار میروند و نشان می دهند که آن اسم برای شنونده نامعین است. در فارسی معادل "یک، ی نکره" می باشند. حرف تعریف an قبل از اسمی به کار میرود که با یک حرف صدادار (a - e - i - o - u) شروع شده باشد.

- We have **a** big classroom. "ما یک کلاس بزرگ داریم."
- She wants to buy **an** umbrella. "او میخواهد که یک چتر بخرد"
- They are working on **a** project this term ". "آن ها این ترم بر روی یک پروژه جدید کار میکنند"
- Ramin is watching **an** American movie . "رامین دارد یک فیلم آمریکایی تماشا میکند"

نکته: حروف تعریف **a** و **an** همیشه نشان دهنده نامعین بودن اسم برای ما نیستند و گاهی نشان دهنده طبقه بندی هستند. به مثال زیر توجه کنید:

- My mother is **a** doctor. "مادر من یک دکتر است"

در این جمله اسم **doctor** نامعین نیست، بلکه نویسنده میخواهد بگوید که مادرش در طبقه دکترها قرار دارد.

any و some کاربرد حروف تعریف نامعین

حرف تعریف "**some**" به معنای "تعدادی، مقداری" در جملات خبری مثبت به کار میرود و قبل از اسامی قابل شمارش جمع و یا اسامی غیر قابل شمارش می آید. کلمه "**any**" به معنای "هیچ" در جملات سوالی

و منفی به کار میرود و قبل از اسامی قابل شمارش و یا غیر قابل شمارش می آید. با توجه به مثالهای زیر کاربرد این دو را درک خواهید کرد:

- My brother wants to read some boo .
• "برادرم میخواند **تعدادی** کتاب بخواند. (جمله مثبت)"
- He doesn't have any money .
• "او **هیچ** پولی ندارد. (جمله منفی)"
- Do you want any water?
• "آیا آب میخواهید؟ (جمله سوالی)"

نکته: اگر در جملات سوالی بدانیم جواب مثبت است و یا انتظار جواب مثبت را داشته باشیم از خود "some" استفاده میکنیم:

- I think you are hungry. Do yo want some food?
• "فکر میکنم گرسنه هستید. آیا **مقداری** غذا میخواهید؟"

حرف تعریف the در زبان انگلیسی

کلمه "the" یکی از **معرف های اسم** و یکی از رایج ترین و پر کاربردترین کلمات انگلیسی می باشد. مطمئنا خیلی ها موارد استفاده آنها را به درستی نمیدانند و به شکل ناخود آگاه به کار میبرند. حرف تعریف "the" تنها حرف تعریف معین در زبان انگلیسی میباشد. زمانی از حرف تعریف the همراه اسم استفاده میکنیم که آن اسم به نحوی برای شنونده معرفه (معین و شناخته شده) باشد. در غیر این صورت از **حروف تعریف نامعین** استفاده میشود. این حرف تعریف معنی خاصی ندارد و بعضی وقتها معنی "آن" میدهد.

چه زمانی باید از حرف تعریف the استفاده کرد؟

(۱) در مورد اسمی که قبلا به آن اشاره شده است از حرف تعریف **the** استفاده میشود:

- Mike was driving a car yesterday. The car was very modern.
• "مایک دیروز داشت با یک ماشین رانندگی میکرد. **آن ماشین** (ماشینه) خیلی مدرن بود."
- I saw my father with a man. I think the man was one of his old friends.
• "پدرم را به همراه یک مرد دیدم. فکر میکنم **آن مرد** (مرده) یکی از دوستان قدیمی اش بود."

(۲) صحبت در مورد چیزی که در یک محلی فقط یک مورد از آن وجود دارد، حتی اگر قبلاً به آن اشاره نشده باشد:

- We went on a walk in the forest yesterday.
"ما دیروز برای پیاده روی به جنگل رفتیم. (در آن مکان فقط یک جنگل وجود دارد)"
- Where is the bathroom of this house?
"حمام این خانه کجاست؟"
- Turn left and go to number 45. Our house is across from the Italian restaurant.
"پیچ به چپ و برو به شماره ۴۵. خانه ما روبروی رستوران ایتالیایی است."
- My father enjoyed the book you gave him.
"پدرم از کتابی که به او دادی لذت برد."

(۳) هنگامی که شخص یا چیز خاصی را معرفی یا شناسایی میکنیم از the استفاده میشود:

- The writer of this book is famous. "نویسنده این کتاب مشهور است."
- I scratched the red car parked outside.
"من روی ماشین قرمز که در بیرون پارک شده خط انداختم."
- He is the doctor I came to see.
"او دکتری است که آمدم ببینمش."

(۴) با اسامی منحصر به فرد از حرف تعریف معین the استفاده میشود:

- The sun rose at 6:17 this morning .
• "امروز خورشید ساعت ۶ و ۱۷ دقیقه طلوع کرد"
- You can go anywhere in the world.
• "شما در جهان به هر جایی میتوانید بروید"
- There are millions of stars in the sky.
• "میلیونها ستاره در آسمان وجود دارند"
- The president will be speaking on TV tonight.

(۵) قبل از صفت عالی (برترین) و اعداد ترتیبی از **the** استفاده میشود:

- This is **the oldest** building house in our city.
"این ساختمان **قدیمیترین** ساختمان شهرمان است."
- She read **the last** chapter of her new book first.
"او ابتدا **آخرین** فصل کتاب جدیدش را خواند."
- Saeid is **the happiest** person I've ever seen.
"سعید **شادترین** فردی است که تا به حال دیده ام."
- This is **the third time** I have called you today.
"امروز این **سومین باری** است که امروز به تو زنگ زده ام."

(۶) با صفاتی که به تمام افراد از یک گروه یا دسته اشاره دارند از حرف تعریف **the** استفاده میشود:

- **The elderly** require special attention.
"**سالمندان** نیازمند توجه ویژه هستند."
- She has given a lot of money to **the poor**.
"او پول زیادی به **فقرا** داده است."
- **The Americans** enjoy fast food.
"**آمریکایی** ها عاشق فست فود هستند."

(۷) همراه با نام دهه ها از **the** استفاده میشود.

- He was born in **the seventies**.
"او در **دهه هفتاد** متولد شده است."
- This is a painting from **the 1820's**.
"این نقاشی متعلق به دهه ۲۰ سال **۱۸۰۰** میباشد."

(۸) در جمله ای که با **only** توصیف شده است از حرف تعریف معین **the** استفاده میشود:

- You are **the only person** he will listen to.
"تو **تنها شخصی** هستی که او به حرفش گوش میدهد."
- **The only** fast food I like is hamburger.
"**تنها** فست فودی که دوست دارم همبرگر است."

- Real Madrid is the only team that I watch its matches.

"رئال مادرید تنها تیمی است که مسابقاتش را تماشا میکنم."

(۹) همراه با نام مکانهای جغرافیایی یعنی رودخانه ها، رشته کوهها، مجمع الجزایر، کانالها و اقیانوسها از the استفاده میشود:

- Our ship crossed the Atlantic in 7 days.
"کشتی ما در مدت هفت روز از اقیانوس اطلس گذشت."
- The Nile is the longest river in the world.
"نیل طولانی ترین رود جهان است."
- Hiking across the Rocky Mountains is difficult.
"بالا رفتن از رشته کوه های راکی مشکل است."

They are travelling in the Arctic.

"آنها در قطب شمال مشغول مسافرت هستند."

نکته: اگر کلمات mount کوه، sea دریا و lake دریاچه قبل از اسم به کار بروند دیگر از the استفاده نمی شود:

- Mount Everest is the highest mount in the world.
"کوه اورست بلندترین کوه جهان است."

(۱۰) با اسم کشورهایی که بصورت جمع هستند یعنی در آخرشان s جمع دارند از the استفاده میشود:

- I have never been to the Netherlands.
"من هرگز در هلند نبوده ام"
- Do you know anyone who lives in the Philippines?
"آیا کسی را سراغ داری که در فیلیپین زندگی کند؟"

(۱۱) همراه اسم کشورهایی که در ابتدای آنها کلمات "republic"، "kingdom" و "states" باشد، از حرف تعریف معین the استفاده میشود:

- They work in the United States.
"آنها در ایالات متحده کار میکنند."

- She is visiting the United Kingdom.

"او از انگلستان دیدن میکند."

- James is from the Republic of Ireland.

"جیمز اهل جمهوری ایرلند است."

(۱۲) همراه اسم روزنامه ها از **the** استفاده میشود:

- I read that news in the Guardian.

"من آن خبر را در گاردین خواندم."

- She works for the New York Times.

"او برای نیویورک تایمز کار میکند."

(۱۳) اگر کلمات **university** و **college** قبل از اسم به کار بروند از حرف تعریف **the** استفاده می کنیم:

- Julia graduated from the University of California last year.

"جولیا سال قبل از دانشگاه کالیفرنیا فارغ التحصیل شد."

- My sister is studying music at the College of Modern Arts.

"خواهرم در دانشکده هنرهای مدرن موسیقی میخواند."

(۱۴) همراه با اسامی ساختمانهای معروف، کارهای هنری، موزه ها و بناهای یادبود، حرف تعریف معین **the** به کار میرود:

- Have you been to the Vietnam Memorial?

"آیا تا کنون در مراسم یادواره ویتنام بوده ای؟"

- We went to the Louvre and saw the Mona Lisa.

"ما به موزه لوور رفتیم و تالبوی مونا لیزا را دیدیم."

- I would like to visit the Milad Tower.

"دوست دارم که برج میلاد را ببینم."

چه موقع نباید از حرف تعریف the استفاده کرد؟

(۱) با اسامی کشورها (بجز مواردی که در بالا گفته شد) از حرف تعریف **the** استفاده نمیشود:

- Iran is a beautiful country. "ایران یک کشور زیبا است."
- Japan is a modern country. "ژاپن یک کشور مدرن است"

(۲) با اسم زبانها در انگلیسی از **the** استفاده نمیشود:

- French is a difficult language to learn. "زبان فرانسوی یک زبان سختی برای یادگیری است."
- English is taught in many countries. "زبان انگلیسی در بسیاری از کشورها تدریس میشود."

(۳) همراه با اسم وعده های غذایی از **the** استفاده نکنید:

- What do you have for lunch? "برای ناهار چی دارید؟"
- I drink a glass of milk in breakfast. "من در صبحانه یک لیوان شیر مینوشم."

(۴) با اسم افراد حرف تعریف **the** به کار نمی رود:

- John is my best friend. "جان بهترین دوست من است."
- Sara works in a modern company. "سارا در یک شرکت مدرن کار میکند."

(۵) به همراه عناوینی که با اسم ترکیب شده اند از **the** استفاده نمیشود:

- President Kennedy was assassinated in dallas. "رییس جمهور کندی در دالاس ترور شد."

(۶) همراه با اسم شغل ها و حرفه ها **the** به کار نمی‌رود:

- He'll probably study medicine.

"احتمالا او پزشکی خواهد خواند."

(۷) همراه با سالها از حرف تعریف **the** استفاده نمیشود:

- 2018 was a wonderful year for Luka Modric.

"سال ۲۰۱۸ یک سال فوق العاده برای لوکا مودریچ بود."

(۸) همراه با اسامی غیر قابل شمارش در حالت کلی، **the** به کار نمی‌رود:

- Rice is an important food in Iran.

"برنج در ایران یک غذای مهم است."

- Peace is the most beautiful thing in the world.

"صلح بهترین چیز در جهان است."

(۹) با اسامی جزایر، کوهها و دریاچه های منحصر به فرد **the** به کار نمی‌بریم:

- Mount Damavand is the highest mountain of Iran.

"کوه دماوند بلندترین کوه ایران است."

- He lives near Lake Zaiivar.

"او نزدیک دریاچه زریوار زندگی میکند."

(۱۰) همراه با اکثر اسامی شهرها، خیابانها، ایستگاه ها و فرودگاه ها **the** استفاده نمیشود:

- Can you take me to Azadi street?

"میشه ما را به خیابان آزادی ببری؟"

- She lives in Florence.

"او در شهر فلورانس زندگی میکند."

- Victoria Station is in the center of London.

"ایستگاه ویکتوریا در مرکز لندن است."

زبان دهم

درس دوم

Wonders of creation

And of Allah's Signs of Power is the
creation of the heavens and the Earth

Al-Rum 22

"و یکی از نشانه های قدرت خداوندی خلقت آسمانها و زمین است"

(آیه ۲۲ سوره روم)

واژگان و نکات گرامری درس دوم پایه دهم

Part 1

Get ready & Conversation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
مورچه	Ant	شبیه - مانند - هم	Alike
سیاره مشتری	Jupiter	خون	Blood
سیاره مریخ	Mars	خلق کردن - ایجاد کردن	Create
سیاره تیر - عطارد	Mercury	خلق - ایجاد	Creation
میکروسکوپ	Microscope	چرخیدن - گشتن	Go around
ماه	Moon	قلب	Heart
سیاره نپتون	Neptune	بهشت - فردوس	Heaven
سیاره	Planet	جالب	Interesting
حلقه - مدار	Ring	رصد خانه	Observatory
سیاره زحل - کیوان	Saturn	مدار	Orbit
سایز - اندازه	Size	چرخیدن - دور زدن	Orbit
بنابراین	So	قدرت - نیرو	Power
تلسکوپ	Telescope	نیرومند - قوی	Powerful
از	Than	سنگی - سنگلاخ	Rocky
سیاره اورانوس	Uranus	علامت - نشانه	Sign
سیاره ناهید - زهره	Venus	امضا کردن	Sign
بدون	Without	حیرت - تعجب	wonder

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The gift my mother received is really
a)fat b)dry c)generous d)wonderful
2. The way you talked to the teacheralot of problems.
a)orbited b)sneezed c)created d)powered
3. There arethat the situation is getting better.
a)rings b)heavens c)wonders d)sings
4. As you say, the place is now anand seemed quite suitable for my prohect.
a)observatory b)telescope c)microscope d)moon
5. The satellite willthe Earth for the next 15 years.
a)consider b)get c)orbit d)unscramble
6. I think my mother and I are very muchin some ways.
a)hard b)alike c)near d)simple
7. Sometimes Iif he is got any sense at all.
a)wonder b)practice c)worry d)consider
8. He believed that he and his wife would one day be together again in
a)passage b)observatory c)heaven d)Jupiter
9. Good teamwork is adevice for becoming successful.
a)rocky b)generous c)high d)powerful
10. After the storm we wereelectricity for five days.
a)without b)besides c)among d)near.

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-d	2-c	3-d	4-a	5-c	6-b	7-a	8-c	9-d	10-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2

New words & Expression , Reading

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
مفید	Useful	در مقابل - برخلاف	Against
بدن - تنه - جسد	Body	نترس - شجاع	Brave
کربن	Carbon	بردن - حمل کردن	Carry
سلول	Cell	جمع آوری کردن	Collect
روشن - واضح - مشخص	Clear	دفاع کردن	Defand
روزانه	Daily	هدیه دادن - اهدا کردن	Donate
نصف - نیم	Half	قطره	Drop
میکروب	Microbe	انداختن - چکاندن	Drop
میلیون	Million	ورزش	Exercise
رنگ نقاشی - نقاشی کردن	Paint	حقیقت - واقعیت	Fact
پلاسما - خوناب	Plasma	معروف - مشهور	Famouse
تلمبه کردن - پمپاژ کردن	Pump	سالم - تندرست	Healthy
واقعی	Real	مایع	Liquid
سرباز	Soldier	حرکت کردن - اسباب کشی	Move
هزار - شمار زیادی	Thousand	گرد - مدور	Round
		قوی - نیرومند	Strong

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Simin Danshvar is one of the mostwriters of Iran.
a)cheap b)famous c)correct d)wrong
2. Students should be ready to explain andtheir views.
a)pump b)carry c)look d)defend
3. There are more airplanesmore people than ever before.
a)carrying b)clearing c)breaking d)collecting
4. There was a(n)of paint on her scarf.
a)cast b)body c)drop d)plasma
5. They use solar panels forenergy from the sun.
a)collecting b)keeping c)wondering d)powering
6. Be veryabout what jobs should be completed,and by when.
a)useful b)healty c)strong d)clear
7. An accidentwhen a driver drives fast and carelessly.
a)moves b)happen c)reports d)raises
8. Drink plenty of ,such as water ,juice or tea.
a)liquids b)drops c)cells d)microbes
9. All these men do daily exercise,and they are all..... .
a)lazy b)clear c)healthy d)easy
10. What I am saying is based on
a)types b)facts c)pumps d)charity

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-b	2-d	3-a	4-c	5-a	6-d	7-b	8-a	9-c	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3 grammar

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
طلا	Gold	درواقع - عملاً	Actually
طلایی	Golden	مقایسه ای - تطبیقی	Coparative
فلز	Metal	مقایسه کردن	Compare
مدرن - معاصر - پیشرفته	Modern	توصیف کردن - شرح دادن	Describe
کشور - ملت	Nation	گران	Expensive
کوسه	Shark	اشاره - کنایه	Hint
نقره	Silver	عجیب - غریب - غیر عادی	Strange
بدتر	Worse	عالی - بی نظیر	Superlative
بدترین	worst	صفت	Adjective
		دور	far

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. She had beautifulhair that shone in the light of the room.
a)superlative b)strange c)wrost d)golden
2. A:What are the windows made of? B: They are all made of
a)liquid b)metal c)marker d)plain
3. There is no.....reason to worry .
a)rockey b)real c)far d)gold
4. Is not ithow animals seem to sense danger?
a)health b)near c)strange d)powerful
5. Come on,what is it ? Give me a
a)hint b)metal c)silver d)gold
6. The reportthe different types of home computer that you can buy.
a)says b)carries c)drops d)compares

7. It is difficult tohow I feel.
a)describe b)go around c)collect d)clear
8. Do you know thatlooks good on people with dark hair?
a)golden b)gold c)metal d)shark
9. They could hear the sound of water notaway.
a)near b)real c)far d)round
10. Don't say anything ,you will only make matters .
a)worse b)silver c)useful d)wonderful
11. The tall building with itswalls is the first thing that gets your attention from far away.
a)real b)injured c)suitable d)rocky
12. Allof happiness were present, and we wanted to celebrate the event.
a)signs b)powers c)stories d)positions
13. After arriving at the,the visitor startedat Uranus through the telescope .
a)observatory / watching b)observatory / looking
c)baggage reclaim / watching d)baggage reclaim / looking
14. Among the different,water is the only one we need to live.
a)types of liquids b)kinds of planets
c)sorts of foods d)drops of liquids
15. The information you are going toabout the new system shows that our future is important for you.
a)carry b)cross c)collect d)correct

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1- d	2-b	3-b	4-c	5-a	6-d	7-a	8-b	9-c	10-a
11-d	12-a	13-b	14-a	15-c					

Part 4 Listening&speaking, writing, pronunciation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
فعال	Active	در خارج - به خارج	Abroad
عصبانی	Angry	علامت - پیکان - فلش	Arrow
شدن	Become	عبور کردن از	Cross
هر دو	Both	لذیذ - خوشمزه	Delicious
مغز	Brain	جزئیات	Detail
بررسی کردن - کنترل کردن	Check	روبه پایین	Downward
ابری	Cloudy	عنصر - رکن - قسمت - بخش	Element
عمیق	Deep	اضافی	Extra
چرب - پر چربی	Fatty	درباره - از نظر	In term of sth
نو - تازه	Fresh	خندیدن	Laugh
سرگرمی - تلخ	Fun	روشن کردن - سبک	Light
خنده دار - سرگرم کننده	Funny	ماده - مواد - مطلب - اطلاعات	Material
متوسط	Medium	نظر - عقیده	Opinion
ملیت	Nationally	باادب	Polite
اندام - عضو	Organ	کیفیت	Quality
لفل	Pepper	مناسب	Suitable
مطمئن	Sure	نوبت - دورزدن	Turn
چوبی	wooden	زشت	Ugly
		روبه بالا	upward

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. If you had any,you would know what I meant.
a)charts b)brains c)graphs d)passages
2. After my son finishes his school , I am going to send him I want him to study at a university in a European country.
a)abroad b)a celebration c)a gift d)outside
3. She thinks she is,but she is not.
a)rocky b)deep c)ugly d)alike
4. It is all theof national power.
a)elements b)arrows c)lights d)regions
5. The police always ask the drivers to takecare.
a)extra b)longer c)negative d)ready
6. She often goeson business.
a)around b)up c)down d)abroad
7. The students studying in this school are not rude . They are very
a)busy b)neat c)polite d)shy
8. Can you name a dark hardthat we need to make cars.
a)fact b)material c)hint d)type
9. He asked his wife son every important decision.
a)exercise b)quality c)opinion d)element
10. Fry the onions over aheat unit they are golden.
a)medium b)wooden c)upward d)downward

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-b	2-a	3-c	4-a	5-a	6-d	7-c	8-b	9-c	10-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5

Work book

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Area	منطقه	Bacteria	باکتریها
Definition	تعریف - معنی	Busy	شلوغ - مشغول
Disease	بیماری - از بیماری رنج بردن	Cheap	ارزان
Even	حتی	Close	نزدیک، بستن
Fight	جنگیدن - مبارزه کردن	Control	کنترل کردن - هدایت کردن
Look	به نظر رسیدن - دیدن - نگاه کردن	Inside	درون
neighbour	همسایه	Sick	بیمار
On ones own	به تنهایی - بدون کمک	still	هنوز

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The police were interviewing all their friends and
a)diseases b)stars c)lenses d)neighbors
- Do youhave Julies phone number?
a)still b)yet c)only d)inside
- About three million people suffer from the
a)disease b)neighbor c)way d)definition
- Her car was locked ,and the keys were
a)golden b)near c)inside d)instead
- When our grandmother waswe took her to the hospital and had a nurse take a care of her.
a)disease b)kind c)mumps d)sick
- He became quite successful andappeared on a television show once.
a)even b)weekly c)never d)about

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-d	2-a	3-a	4-c	5-d	6-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----

ترجمه مکالمه درس دوم پایه دهم صفحه ۴۷

Alireza is visiting an observatory. He is talking to **Ms. Tabesh** who works there.

علیرضا در حال دید و بازدید از یک رصد خانه می باشد. او در حال صحبت کردن با خانم تابش که در آنجا مشغول کار است می باشد.

Ms. Tabesh: Are you interested in the planets?

خانم تابش: آیا شما به سیارات علاقه مند هستید.

Alireza: Yes! They are really interesting for me, but I don't know much about them.

علیرضا: بله برای من سیارات جالب هستند. اما متأسفانه چیز زیادی در مورد آنها نمی دانم.

Ms. Tabesh: Planets are really amazing but not so much alike. Do you know how they are different?

خانم تابش: سیاره ها حقیقتاً شگفت انگیز هستند اما آنها بهم شبیه نیستند. آیا فرق بین آنها را می دانید.

Alireza: Umm... I know they go around the Sun in different orbits.

علیرضا: من می دانم که سیارات در مدارهای مختلف و متفاوتی دور تا دور خورشید می چرخند.

Ms. Tabesh: That's right. They have different colors and sizes, too. Some are rocky like Mars, some have rings like Saturn and some have moons like Uranus.

خانم تابش: بله حقیقت دارد. سیارات همچنین دارای رنگها و اندازه های متفاوتی هستند. بعضی از آنها مانند مریخ، صخره ای و سنگلاخی می باشند. بعضی هم مانند سیاره زحل دارای حلقه می باشند و بعضی هم مانند سیاره اورانوس قمر یا ماه دارند.

Alireza: How wonderful! Can we see them without a telescope?

علیرضا: واقعاً شگفت انگیز است. آیا ما می توانیم آنها را بدون تلسکوپ مشاهده کنیم

Ms.Tabesh: Yeah..., we can see the planets nearer to us without a telescope, such as Mercury, Venus, Mars, Jupiter and Saturn. We can see Uranus and Neptune only with powerful telescopes.

خانم تابش: بله. ما می توانیم سیاره های نزدیک تر به خود را مانند عطارد، ونوس، مریخ، مشتری و زحل را بدون تلسکوپ ببینیم. ولی فقط با تلسکوپهای قوی می توانیم سیاره های از قبیل اورانوس و نپتون را ببینیم.

Alireza: And which planet is the largest of all?

علیرضا: کدام سیاره از دیگر سیارات بزرگتر می باشد.

Ms.Tabesh: Jupiter is the largest one. It has more than sixty moons. Do you want to look at it?

خانم تابش: سیاره مشتری بزرگترین سیاره است. بیش از ۶۰ قمر دارد. آیا دوست داری به سیاره مشتری نگاه کنی

Alireza: I really like that

علیرضا: بله واقعا دوست دارم

ترجمه ریدینگ درس دوم پایه دهم صفحه ۵۰

یک مایع شگفت انگیز A Wonderful Liquid

The human body is a real wonder. It is sometimes good to think about our body and how it works. Our body is doing millions of jobs all the time.

واقعا بدن انسانها بسیار شگفت انگیز است. گاهی اوقات بهتر است که در مورد بدنمان و اینکه به چه صورت کار می کند درباره اش فکر کنیم. بدن ما به طور همزمان قادر به انجام میلیونها کار می باشد.

One of the most important parts of the body is blood. The heart pumps this red liquid around the body. This keeps us healthy and alive.

یکی از مهمترین بخش های بدن ما انسانها خون است. قلب این مایع قرمز رنگ را به سرتاسر بدن پمپاژ می کند. این پمپاژ کردن خون ما را سالم و زنده نگه می دارد.

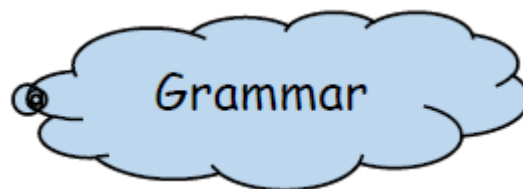
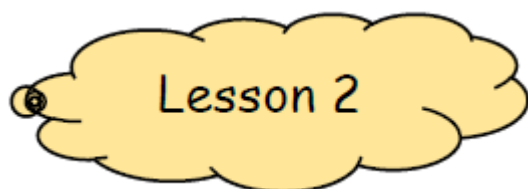
More than half of blood is plasma. This is a clear and yellow liquid. It carries red and white cells. There are millions of red blood cells in one

small drop of blood. They carry oxygen round the body and collect carbon dioxide from body parts. There are thousands of white cells in a drop of blood. They are bigger than red cells. They defend our body against microbes.

بیش از نصف خون ما پلاسما می باشد. پلاسما یک مایع شفاف و زرد رنگ است که سلولهای سفید و قرمز را حمل می کند. میلیونها سلول قرمز رنگ خونی در یک قطره کوچک خون وجود دارد. آنها اکسیژن را در سرتاسر بدن حمل می کنند و دی اکسید کربن را از قسمتهای مختلف بدن جمع آوری می کنند. هزاران سلول سفید در یک قطره از خون وجود دارد. سلولهای سفید از سلولهای قرمز بزرگتر هستند که از بدن در برابر میکروب ها محافظت می کنند.

This wonderful liquid is a great gift from Allah. We can thank Allah by keeping our body healthy. One way to do that is eating healthy food and doing daily exercises. Another way is to donate our blood to those who need it.

این مایع فوق العاده و شگفت انگیز هدیه ای بزرگ از جانب خداوند است. ما می توانیم از خداوند با سالم نگه داشتن بدنمان تشکر کنیم. بهترین روش برای انجام این کار خوردن غذاهای سالم و انجام دادن ورزش های روزانه است. روش دیگر اهدای خون به کسانی که بدان نیازمند هستند است.



انواع صفت و کاربردهای آن

صفات: (adjectives)

صفت کلمه ای است که اسم را توصیف می کند و شرحی درباره آن می دهد و در انگلیسی همواره قبل از اسم یا بعد از افعال to be به کار می رود.

صفات از نظر مقایسه به چهار دسته تقسیم می شوند.

(1) صفات ساده یا مطلق: چنانچه بخواهیم کسی یا چیزی را بدون مقایسه با دیگران توصیف کنیم از صفات ساده استفاده می کنیم. قبل از اسم می توانیم از صفت استفاده کنیم.

We live in a **wonderful** world. All around us there are **amazing** things like **small** and **big** animals; **long** rivers; **dark** jungles; **tall** mountains; and **different** people and nations. This world is like a **strange** book. We need to read it carefully. Then we can find many **great** things in our world.

- Sara is a **beautiful** girl.

The car is **nice**.

(۲) **صفات برابری یا همپایه**: چنانچه دو نفر یا دو چیز **در یک صفت مشترک** باشند به گونه ای که به یک اندازه از آن صفت برخوردار باشند، در این حالت از صفت برابری استفاده می شود و از الگوی **as + صفت ساده + as** استفاده می شود.

as + صفت + as / **not as + صفت + as**

ساختار:

Sara is

as kind as

Neda.

Our class is

as big as

your class.

مثال:

His grandfather is **as old as** my grandmother.

Tigers are **as dangerous as** lions.

(۳) **صفت تفضیلی یا برتر**: (comparative adjective)

اگر قصد مقایسه **دو نفر** یا **دو چیز** را داشته باشیم به گونه ای که یکی از آنها در آن صفت **برتر از دیگری** باشد (در صورت داشتن یا نداشتن) در این حالت از صفت تفضیلی استفاده می کنیم.

ساختار: در این نوع مقایسه شکل صفت با افزودن **پسوند** یا **پیشوند** تغییر می کند. و نوع پیشوند یا پسوند به تعداد بخش های کلمه صفت بستگی دارد به این صورت که اگر صفت یک بخشی باشد به انتهای آن **-er** پسوند افزوده می شود و اگر کلمه صفت چند بخشی باشد به ابتدای آن کلمه **more** افزوده می شود. (البته با رعایت استثنایها). در هر دو صورت حرف اضافه **than** در هر دو ساختار به کار می رود.

er + than + صفت یک بخشی
more + than + صفت چند بخشی

Damavand is	taller than	Dena.
Asia is	bigger than	Europe.
Omid is	younger than	Reza.

- Persian zebras are **more beautiful than** African zebras.
- Sharks are **more dangerous than** whales.

استثناها:

(الف) صفت های که دو بخش دارند اما در آخر آنها حرف **y** وجود دارد ابتدا حرف **y** به **i** تبدیل می شود و سپس **-er** به آن اضافه می شود.

(ب) صفت های که در آخر آنها **-er** وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن **-er** می گیرند.

(ج) صفت های که در آخر آنها **-le** وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن **-er** می گیرند.

(د) صفت های که در آخر آنها **-ow** وجود دارد هم برای تبدیل به تفضیلی شدن **-er** می گیرند.

سادۀ	تفضیلی	سادۀ	تفضیلی	سادۀ	تفضیلی	سادۀ	تفضیلی
narrow	narrower	simple	simpler	clever	cleverer	dirty	dirtier
						easy	easier
						happy	happier
						pretty	prettier

(د)

(ج)

(ب)

(الف)

(۴) صفات عالی یا برترین : (superlative adjectives)

چنانچه قصد مقایسه یک نفر یا یک چیز را با افرادی یا چیزهایی داشته باشیم به گونه ای که بخواهیم بگوییم آن یک نفر یا یک چیز در یک صفت از دیگران برتر است، در این حالت از صفت عالی استفاده می کنیم.

ساختار: در این نوع مقایسه نیز شکل صفت با افزودن پسوند یا پیشوند تغییر می کند. و نوع پیشوند یا پسوند به تعداد بخش های کلمه صفت بستگی دارد به این صورت که اگر صفت یک بخشی باشد به انتهای آن پسوند **-est**

افزوده می شود و اگر کلمه صفت چند بخشی باشد به ابتدای آن کلمه **most** افزوده می شود. (البته با رعایت استثناها). در هر دو صورت حروف اضافه **ever / of all / in** در هر دو ساختار به کار می رود. قبل از صفات نیز حرف تعریف **the** به کار می رود.

in/of all / ever + -est + صفت یک بخشی
in/of all / ever + صفت چند بخشی + the most

Damavand is	the tallest	mountain of Iran.
Asia is	the biggest	of all.
Omid is	the youngest	student of our class.

- This is **the most difficult** problem of the book.
- They are **the most beautiful** of all.
- They are **the most dangerous** animals of the sea.

Gold	is	expensive.	
	is	more expensive than	silver.
	is	the most expensive	metal of the world.

نکته: بعضی از صفات در حالت تفضیلی و عالی از قوانین پیروی نمی کنند و شکل بی قاعده دارند. که بایستی الزاما آنها را حفظ نمایید.

Adjective	Comparative	Superlative
good	better	the best
bad	worse	the worst
far	farther	the farthest
many/much	more	the most
least	less	little
smallest	smaller	little
furthest	further	far

نکته: شکل نوشتاری بعضی از صفات در صفات تفضیلی و عالی تغییر می کند وقتی که یک حرف بی صدا در بین دو حرف صدادار قرار گیرد.

توجه: البته اگر قبل از حرف آخر بیش از یک حرف صدادار استفاده شده باشد هیچ تغییری روی نخواهد داد.

Adjectives	Comparative	Superlative
hot big red	hotter bigger redder	the hottest the biggest the reddest
easy cloudy happy	easier cloudier happier	the easiest the cloudiest the happiest

نکته: صفات هیچ وقت جمع بسته نمی شوند به زبان ساده تر صفت هیچوقت "S" نمی گیرند.

نکته: هیچ کلمه یا حرف اضافه یا عددی بین صفت و اسم قرار نمیگیرد.

نکته: در جملات منفی می توان به جای **as** از کلمه **so** نیز استفاده کرد.

نکته: اگر در حالت برتری یا تفضیلی فقط یکی از دوطرف مقایسه را بنویسیم دیگر نیازی به استفاده از **than** نیست.

Hasan is 20 years **old**. Saro is 10 years **old**. Hasan is **older**.

"حسن ۲۰ سال سن دارد. سارو ۱۰ سال دارد. حسن (از نظر سنی) بزرگتر است."

نکته: بعضی از صفات هستند که آخر آنها به پسوندهایی چون **ed** و **ing** ختم می شوند. در حالت تفضیلی و برتری یا عالی و برترین آنها هم **more** و **most** می گیرند. چون تبدیل به دوبرخی و بیشتر می شوند.

صفت مطلق	صفت تفضیلی	صفت عالی
tired	More tired than	The most tired
amazing	More amazing than	The most amazing

نکته: اگر بخواهیم مقایسه صفات را در بین اعضای خانواده انجام دهیم به جای دو صفت **older** و **oldest** می توانیم از دو صفت **elder** و **eldest** همراه با اسم مورد نظر استفاده کنیم.

- Our **older/elder** sister is a teacher

نکته: در زبان انگلیسی بعضی از صفات هستند که حالت تفضیلی و عالی آنها را می توان هم با **er** و هم با **est** و هم با **more** و **most** نوشت.

Quiet	Gentle	Polite	Pleasant	Simple	Handsome	Likely	Clever
Stupid	Cruel	Narrow	happy	lively	shallow	true	Common

نکته: صفاتی که به **e** ختم می شوند هنگام اضافه کردن **er** و **est** این صفات **e** خود را از دست می دهند. و دیگر **e** اضافه نمی گیرند.

Large**e** = larg**er** than = the larg**est**

place of adjective: مکان صفت در جمله

(۱) قبل از اسم:

صفات بیش از هر موقعیت دیگری در این موقعیت ظاهر می شوند؛ آنها قبل از اسم هایی که توصیف می کنند بکار می روند.

- Jack is a **tall** man. Jennifer bought an **expensive** car.

(۲) بعد از افعال ربطی: (linking verbs)

صفات ها هنگامی که بعد از افعال ربطی استفاده می شوند در واقع فاعل را توصیف می کنند.

رایج ترین افعال ربطی عبارتند از:

1	be	بودن، شدن
2	stay	ماندن
3	smell	درمعنای دوست داشتن
4	fell	احساس کردن، شدن
5	taste	در معنای مزه داشتن
6	Appear - seem - look - sound	به نظر رسیدن
7	Become - get - grow - turn	شدن

- Marry is **beautiful**. Stephan appears **tired**.

(۳) پس از حرف تعریف **the**، که در این صورت کلمه اصلی یک عبارت اسمی محسوب می‌شود:

- **the** young جوانان
- **the** old پیران
- **the** dead مردگان
- **the** English انگلیسی‌ها

• ترتیب صفات قبل از اسم:

گاهی اوقات ممکن است بخواهید از چند صفت قبل از یک اسم استفاده کنید، در این صورت ترتیب کلی قرار گرفتن صفات در جدول زیر نوشته شده است:



Quality کیفیت ۱	Size اندازه ۲	Shape شکل ۳	Age سن ۴	Color رنگ ۵	Nationality ملیت ۶	Material جنس ۷	اسم مورد نظر ۸
--------------------	------------------	----------------	-------------	----------------	-----------------------	-------------------	-------------------

Noun marker شناسه	Opinion ایده / نظر / کیفیت	Size اندازه	Age سن / قدمت	Shape شکل	Color رنگ	Origin منشا/ملیت	Material جنس	type/purpose نوع / هدف	Noun اسم
-------------------------	-------------------------------	----------------	------------------	--------------	--------------	---------------------	-----------------	---------------------------	-------------

- A big red ball
- A lovely old wooden coffee table
- It is a beautiful small new red Chinese plastic flower.

نکته کنکوری: همه معرفهای معرفه و نکره (a, an, the) و صفتهای اشاره (this, that, these, those) صفات مالکیت یا ملکی (my, our, your, his, her, their) اعداد (one, two, three, four) و کمیتها (some, much, many, a little, few, a few) بدون استثنا قبل از همه صفات در جمله بکار برده می‌شود.

Hani has one cheap big new white Chinese car.

نکته: پیشنهاد بنده به شما دانش آموزان عزیز به خاطر سپردن کلمه رمز "کاسرمجا" یا کلمه رمز کاملتر "کاش سرم جا" می‌باشد که کمک شایانی به شما عزیزان در جواب دادن به این قبیل تست ها می‌باشد و بایستی متذکر شوم که بدون استثنا در این مورد یک تست برای کنکور خواهد آمد.

• صفت فاعلی (present participle)

این صفت با افزودن **ing** به انتهای فعل درست می شود و نشان دهنده "ایجاد یک اثر" است و در فارسی با پسوندهائی مثل "کننده - آور - انگیز" ساخته می شود. مثال:

Interest (جالب) —————> interesting علاقمند کردن

Amuse (سرگرم کننده) —————> amusing سرگرم کردن

- This film is interesting. "این فیلم جالب است." (اثر گذار)

• صفت مفعولی (past participle)

این صفت، همان قسمت سوم فعل می باشد که با افزودن "ed" به افعال با قاعده بدست می آید و نشان دهنده "پذیرش اثر" است و در فارسی با پسوندهایی مانند "شده" یا "زده" ساخته می شود.

Excite (هیجان زده) —————> excited به هیجان آوردن

- I am interested in physics. من به فیزیک علاقه مند. (اثر پذیر)
- The puzzle confused me. = The puzzle was confusing. / I was confused.

رایج ترین صفات فاعلی و مفعولی به شرح زیر می باشند:

صفات فاعلی	صفات مفعولی
amusing سرگرم کننده	amused سرگرم، مشغول
boring کسل کننده	bored خسته، کسل
confusing گیج کننده	confused گیج، سردرگم
disappointing نا امید کننده	disappointed ناامید
embarrassing خجالت آور	embarrassed خجالت زده
exciting هیجان انگیز	excited هیجان زده
frightening ترسناک	frightened وحشت زده
interesting جالب	interested علاقه مند
shocking تکان دهنده	shocked بهت زده
surprising شگفت انگیز	surprised شگفت زده
tiring خسته کننده	tired خسته

تست گرامری کنکوری

1. Why are you always worried? Is your life really?
a) Bore b) bored c) to bore d) boring
2. Tom is almost everyone enjoy talking to him.
a) Interesting b) interests c) an interest d) interestingly
3. Ronald works very hard. It is notthat he is always tired.
a) Surprisingly b) surprising c) surprised d) surprise
4. It is sometimes when you have to ask people for money.
A) embarrassed b) embarrass c) embarrasses d) embarrassing
5. In the cupboard, there are sometea cups used for special occasions.
A) Small beautiful Egyptian. b) Beautiful small Egyptian.
C) Small Egyptian beautiful. d) Egyptian beautiful small.
6. My brother has a table-lamp in his room.
A) Beautiful white round. b) Beautiful round white.
c) White beautiful round. d) Round beautiful white.
- 7) She was wearing a shirt.
a) White and black silk beautiful. b) Silk beautiful white and black.
c) White and black beautiful silk. d) Beautiful white and black silk.
- 8) The students were verywhen they saw that movie.
A) Amusing - interesting. b) Amusing - interested.
c) Amused - interesting. d) Amused- interested.
- 9) I have never forgotten the table at which we all used to eat our meals.
A) Beautiful brown large wooden. b) Large wooden beautiful brown.
C) Beautiful large wooden brown . d) Beautiful large brown wooden.

جواب تست های صفات فاعلی و مفعولی

1-d	2-a	3-b	4-d	5-b	6-b	7-d	8-c	9-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

زبان دهم

درس سوم

The value of knowledge

ارزش دانش

Seek knowledge
from the cradle to the grave
Holy Prophet (PBUH)¹

ز گهواره تا گور دانش بجویی (پیامبر اکرم ص)

واژگان و نکات گرامری درس سوم پایه دهم

Part 1 Get ready & Conversation

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
عالی - معرکه - خیلی خوب	Cool	اعتقاد داشتن - باور داشتن	Believe
مقدس	Holy	گهواره	Cradle
آزمایشگاه	Laboratory	قبر	Grave
لامپ الکتریکی	Light bulb	دانش - آگاهی	Knowledge
دارو - پزشکی	Medicine	آرامش - سکوت - صلح - درود	Peace
پیامبر	Prophet	دانشمند	Scientist
چنین - چنان	Such	جستجو کردن - در پی چیزی گشتن	Seek
مدت زمان	While	قیمت - ارزش - قدر - اهمیت	Value
وقتی که - اگرچه	while	ساختن	build

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The Browns didn't want to live in the city anymore, and they a place in the frost.
a) came b) left c) showed d) sought
- They that the house was built in 1735.
a) believed b) sought c) drew d) crossed
- A: I am thinking of studying abroad. B: Really?
a) warm b) cool c) busy d) deep
- This place gives everyone a feeling of and worth.
a) way b) prophet c) material d) value
- Doctors say that should be kept out of the reach of children.
a) patterns b) elements c) medicine d) opinions

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-d	2-a	3-b	4-d	5-c
-----	-----	-----	-----	-----

Part 2

New words & Expression , Reading

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
علم	Science	عقیده، نظر، باور	Belief
مهارت، توانایی	Skill	توسعه یافتن، گسترش دادن	Develop
حل کردن	Solve	آزمایش، تجربه	experiment
موفقیت	Success	خوشبختانه	fortunately
موفق	Successful	به دست آوردن	Gain
بعد از	After	دست کشیدن، ترک کردن	Give up
هر چیز	Anything	بزرگ شدن، روییدن، شدن	Grow
اصلاً، ابتدا	At all	بزرگ شدن	Grow up
پرانرژی، پرتلاش	Energetic	اختراع کردن	Invent
احساس کردن	Feel	اختراع	Invention
سرانجام، بالاخره	Finally	مخترع	inventor
کلید	Key	ممکن	Possible
نامبرده رنج گنج میسر نمی شود	No pain no gain	ترک کردن، دست کشیدن از	Quit
خودشان	Themselves	به سرعت	Rapidly
سعی و تلاش کردن	Try	تحقیق، پژوهش	Research
تا ، تااینکه	Until	تحقیق کردن	Research
ضعیف	weak	باناراحتی، غمگینانه	sadly

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. It is a good idea to do somebefore you buy a house .
a)experiment b)research c)success d)invention
- 2.The problem isworsening.
a)successfully b)especially c)rapidly d)hopefully
3. Through these lessons,students learn the basic of
a)science b)inventor c)prophet d)observatory
4. His sister was on the train andwas not injured.
a)alike b)such c)interestedly d)fortunately
5. The telephone wasby Alexander Graham Bell.
a)describe b)invented c)believed d)moved
6. If you are feelingwe could go out for s run.
a)energetic b)weak c)rapid d)successful
7. I tired to talk to him , but without
a)invention b)science c)success d)sleep
8. It is hard to believe that a tree canfrom a small speed.
a)develop b)solve c)invent d)quit
9. Charlie thinks money willall his problem.
a)send b)essk c)solve d)save
10. Many smokers say that they would like to
a)give up b)quit c)solve d)both 1 &2

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-b	2-c	3-a	4-d	5-b	6-a	7-c	8-a	9-c	10-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3 Grammar

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
آنتی بیوتیک	Antibiotic	شایع شدن، پخش شدن	Get around
خودش، برای خودش	Herself	ترک کردن جایی، حذف شدن، خاموش	Go out
خودش، برای خودش	Himself	زدن، ضربه زدن	Hit
خودش، برای خودش	Itself	استفهامی	Interrogative
خودم، برای خودم	Myself	مردن	Pass away
خودمان، برای خودمان	Ourselves	صبور، شکیبا، بیمار، مریض	Patient
ضمیر	Pronoun	استمراری	Progressive
متفکر، اندیشمند	Thinker	انتشار، طبع و نشر	Publication
دانشگاه	University	منتشر کردن	Publish
نویسنده	Writer	از حفظ خواندن، قرائت کردن	Recite
خودت، برای خودت	Yourself	ترجمه کردن	translate
خودتان، برای خودتان	yourselves	ترجمه	Translation
		مترجم	Translator

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- "A drug that is good to kill bacteria and cure infections".
a)medicine b)laboratory c)antibiotic d)measles
- Amir was a man of ideas ,aahead of his times.
a)thinker b)receptionist c)publisher d)pilot
- She is going to do aof the poem.
a)success b)translation c)value d)knowledge
- They arethe dictionary on CD-ROM.
a)publishing b)orbiting c)inventing d)both 1&3
- He was the first member of my family toquite young.
a)go around b)pair up c)pass away d)die out

6. We had to use public transport to
 a) get around b) take care c) give up d) pair up
7. When I got back ,the fire had
 a) dropped b) gone out c) filled out d) stuck
8. Ali and I didn't go to the same school ,but we were attogether.
 a) publication b) translation c) celebration d) university
9. We preparedfor the long journey ahead.
 a) itself b) us b) ourselves d) newsstand
10. Yesterday ,our English teacher taught the presenttense very well.
 a) adjective b) progressive c) comparative d) superlative
11. To our ,this is the first time it is happened.
 a) value b) prophet c) cradle d) knowledge
12. The baby rested peacefully in his
 a) cadle b) bulb c) airplane d) pattern.
13. Many famousdon't believe this idea to be important.
 a) brains b) scientists c) organs d) prophets
14. The teachers working in this school don't like to talk about a course.
 a) as b) so c) both d) such
15. In the churchyard ,a man was digging a
 a) grave b) observatory c) cradle d) laboratory

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-c	2-a	3-b	4-a	5-c	6-a	7-b	8-d	9-c	10-b
11-d	12-a	13- b	14- d	15- a					

Part 4	Listening&speaking,writing,pronunciation
--------	--

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Action	اقدام، عمل، فعالیت	Rest	بقیه، استراحت کردن
Aside	کنار	Sence	حس، احساس، ادراک
Continue	ادامه دادن، ادامه یافتن	Situation	موقعیت، شرایط
Continuous	پیوسته، بی وقفه	Special	مخصوص، ویژه
Emotion	احساس، عاطفه	State	گفتن، بیان کردن
Emphasis	تاکید، تاکید بروی	Suddenly	ناگهان
Emphatic	تاکیدی، محکم	Thought	نظر، عقیده، فکر
Express	بیان کردن، اظهار کردن	Unfortunately	متأسفانه
Narrate	نقل کردن، شرح دادن	Bachground	زمینه، پس زمینه
Notice	مشاهده کردن، دریافتن، توجه	Firefighter	آتش نشان
Quickly	به سرعت	Hungry	گرسنه
Rather than	در عوض، به جای	Kitty	گره، بچه گره
Relate	مرتبط دانستن، ربط دادن	noise	سرو صدا
remember	به خاطر سپردن، به خاطر آوردن		

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Try to seta few hours a week for exercise.
a)aside b)beside c)about d)ago
2. In Japan there is a lot ofon politeness.
a)action b)sense c)emphasis d)rest
3. My cousin says he may not have a job next year and thishas made him angry.
a)definition b)emphasis c)thought d)narration
4. I don't understand how the two ideas.....
a)relate b)jump c)notice d)express
5. She doesn'ther emotions as much as her husband does.
a)relate b)express c)think d)translate
6. I think the story itself is important and the person whoit is not that important.
a)tells b)narrates c)says d)both 1&2
7. Kim received the news without showing any visible sign of
a)situation b)translation c)inventions d)emotions
8. Bryson wanted to quitaccept the new rules.
a)rather than b)such as c)because of d)both 1 &2
9. They are doing what they can to improve the
a)emphasis b)thought c)situation d)emotion
10. Students with a(n)in chemistry will probably find the course easier.
a)noise b)background c)sense d)event

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-a	2-c	3-c	4-a	5-b	6-d	7-d	8-a	9-c	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5 workbook

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
عزیز، گرامی	Dear	شرمنده	Ashemd
تاریخ	History	رفتار کردن	Behave
زبان	Language	توصیف، شرح	Description
اجازه دهید، بیاید	Lets	به سنگینی، به شدت، خیلی	Heavily
خانه همسایه، خانه پهلویی	Next door	حافظه، خاطره	Memory
شاعر	Poet	مشاهده کردن، دیدن	Observe
ثروتمند	rich	شخصیت	Personality
		تنها، به تنهایی	alone

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- I feltof the things I had said him.
a)hungry b)aside c)progressive d)ashamed
- The pianist played the whole piece from
a) memory b)head c)heart d)arm
- The booklet gives a shortof each place .
a)intonation b)definition c)description d)translation
- The students didn't go to the playground because it was raining..... .
a)finally b)suddenly c)quickly d)hravily
- It was that 40% of patients had high blood pressure.
a)observed b)noticed c)behaved d)both 1&2
- A collection of poems by Indianhas just been translation and published in Taiwan.
a)poets b)anthem c)memory d)inventors

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-d	2-a	3-c	4-d	5-d	6-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----

ترجمه مکالمه درس سوم پایه دهم صفحه ۷۶

Roya and **Mahsa** are leaving the library.

مهسا و رویا در حال ترک کردن کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رویا: زمانیکه من وارد شدم تو در حال خواندن کتابی بودی؟ آن کتاب چه بود؟

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من در حال خواندن کتابی در مورد دانشمندان ایرانی بودم

Roya: But such books are not very interesting.

رویا: اما چنین کتابهای زیاد جالب نیستند

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: من هم در ابتدا چنین تصویری داشتم باورکن

Roya: Did you find it useful?

رویا: آیا آن کتاب را مفید دانستی (یافتی)؟

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

مهسا: اووه. بله درحقیقت من باخواندن این کتاب چیزهای زیادی در مورد زندگی دانشمندانمان یاد گرفتم.

Roya: Like what?

رویا: مثل چی؟

Mahsa: For example Razi¹ taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital. Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

مهسا: برای نمونه، رازی زمانی که در بیمارستان شهر ری کار می کرد علم پزشکی را به بسیاری از جوانان آموزش می داد. یا خواجه نصیرالدین طوسی هنگامی که خودش بر روی سیاره ها کار می کرد رصد خانه شهر مراغه را ساخت.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رویا: بسیار عالی. آن کتاب چه بود.

ترجمه ریدینگ درس سوم پایه دهم صفحه ۸۰

نابرده رنج گنج میسر نمی شود. No Pain No Gain

Human knowledge develops with scientists' hard work. Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

دانش بشر با تلاش و سختکوشی دانشمندان توسعه می یابد. بسیاری از مردان و زنان بزرگ سخت تلاش می کنند تا واقعیت ها را بیابند، مشکلات را حل کنند و چیزهای را اختراع کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems. They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

بسیاری از این دانشمندان زندگی آسانی نداشتند. اما زمانیکه روی مسئله یا مشکلی کار می کردند نهایت سعی و تلاش خود را انجام می دادند. آنها هرگز احساس ضعف و ناامیدی نمی کردند زمانی که بر روی مسئله ای مطالعه می کردند. آنها زمانی که در حال انجام دادن تحقیقات بودند هرگز تسلیم نمی شدند.

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison. As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions. Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12. He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

داستانهای بزرگی در مورد زندگی دانشمندان وجود دارد. یکی از این داستانهای بزرگ در مورد توماس ادیسون است. زمانی که جوانی بیش نبود به علم بسیار علاقه مند بود. او پسری بسیار پر انرژی بود و سوالات زیادی می پرسید. متأسفانه زمانی که جوان بود حس شنوایی خود را در سن ۱۲ سالگی از دست داد. بنابراین او در مدرسه حضور نیافت و علم و دانش را با خواندن کتاب در کتابخانه یاد گرفت.

When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest in making things. Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems. He said, "I never quit until I get what I'm after".

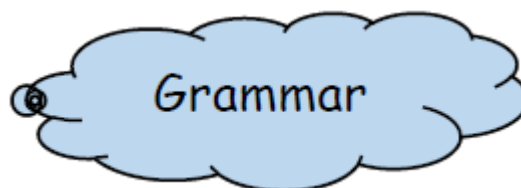
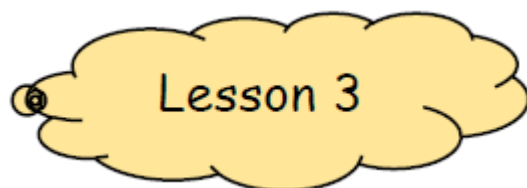
وقتی بزرگ شد، او در محله و مکانهای مختلفی کار می کرد. اما او هرگز علاقه اش نسبت به درست کردن اشیاء و چیزهای مختلف از دست نداد. ادیسون بخاطر انجام دادن هزاران آزمایش جهت یافتن راه حلهای برای مشکلات مشهور بود. او همیشه می گفت. من هرگز تسلیم نخواهم شد مگر اینکه به چیزی که می خواهم برسم.

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life. Many great names had stories like this.

ادیسون بیش از هزار اختراع به ثبت رساند (داشت). و در پایان زندگی بسیار موفق بود. بسیاری از مردان و زنان بزرگ چنین داستانهایی دارند.

But the key to their success is their hard work and belief in themselves. If you want to get what you want, work hard and never give up.

تنها کلید موفقیت این دانشمندان سخت کوشی و اعتماد و ایمان به خود است. اگر شما می خواهید به چیزی برسید که می خواهید بایستی سخت تلاش و کوشش کنید و هرگز تسلیم نشوید.



Past Continuous Tense (زمان گذشته استمراری)

عملی که در زمان گذشته به طور استمرار انجام شده است یعنی در زمان گذشته، هنگام گفتن در حال انجام بوده است، زمان گذشته استمراری می گویند. گذشته استمراری دارای دو فعل می باشد، یکی فعل ثابت (was – were) و دیگری فعلی که در حال انجام شدن بوده است.

قید هایی که بیشتر در این زمان استفاده می شوند عبارتند از:

- **When**
- **While**
- **Yesterday** (morning, afternoon, evening. . .)
- **Yesterday** (at this time, at seven. . .)

ساختار گذشته استمراری + ing فعل + was/were + فاعل

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	فعل کمکی was/were	فاعل
----------	----------	----------	-------	-------------	-------------------	------

کاربردهای زمان گذشته استمراری:

(۱) هرگاه بخواهیم زمان وقوع کاری را در زمان گذشته که معمولاً با حرف اضافه **at** بیان می شود را بگوییم، آن را به صورت گذشته استمراری می آوریم.

- I **was studying** English **at** this time yesterday.
"دیروز همین موقع، **داشتم** انگلیسی **مطالعه می کردم**."

(۲) اگر دو عمل به طور همزمان در گذشته ادامه داشتند، هر دو عمل را به زمان گذشته استمراری استفاده خواهیم کرد.

- **While** I **was cooking** lunch, he was studying.
"در حالی که من مشغول پختن ناهار بودم، او **داشت مطالعه می کرد**."

(۳) از زمان گذشته استمراری برای بیان فعالیتی که در یک محدوده زمانی خاص صورت گرفته است، استفاده می کنیم.

- I **was studying** hard **all last week**.
"تمام هفته پیش را **داشتم** سخت **درس می خواندم**."

(۴) هرگاه بخواهیم بگوییم کاری در حین وقوع کار دیگر صورت گرفته است، از گذشته استمراری و گذشته ساده استفاده می کنیم.

Matt **burned** his hand **while** he **was cooking** dinner.
"مت وقتی که **داشت** شام **می پخت**، دستش را سوزاند."

(۵) بعضی از افعال (برای مثال، **know** و **want**) را به طور طبیعی نمی توانیم به شکل استمراری بکار ببریم.

- I **was enjoying** the party, but Chris **wanted** to go home. (was wanting نمی گوییم)
"من **داشتم** از مهمانی **لذت می بردم**، اما کریس دلش می خواست به خانه برگردد."

تصویر شماتیک زمان گذشته استمراری:



جدول زیر سه حالت این زمان را نشان می دهد:

زمان گذشته استمراری
جملات مثبت ... + فعل ing دار + was / were + فاعل He was watching a film yesterday in the evening. "تمام دیروز عصر او داشت فیلم تماشا می کرد."
جملات منفی ... + فعل ing دار + was not / were not, wasn't / weren't + فاعل He was not watching a film yesterday in the evening. "او تمام دیروز عصر را فیلم تماشا نمی کرد."
جملات سوالی Was / Were + فعل ing دار + فاعل + . . . ? Was he watching a film yesterday in the evening? "آیا او تمام دیروز عصر را فیلم تماشا می کرد؟"

نکات ضروری و کنکوری:

(۱) علایم نشان دهنده گذشته استمراری **while** و **when** هستند. تفاوت آنها در این است که **بعد** از **while** از جمله زمان گذشته ساده به کار می رود.

- **While** we **were watching** TV. Andy was surfing the internet.
- The ladies were talking **when** the accident **happened**.

(۲) برای بیان عملی که در گذشته چندین بار تکرار شده باشد مثل زمان حال ساده از زمان گذشته ساده استفاده می کنیم.

- Miss lotfi **went** to Esfahan **three times last month**.

(۳) به جای **while** می توان از کلمه **as** نیز استفاده کرد.

- **As** we **were listening** to the radio, our brother **came in**.

(۴) در اغلب اوقات زمان گذشته استمراری با زمان گذشته ساده همراه خواهد بود.

- **When** my moter **called** me, my sister **was playing** the piano.

ضمایر انعکاسی و تاکیدی در زبان انگلیسی Self Pronouns

ضمایر انعکاسی یا **Reflective Pronouns** ضمایری هستند که معمولاً به عنوان مفعول جمله به کار می روند. این ضمایر در زبان فارسی معمولاً به صورت شکلی صرف شده از واژه "خود" نوشته می شوند. در کل کلماتی که به **self** و **selves** ختم می شوند ضمایر انعکاسی نامیده می شوند.

کاربرد:

کاربرد اصلی ضمایر انعکاسی زمانی است که فاعل و مفعول در واقع یک نفر هستند. توجه داشته باشید که در ضمایر انعکاسی عمل به فاعل جمله برمی گردد و در واقع مفعول همان فاعل است به مثال زیر توجه کنید:

- **He** often looks at **himself** in the mirror and likes talking

جدول ضمائر انعکاسی و تاکیدی (مفرد و جمع) Reflective & Emphatic Pronouns

معنی فارسی	ضمیر انعکاسی
خودم	myself
خودت	yourself
خودش (مذکر)	himself
خودش (مونث)	herself
خودش (غیر انسان)	itself
خودمان	ourselves
خودتان	yourselves
خودشان	themselves

نکته: در ضمائر انعکاسی بر خلاف ضمائر شخصی، ضمیر دوم شخص مفرد و جمع متفاوت است پس در زمان استفاده از ضمائر به تعداد افرادی که مورد اشاره قرار می گیرند توجه کنید.

- You can be proud of yourself. "تو باید به خودت افتخار کنی"
- You can be proud of yourselves. "شما باید به خودتان افتخار کنید"

نکته: هرگاه فاعل و مفعول جمله هر دو به یک شخص یا یک شی اشاره کنند از ضمیر انعکاسی استفاده می کنیم. این ضمائر به دو صورت به کار می روند:

۱- بعد از فعل اصلی ۲- بعد از حرف اضافه

- The cat was washing itself.
- He ordered a cup of coffee and some cake for himself.
- The lion looked at himself in the water for a long time.

ضمایر تأکیدی: Emphatic pronouns (استفاده از ضمایر انعکاسی برای تأکید)

از ضمایر انعکاسی می‌توان برای تأکید روی یک اسم، ضمیر یا عبارت اسمی استفاده کرد که در این حالت بعد از آنها در جمله قرار می‌گیرند:

این ضمایر دو کاربرد دارند و محل قرارگرفتن آنها بصورت زیر است:

الف) برای تأکید (فاعل) که بعد از فاعل یا در آخر جمله می‌آید..

- Mary herself bought that car.
- Mary bought that car herself.

ب) برای تأکید (مفعول) بلافاصله بعد از مفعول بدون حرف اضافه.

- I like the apartment itself but I don't like the neighbors.

نکته مهم کنکوری:

الف) اگر جمله ای با **lets** شروع شود ضمیر تأکیدی مورد نظر برای آن جمله **ourselves** می‌باشد.

- Let's fix the car ourselves.

ب) بعد از حروف اضافه ضمایر به صورت مفعولی بکار می‌روند.

- He didnt take his ball with his

ج) معنای عبارت by + reflexive pronouns

عبارت «**by myself** به معنای «**خودم به تنهایی**» (**alone**) است. این ساختار، یعنی **by + reflexive pronoun** می‌تواند به همین معنا برای سایر ضمیرهای انعکاسی نیز همین معنا را داشته باشد.

- I used to live by myself. "من قبلاً تنهایی زندگی می‌کردم"
- He climbed the mountain by himself. "او به تنهایی کوه را در نوردید"
- He answered all the emails by himself.

فعل های کنشی (action) و حالت (state)

فعل اصلی ترین کلمه جمله است و بدون آن جمله ای به وجود نمی آید. فعل ها به اشکال مختلفی تقسیم می شوند. یکی از انواع طبقه بندی ها دسته بندی فعل به دو نوع افعال حرکتی یا کنشی (action) و حالتی یا غیر کنشی (Non action) یا (state) است.

افعال حرکتی یا کنشی (action): فعل های که انجام شدن کاری را نشان می دهند و می توانند در همه زمانها از جمله زمانهای استمراری و حال ساده صرف شوند.

- The man speaks two languages.
- The man is speaking Spanish right now.

افعال حالتی یا غیر کنشی (non -action) یا (state): این نوع فعلها غالبا روی دادن حالتی را بیان می کنند و معمولا به عواطف و افکار و حواس مربوط می شوند و نمی توانند در زمانهای استمراری صرف شوند. افعال حالتی شامل گروه های زیر می باشند:

- افعال حسی مانند **see - hear - smell**
- افعال ربطی مانند **sound - seem - become**
- افعالی که به احساسات و تفکر مربوط اند مانند **love - hate - like - doubt**
- افعالی که به مالکیت و تعلق اشاره دارند. مانند **have - belong - own - want**
- افعال **to be** و افعالی که به شامل بودن را نشان میدهند مانند **be - is - are - contain - consist**
- We believe in our athletes' power and willing.
- He feels happy whenever it is raining.

لیست مهمترین افعال حالتی را به همراه مثال در ادامه مشاهده می کنید:

معنی	افعال حالتی	معنی	افعال حالتی
ظاهر شدن	appear	باور داشتن	believe
متعلق بودن	belong	در نظر گرفتن	consider
شامل شدن	consist	شامل بودن	contain
هزینه داشتن	cost	بودن	be
وجود داشتن	exist	مناسب بودن	fit
متنفر بودن	hate	شنیدن	hear
داشتن	have	شناختن	know
دوست داشتن	like	عاشق بودن	love
مهم بودن	matter	منظور داشتن	mean
نیاز داشتن	need	مدیون بودن	owe
مالکیت داشتن	own	ترجیح دادن	prefer
به یاد داشتن	remember	شباهت داشتن	resemble
به نظر رسیدن	seem	فرض کردن	suppose
مشکوک شدن	suspect	فهمیدن	understand
خواستن	want	آرزو داشتن	wish
نیاز داشتن	need	موافقت کردن	agree
به یاد آوردن	remember	به نظر رسیدن	sound
شنیدن	hear	مخالفت کردن	disagree
راضی بودن	satisfy	شک داشتن	doubt
آرزو داشتن	wish	متنفر بودن	dislike
شایسته بودن	deserve	دانستن	realize
فرض کردن	suppose	باور کردن	believe
به نظر آمدن	taste	قول دادن	promise
شامل بودن	contain	تشخیص دادن	recognize
بستگی داشتن	depend	مهم بودن	matter

زبان دهم

درس چهارم

Traveling the word

سفر به دور دنیا

Travel in the Earth
and see how He makes the first creation
Al-Ankabut 20

در زمین به مسافرت پردازید و ببینید که چگونه خداوند خلقت نخستین را آفریده است.

(آیه ۲۰ سوره عنکبوت)

واژگان و نکات گرامری درس چهارم پایه دهم

Part 1

Get ready & Conversation

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
محبوب، مورد علاقه، عمومی	popular	نماینده، واسطه، آژانس	Agent
احتمالا، شاید	Probably	جذب کردن، جلب کردن	Attract
به نظر رسیدن	Seem	کشش، جلب، جذب، جاذبه	Attraction
پیشنهاد، نظر، توصیه	Suggestion	انتخاب، حق انتخاب	Choice
تعطیلات	Vacation	مقصد	Destination
کتابچه، جزوه	Booklet	مهمان نواز	Hospitable
مصر	Egypt	قرار گرفتن، تعیین موقعیت کردن	Locate
زیارتگاه	Shrine	بنای تاریخی، بنای یادبود	Monument
محل، جا، مکان، سایت	Site	زائر، زوار، زیارت کننده	Pilgrim
وب سایت	website	برنامه، طرح، نقشه، قصد داشتن	Plan

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The restaurant is verybecause of its high standard.
a)popular b)possible c)hospital d)generous
- Thisbook is an ideal gift for any young baseball fan.
a)polite b)tall c)attractive d) hospitable
- There are a lot of historicto visit.
a)plans b)sites c)suggestions d) booklets
- Everybody knows that people coming from Iran are really
a)hospitable b)dry c)expensive d)emphatic
- If you like the sun,Tunisia is the ideal holiday
a)description b)vacation c)agent d)destination

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-a	2-c	3-b	4-a	5-d
-----	-----	-----	-----	-----

Part 2 **New words & Expression , Reading**

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
هرم	Pyramid	در عرض	Across
سلسه، رشته، طیف	Range	فعالیت	Activity
مشابه	Similar	قدیمی، باستانی	Ancient
سنتی	Traditional	رفتار	Behavior
پهن، عریض، وسیع	Wide	شکستن، زنگ تفریح، ترمز	Break
هم زمان	At the same time	فرهنگ	Culture
میلیارد	Billion	بیابان، کویر، صحرا	Desert
بین المللی	International	داخلی، حیوان اهلی، خانگی	Domestic
مسلمان	Muslim	سرگرمی، تفریح	entertainment
مجموعه، دسته، چیدن	Set	پرواز، سفر هوایی	Flight
توریسم، گردشگری	Tourism	تاریخی	Historical
مسافر، جهانگرد	traveler	بهشت، فردوس، رضوان	paradise

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- My grandfather knows many things about thehistory of Iran.
a)ancient b)international c)similar d)historical
- In our,it is rude to ask someone how much they earn.
a)flight b)definition c)culture d)paradise
- Egypt is famous for its ancient
a)pyramid b)gifts c)travelers d)Muslims
- The students studying in this high school are from a wideof background.
a)sense b)nation c)choice d)range
- Video games and other modern forms of.....are necessary when you are tired.
a)entertainment b)culture c)site d)emotion

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-a	2-c	3-a	4-d	5-a
-----	-----	-----	-----	-----

Part 3 Grammar

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
ظهر، نیمروز	Midday	سفارت، اعضای سفارت	Embassy
نیمه شب	Midnight	آشنا، معمولی	Familiar
فعل معین وجهی	Modal	خارجی، بیگانه	Forigen
آنلاین، برخط	Online	میزبان	Host
پاسپورت، گذرنامه	Passport	تصویر، تمثال	Imagine
حرف اضافه	Preposition	صدای بلند	Loud
ایستگاه	Station	مناسب	Proper
طلوع آفتاب	Sunrise	احترام، عزت	Respect
غروب آفتاب	Sunset	زمان زیادی لازم داشتن	Take time
فهمیدن	Understand	آژانس، نمایندگی	agency
ویزا	visa	تمام شدن، تمام کردن	Finish
		تعطیلات	holiday

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- I thought she deemed..... .
a)continuous b)progressive c)foreign d)fatty
- She went to the Australianin Paris to get the visa.
a)Publication b)University c)Laboratory d)Embassy
- You can not phone her now ,it is gone
a)midnight b)belief c)medicine d)success
- The voice on the phone seemed
a)sudden b)familiar c)noisy d)useful
- We should all show.....for our parents.
a)translation b)respect c)passport d)science

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-c	2-d	3-a	4-b	5-b
-----	-----	-----	-----	-----

Part 4 Listening&speaking, writing, pronunciation

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
At least	حداقل، دست کم	Prepare	آماده کردن، آماده شدن
Comfortable	آسوده، راحت	Probable	احتمال، محتمل
Contrast	مغایرت داشتن، فرق کردن	quick	سریع
Contrastive	مقابله ای	Quiet	آرام، ساکت
Exactly	دقیقا	Adverb	قید
Honesty	صادقانه، حقیقتا	Form	تشکیل دادن، ساختن
Illness	بیماری	Home made	خانگی
Manner	شیوه، روش، حالت	Junk	آت اشغال، خرت و چرت، هله هوله
Mostly	اکثرا، غالبا	Link	وصل کردن، پیوند زدن
Necessity	نیاز، ضرورت	Meal	وعده غذا
Obligation	الزام، وظیفه	Pay	پرداختن، پرداخت کردن
On the road	درسفر، درراه	Price	قیمت
possiblity	امکان، احتمال	risk	بیم خطر

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. It seemsthat the accident has damaged her brain.
a)honest b)most c)probable d)loud
2. Do you know how tothe sauce? The pasta is cooking .
a)prepare b)contrast c)remember d)publish
3. You are under noto buy any more books.
a)price b)obligation c)destination d)link
4. I will tell you that most agent act
a)mostly b)honestly c)probably d)possibly
- 5.Green teas arefrom China or Japan.
a)contrast b)heavily c)mostly d)unfortunately

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-c	2-a	3-b	4-b	5- c
-----	-----	-----	-----	------

Part 5

Workbook

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
سرعت	Speed	تحويل دادن، اتاق گرفتن، مشخصات خود را دادن	Check in
حمل و نقل	transportation	تجربه	Experience
جنگ	War	سفر	Journey
رسیدن	Arrive	محلی	Local
قایق	Boat	اصلی	Main
ملاقات کردن	Meet	روش، راه، وسیله	Means
جستجو کردن	Search	نکته	Point
رشته فرهنگی، اسپاگتی	spaghetti	ترجیح دادن	Prefer
		کادو، سوغات	souvenir

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The city needs to make its publicebetter.
a)means b)transportation c)journey d)experience
- He had no previousof controlling a farm.
a)experience b)souvenir c)speed d)destination
- Ourthought is that the children are safe.
a)local b)comfortable c)main d)contrastive
- My father was in the army for 30 years and he served as a pilot during the.....
a)vacation b)sign c)schedule d)war
- You can find all these books in yourlibrary.
a)exact b)local c)probably d)familiar
- The population was growing at great
a)experience b)journey c)means d)speed
- I bought a model of the Eiffel Tower as aof Paris.
a)price b)look c)contract d)souvenir

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-b	2-a	3-c	4-d	5-b	6-d	7-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

ترجمه مکالمه درس چهارم پایه دهم صفحه ۱۰۲

Diego is a Spanish tourist who is planning for his summer vacation. He is talking to **Carlos Sabato**, a travel agent in Madrid.

"دیگو" یک توریست اهل اسپانیا است که دارد خود را برای گذراندن تعطیلات تابستانی آماده می کند. (برنامه ریزی می کند). اودر حال صحبت کردن با "کارلوس ساباتو" است که او صاحب یک آژانس مسافرتی در شهر "مادرید" است.

Diego: Excuse me, sir! I am planning for my summer vacation.

دیگو: آقا ببخشید. من در حال برنامه ریزی برای تعطیلات تابستانی می باشم.

Carlos: How can I help you?

کارلوس: چگونه می توانم کمکتان کنم

Diego: Actually I want to visit Asia, but I am not sure about my destination. Do you have any suggestion?

دیگو: حقیقتاً من می خواهم قاره آسیا را ببینم. اما در مورد مقصدی که انتخاب کردم مطمئن نیستم. آیا شما پیشنهادی دارید؟

Carlos: Well, you may have some choices. You can visit China. It is famous for the Great Wall.

کارلوس: خب احتمالاً شما چندین انتخاب داشته باشید. می توانید از چین دیدن کنید. این کشور به خاطر دیوار بزرگش مشهور می باشد.

Diego: Yes, but I was in Beijing two years ago.

دیگو: بله اما ما دوسال قبل در پکن بودیم.

Carlos: What about India? In fact, the Taj Mahal is a popular destination, but it is hot in summer. Probably Iran is the best choice.

کارلوس: در مورد هند چطور؟ در حقیقت، تاج محل مقصدی محبوب و پرطرفدار است اما هوایی بسیار گرم در تابستان دارد. احتمالاً ایران ایرا پیشنهاد بهتری باشد.

Diego: I heard Iran is a great and beautiful country, but I don't know much about it.

دیگو: من شنیده ام که ایران کشوری زیبا و بزرگ و پهناور است. اما در باره ایران چیز خاصی نمی دانم.

Carlos: Well, Iran is a four-season country. It has many historical sites and amazing nature. Also, its people are very kind and hospitable.

کارلوس: خب ایران کشوری چهارفصل است. این کشور دارای اماکن تاریخی و طبیعی جذاب است. همچنین دارای مردمانی بسیار مهربان و مهمان نواز است.

Diego: It seems a suitable choice. But how can I get more information about Iran?

دیگو: به نظر انتخاب مناسبی است. اما چگونه می توانم در باره ایران اطلاعات بیشتری به دست آورم؟

Carlos: You can check this booklet or may see our website

کارلوس: شما می توانید این کتابچه راهنما را مطالعه بفرمایید یا اینکه از وب سایت ما دیدن فرمایید.

ترجمه ریدینگ درس سوم پایه دهم صفحه ۱۰۵

Iran: A True Paradise

ایران: بهشتی واقعی

Every year, about one billion tourists travel around the world. Tourism is traveling for entertainment, health, sport or learning about the culture of a nation. Tourism can be domestic or international. Domestic tourists travel to different parts of their own country. International tourists travel abroad.

هرسال، در حدود یک میلیارد گردشگر به دور دنیا سفر می کنند. گردشگران جهت سرگرمی، سلامتی، ورزش و فراگیری فرهنگهای ملتهای مختلف به مسافرت می پردازند. گردشگری یا توریسم می تواند داخلی یا بین المللی باشد. گردشگران محلی به اماکن مختلف کشور خودشان مسافرت می کنند. گردشگران خارجی هم به خارج از کشور خودشان مسافرت می نمایند.

Some countries attract a lot of tourists every year. Egypt is one of the oldest countries of Africa. It is famous for its wonderful pyramids.

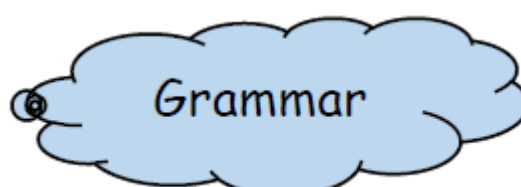
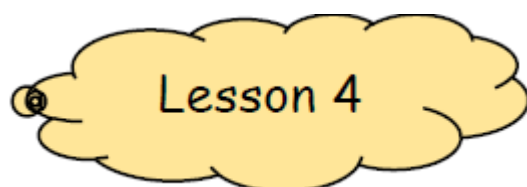
بعضی از کشورها همه ساله گردشگران زیادی را جذب خود می کنند. کشور مصر یکی از قدیمی ترین کشورهای قاره آفریقا می باشد. که به خاطر اهرام ثلاثه مشهور می باشد.

France, Italy and Spain are three beautiful European countries. They attract many tourists from other parts of the world. Brazil, Peru and Chile are in South America. They are famous for their ancient history and amazing nature.

فرانسه، ایتالیا و اسپانیا سه کشور بسیار زیبای قاره اوپا می باشند. این کشورها گردشگران زیادی را از سرتاسر جهان به خود جذب می کنند. برزیل، پرو و شیلی هم سه کشور قاره آمریکای جنوبی می باشند. این کشورها بخاطر تاریخ باستانی و طبیعت محصور کننده شان مشهور هستند.

In Asia, Iran is a great destination for tourists. This beautiful country is a true paradise for people of the world. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's attractions. Iran is a four- season country and tourists can find a range of activities from skiing to desert touring in different parts of the country. Many Muslims also travel to Iran and go to holy shrines in Mashhad, Qom and Shiraz. Iranian people are hospitable and kind to travelers and tourists.

در قاره آسیا کشور ایران مقصدی خوب و بسیار عالی برای گردشگران می باشد. ایران زیبا برای بیشتر مردم جهان مانند یک بهشت واقعی می باشد. هر سال تعداد زیادی از مردمان مختلف جهان از جاذبه های دیدنی ایران بازدید می کنند. ایران کشوری چهار فصل است و گردشگران میتوانند دامنه ای از فعالیتها از اسکی گرفته تا صحرانوردی را در بخش هایی متفاوت از ایران پیدا کنند. تعداد زیادی از مسلمانان سراسر جهان به ایران سفر می کنند و به بارگاه و حریمهای مقدس مشهد، قم و شیراز می روند. مردمان ایران به گردشگران مهربان و مهمان نواز هستند.



افعال کمکی وجهی یا ناقص (Modal Auxiliary verbs)

افعال مدال در زبان انگلیسی دسته ای از افعال کمکی هستند که برای بیان توانایی، احتمال، اجازه، اجبار و از این دست استفاده می شوند. به عبارت دیگر افعال **modal** آن دسته از افعال هستند که با فعلی دیگر ترکیب شده و احساس یا زمانی معین را نشان می دهند.

اکثر زبان شناسان معتقدند که ۱۰ فعل **modal** اصلی در زبان انگلیسی وجود دارند:

- **Can, could, may, might, must, ought, shall, should, will, would**

در این مبحث به کاربرد برخی از پر استفاده ترین افعال مدال اشاره می کنیم.

نکته:

- ❖ افعال مدال در زبان انگلیسی قابلیت اضافه کردن وند هایی مانند 'ing', 'ed', 's' و غیره را ندارند.
- ❖ لازم به ذکر است که بعد از افعال مدال در زبان انگلیسی حتما یک فعل اصلی ساده استفاده می شود.
- ❖ همه آنها شکل ثابتی دارند یعنی برای فاعلهای مختلف شکل آنها تغییر نمی کند.
- ❖ هیچکدام از فعلهای مدال نمی توانند به تنهایی در جمله بکار روند.

فعل ناقص **must**

به معنای "باید"، برای بیان اجبار در زمان حال یا آینده به کار می رود.

کاربرد:

- اجبار: (strong obligation)
- نتیجه گیری منطقی: (logical conclusion)
- قطعیت: (certainty)

مثال:

- You **must** stop when the traffic lights turn red.
"هنگامی که چراغ عبور و مرور قرمز می شود، شما باید توقف کنید." (اجبار)
- He **must** be very tired. He's been working all day long.
"او تمام روز در حال کار کردن بوده، او باید خیلی خسته باشد." (نتیجه گیری)
- You **must** listen to the professor during the lecture.
"در طول سخنرانی، شما باید به استاد گوش دهید." (بیان لزوم)

نکته کنکوری: فعل ناقص "must" شکل گذشته ندارد و بنابراین برای ضرورت انجام کاری در گذشته از "had to" به معنی مجبور بودن استفاده می کنیم.

When my father got home. He had to fix the car.

نکته کنکوری: اگر بخواهیم بعد از فعلهای ناقص از افعال "to be" استفاده کنیم. فقط شکل ساده آن که همان "be" است را استفاده می کنیم.

It may be rain.

فعل ناقص Can

به معنی توانستن است و توانایی انجام کار در زمانهای حال و آینده را نشان می دهد.

*فعل can در زبان انگلیسی بسیار پرکاربرد است.

*حالت منفی can در زبان انگلیسی بصورت cannot و یا can't می باشد. برای منفی کردن جملات دارای

can باید not را بدون هیچ فاصله‌ای بعد از can آورد، یعنی can + not → cannot

کاربرد:

○ توانایی (ability)

○ اجازه (permission)

○ احتمال (possibility)

مثال:

- I can swim. "من می توانم شنا کنم" (توانایی).
- Can I use your phone please? "می توانم از تلفن شما استفاده کنم" (اجازه)
- Smoking can cause cancer. "استعمال دخانیات می تواند باعث سرطان شود (احتمال)
- The doctor said he cannot go to work on Monday. "دکتر گفت که او دوشنبه نمی تواند به کار برود."
- We can't fix it. "ما نمی توانیم این را تعمیر کنیم"

نکته کنکوری ۱: فعل ناقص "can" و "be able to" به معنی "قادر بودن" برای توانایی انجام کار به کار برده می شود. در اغلب موارد به جای یکدیگر نیز به کار می روند. بعد از این ساختار هم فعل اصلی جمله بصورت ساده به کار می رود.

"سارو می تواند فارسی را به خوبی صحبت کند".
Saro can speak Persian very well.

"سارو قادر است فارسی را به خوبی صحبت کند".
Saro is able to speak Persian very well.

نکته کنکوری ۲: زمان گذشته فعل "can" فعل ناقص "could" می باشد که معنی و مفهوم آن توانایی انجام کاری در گذشته می باشد.

When my son was a child, he could ride a bicycle.
"زمانیکه پسر من بچه ای بیش نبود او می توانست دوچرخه سواری کند."

فعل ناقص May

به معنی "ممکن است" می باشد و برای اجازه گرفتن یا اجازه دادن و یا برای نشان دادن احتمال در زمانهای حال یا آینده به کار می رود.

کاربرد:

- اجازه (permission)
- احتمال (possibility / probability)

- "آیا اجازه دارم که از تلفن شما استفاده کنم؟" (اجازه) May I use your phone please?
- "ممکن است فردا باران بیارد." (احتمال) It may rain tomorrow.
- "اجازه دارم آنجا بنشینم؟" May I sit down there?
- "ممکن است مجبور شوم برنامه هایم را لغو کنم." I may have to cancel my plans.
- "به دلیل ترافیک، او ممکن است به موقع نرسد." She may not arrive on time due to traffic.

نکته کنکوری: شکل زمان گذشته این فعل، فعل ناقص "might" است که به معنی احتمال انجام کاری در گذشته است که در زیر به آن اشاره می کنیم.

فعل ناقص Might

کاربرد:

○ اجازه مودبانه (polite permission)

○ احتمال (possibility / probability)

مثال :

- **Might** I **suggest** an idea? "می توانم یک ایده پیشنهاد دهم؟" (اجازه ی مودبانه)
- I **might** go on holiday to Australia next year. "ممکن است سال آینده برای تعطیلات به استرالیا بروم." (احتمال)
- I cannot find my keys. I **might** have dropped them in the street. "من نمی توانم کلید هایم را پیدا کنم . ممکن است آنها را در خیابان انداخته باشم."

فعل ناقص Should

به معنی "باید" است و اجبار انجام کاری را به شکل توصیه در زمانهای حال و آینده نشان می دهد.

کاربرد:

○ پیشنهاد / نصیحت (suggest / advice)

○ نتیجه گیری منطقی (logical conclusion)

مثال :

- I **should** see a doctor. I have a terrible headache. "من باید یک دکتر را ببینم. من سردرد شدیدی دارم." (پیشنهاد)
- You **should** review your lessons. "تو باید درسهایت را مرور کنی." (نصیحت)
- He **should** be very tired. He's been working all day long. "او باید خسته باشد. او تمام روز در حال کار کردن بوده است."

***نکته :** در ترجمه و معنی عباراتی که با **should** نوشته می شوند ، این لغت را "باید" ترجمه می کنیم .

در زبان انگلیسی این لغت را معادل ۵۰٪ اجبار نیز در نظر می گیرند. اما در عمل انگلیسی زبان ها بیشتر از این لغت به عنوان پیشنهاد ، نصیحت و یا نتیجه گیری منطقی استفاده می کنند.

در ترجمه مثال های فوق ، معادل لغت انگلیسی " **should** ، "باید" در نظر گرفته شده است، اما بهتر است بدانیم که "باید" در اصل به مفهوم "بهتر است" می باشد .

استفاده از افعال کمکی مدال هنگام ساختن جمله ها و یا بیان آنها به زبان انگلیسی بسیار مهم و تاثیر گذار می باشد، زیرا به بیان حالات ، احساسات ، زمان و ... می پردازد و باعث فهم بهتر منظور ما توسط مخاطب خواهند شد .

نکته کاربردی: کنکور منحصر زبان

فعل اصلی بعد از افعال کمکی ناقص می تواند به شکل های زیر بیاید:

can answer ➤ شکل ساده یا مصدر بدون to مثال

can be answering ➤ استمراری: مثال

can have answered ➤ کامل: مثال

can be answer ➤ مجهول: مثال

تست گرامری کنکوری

1. A: I am looking for Tom. Do you know where he is?

B: he have gone out.

- a) Would b) might* c) should d) could

2. A: Where is that cold air coming from?

B: Someone have left the door open.

- a) Should b) must* c) would d) could

3. I feel really tired today. I Have gone to bed earlier last night.

- a) Would b) might c) should* d) could

4. Fatima caught a bad cold last night. She Have stayed in the rain for a long time.

- a) Must* b) should c) can d) would

5. A: the teacher looked very pleased today.

B: yes, he have gotten a raise.

- a) Should b) might * c) can d) must

حروف اضافه در انگلیسی prepositions

اگر به عبارت انگلیسی این مفهوم نگاه کنیم، یعنی **preposition** خواهیم دید که از دو بخش تشکیل شده است. عبارت **(pre-)** و عبارت **(-position)** واژه **(pre-)** به معنای پیش)) و واژه **(position)** به معنای **(مکان و جایگاه)** است. پس طبق تعریف، **preposition** به چیزی گفته می‌شود که محل آن قبل از چیز دیگری است.

حروف اضافه از لحاظ شکلی ممکن است یک کلمه یا بصورت عبارتی متشکل از چند کلمه باشند. حروف اضافه هر کدام نقش ویژه ای در جملات بر عهده دارند. مثلاً تعدادی از آنها بیانگر محل و موقعیت مکانی هستند، تعدادی نشانگر زمان بوده و برخی حرکت و جهت را نشان می‌دهند. بعضی از آنها هم جهت بیان منظور، همراهی، همبستگی، سنجش، مشابهت، و... بکار می‌روند.

در اصطلاح گرامری، حروف اضافه یا **prepositions** کلماتی هستند که قبل از اسم‌ها یا بعضی فعل‌ها قرار می‌گیرند و نسبت کلمات دیگر را با کلمه بعد از خود مشخص می‌کنند. مثلاً:

○ حرف اضافه **in** قبل از کلمه **morning** قرار می‌گیرد و عبارت «**in the morning**» به معنای «در هنگام صبح» را می‌سازد. به همین خاطر اینجا، **in** حرف اضافه تعیین زمان است.

○ حرف اضافه **to** قبل از واژه **street** قرار می‌گیرد و عبارت «**to the street**» یعنی «به سمت خیابان» را می‌سازد. و به خاطر همین کاربرد، اینجا به **to** حرف اضافه تعیین جهت می‌گوییم.

○ حرف اضافه **inside** قبل از **box** قرار می‌گیرد و عبارت «**inside the box**» یعنی «درون جعبه» را می‌سازد. و در این کاربرد، **inside** حرف اضافه تعیین مکان شناخته می‌شود.

در ادامه به انواع کاربردهای حروف اضافه در انگلیسی و مثال‌های هر کدام می‌پردازیم.

کاربرد حرف اضافه ON

(۱) برای بیان در تماس با سطح چیزی یا وسیله‌ای، از حرف اضافه **on** استفاده می‌شود.

- I put an egg **on** the kitchen **table**. "من تخم مرغ را روی میز آشپزخانه گذاشتم"
- The paper is **on** my **desk**. "این کاغذ روی میز من است."

(۲) برای بیان تاریخ (روز و ماه) و قسمت‌های معینی از شبانه روز به کار برده میشود.

- I was born **on** the **14th** day of **June** in 1988.

"من در چهاردهمین روز ماه ژوئن در سال ۱۹۸۸ به دنیا آمدم."

On Monday

On Christmas day

on my 25th anniversary

On Sunday night

On Esfand, 13th

On Tuesday morning

(۳) برای اشاره به اعضای بدن

- He kissed me **on** my **cheek**. "او روی گونه‌ام را بوسید."
- The stick hit **on** my **shoulder**. "چوب به شانه‌ام برخورد کرد."
- I wear a ring **on** my **finger**. "من یک انگشتر تو انگشتم گذاشتم"

(۴) برای وسایل و دستگاه. مانند اتوبوس و کامپیوتر به کار برده می‌شود.

- My favorite movie will be **on** **TV** tonight. "فیلم مورد علاقه‌ی من در تلویزیون نمایش داده می‌شود."

- He is **on** the **phone** right now. "اون الان پشت خط تلفن هست."
- She has been **on** the **computer** since this morning. "از صبح اون پشت کامپیوتر هست."
- He is **on** the **bus**. "اون در اتوبوس است."
- **On** the **radio** "در رادیو"

(۵) برای سواحل و جزایر نیز به کار می‌رود.

- He lives **on** **Hawaii** Island. "او در جزیره هاوایی زندگی می‌کند."

(۶) در جلوی نام مکانی که شخص در آنجا کار میکند. مشروط بر اینکه آن مکان ساختمان نباشد.

- His son works on a farm. "پسرش روی مزرعه کار می کند."

In کاربرد حرف اضافه

(۱) دلالت بر درون چیزی یا مکانی دارد.

- I am in the class room now.
My mobile phone was in the bag.

(۲) بطور کلی به مفهوم زیر سطح معینی در جملات بکار می رود.

- There was a hole in his shirt.

(۳) نوع مکان رو بیان میکند.

- Some of my friend in this site live in town and some of them in villages.

(۴) قبل از نام شهرها و کشور های بزرگ کار برده میشود.

- He lives in Esfahan

(۵) در جلوی نام مکانی که شخص در هنگام بیان مطلب در آنجاست.

- I am in the classroom now.

(۶) قبل از نام خیابان بکار میرود. (توجه: در انگلیسی آمریکایی بر عکس از on استفاده می شود).

- In shariati street

(۷) در یک سری عملکردها اکشن ها حرکتها و در مقوله های مربوط به انداز گیری کاربرد دارد.

- The sea is always in motion "دریا همیشه در حرکت است."
- Hamid's friend was in motorcycle acciden "دوست حمید با موتور تصادف کرد"
- The suitcase was 30 inches in length. "طول چمدان ۳۰ اینچ است."

(۸) حرف اضافه in می تواند با ماه، فصل و یا سال بکار برود.

- The conference will be held in summer.

نکته: اصطلاحات ثابتی هم وجود دارند که in در آنها بکار می رود.

- In the morning, In the afternoon, In the evening
- I go to school in the morning.

کاربرد حرف اضافه At

(۱) دلالت بر موقعیت:

- At the air port - At the beauty shop.

(۲) نقطه ای در زمان ، مکان.

- At 9 p.m- At the exact spot

(۳) اندازه و درجه.

- At a temperature of 100° C

(۴) قبل از نام دهکده ها و شهر های کوچک بکار می رود .

- The car accident occurred at the seaside.

(۵) قبل از شماره منزل (پلاک) بکار می رود . بطور کل نشانگر آدرس می باشد .

(۶) بیانگر مکان بخصوصی می باشد که شخص در آن کار میکند.

- I am working at the Central bank.

(۷) حرف اضافه at برای بیان زمان مشخص و معینی از روز یا شب بکار می رود و قبل از ساعت ها ، دقیقه ها، و قبل از کلمات زیر به کار می رود.

- night, noon, midnight, sunrise ,sunset ,dawn

Sunrise= طلوع آفتاب sunset= غروب dawn= پگاه سپیده دم

(۸) قبل از weekend تعطیلات آخر هفته و کلمات نشانگر اعیاد و رویدادهای برجسته و تاریخی نیز At بکار می رود .

(۹) حرف اضافه at می تواند با ساعت یا کلمات night, noon و midnight بکار برود.

- The movie is at 3 pm. "فیلم ساعت ۳ بعدازظهر"

- Bats come out at night. "خفاش ها شب بیرون می آیند."

(۱۰) هنگام صحبت در مورد فعالیت های گروهی مثل مهمانی، جلسه، نمایش، کنسرت و غیره از at استفاده می شود.

- at a party, at a meeting, at a play, at a concert, etc

- I will see you at the party. "در مهمونی می بینمت."

نکات اضافی کنکوری منحصرآ زبان:

(۱) هنگامی که ما فقط اسم ماه را در جمله استفاده می کنیم باید از **in** استفاده کرد. ولی وقتی که به همراه اسم ماه، تاریخ را هم داریم آن وقت باید از حرف اضافه **on** استفاده کرد.

- They go to work **in** March.
- They go to work **on** 5th March.

(۲) به طور کلی از **in** موقعی استفاده می شود که ما به یک قسمت به خصوصی از یک ساختمان (بانک، اداره...) اشاره می کنیم. ولی از **at** موقعی استفاده می کنیم که به یک ساختمان به طور کلی اشاره می کنیم که کمی نامشخص است.

- Where are you? I'm **in** the office.
کجا هستی؟ در اتاقم هستم (اتاقی که در اداره است)

- Where are you? I'm **at** the office.

کجا هستی؟

اداره هستم (در اینجا منظور اداره به صورت یک کل است و این دقیقا مشخص نیست که این شخص در چه قسمتی از اداره است).

(۳) تفاوت دیگر **in** و **at** در مورد مکان وقتی است که ما از فعل **arrive** رسیدن، وارد شدن قبل از این دو استفاده می کنیم. به طور کلی برای مکان های بزرگ باید از حرف اضافه **in** استفاده کرد ولی برای مکان های کوچک از **at** استفاده می شود.

مثلا وقتی که می خواهیم از یکی از این دو برای یک کشور استفاده کنیم باید از **in** استفاده می کنیم ولی برای فرودگاه از **at** استفاده می کنیم. به چند مثال در این خصوص توجه کنید:

- Yesterday, I **arrived in** the Netherlands to meet my co-workers.
"دیروز من برای ملاقات همکارانم وارد هلند شدم."

- It is expected that the air plane **arrives at** the airport within 45 minutes.

"انتظار می رود که هواپیما در ظرف ۴۵ دقیقه وارد فرودگاه شود."

- We will **arrive at** the restaurant in the evening. "ما عصر وارد رستوران می شویم."

(۴) گاهی اوقات نیز نیازی به استفاده از حرف اضافه پس از فعل **arrive** نیست:

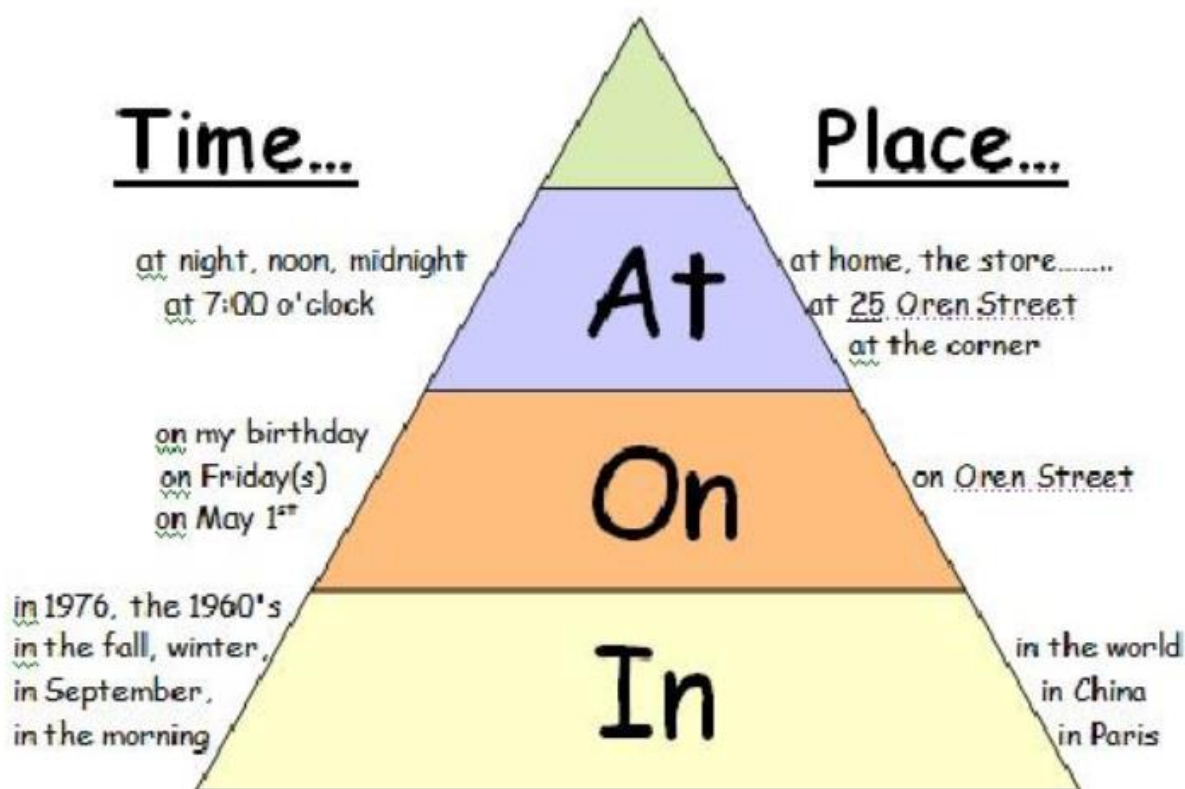
- My brother **arrived** home so early.

تفاوت **in time** با **on time**

اگر کاری را **on time** انجام دهید، به این معنی است که آن را درست سر وقت انجام می‌دهید؛ اما اگر کاری را **in time** انجام دهید، معنی آن این است که آن را کمی زودتر از برنامه‌ریزی‌تان انجام می‌دهید.

در موقعیت‌های مشکل و خطرناک مثل آتش‌سوزی یک ساختمان، باید آرزو کنیم تا آتش‌نشان‌ها **in Time** برسند تا از وقوع یک رویداد بد جلوگیری کنند:

- They hoped the firemen would arrive **in time**. ~~normally arrive to college about an hour before my class starts.~~



قید حالت در زبان انگلیسی Adverb of Manner

قید حالت چیست؟

قید حالت قیدی است که چگونگی انجام کاری را در جمله نشان میدهد. به ما می گوید که کاری به چه کیفیتی و یا در چه وضعیتی انجام شده است. برای مثال در جمله "او به زیبایی نقاشی می کند." کلمه "به زیبایی" قید حالت است و فعل نقاشی کردن را برای ما توصیف می کند. در جملات زیر قید حالت با رنگ قرمز مشخص شده است:

- He drives **slowly**.
- They hunted the bear **easily**.
- We cleaned the car **carefully**.

نحوه ساختن قید حالت

در اکثر مواقع برای ساختن قید حالت در زبان انگلیسی به آخر صفت **ly** اضافه میکنیم:

صفت	قید حالت
quick - سریع	quickly - به سرعت
kind - مهربان	kindly - مهربانانه
careful - دقیق	carefully - با دقت
greedy - حریص	greedily - حریصانه
slow - آهسته	slowly - به آهستگی
bad - بد	badly - به طور بدی
serious - جدی	seriously - به طور جدی
beautiful - زیبا	beautifully - به زیبایی

چند نکته مهم درباره قیدهایی حالت:

نکته ۱: اگر در آخر صفتی حرف **y** وجود داشته باشد، آن را به **i** تبدیل میکنیم و بعد **ly** را به آخر صفت اضافه میکنیم:

- angry (عصبانی) → angrily (با عصبانیت)
- greedy (حریص) → greedily (حریصانه)
- easy (آسان) → easily (به آسانی)

- happy (خوشحال) → happily (با خوشحالی)

نکته ۲: اگر در آخر صفت حروف **le** وجود داشته باشند، **e** را حذف میکنیم و فقط به آخر آن **y** اضافه میکنیم:

- terrible (وحشتناک) → terribly (به طرز وحشتناک)
- simple (ساده) → simply (به سادگی، به آسانی)
- capable (شایسته) → capably (به طور شایسته)

نکته ۳: بعضی از صفات برای تبدیل شدن به قید حالت **ly** نمیگیرند و حالت صفت و قید آن ها یکی است. کلمات زیر هم در نقش صفت و هم در نقش قید می توانند در جمله استفاده شوند:

- hard - near - fast - low - high - early - late - far

مثالهای زیر را با دقت بخوانید تا با حالت قید و صفت این کلمات در جمله آشنا شوید:

- Jack is a **fast** runner. "جک یک دونده سریع است."
- Jack runs **fast**. "جک سریع میدود."

در جمله اول کلمه **fast** در نقش صفت آمده است و **Jack** را توصیف میکند. اما در جمله دوم نقش قید را دارد و فعل جمله یعنی **runs** را توصیف میکند.

- This math problem is **hard** and we try **hard** to solve it.

"این مسئله ریاضی سخت است و ما سخت تلاش میکنیم تا آن را حل کنیم."

در این مثال دو کلمه **hard** داریم. در جمله اول نقش صفت را دارد زیرا **math problem** را که یک اسم است را توصیف میکند و در جمله دوم فعل جمله یعنی **try** را توصیف میکند.

جایگاه قید حالت در جمله:

قوانین زیر برای پیدا کردن قیدهایی حالت و استفاده ی آسان از آن ها به شما کمک می کنند:

۱. محل قرارگیری قید حالت بعد از فعل اصلی یا بعد از مفعول است. یک قید حالت را نمی توان بین فعل اصلی و مفعول قرار داد.

- She **talked loudly**. (بعد از فعل اصلی) "او بلند صحبت کرد."
- He left **the room quickly**. (بعد از مفعول) "او اتاق را به سرعت ترک کرد."

۲. اگر در جمله قید مکان و یا قید زمان داشته باشیم، قید حالت را قبل از این دو قید قرار می دهیم. اگر در جمله هر دو قید زمان و مکان با هم باشند، قید حالت را قبل از قید مکان قرار می دهیم. به جملات زیر دقت کنید:

- Amin parked the car carefully in the yard.
در این جمله قبل از قید مکان (in the yard) آمده است.
- Amin parked the car carefully last night.
در این مثال قید حالت (carefully) قبل از قید زمان (last night) آمده است.
- Amin parked the car carefully in the yard last night.
در این جمله قید مکان و زمان هر دو در جمله هستند، بنابر این قید حالت قبل از قید مکان آمده است.

۳. برای تاکید بیشتر و همینطور استفاده ی ادبی از این قید، در جمله قید حالت را قبل از فعل و مفعول قرار می دهیم و هرگاه این قیدها در ابتدای جمله قرار بگیرند توجه خواننده را بیشتر جلب می کنند.

- He greedily ate the chocolate cake.
او با طمع کیک شکلاتی را خورد. (قید greedily قبل از مفعول (cake) و فعل (ate) قرار گرفته است.)
- Slowly, the students left the classroom.
آهسته آهسته، دانش آموزان کلاس را ترک کردند. (قید slowly در ابتدای جمله قرار گرفته است.)

۴. اگر قبل از مفعول مربوط به فعل حرف اضافه وجود داشت، پس شما می توانید قید حالت را قبل از حرف اضافه یا بعد از مفعول قرار دهید. کلمه towards در هر دو جمله حرف اضافه می باشد.

- The child ran happily towards his mother.
"کودک با شادی به سمت مادرش دوید."
- The child ran towards his mother happily.
"کودک با شادی به سمت مادرش دوید."

۵. قید های حالتی که در زیر می بینید همیشه باید بعد از فعل قرار بگیرند:

Well, badly, hard, & fast

- He swam well despite being tired.. "او علی رغم خسته بودن به خوبی شنا کرد."
- The rain fell hard during the storm. "باران در طول طوفان تند می بارید."

اما برخی از صفات "ly" نمی گیرند یعنی فرم قیدی و صفتی آنها یکی است.

adverb of manner	adjective
well	good
fast	fast
hard	hard
late	late
soon	soon

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

زبان یازدهم

درس اول

Understanding people

Interesting Facts:

- There are about 7000 languages in the world.
- Most Languages of the world have no written form.
- The Holy Quran is available in more than 100 languages.
- One language dies about every fourteen days.
- Deaf people use sign language to communicate.

حقایق جالب و شگفت انگیز:

- حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد.
- بیشتر زبانهای موجود در دنیا فرم نوشتاری ندارند.
- قرآن کریم با بیش از ۱۰۰ زبان دنیا در دسترس می باشد.
- در مدت هر چهارده روز یک زبان از بین می رود.
- انسانهای کرولال جهت برقراری ارتباط با دیگران از زبان اشاره استفاده می کنند.

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه یازدهم

Part 1 Get ready & conversation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
محوطه پارکینگ	Parking lot	کاملاً	Absolutatly
جمهوری	Republic	برطبق، براساس	According to
ناشنوا، کر	Deaf	در دسترس، موجود، حاضر، آماده	Available
زود	Early	به علاوه، علاوه براین	Besides
علف، چمن، گیاه	Grass	پخش کردن از رادیو	Broadcast
موسسه	Institute	ارتباط برقرار کردن، انتقال دادن	Communicate
صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران	IRIB	روان، سلیس	Fluent
زبان مادری	Mother tongue	بارها، به تکرار	Frequently
پروژه	Project	صادق، راستگو	Honest
زبان اشاره	Sign language	واردجایی نشدن، فاصله گرفتن	Keep off

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The president spoke to the nation in a television..... .
a)yard b)broadcast c)system d)IRIB
- Lets bethe only reason she married him was for his
a)quick b)voluntary c)honest d)fantastic
- Jim knewnothing about the business when he joined the firm.
a)easily b)happily c)fluently d)absolutely
- He was aand rapid writer.
a)fluent b)lazy c)relevant d)special
- What language do you knowEnglish.?
a)beside b)besides c)also d)without

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-b	2-c	3-d	4-a	5-b
-----	-----	-----	-----	-----

Part 2

New words & expression , reading

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
جزایر اقیانوسیه	Oceania	توانایی، مهارت	Ability
مالک بودن، دارا بودن	Own	مقدار	Amount
درصد	Percent	تعلق داشتن، وابسته بودن	Belong
جسمی	Physical	قرن	Century
جمعیت	Population	ارتباط	Communication
نوسان داشتن، در تغییر بودن	Range	علی رغم، با وجود اینکه	Despite
منطقه	Region	مبادله کردن، معاوضه کردن	Exchange
جامعه	Society	وجود داشتن، زنده بودن، زندگی	Exist
دقیق، خاص	Specific	توضیح دادن، شرح دادن	Explain
تعجب آور	Surprising	شدن	Grow
از میان، از طریق	Through	تصور کردن	imagine
بسیار کوچک	Tiny	عمدتاً، اکثراً	Largly
بازرزش	Valuable	جستجو کردن، به دنبال گشتن	Look for
تفاوت داشتن، فرق کردن	Vary	خوشبختانه	Luckily
آرزو، خواسته	Wish	خوش شانس	Lucky
قبل از، تا	By	به وجود آوردن، تشکیل دادن	Make up
زراعت، کشاورزی	Farming	اهمیت داشتن	Matter
نشان کردن، علامت گذاری کردن	Mark	بر آورده ساختن نیاز، ملاقات	Meet
نگاه اجمالی کردن به	Scan	روحي، ذهني	Mental
جا، فضا	Space	ذهن، هوش	Mind
مرحله، گام	Step	زبان مادری، بومی زادگاه مادری	Native
مترادف	Synonym	تقریباً	Nearly
بنابراین	Therefore	توجه، تابلو، اخطار، اطلاع	notice

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Long ago, the cities of Greece were at war, so people decided to bring peace to the
 a) region b) continent c) city d) mark
2. The scientists are talking about a new planet on which life doesn't
 a) create b) exist c) save d) attend
3. I think there are isn't enough for the chairs and table in the dining room.
 a) land b) plaster c) stamp d) space
4. There is a playground in the neighborhood for children in age from five to ten.
 a) ranging b) taking c) having d) coming
5. Their most belonging were locked in a box in the bedroom.
 a) simple b) valuable c) amazing d) specific
6. My father says that nobody is able to their children's needs.
 a) see b) visit c) hear d) meet
7. We must serve the in which we live .
 a) society b) zoo c) forest d) airport
8. My aunt went to Japan the fact that her doctor had told her to rest.
 a) because of b) because c) despite d) while
9. Donna has tired of being a model.
 a) met b) blown c) grown d) considered
10. Hey, look at the prices. They from \$30 to \$100.
 a) range b) come c) identify d) start

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-a	2-b	3-d	4-a	5-2	6-4	7-a	8-c	9-c	10-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3

grammar

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
سفارش دادن	Order	به نظر رسیدن، نمایان شدن	Appear
تکه	Piece	قابل شمارش	Countable
تکه، قطعه	Slice	فرهنگی	Cultural
اشتباه، به صورت نادرست	Wrongly	ناپدید شدن	Disappear
بطری	Bottle	آبمیوه	juice
آوردن	Bring	زنده	Live
شیشه	Glass	قرص نان	Loaf
خربزه	melon	اندازه، میزان، مقدار، اندازه گرفتن	Measure

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The researchto show that the drug is effective in most cases.
a)disappears b)appears c)measures d)orders
- We canthe energy that food gives in calories.
a)order b)narrate c)publish d)measure
- Students need to have time for relaxation andactivities
as well as for academic work.
a)cultural b)loud c)irregular d)available
- Cut the potato into small.....
a)slice b)pieces c)choices d)both 1&2
- My mother asked me toup the onions and add them to the meat.
a)give b)slice c)keep d)grow
- We were so interested to see realelephants.
a)specific b)absolute c)fluent d)live

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-b	2-d	3-a	4-d	5-b	6-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----

Part 4

Listening & speaking , pronunciation , writing ,

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
تقریباً	Almost	اضافی	Additional
سرانجام، بالاخره	At least	قرض گرفتن	Borrow
شمع ها	Candles	بها، ارزش، قیمت، هزینه، ارزیابی	Cost
نمره، درجه، رتبه، پایه، مقام	Grade	شرح، توضیح	Explanation
مفعول، چیزی، شی	Object	خواروبارفروشی، عطاری	Grocery
یکبار	Once	برداشتن، انتخاب کردن	Pick
عکس	Photograph	به شکل تازه ای چیدن	Rearrange
تکرار کردن	Repeat	دریافت کردن	Receive
مداد تراش	Sharpener	به سادگی، فقط	Simply
نهاد، فاعل، موضوع	Subject	باهوش	Smart
سوم ، سومین	Third	جایی	Somewhere
دوبار	twice	روشن کردن	Turn on

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Can you think of anyfor this failure?
a)population b)explanation c)consideration d)communication
2. They.....heavily from the bank to start their new business.
a)developed b)chose c)pointed d)borrowed
3. They employ 90 people,.....as many as last year.
a)twice b)still c)by d)so
4. The letter wefrom our aunt made us really happy because we didn't have any information about her for three years.
a)sent b)borrowed c)received d)studied
5. This doesn't include theof repairing the damage.
a)cast b)grade c)cost d)range

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-b	2-d	3-a	4-c	5-c
-----	-----	-----	-----	-----

Part 5

workbook

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
اشتباه	Mistake	دسترسی، دسترسی داشتن به	Access
لازم، ضروری	Necessary	ترسیده	Afraid
مقدار زیادی، تعداد زیادی	Plenty	یقینا، قطعا	Certainly
نسبتا زیاد، خیلی	Quite	مطمئن	Confident
پیشنهاد کردن	Suggest	تصمیم گرفتن	Decide
هنرمند	Artist	دوبرابر شدن، دوبرابر کردن	Double
مبتدی	Beginner	فرار کردن، گریختن	Escape
برچسپ، برپسپ زدن	Label	بهبود بخشیدن، بهتر شدن	Improve
پاکت، قوطی مقوایی، بسته	Pack	بهبود، ترقی	Improvement
بار، دفعه	time	فقره، قلم، شی، آیتم	item
واحد، یک دستگاه	unit	اساسا، عمدتا	Mainly

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Cats should always haveto fresh ,clean water.
a)access b)label c)matter d)means
- Hethat he was having problems,but he didn't explain.
a)improved b)ordered c)mentioned d)told
- He is quietlythat there will be no problem this time.
a)fluent b)absolute c)mental d)confident
- A boy.....unhurt when the fire in his room went off.
a)escaped b)varied c)considerd d)noticed
- I was a littleof him when I first met him.
a)honest b)afraid c)mental d)emotional
- You could use the money foryour home.
a)improving b)attracting c)hosting d)imagining

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-a	2-c	3-d	4-a	5-b	6-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----

ترجمه مکالمه درس اول پایه یازدهم صفحه ۱۹

Babak Saberian is a translator who works for IRIB1. Today, he is hosting **Meysam** in his office. **Meysam** is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان مترجمی است که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می کند. امروز ایشان در محل کارش میزبان آقای میثم است. میثم دانش آموز دوره دبیرستان است. او دارد درمورد پروژه مدرسه اش با آقای صابریان صحبت می کند.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

میثم: متشکرم از اینکه بنده رابه دفتر کارتان دعوت فرمودید.

Mr. Saberian: You're welcome!

آقای صابریان: خواهش می کنم.

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?

میثم: من شنیده ام که حضرتعالی به سه زبان مسلط هستید. درسته ؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages.

آقای صابریان: خب حقیقتا چهار زبان رو بلدم

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهار زبان؟ واقعا؟ شما چه زبانهایی را می دانید.

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

آقای صابریان: بنده علاوه بر زبان مادر ام ، زبانهای انگلیسی ،فرانسوی،و روسی را هم به خوبی زبان فارسی صحبت می کنم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?

میثم: جالب است. شما چه زمانی این زبانها را فراگرفته اید.

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

آقای صابریان: زمانیکه در مدرسه بودم در سن سیزده سالگی زبان انگلیسی را یاد گرفتم. و زمانیکه فقط پانزده سال داشتم در یک موسسه زبان به فراگیری زبان فرانسه پرداختم و زمانیکه در مسکو به عنوان دانشجو تحصیل می کردم زبان روسی را یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?

میثم: آیا شما می توانید همه آنها را به روانی صحبت کنید.

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: من همه این زبانها را به خوبی آشنا هستم و بلدم. اما از زبان انگلیسی بیشتر استفاده می کنم.

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار عالی. آیا شما فکر می کنید که فراگیری زبان بایستی در امکان زود فراگرفته شود؟

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: حقیقتا تجربه به من نشان داده که علاقه و تلاش سخت مهم تر از سن و سال است.

Meysam: Hmm... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

میثم: هممممم... نکته بسیار مهمی است. آیا امکانش هست تا بدانم که زبان مورد علاقه شما چیست؟ انگلیسی، فرانسوی یا زبان روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: اگر صادق باشم، بنده از بکار بردن همه زبانهای فوق احساس لذت و شغف می کنم اما زبان مورد علاقه من قطعا زبان مادریم می باشد.

ترجمه ریدینگ درس اول پایه یازدهم صفحه ۲۴

Languages of the World

زبانهای دنیا

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

زبان یک سیستم برقراری ارتباط است. زبان از کلمات نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. انسانها در جامعه جهت برقراری ارتباط با یکدیگر از زبان استفاده می کنند. انسانها از طریق زبان به تبادل دانش، عقاید، آرزوها و احساسات می پردازند.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent.

زبانها از منطقه ای به منطقه دیگر قابل تغییر است (فرق می کند). زبانها به اندازه ای با هم متفاوت هستند که ممکن است شخصی زبان یک نفر از منطقه ای دیگر، کشور یا قاره ای دیگر را درک نکند.

It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

جای تعجب نیست اگر بشنویم که حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارد. در قاره آفریقا بیش از ۲۰۰۰ زبان، در قاره آمریکا ۱۰۰۰ زبان، در قاره آسیا ۲۲۵۰ زبان، در قاره اروپا ۲۳۰ زبان و در قاره اقیانوسیه بیشتر از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese.

گوینده های بومی این گونه زبانها از نظر تعداد ، از خیلی زیاد ، تا صدها میلیون گوینده، تا خیلی کم، با کتر از صد گوینده در حال تغییر هستند. پرتعدادترین زبان حال حاضر دنیا زبان چینی می باشد. بیشتر از یک میلیارد نفر در جهان به زبان چینی صحبت می کنند.

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

جالب این است که گوینده های (صحبت کننده ها) انگلیسی بومی کمتری از زبان چینی دارد، اما در سراسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر زبان انگلیسی وجود دارد. آنها زبان انگلیسی را به عنوان اینکه یک زبان بین المللی است فرا می گیرند.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers.

در حدود پنجاه درصد از بانهای دنیا کمتر از ۵۰۰۰ صحبت کنند دارند. در اوایل قرن بیست و یک، ۲۰۴ زبان کمتر از ۱۰ نفر صحبت کننده دارند و ۳۴۴ زبان دیگر هم بین ۱۰ تا ۹۹ نفر صحبت کننده دارند.

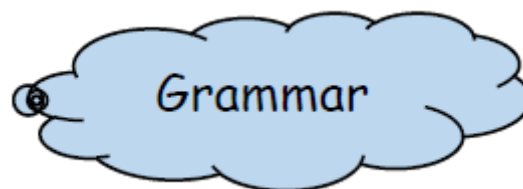
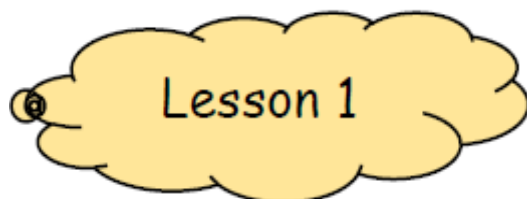
The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them 'endangered languages'. As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

۵۴۸ زبان با کتر از ۹۹ نفر صحبت کننده حدود ۸ درصد زبانهای دنیا را به خود اختصاص می دهند. ما این زبانها را " زبانهای در معرض خطر انقراض " می نامیم. همچنانکه گوینده های چنین زبانهایی پیر شده و خواهند مرد زبانهایشان نیز از بین خواهد رفت.

All languages are really valuable, despite their differences. Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its own speakers. It is impossible to imagine the world without language. حقیقتا همه زبانهای دنیا علیرغم اختلافاتی که باهم دارند واقعا با ارزش هستند. هر زبانی برای خودش یک وسیله ارتباطی بسیار با ارزش است که نیازمندیهای روزمره گوینده هایش را برطرف می کند. اینکه دنیا را بدون زبان تصور کنیم غیر ممکن و محال می باشد.

Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.

بنابراین، بایستی به همه زبانهای دنیا احترام بگذاریم، اینکه چقدر متفاوت از همدیگر هستند مهم نیست و اینکه چه تعداد گوینده یا صحبت کننده دارند.



نظر انداختن (skimming) و مرور اجمالی (scanning)

نظر انداختن (skimming) و مرور اجمالی (scanning) دو استراتژی متفاوت برای **تندخوانی** هستند. هرکدام از این دو برای مقاصد متفاوتی بکار میروند و البته قرار هم نیست در همه موارد از اینها استفاده کرد. درواقع این دو در انتهای سریع طیف تندخوانی هستند و مطالعه کردن در انتهای کند طیف تندخوانی است. افرادی که این دو روش را بلد باشند خوانندگانی منعطف خواهند بود و بنابر منظورشان متن را میخوانند و اطلاعاتی که نیاز دارند را بدون اتلاف وقت و سریع کسب میکنند. این افراد همه متن را نمیخوانند که باعث افزایش سرعت خواندن میشود. این توانایی مبتنی بر این است که میدانند چه اطلاعاتی را باید بخوانند و از چه متدهایی استفاده کنند.

اسکنینگ (scanning) هم یک ابزار مفید دیگر برای **تندخوانی** است. برخلاف اسکیمینگ، هنگام انجام اسکنینگ فقط دنبال اطلاعات خاصی میگردیم و همه قسمتها را نمیخوانیم. اسکنینگ همان کاریست که وقتی دنبال جدول روزنامه میگردیم یا وقتی دنبال شماره کسی در دفترچه تلفن میگردیم انجام میدهیم. برای اینکه اسکنینگ موفق داشته باشیم علاوه بر فهم متن باید ساختار آنرا هم بدانیم تا بتوانیم اطلاعات مورد نظرمان را بیابیم. همچنین اسکنینگ **(scanning)** برای یافتن اطلاعات و جزئیات در زمانی اندک هم مفید است. چگونه اسکنینگ انجام دهیم؟ از آنجاییکه در زندگی روزمره هم عمل اسکنینگ را بسیار انجام داده ایم، یادگیری نکات بیشتر در مورد اسکنینگ را آسانتر میکند. نکات اساسی قبل از شروع اسکنینگ اینها هستند: تعیین هدف، تعیین متون مناسب، دانستن چگونگی قرار گرفتن اطلاعات در ساختار متن. متونی که اسکن میکنیم معمولاً اینگونه سازمان یافته اند: **الفبایی، زمانی، غیر الفبایی، موضوعی، متنی**. در حالت الفبایی اطلاعات براساس ترتیب الفبایی چیده میشود. در حالت زمانی اطلاعات بترتیب زمانی یا بترتیب اعداد چیده میشوند. حالت غیرالفبایی مثل لیست برنامه های تلویزیونی است. حالت موضوعی مثل لیست کردن

اجزای مختلف قسمت‌های گوناگون اتوموبیل است و در حالت متنی اطلاعات بصورت پاراگراف‌های جداگانه عرضه میشوند مثل مدخل‌های دایره المعارف‌ها.

بکارگیری درست دست‌ها در هنگام اسکینینگ برای یافتن اطلاعات مورد نیاز بسیار مفید خواهد بود. آیا وقتی بدن‌بال لغتی در دیکشنری میگردید همه کار را با دستانتان انجام میدهید؟ مثلاً وقتی ستون نوشته ای را اسکن میکنید استفاده از دست و انگشت برای مشخص کردن نکته تمرکز و برای گم نکردن سطور بسیار مفید واقع میشود. **دید پیرامونی چشم** هم کمک میکند تا بخوبی اسکن کنیم. وقتی انگشت ستونی از نام‌ها را بترتیب پایین میاید تا نام موردنظر را بیابد، فقط نامی که انگشت به آن اشاره دارد را نمیبینیم بلکه نام‌های بالاتر و پایینتر را هم میبینیم. پس بگذارید چشمانتان هم به جستجو کمک کند. هنگام اسکینینگ، مفهوم کلیدواژه (**keyword**) هم در ذهنتان باشد. کلیدواژه‌ها را هدف شما تعیین میکند. مثلاً فکر کنید لیست پروازها را اسکن میکنید تا پروازهای از تهران به تبریز را بیابید. پس عبارات «از تهران» و «به تبریز» کلیدواژه‌های این کار هستند.

چه زمانی از اسکینینگ استفاده کنیم؟ وقتی از اسکینینگ استفاده میکنیم که هدفمان **یافتن اطلاعات و چیز مشخصی** باشد. مثلاً اگر بخواهیم کنفرانسی شفاهی در کلاس ارائه کنیم، فهرست کتاب‌های مربوطه را اسکن میکنیم تا ببینیم اشاره ای به کلیدواژه‌های موردنظرمان شده است یا نه و در صورت لزوم شماره صفحات آن بخش را

حتماً پیش آمده است که قبلاً هم بدون اینکه بدانید اسکینینگ انجام داده اید. حال پس از نکاتی که در این قسمت به شما گفتیم خواهید توانست اسکینینگ را آگاهانه و بیشتر و هدفمند بکار برید. هرچه بیشتر تمرین کنید اسکینینگ بهتری خواهید داشت. درنهایت اینکه مهمترین فایده اسکینینگ همانا توانایی آن در کمک به شماست تا خواننده منعطفتری شوید. اسکینینگ درواقع یک دنده سبک دیگر به موتور مهارت خواندن شما اضافه میکند. **اجازه برای نخواندن بعضی قسمت‌های متن؟** شاید چون عادت داشته اید همه کلمات یک متن را بخوانید، با نخواندن قسمتهایی از متن احساس راحتی نکنید. پس باید به خودتان این اجازه را بدهید که با استفاده از تکنیک‌های اسکیمینگ و اسکینینگ از بعضی لغات چشمپوشی کرده و بنابر مقاصدی که از خواندن دارید، بیخیال بعضی مطالب شوید. پس من بالخصوص به شما این اجازه را میدهم که همه چیز را نخوانید

((یعنی حرکت دادن سریع چشم بر روی بخش‌های بولد متن مثل عنوان، بدنه، بخش‌های آغازین یا پایانی پاراگراف برای یافتن برخی لغات کلیدی یا عبارت‌های مورد نظر.)))

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش Countable and Uncountable nouns

اسمها گسترده‌ترین اقسام کلمات را تشکیل می‌دهند. بطور کلی در زبان انگلیسی می‌توان اسامی را در دو دسته طبقه‌بندی کرد: اسامی قابل شمارش و اسامی غیر قابل شمارش:

اسامی قابل شمارش Countable nouns آن دسته از اسامی هستند که می‌توانند شمرده شوند. این بدین معنی است که می‌تواند بیش از یکی از آنها وجود داشته باشد.

اسامی غیر قابل شمارش Uncountable nouns اسامی هستند که قابل شمردن نیستند (مانند water یا آب). این اسامی تنها بصورت مفرد بکار می‌روند و حالت جمع ندارند.

چند مثال:

۱- اسامی قابل شمارش:

مفرد	جمع
the boy	the boys
an answer	some answers
that car	those cars

۲- اسامی غیر قابل شمارش:

paper, wood, coal, silk, wool, cotton	بسیاری از مواد و مصالح
gold, iron, silver, steel	فلزات
fish, fruit, sugar, meat, cheese, bread	مواد غذایی
water, oil, milk, tea, air, steam, oxygen	مایعات و گازها
money, music, noise, land, hair, ice, snow	چیزهای دیگر

ویژگیهای اسمی قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

اسمهای قابل شمارش:

۱- می‌توانند به دنبال **a, an** یا **one** بیایند.۲- می‌توانند به دنبال **those, many, few, these** بیایند.۳- می‌توانند به دنبال یک عدد (مثلاً **three, two** و ...) بیایند.

مثال:

قابل شمارش	غیر قابل شمارش
I have a good job .	(Not: ... a good work .)
Those meals were delicious.	(Not: ... Those foods .)
I bought two loaves .	(Not: ... two bread s.)

اسمهای غیر قابل شمارش:

(۱) نمی‌توانند با حروف تعریف نامعین (**a** و **an**) بکار روند، بلکه باید با **some** مورد استفاده قرار بگیرند.(۲) می‌توانند به دنبال **little** و **much** بیایند.(۳) به راحتی می‌توانند به دنبال اصطلاحاتی از قبیل **the half, all the, all of the, most of the** بیایند.

مثال:

غیر قابل شمارش	قابل شمارش
It's made of wood .	(Not: ... made of trees .)
There's too much traffic .	(Not: ... too much vehicle .)
I sold all the furniture .	(Not: ... all the table .)

(۴) اسمهایی که ایده و نظر هستند و در اصطلاح به آنها **اسمهای انتزاعی** هم گفته می‌شوند و به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند غالباً اسمهای غیر قابل شمارش محسوب می‌شوند.

Experience	تجربه	Sunshine	نور خورشید
Notice	توجه	Happiness	خوشحالی
luck	شانس	Interest	علاقه
Fear	ترس	Communication	ارتباط

(۵) اسمهایی که برای به وجود آمدنشان چند تا مواد ترکیب شده تا آن اسم به وجود بیاد و نتوان آنها را شمرد.

Money	پول	soup	سوپ
Cheese	پنیر	cement	سیمان
air	هوا	bread	نان
		paper	کاغذ

(۶) اسامی زبانها غیر قابل شمارش هستند:

French	زبان فرانسوی	English	زبان انگلیسی
German	زبان آلمانی	Italian	زبان ایتالیایی



چند نکته مهم و کاربردی:

(۱) می توان بسیاری از اسم های غیر قابل شمارش را با استفاده از بعضی کلمات و عبارات، به قابل شمارش تبدیل کرد. از جمله می توان به کلمات زیر اشاره کرد.

○ a piece of , a bit of , a little bit of pieces of و bits of

- I bought a piece of furniture at the market.
- I want to give you two bits of advice.

(۲) لغت news و مانند یک اسم جمع به نظر می رسد، ولی در حقیقت یک اسم مفرد غیر قابل شمارش است:

- There is no important news in the newspapers.
- Mathematics is difficult.

جمع بستن اسامی قابل شمارش:

(۱) بیشتر اسمها قابل شمارش هستند و می‌توانند به صورت جمع درآیند. معمولاً برای اینکه یک اسم مفرد به صورت جمع درآید، یک **-s** به انتهای آن اضافه می‌کنیم:

- cat, cat**s** face, face**s** boy, boy**s**

(۲) ولی آن دسته از اسامی که به **ch, x, z, s** یا **sh** ختم می‌شوند، **-es** می‌گیرند:

- bus, bus**es** box, box**es** brush, brush**es** watch, watch**es**

(۳) در ضمن اسمهایی که به یک حرف بی‌صدا و **y** ختم می‌شوند، **y** را حذف کرده و به جای آن **ies** می‌گذاریم:

- baby, bab**ies** country, countr**ies** fly, fl**ies** try, tr**ies**

اسامی جمع بی‌قاعده:

(۱) بعضی از اسمها را با تغییر حروف صدادار آنها، به حالت جمع در می‌آوریم:

مفرد	→	جمع	
ma <u>n</u>	→	me <u>n</u>	مرد(ها)
woma <u>n</u>	→	wome <u>n</u>	زن(ها)
mo <u>u</u> se	→	mi <u>c</u> e	موش(ها)
fo <u>o</u> t	→	fee <u>t</u>	پا(ها)
too <u>th</u>	→	tee <u>th</u>	دندان(ها)
go <u>o</u> se	→	gee <u>s</u> e	غاز(ها)



(۲) بسیاری از اسمهایی که به **-f** یا **-fe** ختم می‌شوند، هنگام جمع این **-f** یا **-fe** به **-ves** تبدیل می‌شود:

calf	→	cal <u>ves</u>	گوساله(ها)
half	→	hal <u>ves</u>	نیمه(ها)
knif <u>e</u>	→	kniv <u>es</u>	چاقو(ها)
leaf	→	leav <u>es</u>	برگ(ها)
lif <u>e</u>	→	liv <u>es</u>	جان(ها)
loaf	→	loav <u>es</u>	قرص(های) نان
shel <u>f</u>	→	shel <u>ves</u>	قفسه(ها)
thief	→	thiev <u>es</u>	دزد(ها)
wif <u>e</u>	→	wiv <u>es</u>	همسر(ها)
wolf	→	wolv <u>es</u>	گرگ(ها)



(۳) اسم بعضی از حیوانات در حالت جمع هیچ تغییری نمی‌کند:

- deer (ها) آهو sheep (ها) گوسفند fish (ها) ماهی

(۴) و نیز آن دسته از اسامی ملیتها که به **-ese** یا **-ss** ختم می‌شوند در جمع هیچ تغییری نمی‌کنند:

a Chin <u>ese</u>	یک چینی	→	two Chin <u>ese</u>	دو چینی
one Swi <u>ss</u>	یک سویسی	→	some Swi <u>ss</u>	چند سویسی

(۵) همچنین آن دسته از اسامی که به اعداد و مقیاسها اشاره می‌کنند، هنگامیکه بعد از یک عدد و ... واقع می‌شوند:

- Two hundred Three dozen

(۶) بسیاری از اسمهایی که ریشه خارجی دارند (مثلاً لاتین، فرانسه یا یونانی)، گاهی حالت جمع خود را حفظ می‌کنند:

cactus	→	cacti/cactuses
octopus	→	octopi/octopuses

syllabus	→	syllabi/syllabuses
alga	→	algae
larva	→	larvae
nebula	→	nebulae
index	→	indices/indexes
analysis	→	analyses
thesis	→	theses
phenomenon	→	phenomena

(۷) اسمها دارای یک **حالت ملکی** می‌باشند که در آن به اسمهای مفرد (و نیز اسامی جمعی که به **s** ختم نمی‌شوند) **'s** و به اسامی جمع **'s** (یک آپاستروف) اضافه می‌شود:

- my daughter **'s** room اتاق دخترم
- my daughters **'s** room اتاق دخترهایم
- men **'s** clothes لباسهای مردانه
- your friend **'s** new car ماشین جدید دوستتان
- the boy **'s** teacher معلم آن پسر
- the student **'s** hostel خوابگاه دانشجویان

حالت ملکی را اغلب به صورت دیگری هم می‌توان بیان کرد: (قاعده: X's Y = the Y of X)

- my daughter **'s** room = the room **of** my daughters
- the ship **'s** side = the side **of** the ship

اما بهتر است آنجا که صحبت از انسان، گروههای انسانی (مانند دولتها، کمیته‌ها، هیئتها و...)، کشورها، حیوانات و... به میان می‌آید از همان ساختار **Y s'X** استفاده شود.

نکته های بسیار مهم و کاربردی :

(۱) دقت کنید که برخی کلمات در فارسی قابل شمارش هستند اما در انگلیسی غیر قابل شمارش محسوب می‌شوند. مثال :

- Food - meat - juice - chicken - fish - bread - money - advice

(۲) لیست واحدهای مختص هر اسم در شکل زیر آمده است.



a bottle
of milk



a glass
of water



a jug
of water



a cup
of tea



a packet
of tea



a jar
of honey



a loaf
of bread



a slice
of bread



a carton
of milk



a can
of Coke



a bottle
of Coke



a bowl
of sugar



a kilo
of meat



a bar
of soap



a bar
of chocolate



a piece
of chocolate



a piece
of cheese



a piece
of furniture

(۳) اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش از نظر معنایی به هم مرتبط اند. اسامی غیر قابل شمارش گاهی به طبقه یا دسته ای از اشیاء اشاره دارند، اما اسامی قابل شمارش به یک نمونه مشخص از یک چیز اشاره می کنند. مثالهایی از این اسامی در زیر آمده است:

غیر قابل شمارش	غیر قابل شمارش	قابل شمارش	قابل شمارش
work	furniture	a chair	a job
vocabulary	money	a dollar bill	a word
luggage	jewelry	a bracelet	a suitcase

(۴) بسیاری از اسامی غیر قابل شمارش، مواد مختلف هستند. مانند:

- جامد: wool, chalk, glass, wood
- مایع: blood, coffee, tea, shampoo
- گاز: air, pollution, steam, oxygen
- دانه ها و پودرها: flour, hair, rice, wheat
- مواد دیگر: asphalt, cotton, metal, gold

(۵) اسامی غیر قابل شمارش ممکن است به احساسات، افکار، موضوعات و فعالیت های مختلف نیز اشاره کنند.

فعالیت ها	موضوعات درسی	افکار و احساسات
work, homework	mathematics	honesty
reading, dancing	chemistry	patience
sleeping, basketball	biology	knowledge

(۶) برخی اسامی هم قابل شمارش اند و هم غیر قابل شمارش. البته معانی آنها در هر یک از حالات متفاوت است. اسامی قابل شمارش به چیزهای منفرد یا جزئی اشاره دارند، در حالی که اسامی غیر قابل شمارش کلی تر و عمومی تر هستند.

قابل شمارش یا جزء	غیر قابل شمارش یا کل
I washed it two times. (دو دفعه)	What's the time? (زمان به طور کلی)
She had a bad experience. (یک تجربه بد)	This job needs experience. (تجربه به)
A sheep is missing. (یک گوسفند)	Sheep is delicious in the soup. (گوشت گوسفند)
He had two coffees this morning. (دو فنجان قهوه)	Stop drinking too much coffee. (ماده قهوه)

نحوه استفاده از **Some** , **no** , **any** در جملات:

از جمله کلماتی که در ساخت جملات سؤالی و غیر سؤالی بکار می رود این سه کلمه می باشد . اگر بخواهیم جمله پرسشی همراه با **there is** و **there are** بسازیم معمولا از **any** و **some** استفاده می کنیم . و اگر بخواهیم جمله غیر پرسشی منفی بسازیم از **no** , **any** و **some** استفاده می کنیم . و اگر بخواهیم جمله غیر پرسشی مثبت بسازیم از **some** استفاده می کنیم .

بنابراین :

در جملات **پرسشی** ، **مثبت** و **منفی** از **some**

در جملات **پرسشی** و **منفی** از **any**

و در جملات **منفی** از **no**

در جمله ای که فعل **منفی** شود **any** استفاده می شود و در جملات **مثبت** با **معنی منفی** از **no** استفاده می شود.

جمله ای که با **some** سؤالی می شود در صورت دادن جواب منفی با **any** یا **no** بیان می شود .
مثالهای زیر را ببینید:

فرض کنید ۵ عدد سیب روی میز باشد:

- There are five apples on the table.
- Is there **any** apple on the table?
- Yes, there are **some** apples on it.
- No, there isn't **any** apple on the table.
- No, there is **no** apple on the table.

کلمات پرسشی **How many** , **How much** :**How many**

(۱) اگر تعداد را بخواهیم از کسی بپرسیم از کلمه پرسشی **How many** استفاده می کنیم . در اینصورت اسم بعد از **How many** را باید بصورت جمع بیان کرد و جمله را سؤالی ساخت و بیان کرد .

- How many **cars** do you have? "شما **چند تا** ماشین دارید؟"
- How many **children** do you have? "شما **چند تا** بچه دارید؟"

(۲) مقدار عددی **یک واحد پول** هم جزو اسامی قابل شمارش می باشد

- How many **Dollars** do you have? "**چند تا** دلار داری؟"

How much

(۱) کلمه **How much** به معنی **چه مقدار و چقدر** می باشد و از آن جهت بیان جملات پرسشی که دارای اسامی غیر قابل شمارش هستند استفاده می شود.

- How much **water** is there here? "چقدر آب اینجا هست؟"
- How much **time** do we have? "چقدر وقت داریم؟"

(۲) واژها و عبارتهایی که با اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار می روند بصورت کامل در جدول ذیل آمده اند.

و برای غیر قابل شمارش	برای قابل شمارش داریم
a little = یه کمی	a few = یه چند تا
some = مقداری	some = تعدادی / بعضی
much = زیاد	many = خیلی
too much = مقدار خیلی زیاد	a lot of = تعداد زیاد (از هر چیز)
a lot of = مقدار زیاد (از هر چیز)	too many = خیلی زیاد

جملات ساده در زبان انگلیسی: (Simple Sentences)

برای صحبت کردن با افراد تنها دانستن فهرستی از کلمات کافی نیست بلکه ما باید بتوانیم به درستی آن کلمات را کنار هم قرار دهیم تا مفاهیم و منظور خود را تولید و به مخاطب انتقال دهیم.

هر چند در صحبت کردن دستور زبان چندان مهم نیست و اشتباه کردن لازمه یادگیری زبان است اما استفاده از دستور زبان صحیح تر در گفتار ظاهر پذیرنده تری را به ما می دهد و افراد صحبت های ما را بهتر درک می کنند.

لطفا تمام اجزای جمله و دستور زبان را تنها با کلمات انگلیسی شان یاد بگیرید تا در آینده برای مطالعه گرامر پیشرفته با مشکل روبرو نشوید.

ساختار جملات زبان انگلیسی (English Sentence Structure)

- (۱) هر جمله زبان انگلیسی با یک حرف بزرگ (Capital letters) شروع می شود.
- (۲) در انتهای هر جمله یک نقطه، (period) علامت سوال (?) یا علامت تعجب (!) قرار می گیرد.
- (۳) یک جمله ساده شامل یک فاعل (subject) است که اول جمله می آید.
- (۴) یک جمله دارای فعل (verb) یا گروه فعلی (فعلی کمکی و فعل اصلی) است.
- (۵) یک جمله یک مفهوم کامل را بیان می کند که به آن (independent clause) می گویند.
- (۶) ساختار پایه جملات انگلیسی Subject + Verb + Object است.

جمله ساده جمله ایی است که از یک فعل تشکیل می شود.

یک جمله ساده در زبان انگلیسی ممکن است به ۵ شکل ساخته شود.

1. Subject-Verb

The boy plays.

Jack eats.

Sara sits.

Expanding Sentences:

ما می توانیم با اضافه کردن صفت، قید یا مفعول این ساختار جمله را گسترده تر کنیم ولی دقت داشته باشید پایه اصلی ثابت می ماند.

- Jack eats.
- Jack quickly eats.
- Jack quickly eats carrots.
- Jack quickly eats carrots at home.

- Jack quickly eats fresh carrots at home.

2. Subject-Verb-Object

- The girl pets the cat.
- I love apples.
- Bill kicks the ball.

Expanding Sentences:

ما می توانیم با اضافه کردن صفت، قید یا مفعول این ساختار جمله را گسترده تر کنیم ولی دقت داشته باشید پایه اصلی ثابت می ماند.

- Bill kicks the ball.
- Bill kicks the red ball.
- Bill kicks the red ball hard.
- Bill kicks the red ball hard every day.

3. Subject-Verb-Adjective

- Lisa is pretty.
- They are nice.
- I am sad.

Expanding Sentences:

ما می توانیم با اضافه کردن صفت، قید یا مفعول این ساختار جمله را گسترده تر کنیم ولی دقت داشته باشید پایه اصلی ثابت می ماند.

- She looks pretty.
- She looks pretty tonight.
- Lisa looks pretty tonight.

4. Subject-Verb-Adverb

- Maria laughs loudly.
- The dog jumps high.
- Apples are everywhere.

Expanding Sentences:

ما می توانیم با اضافه کردن صفت، قید یا مفعول این ساختار جمله را گسترده تر کنیم ولی دقت داشته باشید پایه اصلی ثابت می ماند.

- Apples are everywhere.
- Green apples are everywhere.
- Ripe, green apples are everywhere.

5. Subject-Verb-Noun

- I am the teacher.
- Jon is a carpenter.
- The boy is a student.

Expanding Sentences:

ما می توانیم با اضافه کردن صفت، قید یا مفعول این ساختار جمله را گسترده تر کنیم ولی دقت داشته باشید پایه اصلی ثابت می ماند.

- The boy is a student.
- Jon is a student.
- Jon is a smart student.
- Jon is a smart student at school.

زبان یازدهم

درس دوم

A healthy lifestyle

Interesting Facts:

- People with higher education usually live longer.
- Our health improves when we visit our friends and family members.
- Sitting a lot increases health risks.
- Laughter is the best medicine for your health.

حقایق شگفت انگیز:

- افراد دارای تحصیلات عالیه معمولاً زندگی طولانی تری دارند.
- هنگامیکه دوستان و اعضای خانواده مان را ملاقات می کنیم سلامت مان بهبود می یابد.
- نشستن زیاد باعث افزایش ریسکهای سلامتی می شود.
- خنده بر هر درد بی درمان دواست.

واژگان و نکات گرامری درس دوم پایه یازدهم

Part 1

Get ready & conversation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
هویج	Carrot	بجنب، زود باش	Come on
افسرده	Depressed	خوره تلویزیون	Couch potato
چاق، چربی	Fat	رژیم غذایی	Diet
قدم، دو، دو آهسته	Jogging	آموزش، تعلیم، تربیت	Education
سبک زندگی، مدل زندگی	Lifestyle	فراوانی، تکرار، تعدد	Frequency
عضو	Member	آویختن، آویزان کردن	Hang
کوه	Mount	با کسی وقت خود را گذراندن	Hang out
نه، جواب منفی، نوچ	Nope	خنده	Laughter
روغن، چربی، نفت	Oil	به ندرت	Rarely
پیاز	Onion	وزن	Weight
سیب زمینی	Potato	برنده شدن	Win
به	Quince	کمی	A bit
گوجه فرنگی	Tomato	موز	Banana
		آب نبات، پشمک	candy

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. I called my boss from Oxford street. He wanted me to do something for him and I said, I can not do it.
a)sure b)nope c)far d)just
2. Businesses come and go with alarming
a)frequency b)jogging c)weight d)education
3. The Jackson are going to invite all theof the tennis club to the birthday party.
a)abbreviations b)organs c)members d)inventors
4. Workers said they wouldmore flexible working hours .
a)put on b)put out c)prepare d)prefer
5. This method isused in modern laboratories.
a)rarely b)early c)sadly d)suddenly
6. She also hopes her children will get a good
a)danger b)education c)attack d)capitalization
7. Where do they youngsters?
a)call out b)turn on c)hang out d)fall down
8. " A hard yellow fruit like a large apple , used in cooking "
a)orange b)quince c)tangerine d)avocado
9. A healthyincludes taking exercise and not smoking.
a)lifestyle b)education c)information d)laughter
10. It is important to have a balanced
a)history b)problem c)blood d)diet

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-b	2-a	3-c	4-d	5-a	6-b	7-c	8-b	9-a	10-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2

New words & expression , reading

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
دروسط، در میان	Middle	Above all	مهمتر از همه
پیش بینی کردن	Predict	Addiction	اعتیاد، تمایل
فشار، استرس، تنش	Pressure	Calm	آرام، آرام شدن، آرام کردن
جلوگیری کردن از	Prevent	Certain	مطمئن
واقعیت	Reality	Condition	وضعیت ، حالت
اخیر، تازه	Recent	Contain	دربرداشتن، شامل بودن
رابطه، ارتباط، نسبت خویشاوندی	Relationship	Death	مرگ
دوباره گذاشتن فیلم، رخداد	replay	Decrease	کاهش دادن
(غذا) پرس	Serving	disagree	موافقت نکردن، اختلاف نظر داشتن
نگاهی اجمالی انداختن به	Skim	Discuss	بحث کردن، جدل کردن
تسکین دادن، از بین بردن	Take away	Disorder	اختلاف، بهم خوردگی، بی نظمی
ناامن خطرناک،	Unsafe	Effective	موثر
متعادل، معقول	Balanced	Emotional	عاطفی ، احساسی
پر، به طور کامل	Fully	Factor	عامل
حمله قلبی	Heart attack	General	کلی ، عمومی
متضاد، مقابل	Opposite	Habit	عادت
پیشوند	Prefix	Harmful	مضر
پسوند	Suffix	Heartbeat	ضربان قلب
عنوان، لقب، اسم	Title	homeless	بی خانمان، بی پناه، دربه در
موضوع ، عنوان	topic	Invitation	دعوت، دعوت نامه
		manner	شیوه، روش، رفتار، حالت

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Theis that young people will not go into teaching because it is not well-paid.
a)material b)quality c)reality d)addiction
2. It is difficult towhat the long-term effects of the accident will be.
a)compare b)behave c)compare d)predict
3. Doctorson how much the program will cost .
a)disagree b)discuse c)disorder d)protect
4. Doctors usually say that taking exercise is a good
a)protection b)quality c)habit d)pressure
5. If you would like tothe matter further ,please call me.
a)attract b)fight c)discuse d)save
6. The rules are intended toaccidents.
a)prevent b)publish c)prefer d)prepare
7. The museuma member of original artworks.
a)checks b)contains c)hurts d)crosses
8. I was underfrom my parents to become a teacher.
a)action b)pattern c)plan d)pressure
9. Attackes of asthmain frequency through early adult life .
a)decrease b)enjoy c)disagree d)describe
10. Ann suffered from depression and a number of otherproblem.
a)affirmative b)emotional c)simple d)necessary

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-c	2-d	3-a	4-c	5-c	6-a	7-b	8-d	9-a	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3

grammar

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
مرحله، گام	Stage	مجدداً تلفن کردن	Call...back
خوابیده	Asleep	درمان کردن، دارو	Cure
دادوستد، شغل، وظیفه	Bussines	هیجان انگیز	Exciting
سرطان	Cancer	وسیله اندازه گیری	Gauge
دارو	Drug	تاثیر، اثر	Influence
تاکنون، هرگز	Ever	ملحق شدن، پیوستن	Join
عجله کن،	Hurry up	مراقبت کردن از	Look after
ماشین، دستگاه	Machine	ماموریت	Mission
پزشکی	Medical	تولید کردن	Produce
کامل، بی نقص، تمام	Perfect	دلیل، مدرک	Reason
ترازو	Scale	تجدید نظر کردن درباره	Rethink
خدمت، کار، وظیفه	Service	بازنشسته شدن	Retire
از	since	راز، رمز، مخفی، سر	Secret
		اجتماعی	social

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. He was so tired from today's walk that when he sat down to rest, he fell
a) asleep b) still c) early d) easily
2. He was forced to early because of poor health.
a) join b) retire c) finish d) both 2&3
3. New are producing fantastic results.
a) cancers b) arrows c) drugs d) microbes
4. Believers are one with each other because they are to prophet.
a) taught b) protected c) saved d) joined
5. Gayle's mother said I was a bad on her daughter.
a) influence b) invitation c) secret d) stage
6. Exercise classes are a good way to keep fit and improve your life.
a) interested b) social c) patient d) additional
7. Before starting the car, you should check the oil
a) destination b) station c) flight d) gauge
8. He was sent on over 200 before being killed in action.
a) missions b) anthems c) nations d) turns
9. He seemed to take my silence as an to talk.
a) explanation b) attack c) invitation d) interview
10. Mr. Amini is in Shiraz this week on
a) business b) population c) patient d) information

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1- a	2- b	3- c	4- d	5- a	6- b	7- d	8- a	9- c	10- a
------	------	------	------	------	------	------	------	------	-------

Part 4 **Listening & Speaking , Pronunciation , Writing ,**

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
شرکت کردن در	Take part in	باعث شدن، سبب، علت	Cause
مزه، طعم، سلیقه	Taste	همگانی، عمومی، شایع	Common
چرخیدن، چرخاندن	turn	مالکیت مشترک	Common
چرخیدن، دور زدن	Turn around	گیج کردن، اشتباه کردن	Confuse
مواظب بودن	Watch out	ظرف، غذا، طعام، دیس	Dish
و غیره	And so on	موقع اضطراری	Emergency
مورد، نمونه، وضعیت	Case	قدغن کردن، ممنوع کردن،	Forbid
دو چرخه سواری کردن	Cycle	قدغن، ممنوع	Forbidden
اسم مصدر	Gerund	فرار کردن، گریختن	Get away
هدف	Goal	سرگرمی	Hobby
پیاده روی کردن	Hike	ادامه دادن	Keep on
مسابقه	Match	تفریح، سرگرمی	Recreation
شاید	Maybe	عجله کردن، با عجله رفتن	Rush
سری، ردیف، مجموعه	Series	سفر دریایی، قایق رانی کردن	Sail
غذای سبک، چاشت، عصرانه	Snack	قایق رانی	Sailing
بنابراین	Thus	جدی، وخیم	Serious
خسته	Tired	صرف کردن، خرج کردن	Spend

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The workers have the habit ofto work every day.
a)escaping b)ranging c)cycling d)behaving
2. The travelers say theyout to move their cars which were parked in the road in front of the house .
a)sent b)brought c)rushed d)pressed
3. Heavy traffic isdelays on the freeway.
a)causing b)reporting c)bringing d)accepting
4. I understand the text ,but the diagrams areme.
a)conversing b)confusing c)stating d)agreeing
5. I was happy to hear that alcohol is in Saudi Arabia.
a)caused b)secreted c)risked d)forbidden.
6. In case ofpress the alarm button.
a)emergency b)recreation c)suggestion d)match
7. There was a match , and she wanted to , but she was too ill.
a)take part b)participate c)attended d)1,2 &3
8. My next door neighbor always wanted toaround the world.
a)risk b)sail c)rush d)act
9. you will become an alcoholic if you don't
a)watch out b)get out c)put out d)help out
10. If youbeing rude,you will have to leave the classroom.
a)get on b)tyrn on c)keep on d)put on

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-c	2-c	3-a	4-b	5-d	6-a	7-d	8-b	9-a	10-c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5

workbook

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
بستن	Shut	معتاد، سخت علاقمند	Addict
رفت و آمد کردن، اجتماعی کردن	Socialize	جلو	Ahead
متخصص، کارشناس	specialist	اجتناب کردن، دوری کردن	Avoid
متفاوت، انواع مختلف	Various	خلاق	Creative
سلامتی، تندرستی	Wellness	وسیله، ابزار	Decive
شایسته، محترم	Worthy	مستقیم	Direct
زیرا	As	اثر، تاثیر، نتیجه، حاصل	Effect
همچنین، نیز	As well	قادر ساختن، امکان دادن به	Enable
افسردگی	Depression	عجول، بی حوصله، مشتاق، بی تاب	Impatient
کارخانه	Factory	نگران چیزی بودن، مهم پنداشتن	mind
هموار، صاف، طبقه، آپارتمان	Flat	ماده معدنی	Mineral
آسیب رساندن، صدمه زدن به	Harm	معجزه	Miracle
هدست	Headset	عصبانی	Nervous
محدود کردن، حد، محدودیت	Limit	یادداشت	Note
هر	Per	مخصوص، ویژه	Particular
تایر، لاستیک	Tire	اتو کردن، فشار دادن، پرس کردن	Press
جاروبرقی، خلاء	vacuum	نسبت، سهم	proportion

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. By some, we managed to catch the plane.
a)miracle b)goal c)case d)secret
2. Fish is a rich source of vitamins and
a)cancers b)drugs c)diets d)minerals
3. We were met by a group of local
a)worthies b)gifts c)souvenirs d)museums
4. She suffers from periods of deep,when she lockes herself away and will speaks to no one foe weeks.
a)communication b)discussion c)depression d)destination
5. We are growingbecause they don't tell us the results.
a)avoided b)impatient c)addicted d)direct
6. They show the seven elements of..... - the state of being healthy.
a)quietness b)kindness c)illness d)wellness
7. People don'twith their neighbours as much as they used to .
a)socialize b)mind c)limit d)control
8. A: "Why did you ask ?"
B:"oh, noreason ,just making conversation ."
a)affirmative b)balanced c)rare d)particular
9. Professor Williams teaches English Literature and is a(n).....in the novels of George Orwell.
a)specialist b)receptionist c)technologist d)writer
10. Do you think he is gone away totalking to the police.
a)limit b)avoid c)from d)join

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-a	2-d	3-a	4-c	5-b	6-d	7-a	8-d	9-a	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

ترجمه مکالمه درس دوم پایه یازدهم صفحه ۵۳

Sina and **Behzad** are old friends. They have not seen each other for about three months. Behzad has called Sina.

سینا و **بهزاد** دوستان قدیمی یکدیگر هستند. آنها مدت سه ماه است که همدیگر را ملاقات نکرده اند. بهزاد با سینا تماس گرفته است.

Behzad: Hi **Sina**. How is it going? I haven't seen you since Norooz.

بهزاد: سلام سینا. حال شما چطور است، از نوروز ندیدمت.

Sina: Hi **Behzad**. Thanks for calling. I am home most of the time. I do different things like surfing the net and playing computer games.

سینا: سلام بهزاد. ممنونم که با من تماس گرفتی. بیشتر وقتها من خونه هستم. من کارهای من جمله گشت و گذار در اینترنت و بازیهای کامپیوتری مختلفی انجام می دهم.

Behzad: How about your free time? Going out, jogging, playing football?

بهزاد: در اوقات فراغت چی؟ بیرون می روی و می دوی و همچنین فوتبال بازی می کنی؟

Sina: Nope. I rarely go out and hang out with my friends.

سینا: نخیر، من خیلی کم با دوستانم بیرون می روم و وقتم را می گذرانم.

Behzad: I see. Reza and I are going to Darband for climbing and walking this Thursday. We really like to see you. Will you come with us?

بهزاد: فهمیدم. این پنج شنبه من و رضا می خواهیم جهت کوهنوردی و پیاده روی به دربند برویم. حقیقتا ما دوست داریم که شما را نیز ببینم. آیا با ما خوتھی آمد؟

Sina: What?! Oh, no, I haven't been there for a long time. I prefer to stay home and watch my movies on the weekend. I've bought lots of things to eat, too.

سینا: چی؟ اوه، نه. زمان زیادی است که به آنجا نرفته ام. ترجیح می دهم که آخر هفته در خانه بمانم و فیلم های تلویزیونی را ببینم. و همچنین چیزهای زیادی برای خوردن خریده ام.

Behzad: Come on! Stop being a couch potato! I guess you haven't exercised for a long time. I think you are a bit fat now.

بهزاد: ای بابا. خیلی خوره تلویزیون نباش. مطمئن هستم که مدت زیادی است که ورزش نکرده ای. به نظرم کمی چاق هم شده ای.

Sina: Um... actually, you're right. I've gained five kilos in three months. I really do not like to move!

سینا: اوم..... حقیقتش را بخواهی حق با شماست. من طی سه ماه پنج کیلو چاق شده ام. حقیقتا دوست ندارم که زیاد تحرک داشته باشم.

Behzad: See? I told you. Working with computers for a long time makes people sick and depressed. I've read about this somewhere.

بهزاد: دیدی، بهت که گفتم. کار کردن بیش از حد با کامپیوتر انسان را بیمار و افسرده خواهد کرد. درباره این موضوع چیزهای خوانده ام.

Sina: All right. You won! When and where should we meet?

سینا: بسیار خوب. شما برنده شدید. کی و کجا همدیگر را ملاقات کنیم.

ترجمه ریدینگ درس دوم پایه یازدهم صفحه ۵۸

Having a Healthier and Longer Life

داشتن زندگی سالم و طولانی تر

Have you ever thought of a healthy lifestyle to live longer? People can do many things to have a healthier life. Most people have a special diet or do lots of exercise; however, without a careful plan they may hurt themselves.

آیا تا به حال به سبک زندگی ای سالم برای بیشتر زندگی کردن و طول عمر زیادتری اندیشیده اید. انسانها می توانند کارهای زیادی انجام دهند تا زندگی سالم تری داشته باشند. بیشتر انسانها رژیم خاصی را رعایت می کنند یا زیاد ورزش می کنند. اما بدون یک برنامه دقیق ممکن است به خودشان آسیب برسانند.

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history. In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

برای داشتن یک سبک زندگی سالم و شادتر، انسانها بایستی کارهای خاصی را انجام دهند. آنها بایستی ابتدا سلامتی عمومی شان را چک کنند. اندازه گیری فشار خون و ضربان قلب مهم ترین کاری است که انجام می دهند. آنها همچنین بایستی سابقه سلامت خانوادگی خود را بررسی کنند. بدینوسیله آنها متوجه می شوند که آیا کسی در خانواده بیماری خاصی داشته یا نه ؟

Another thing is paying attention to physical health. For example, eating healthy food helps people live longer and prevents diseases. Eating junk food makes people gain weight, and increases the risk of heart attack. Eating balanced servings of bread, vegetables, fruits, protein, and oil is necessary for everyone. Also, daily exercises improve people's health condition.

کار دیگر توجه کردن به سلامت جسمی می باشد. برای نمونه، خوردن غذاهای سالم به مردم کمک می کند تا عمری طولانی داشته باشد و از بیماریها پیشگیری کند. خوردن هله هوله موجب چاق شدن افراد می شود. و باعث افزایش خطر سکته قلبی می شود. خوردن وعده هایی متعادل از نان، سبزی، میوه، پروتئین و روغن برای همه انسانها ضروری است. همچنین، ورزش روزانه شرایط سلامتی افراد را بهبود می بخشد.

An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are really busy with their work and usually use technology to communicate.

روشی موثر برای لذت جویی بدن از سبک زندگی بهتر، داشتن روابطی سالم با اطرافیان است. تحقیقات اخیر نشان می دهد که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می دهد. این روزها متأسفانه بیشتر مردم در بیشتر اوقات اقوام و خویشانودان خود را ملاقات نمی کنند. آنها خیلی پرمشغله هستند و اغلب برای ارتباط باهم از فناوریهای روز استفاده می کنند.

Bad habits and addiction can be harmful to health. One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life. Addiction to technology such as using computers for a long time is also dangerous.

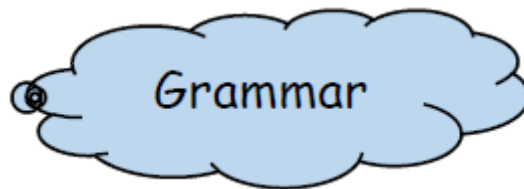
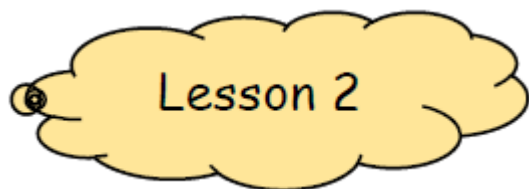
اعتیاد و عادت های بد می تواند برای سلامتی انسانها مضر باشند. یک روز سیگار کشیدن می تواند پنج ساعت از عمر شخصی را کم کند. اعتیاد داشتن به تکنولوژی چون استفاده از کامپیوتر به مدت طولانی نیز خطرناک است.

Above all, the most important thing to enjoy a good life is having emotional health. Praying decreases stress and gives people a calm and balanced life. People with this lifestyle have had a better life.

مهمتر از همه اینها، بهترین چیز برای داشتن یک زندگی خوب، داشتن سلامت عاطفی است. نماز خواندن و دعا کردن اضطراب را کاهش می دهد. و به انسانها یک زندگی آرام و متعادل می دهد. افراد با اینگونه سبک زندگی، یک زندگی بهتری داشته اند.

There are many other things people can do to live healthier and longer. The key point, however, is having a plan for the way they want to live and take care of their physical and emotional health.

چیزهای بیشتر دیگری وجود دارند که مردم می توانند انجام دهند تا زندگی سالمتر و طولانی تری داشته باشند. با این وجود نکته کلیدی، داشتن برنامه ای برای روش زندگی ایی است که می خواهند داشته باشند. و مراقبت از سلامت جسمی و عاطفی شان است.



نظر انداختن (skimming) چیست؟

اسکیمینگ یکی از ابزارهایی است که کمک میکند تا در زمانی کمتر، مقدار بیشتری بخوانیم. اسکیمینگ یعنی اینکه فقط بدنبال ایده اصلی و محوری متن باشیم. این روش بهترین عملکرد را در مورد متون غیرداستانی دارد. با بکارگیری روش اسکیمینگ، رویهمرفته درک مطلب کاهش می یابد چون همه متن را نمیخوانیم و فقط قسمتی را میخوانیم که در راستای هدفمان باشد. روش اسکیمینگ حین خواندن بکار گرفته میشود و به شما این

امکان را میدهد که در کنار توجه به موضوع و ایده اصلی متن، بدنبال جزئیات هم بگردید. ولی سوال این است که چگونه اسکیمینگ را انجام دهیم. خلیها فکر میکنند اسکیمینگ یک کار بیقاعده است و یعنی اینکه همینطور چشممان به هر قسمت متن که افتاد آنرا بخوانیم. اما برای اینکه اسکیمینگ خوبی داشته باشیم باید ساختار و قانونی برای خواندن همه متن داشته باشیم. **اینکه چه چیزی را بخوانیم مهمتر از این است که چه چیزی را نخوانیم.** پس چه چیزی را باید بخوانیم و چه چیزی را بیخیال شویم؟ فرض کنیم باید فصل بزرگی از یک کتاب را بخوانیم. با خواندن چند پاراگراف ابتدایی بخوبی خواهیم دانست که چه اطلاعاتی در این فصل مورد بحث خواهد شد. بعد از اینکه سمت و سوی بحث را یافتید **فقط جمله اول هر پاراگراف را بخوانید.** به اینها جمله **سرسطر** هم گفته میشود که درواقع ایده محوری پاراگراف را مطرح میکنند. اگر از جمله آغازین به ایده اصلی پاراگراف پی نبردید یا اگر پاراگراف توجهمان را به خود جلب کرد، میتوان خود آن پاراگراف را هم اسکیمینگ کرد.

بعد از جمله آغازین پاراگراف باید به سطور پایینی پاراگراف نگاه کنید و بدنبال اطلاعات مهمی همچون اسامی، تاریخها و رویدادها بگردید. همینطور به خواندن جمله آغازین هر پاراگراف ادامه دهید و به سطور پایینی آن نگاهی بیندازید تا جایی که به انتهای مطلب نزدیک شوید. وقتی به چند پاراگراف آخر رسیدید، از آنجایی که ممکن است حاوی نتیجه گیری یا خلاصه بحث باشد، اسکیمینگ را متوقف کنید و تمام متن را بخوانید. بیاد داشته باشید که با اسکیمینگ، رویهمرفته درک مطلب پایینتر از زمانی خواهد بود که تمام متن را بخوانید و اگر اسکیمینگ را بدرستی انجام دهید، حس خواهید کرد که نکات اصلی متن را دانسته اید. کی از اسکیمینگ استفاده کنیم؟ چون اسکیمینگ نوعی تندخوانی است و درک مطلب کمتر از حالت عادی خواهد بود پس نباید همیشه از این روش استفاده کنید. ولی باز هم مواردی وجود دارد که اسکیمینگ بسیار مفید واقع میشود.

(Skimming) و مزایای یادگیری آن در حل متن ها و کلوز تست ها

۱) وقتی قرار است به سوال های یک متن درک مطلب جواب بدهید اول آن را ((**سطحی خوانی کنید**)) از آنجایی که مضمون اصلی (**main idea**) هر پاراگراف معمولا به وضوح در جمله اول آن پاراگراف ذکر می شود. پس برای سطحی خوانی کافی است **خط اول هر پاراگراف** را بخوانید.

۲) مهم ترین پاراگرافهای هر متن **پاراگراف های اول و آخر** هر متن هستند. پس سرعت سطحی خوانی شما در این دو پاراگراف باید کم تر باشد تا چیز بیشتری گیرتان بیاید.

۳) اگر همان اول کار فهمیدید که که با موضوع (**topic**) متن آشنایی قبلی دارید می توانید با سرعت بیشتری سطحی خوانی کنید.

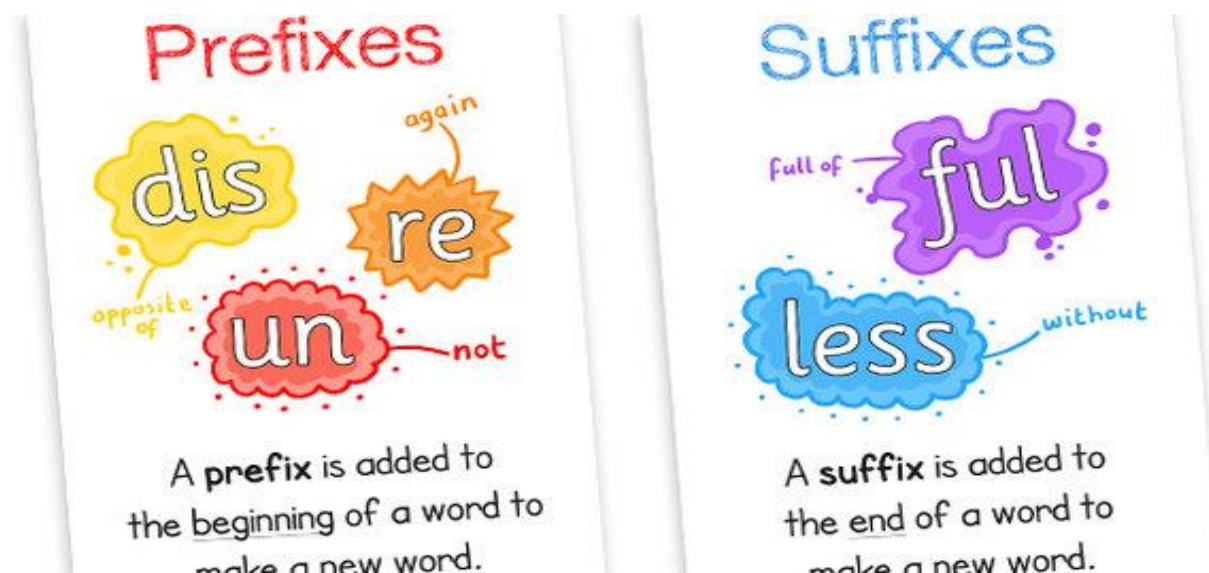
(۴) متن های کنکور معمولا بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه است. پس اگر زبانتان خیلی خوب است می توانید با سرعت زیاد تمام متن را یک نفس سطحی خوانی کنید.

(۵) یکی از سوال های رایجتر متن های کنکور انتخاب ((بهترین عنوان)), (best topic) برای متن است. برای انتخاب بهترین عنوان خط اول پاراگرافهای اول و دوم و آخر را به دقت بخوانید چرا دوم؟ چون ممکن است نویسنده در پاراگراف اول قبل از شروع بحث مقدمه چینی کرده باشد و سراغ موضوع اصلی نرفته باشد.

(۶) یکی دیگر از انواع سوال های متن در کنکور تشخیص **مضمون اصلی متن** است. برای پاسخگویی به این سوال باید خط اول تمام پاراگراف ها را بخوانید.

(۷) و بالاخره اینکه اگر از شما پرسیدند که مضمون اصلی یا عنوان مناسب برای فلان پاراگراف چیست حتما خط اول و آخر همان پاراگراف را با سرعت کم بخوانید و در عین حال مضمون اصلی کل متن را هم در نظر داشته باشید. یادتان باشد که مضمون اصلی هر پاراگراف در خدمت مضمون اصلی کل متن است.

پیشوندها (prefixes) و پسوندها (suffixes) در زبان انگلیسی



حتما برای شما اتفاق افتاده که هنگام خواندن یک متن انگلیسی با کلمات نا آشنای زیادی برخورد کرده باشید؛ یکی از مهم ترین دلایل این مشکل ندانستن **پیشوندها** و **پسوندها** و **میانوندها** است. با یادگیری پیشوندها و پسوندها و میانوندها می توانید معنی خیلی از واژگان نا آشنا را حدس بزنید که نتیجه ی آن افزایش دایره لغات شماست.

پیشوندها (prefixes): به ابتدای ریشه کلمات اضافه می شوند، آنها معمولاً بین یک تا سه حرف هستند و معنی کلمات را تغییر می دهند و اغلب منفی کننده و متضاد هستند.

پسوندها (suffixes): به انتهای ریشه کلمات اضافه می شوند که معمولاً بین یک تا پنج حرف می باشند و نقش های جدیدی به کلمه مورد نظر می دهد.

میان و ندها (index): هم در میانه کلمات قرار می گیرند و به نسبت دیگر وندها در زبان انگلیسی زیاد معمول نیستند.

پیشوندها (prefixes)

Dis-

با اضافه کردن پیشوند **dis-** به افعال از آنها **متضاد** می سازیم. یک مثال در این خصوص کلمه **disagree** (به معنای مخالف بودن) است که متضاد **agree** (به معنای موافق بودن) می باشد.

- مثال های بیشتر **disallow, disappear, dislike**

Ex-

Ex به معنای **سابق یا قبلی** است که با **اسامی** ترکیب می شود. اسامی ترکیب شده با این پیشوند نشان دهنده این است که مثلاً کسی در گذشته در پستی کار می کرد ولی الان دیگر در آن پست کار نمی کند، یا کسی قبلاً همسر کسی دیگر بود ولی الان دیگر نیست و غیره. کلمه **ex-husband** (شوهر سابق) یک مثال برای پیشوند **ex** می باشد.

- مثال های بیشتر **ex-employer, ex-friend, ex-president**

Mis-

این پیشوند به **افعال** و **اسامی** اضافه می شود و نشان می دهد که چیزی به صورت **بد** یا **اشتباه** انجام داده شده است. مثلاً کلمه **mishear** حاکی از آن است که شخصی چیزی را اشتباهی شنیده است، یا **misprint** نشان دهنده این است که چیزی به صورت اشتباه چاپ شده است.

- مثال های بیشتر **miscalculate, misinform, misunderstand**

Pre-

پیشوند **pre** با اسامی و صفات ترکیب می شود. واژگان ساخته شده به چیزی اشاره می کنند که قبل از چیزی دیگر اتفاق می افتد. یک مثال در این خصوص عبارت **pre-game exercise** (تمرین قبل از بازی) می باشد.

- مثال های بیشتر **pre-dinner, pre-job, pre-match**

Re-

Re با افعال و اسامی آنها ترکیب می شود که به معنای دوباره است. برای مثال **remarry** به معنای دوباره ازدواج کردن است و **remarriage** (ازدواج دوباره) اسم فعل **remarry** می باشد.

- مثال های بیشتر **reappear, rebuild, rename**

Un-

پیشوند **un** به صفات، اسامی و قیدها اضافه می شود تا متضاد آنها را بسازد. برای مثال اگر **un** را به صفت **acceptable** (به معنی قابل قبول) اضافه کنیم کلمه **unacceptable** (به معنی غیر قابل قبول) بوجود می آید که متضاد **acceptable** می باشد.

- مثال های بیشتر **unable, uncomfortable, unfair**

Anti-

پیشوند **anti** به معنای در مقابل است. به همراه اسامی و صفات می آید. پیشوندهایی که بیان کننده جهت و نگرش هستند. مانند:

- مثال های بیشتر **Anti-social, anti-clerical, anti-clockwise, anti-missile, anti-war**

Fore-

پیشوند **fore-** به معنای جلو؛ قسمت جلویی است. به همراه اسم می آید. مانند:

- مثال های بیشتر **Forearm, foreshore, foreground, foreleg, forename**

Inter-

پیشوند **inter-** به معنای بین؛ مابین است. به همراه صفت؛ فعل؛ اسم بکار میرود. مانند:

- مثال های بیشتر **Inter**national, **inter**linear, **inter**-continental, **inter**twine, **inter**marry, **inter**weave, **inter**-war, **inter**-school

Sub-

پیشوند **Sub-** به معنای زیر است. به همراه صفت، فعل، اسم بکار می‌رود مانند:

- مثال های بیشتر **Sub**normal, **sub**let, **sub**divide, **sub**contract, **sub**section

Post-

پیشوند **post-** به معنای پس از، بعد است. به همراه اسم و صفت بکار می‌رود. مانند:

- مثال های بیشتر **Post**-war, **post**-election, **post**-classical

Bi-, di-

پیشوند **di-,bi-** به معنای دو می‌باشد. پیشوند هایی که تعداد و شمارش را نشان می‌دهند. مانند:

- مثال های بیشتر **Bi**plane, **bi**cycle, **bi**piped, **bi**lateral, **bi**focal, **bi**lingual, **di**chotomy, **di**ode, **di**oxide, **di**graph, **di**valent

Poly-, multi-

پیشوند **poly-,multi** به معنای چندین، بسیار می‌باشد. مانند:

- مثال های بیشتر **Poly**glot, **poly**gon, **poly**gamy, **poly**andry, **poly**semy, **poly**technic, **multi**form, **multi**-lateral, **multi**racial, **multi**-purpose

Hemi-, semi-, demi-

پیشوند **hemi-, semi-, demi-** به معنای نیم و نصف می‌باشد. مانند:

- مثال های بیشتر **Semi**circle, **semi**vowel, **semi**conscious, **semi**-automatic, **demi**god, **hemi**sphere, **hemi**morphic

Tri-پیشوند **tri-** به معنای سه می باشد. مانند:

- مثال های بیشتر **Tripod, tricycle, tripartite, trinomial**

Uni-, mono-پیشوند **uni-, mono-** به معنای یک و تک می باشد. مانند:

- مثال های بیشتر **Univalve, unilateral, unidirectional, monorail, monoplane, monogamy, monolith, monologue, monosyllabic**

پسوندها (suffixes)**-Ed**

پسوند **-ed** به افعال اضافه می شود و زمان آنها را به گذشته تبدیل می کند. کلمه **worked** یک مثال برای این پسوند است.

مثال های بیشتر **cleaned, looked, walked**

-Er, -or

این پسوند دو کاربرد مهم دارد:

الف) -er با افعال ترکیب می شود و اسامی آنها را بوجود می آورد. اسامی بوجود آمده اغلب مربوط به مشاغل می باشند. مثلا کلمه **teacher** (معلم) از فعل **teach** مشتق شده است.

- مثال های بیشتر **baker, leader, player, supervisor**

ب) در کاربرد دوم er به صفات تک هجایی برای مقایسه کردن اضافه می شود که مربوط به صفات تفضیلی می باشد:

➤ Robert is **taller** than his friend. رابرت از دوستش بلندتر است.

- مثال های بیشتر **bigger, longer, older**

-ful

-ful به اسامی اضافه می شود و از آنها صفت می سازد. **Powerful** (قوی) نمونه ای از این صفات است.

- مثال های بیشتر **beautiful, harmful, useful**

-ion

پسوند **ion** به افعال اضافه می شود و از آنها اسم می سازد. برای مثال با اضافه کردن **ion** به **protect** (به معنای حمایت کردن) اسم **protection** (حمایت) بوجود می آید.

- مثال های بیشتر **action, connection, education**
پسوندهای **sion** و **ition** نیز همین کاربرد را دارند.

-ize

-ize با اسامی ترکیب می شود و از آنها فعل می سازد. یک مثال در این خصوص کلمه **apologize** (عذر خواهی کردن) می باشد که با اضافه شدن **ize** به کلمه **apology** (عذر خواهی) ساخته شده است.

- مثال های بیشتر **emphasize, memorize, summarize**
این پسوند در انگلیسی آمریکایی استفاده می شود، در انگلیسی بریتانیایی برای این منظور از پسوند **ise** استفاده می شود.

-ly

این پسوند با صفات ترکیب می شود و از آنها قید می سازد. **Exactly** (به معنای دقیقاً) یک مثال در این خصوص است.

- مثال های بیشتر **badly, finally, normally**

-ous

-ous یکی دیگر از نشانه های صفات در زبان انگلیسی است که به ویژگی چیزی یا شخصی اشاره می کند. برای مثال **famous** (مشهور) حاوی این پسوند است.

- مثال های بیشتر **ambitious, curious, previous**

-Age

پسوند **-age** در معنای اندازه گیری و مجموع بکار میرود. مانند:

- Baggage, frontage, mileage

-Ery, -ry

پسوند **-ery, -ry** در معنای شرایط، رفتار، مکان بکار میرود. مانند:

- Drudgery, slavery, delivery, nursery, rookery, refinery, bakery, nunnery

-Hood

پسوند **-hood** به معنای حالت یا شرایط است. مانند:

- Boyhood, brotherhood, widowhood

-Ing

پسوند **-ing** به ماده ای که اون اسم از آن ساخته شده است اشاره میکند. مانند:

- Tubing, panelling, matting, carpeting

-Ism

پسوند **Ism** -در معنای تعلیم؛ آموزش؛ تمرین بکار میرود. مانند:

- Idealism, impressionism, fanaticism, absenteeism, racism

-Ship

پسوند **-Ship** نشان دهنده داشتن موقعیتی یا کاری میباشد. مانند:

- Friendship, membership, dictatorship, professorship

-Eer

این پسوندها اسامی ذات را بوجود می آورند .

پسوند **-eer** به معنای " مهارت داشتن و مشغول بودن " است. مانند:

- Pamphleteer, profiteer, racketeer, mountaineer, auctioneer, engineer

-ess

پسوند **-ess** نشان دهنده جنس مونث است. مانند:

- Waitress, actress, lioness, manageress, stewardess, hostess

پسوندهای زیر به دنبال فعل آمده و آنها را به اسم تبدیل می کنند.

(پسوندهای اسم ساز)

-Ee

پسوند **-ee** نشان دهنده فاعل آن فعل میباشد. مانند :

- Appointee, payee, interviewee, employee, nomineee

-al

پسوند **-al** نشان دهنده عمل و نتیجه ی آن عمل است. مانند :

- Refusal, revival, dismissal, upheaval

-ation

پسوند **-ation** در معنای فرایند؛ وضعیت؛ تولید بکار میرود. مانند :

- Exploration, starvation, ratification, foundation, organization,

-Ment

پسوند **-ment** نشان دهنده نتیجه است. مانند :

- Arrangement, amazement, puzzlement, embodiment, equipment

پسوندهای زیر صفات را به اسم تبدیل می کنند و اغلب اسامی غیر قابل شمارش هستند.

-Ity

پسوند **-ity** مانند :

- Elasticity, rapidity, sanity, falsity, diversity, respectability

-nessپسوند **-ness** مانند :

- Meanness, happiness, usefulness, kindness, selfishness, unexpectedness

پسوندهای زیر اسامی را به صفت تبدیل می کنند.

(پسوندهای صفت ساز)

-ishپسوند **-ish** به معنای حدی، تا قدری است همچنین با اسامی نژاد، مردم، و زبان ها بکار می رود. مانند :

- Childish, monkeyish, foolish, snobbish, Swedish, turkish

-lessپسوند **-less** به معنای "بدون" است. مانند :

- Careless, restless, colorless, harmless, homeless

-likeپسوند **-like** به معنای مانند، شبيه است. مانند:

- Childlike, statesmanlike, monkeylike

-yپسوند **-y** به معنای "تا حدی شبیه، تا قدری شبیه" است. مانند:

- Sandy, meaty, creamy, hairy, wealthy, comfy

دو پسوند زیر فعل را به صفت تبدیل می کنند.

-ableپسوند **-able** به همراه افعال متعدی می آید و آن ها را به صفت تبدیل می کند. مانند:

- Debatable, wsshable, drinkable, manageable, changeable, perishable

-iveپسوند **-ive** در بعضی افعال از **active** استفاده میشود. مانند :

- Attractive, effective, possessive, explosive, productive, expansivedecorative

جدول زیر خلاصه مهمترین و رایجترین پیشوندهای فوق الذکر می باشد.

پیشوند	معنی	مثال
ante-	before	antenatal, anteroom, antedate
anti-	against, opposing	antibiotic, antidepressant, antidote
circum-	around	circumstance, circumvent, circumnavigate
co-	with	co-worker, co-pilot, co-operation
de-	off, down, away from	devalue, defrost, derail, demotivate
dis-	opposite of, not	disagree, disappear, disintegrate, disapprove
em-, en-	cause to, put into	embrace, encode, embed, enclose, engulf
epi-	upon, close to, after	epicentre, episcopate, epidermis
ex-	former, out of	ex-president, ex-boyfriend, exterminate
extra-	beyond, more than	extracurricular, extraordinary, extra-terrestrial
fore-	before	forecast, forehead, foresee, foreword, foremost
homo-	same	homosexual, homonuclear, homoplastic
hyper-	over, above	hyperactive, hyperventilate
il-, im-, in-, ir-	not	impossible, illegal, irresponsible, indefinite
im-, in-	into	insert, import, inside
infra-	beneath, below	infrastructure, infrared, infrasonic, infraspecific
inter-, intra-	between	interact, intermediate, intergalactic, intranet
macro-	large	macroeconomics, macromolecule
micro-	small	microscope, microbiology, microfilm, microwave
mid-	middle	midfielder, midway, midsummer
mis-	wrongly	misinterpret, misfire, mistake, misunderstand
mono-	one, singular	monotone, monobrow, monolithic
non-	not, without	nonsense, nonentity, nondescript
omni-	all, every	omnibus, omnivore, omnipotent
para-	beside	parachute, paramedic, paradox
post-	after	post-mortem, postpone, post-natal
pre-	before	prefix, predetermine, pre-intermediate
re-	again	return, rediscover, reiterate, reunite
semi-	half	semicircle, semi-final, semiconscious
sub-	under	submerge, submarine, sub-category, subtitle
super-	above, over	superfood, superstar, supernatural, superimpose
therm-	heat	thermometer, thermostat, thermodynamic
trans-	across, beyond	transport, transnational, transatlantic
tri-	three	triangle, tripod, tricycle
un-	not	unfinished, unfriendly, undone, unknown
uni-	one	unicycle, universal, unilateral, unanimous

جدول زیر خلاصه مهمترین و رایجترین پسوندهای فوق الذکر می باشد.

پسوند	معنی	مثال
پسوندهای اسم ساز		
-acy	state or quality	democracy, accuracy, lunacy
-al	the action or process of	remedial, denial, trial, criminal
-ance, -ence	state or quality of	nuisance, ambience, tolerance
-dom	place or state of being	freedom, stardom, boredom
-er, -or	person or object that does a specified action	reader, creator, interpreter, inventor, collaborator, teacher
-ism	doctrine, belief	Judaism, scepticism, escapism
-ist	person or object that does a specified action	Geologist, protagonist, sexist, scientist, theorist, communist
-ity, -ty	quality of	extremity, validity, enormity
-ment	condition	enchantment, argument
-ness	state of being	heaviness, highness, sickness
-ship	position held	friendship, hardship, internship
-sion, -tion	state of being	position, promotion, cohesion
پسوندهای فعل ساز		
-ate	become	mediate, collaborate, create
-en	become	sharpen, strengthen, loosen
-ify, -fy	make or become	justify, simplify, magnify, satisfy
-ise, -ize	become	publicise, synthesise, hypnotise
پسوندهای صفت ساز		
-able, -ible	capable of being	edible, fallible, incredible, audible
-al	having the form or character of	fiscal, thermal, herbal, colonial
-esque	in a manner of or resembling	picturesque, burlesque, grotesque
-esque	in a manner of or resembling	picturesque, burlesque, grotesque
-ful	notable for	handful, playful, hopeful, skilful
-ic, -ical	having the form or character of	psychological, , methodical, , musical
-ious, -ous	characterised by	pious, jealous, religious, ridiculous
-ish	having the quality of	squeamish, sheepish, childish
-ive	having the nature of	inquisitive, informative, attentive
-less	without	meaningless, hopeless, homeless
-y	characterised by	dainty, beauty, airy, jealousy
پسوندهای قید ساز		
-ly	related to or quality	softly, slowly, happily, crazily, madly
-ward, -wards	direction	towards, afterwards, backwards, inward
-wise	in relation to	otherwise, likewise, clockwise

فرم های ترکیبی

بعد از این که تفاوت بین پیشوندها و پسوندها را متوجه شدید، این نکته را هم باید بدانید که هر کلمه ای که دارای ترکیبات پیشوندی هست، لزوماً پیشوند نیست. یعنی چی؟

یعنی گاهی اوقات کلمه ها، فرم های ترکیبی (combining forms) به خودشان می گیرند که ظاهراً شبیه پیشوند هستند، اما در حقیقت پیشوند نیستند و متفاوت از آن ها عمل می کنند. بازهم متوجه نشدید؟

مثلاً پسوند non- را در نظر بگیرید که به معنی 'not' یا 'without' هست و در کلمه 'nonsense' استفاده می شود. وقتی non- را از کلمه برداریم، بقیه لغت یعنی 'sense' باز برای خودش معنی دارد؛ هر چند متفاوت.

اما فرم های ترکیبی به ابتدای کلمات می چسبند؛ به عنوان بخش اصلی از کلمه محسوب می شوند و نمی شود آن ها را حذف کرد. برای همین گاهی اوقات به آن ها اصطلاح "پیشوندهای آفتاب پرست" هم میگویند. چون دقیقاً مثل آفتاب پرست عمل می کنند و شکل هجی کردن و فرم فیزیکی خودشان را تغییر می دهند تا متناسب با کلمه ای باشند که به آنها می چسبند.

بنابراین، فرم های ترکیبی به عنوان پیشوند عمل می کنند اما متفاوت از آن ها و نمی توانند برداشته بشوند، چون بعد از حذف شدنشان، حروف باقیمانده دیگر به عنوان یک کلمه مستقل، کامل و با معنی نخواهد بود.

پیشوند	معنی	مثال	فرم ترکیبی	معنی	مثال
com-, con-	with, alongside	comprise, connote	com-, con-	with, jointly	companion, comrade,
contra-	against	contraindicate	contra-	against	contraceptive, contradict
de-	opposite	devalue	de-	down, away	descend
ex-	former	ex-husband	ex-	out	exhort
a-	not, without	amoral	a-, an-	not, without	apathy, anaemic
in-	not	inconvenient	in-	into	inebriate, indulge
homo-	same	homograph, homophone	homo-	same	homogeneous
magn-	great	magnate	magn-	great	magnificent, , magnitude, magnify
para-	beside	paragraph,	para-	beside	paradox
sub-	under	submarine	sub-	under	substitute
trans-	across	transnational, transparent	trans-	through, across	transmit, transcend
tri-	three	triangle, tripod	tri-	three	triceps, triathlon

زمان حال کامل (ماضی نقلی): present perfect tense

حال کامل یا **ماضی نقلی** برای بیان عمل یا حالتی به کار می رود که در گذشته شروع شده است و عمل یا اثر آن تا زمان حال یا آینده ادامه دارد. وقتی این زمان را به کار می بریم هم به گذشته و هم به زمان حال فکر می کنیم. به عبارت دیگر حال کامل گذشته را به حال متصل می کند.

ساختار:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	قسمت سوم فعل	فعل های کمکی have / has	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	-------------------------	------

Have, has +past participle (pp.)

I ,you, we, they, he, she	Have, Has	Finished
---------------------------	-----------	----------

فعل این زمان با استفاده از افعال کمکی **has و have** و قسمت سوم فعل اصلی (**past participle**) ساخته می شود.

قسمت سوم فعل با استفاده از اضافه کردن **-ed** یا **-d** به آخر افعال با قاعده ساخته می شود. **افعال بی قاعده** نیز مانند زمان گذشته ساده به قسمت سوم فعل خود تبدیل می شوند. لازم به ذکر است قسمت سوم فعل در افعال باقاعده با اضافه کردن **-d** یا **-ed** به انتهای آنها ساخته می شوند در حالی که قسمت سوم فعل افعال بی قاعده از قواعد خاصی پیروی نمی کند.

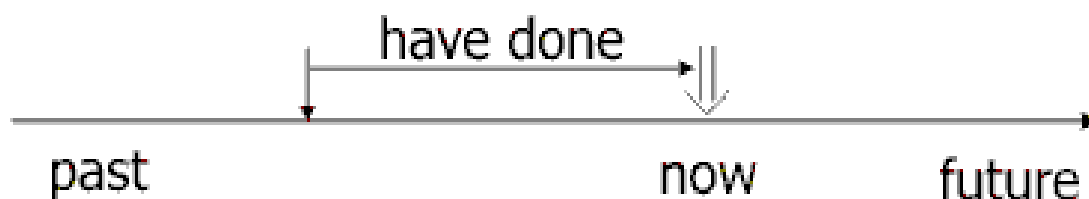
مثال :

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	have		seen	ET.
+	You	have		eaten	mine.
-	She	has	not	been	to Rome.
-	We	have	not	played	football.
?	Have	you		finished?	
?	Have	they		done	it?

کاربردهای ماضی نقلی یا حال کامل:

مهم ترین استفاده های این زمان عبارتند از :

(الف) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است.



- They have lived in this apartment for twelve years.
"آنها دوازده سال است که در این خانه زندگی می کنند."
- My brother has played volleyball since he was thirteen.
"برادرم از وقتی سیزده ساله بود والیبال بازی کرده است."

(ب) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تمام شده ولی اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

- She has bought a new computer for three months. (She still has it.)
"او سه ماه است که یک کامپیوتر جدید خریده است." (هنوز آن را دارد)."
- I have washed my clothes. (The clothes are clean)
"من لباس هایم را شسته ام." (لباس ها تمیزند)"

(ج) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تمام شده ولی اثر آن به صورت تجربه و دانش

نزد ما باقی است. به طور مثال می توان به مسافرت هایی که رفته ایم ، غذاهایی که خورده ایم ، افرادی که دیده ایم و امثال آن اشاره کرد. در این صورت از زمان حال کامل استفاده می شود. برای پرسیدن راجع به تجربیات افراد معمولا از سوال (Have you ever...?) و کلماتی مثل (ever تا حالا) و (never هرگز) که قبل از قسمت سوم فعل می آیند ، استفاده می شود.

- Have you ever been to China? "تا حالا چین رفته ای؟"
- Yes, I have visited China twice.. "بله، دو بار از چین دیدن کرده ام"
- I have never eaten Sushi in my life.. "در طول عمرم سوشی نخورده ام"

در ادامه کاربرد سوم (ج) موارد زیر را نیز می توان از زیرمجموعه های آن برشمرد:

(۱) برای بیان عمل یا حالتی که هرگز یا برای مدتی آن را انجام نداده ایم.

- My parents have never travelled abroad.
"پدر و مادر من هرگز به مسافرت خارج از کشور نرفته اند."

- I haven't gone to the cinema for five years.
"پنج سال است که به سینما نرفته ام."

(۲) برای بیان کاری که آن را برای اولین بار یا چندمین بار انجام داده ایم .

- It is the first time (that) she has been on a diet.
"این اولین باری است که او رژیم گرفته است."

- This is the fourth time that we have complained about working conditions.
"این چهارمین باری است که ما درباره شرایط کاری شکایت کرده ایم."

(۳) برای بیان کردن صفات عالی

- This is the most popular song that I have ever heard.
"این محبوب ترین آهنگی است که تا به حال شنیده ام."

- My neighbor is one of the best drivers I have ever seen.
"همسایه من یکی از بهترین راننده هایی است که تا به حال دیده ام."

(د) برای بیان عمل یا حالتی که از گذشته تا حالا چندین بار تکرار شده است.

- My mother has cooked spaghetti three times this week.
"مادر من این هفته سه بار ماکارانی درست کرده است."

- I have been on vacation in London several times.
"من برای تعطیلات چندین بار به لندن رفته ام."

(ه) برای بیان عمل و یا دستاوردی که در طول زندگی توسط ما یا دیگران صورت گرفته است و زمان دقیق آن هم مشخص نیست ، از حال کامل استفاده می کنیم. اما اگر بخواهیم در مورد کاری صحبت کنیم که زمان دقیق انجام آن مشخص است، باید از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. به مقایسه این دو مثال دقت کنید:

- I **have eaten** Japanese food **many times**.
"من بارها غذای ژاپنی **خورده ام**. (زمان مشخص نیست)"
- I ate Japanese food **three months ago**.
"من سه ماه پیش غذای ژاپنی خوردم. (زمان مشخص است)"

علائم این زمان در تست های کنکوری عبارتند از :

just	already	recently	lately	since	for	yet
ever	many times	never	finally	all day	now that	as soon as
during the past few days			within the past few days			so far

مهمترین قیود زمان (نشانه ها) ماضی نقلی در تست های کنکوری:

for و since (الف)

For به معنای (به مدت) برای بیان طول زمان:

- **For** (two hours, three weeks, five months, seven years, a long time)
- I have been in this office **for eight years**.
"هشت سال است که در این اداره بوده ام"

Since به معنای (از تا حالا) برای بیان زمان آغاز عمل:

- **Since** (nine o'clock, Monday, last week, yesterday, 2007, the first of June.)
- I have been in this office **since 2012**.. "از سال ۲۰۱۲ تا حالاً در این اداره بوده ام"
بعد از **since** علاوه بر کلمات بالا می توان یک جمله گذشته نیز به کار برد.
- I have had a lot of hobbies, **since I was** a kid.
"از زمانی که بچه بودم، سرگرمی های زیادی داشته ام."
- I have learned many things **since I became** a mother.
"از زمانی که مادر شدم، خیلی چیزها یاد گرفته ام."

(ب) **already** به معنای (قبلاً ، پیش از این) برای بیان کاری که زودتر از زمان مورد انتظار انجام شده است.

• **Already** قبل از قسمت سوم فعل یا بعد از **have/has** استفاده می شود.

- **A:** Don't forget to do your assignment Jack. **B:** I have already done it.
A: جک یادت نره تکالیف را انجام بدی **B:** قبلاً آن را انجام داده ام.

(ج) **just** به معنای (چند لحظه قبل ، تازه) برای بیان کاری که چند لحظه قبل انجام شده است.

Just نیز مانند **already** قبل از قسمت سوم فعل یا بعد از **has/have** استفاده می شود.

- **A:** You look sleepy. **B:** Yes, I have just got up.
A: به نظر خواب آلود می آیی. **B:** بله، همین چند لحظه پیش بیدار شده ام.

(د) **Yet** به معنای (هنوز) برای بیان کاری که منتظر انجام آن هستیم.

Yet در آخر جمله های منفی و سوالاتی استفاده می شود.

- Have they arrived yet? "آیا آن ها هنوز نرسیده اند؟"
- We haven't finished our homework yet. "ما هنوز تکلیفمان را انجام نداده ایم."

(ه) **so far , up to now** به معنای تاکنون در آخر جملات ماضی نقلی به کار می روند.

- We have had no trouble with our television set so far (up to now)
"ما تاکنون هیچ مشکلی در مورد دستگاه تلویزیونمان نداشته ایم."
- We have completed 17 lessons so far.

(ی) **never** و **ever** : به طرز استفاده این دو کلمه در جملات ماضی نقلی توجه نمایید.

- Have you ever been to china?
- No, I have never been to china.

بنابراین **ever** در جملات مثبت و سوالاتی و **never** در جملات منفی به کار می رود.

- I have never seen such a film.
"تاکنون چنین فیلمی ندیده ام (که در فارسی می گوئیم) تا حالا چنین فیلمی ندیده بودم."

- He has never driven a car before.

(و) recently و lately: قبل از فعل اصلی و بعد از **has** و **have** و یا در آخر جمله بکار می رود.

- She hasn't written to me recently.
- I have been very busy lately.

نکته های کنکوری:

(۱) اگر جمله ای قید زمان نداشته باشد ماضی نقلی است.

- He has put his comb in his pocket.
- I have seen this film before.

(۲) قید تکرار: **some times , never , always**

- I have visited the zoo several times.

"چندبار از باغ وحش دیدن کرده ام."

(۳) تعداد دفعات: **once , twice , three , times , several times**

- Ail has watched TV every night this week.

"علی این هفته هرشب تلویزیون تماشا کرد."

(۴) زمان حال کامل در جملات وصفی بعد از صفات عالی ، اعداد ترتیبی ، **the only , the first** به کار می رود در این حالت جمله اصلی زمان حال است.

- This is the first time she has been to Shiraz.

"اولین بار است که به شیراز مسافرت کرده."

تغییر در هجی فعل:

تغییر در هجی فعل زمان حال کامل (قسمت سوم فعل) مانند تغییر در هجی فعل گذشته است:

(الف) در افعالی که به **e** ختم می شوند، فقط **-d** به آخر فعل اضافه می شود.

- **close** → **closed** **arrive** → **arrived**

(ب) در افعالی که به **y** ختم می شوند، در صورتی که صدای قبل از **y** مصوت باشد، فقط **-ed** به آخر فعل اضافه می شود و در صورتی که صدای قبل از **y** صامت باشد ابتدا **y** تبدیل به **i** می شود، سپس **-ed** اضافه می شود.

- enjoy → enjoyed
- vary → varied

- stay → stayed
- hurry → hurried

(ج) در کلیه افعال تک سیلابی و یا افعال چند سیلابی که تکیه در سیلاب آخر باشد، حرف بی صدا (consonant) در انتهای فعل دو بار تکرار می شود.

- ban → banned
- trap → trapped
- prefer → preferred

تست کنکوری

1. He is tired because he football all afternoon.

- a) Have played b) has played c) had played d) played

*جمله ای که قبل از **because** قرار گرفته است زمان حال ساده است و در جمله بعد آن باید از ماضی نقلی استفاده شود.

یک عمل در گذشته انجام شده است و الآن اثر آن باقی است. گزینه **a** و **b** درست است. فاعل سوم شخص مفرد است و گزینه **b** درست است.

(او خسته است زیرا بعد از ظهر فوتبال بازی کرده است. پس در زمان گذشته یک عملی انجام داده است و اثر بازی کردن فوتبال خستگی است و به زمان حال رسیده است).

2) John is unhappy because he his money.

- a) Lost b) have lost c) has lost d) lose

*جان ناراحت است زیرا پولش را گم کرده است. جان در گذشته پول گم کرده است و اثر گم کردن پول موجب ناراحتی جان شده است. گزینه **b** و **c** درست است و چون فاعل ما سوم شخص مفرد است گزینه **c** درست است.

3) She here since 1948.

- a) Worked b) have worked c) has worked d) was working

***since** از قیود ماضی نقلی است و مبداء زمان را نشان می دهد. گزینه **c** و **b** را انتخاب می کنیم و چون فاعل سوم شخص مفرد است گزینه **c** انتخاب می شود.

او از سال ۱۹۴۸ اینجا کار کرده است، یا اثر کار کردن در زمان حال باقی است.

4) I in Greece since 1976.

- a) Have lived b) lived c) has lived d) was living

*از سال ۱۹۷۶ در یونان زندگی کرده ام. گزینه a درست است.

5) Ito him a bout it several times.

- a) Have spoken b) am speaking c) speak d) spoke

*من چندین بار درباره آن موضوع با او صحبت کرده ام. قید several time نشان دهنده ماضی نقلی است و با توجه به فاعل جمله، گزینه a درست است.

6) She English for 8 years.

- a) Studied b) have studied c) has studied d) studying

*به مدت ۸ سال انگلیسی خوانده است. پس چنین کسی قادر به صحبت کردن زبان انگلیسی است. گزینه b و c است و چون فاعل جمله سوم شخص مفرد است گزینه c درست است.

7) We 17 lessons so far.

- a) Have learned b) has learned c) learned d) were learning

*ما تا حالا ۱۷ درس را یاد گرفته ایم: So far. تا به حال. گزینه b و a درست است با توجه به فاعل جمله، سوم شخص مفرد است. گزینه a است.

8) Not only am I late getting started, but I also what to buy for everyone so far.

- a) Haven't decided b) hadn't decided
c) didn't decide d) wont decided

9) A: I know sally.

- a) Did you know
c) Have you known

B: really? How longher?

- b) had you known?
d) do you know

10) We..... two hundred tickets and there is still a month to go before the concert.

- a) are always selling b) will have sold
c) Have already sold d) had just sold

d) are competing

251

همانگونه که بیان شد افعال دو کلمه ای از یک فعل اصلی و یک یا چند حرف اضافه تشکیل می شوند که به دو دسته ی افعال دو کلمه ای جداشدنی و افعال دو کلمه ای جدانشدنی تقسیم می شوند.

افعال دو کلمه ای جدا شدنی:

چنانچه افعال دو کلمه ای شرایط زیر را داشته باشند ، می توان آنها را از یکدیگر جدا کرد . این افعال از دو قسمت تشکیل شده اند که قسمت اول آن خود فعل و قسمت دو آن حرف اضافه یا قید می باشد. که در اینجا حرف اضافه یا قید باعث تغییر معنایی فعل دو کلمه ای جداشدنی می گردد.

(الف) متعدی باشند یعنی بعد از آنها مفعول بکار رفته باشد .

Put on (لباس پوشیدن) turn down (خاموش کردن) call up (تلفن زدن)

(ب) حرف اضافه ی آنها یکی از:

حروف اضافه ی over - back - down - up - out - in - off - on باشد .

تذکر: در اینگونه از افعال دو کلمه ای چنانچه مفعول بصورت اسم باشد آنرا می توان هم پس از حرف اضافه و هم قبل از حرف اضافه بکار برد ولی اگر مفعول بشکل ضمیر مفعولی باشد ، حتماً می بایست آنرا قبل از حرف اضافه بکار برد .

- He is putting on his shoes.
- He is putting his shoes on.
- He is putting them on.

افعال دو کلمه ای جدانشدنی:

(الف) چنانچه افعال دو کلمه ای لازم باشند که در این صورت بعد از آنها مفعول بکار نمی رود .

Get up (بیدار شدن) come back (برگشتن)

(ب) یا اینکه حرف اضافه ی متعاقب فعل ، غیر از حروف اضافه ی فوق باشد که در اینصورت فعل و حرف اضافه ی آن بهیچ وجه جدا نمی شوند و در این حالت مفعول چه بشکل اسم و چه بشکل ضمیر بعد از حرف اضافه قرار می گیرد .

- He is looking for his son.
- He is looking for him.

مهمترین افعال دو کلمه ای کاربردی در کنکور

Ask out	دعوت از یک خانم یا آقا برای قرار ملاقات	Call up	تماس تلفنی برقرار کردن
Bring about	موجب شدن	Catch up (with)*	به سطح کسی رسیدن
Bring up	۱- تربیت بچه ها ۲- مطرح کردن یک موضوع	Check in*	در هتل ثبت اطلاعات کردن
Call back	جواب تلفن کسی را دادن	Check into*	تحقیق کردن
Call in	دعوت برای حضور در یک محل رسمی برای امری خاص	Check out	تحقیق کردن
Call off	لغو کردن	Cheer up	شاد کردن
Call on*	ملاقات کردن	Come across*	یافتن شانس انجام کاری
Clean up	تمیز و مرتب کردن	Cross out	خط زدن
Consist of	تشکیل شدن از	Concentrate on	تمرکز کردم روی
Do over	تکرار کردن	Drop in (on)*	سرزدن
Drop off	چیزی یا کسی را در محلی گذاشتن	Drop out (of)*	ترک درس و مدرسه کردن
Figure out	یافتن پاسخ منطقی سؤال	Fill out	فرمی را تکمیل کردن
Find out	پی بردن به اطلاعات (ش)	Get back (from)	از جایی برگشتن
Get along (with)*	یک رابطه خوب داشتن	Get in, get into*	وارد شده یا رسیدن به جایی
Get off*	پیاده شدن	Get on*	ورود به یک وسیله نقلیه
Get out of*	از یک عمل ناخوشایند جلوگیری کردن	Get over*	بهبود یافتن از بیماری
Give up	انجام کاری را متوقف کردن	Go over*	مرور یا کنترل کردن
Grow up*	رشد سنی کردن و به بلوغ رسیدن	Hang up	یک مکالمه تلفنی را قطع کردن ۲- لباسی را آویزان کردن
Keep out (of)	وارد نشدن	Look after*	مراقبت کردن
Look into*	تحقیق کردن	Look out (for)*	مراقب بودن

Look over	مرور یا کنترل کردن	Look up	در یک کتاب مرجع به دنبال اطلاعات گشتن (ش)
Make up	ساختن ۲- کار قدیم را انجام دادن	Pass away*	مردن
Pick out	انتخاب کردن	Pick up	دست کسی را گرفتن (ش)
Point out	توجه کسی را جلب کردن	Put off	به تعویق انداختن
Put on	پوشیدن (ش)	Put out	سیگار یا آتش را خاموش کردن (ش)
Put up with*	تاب آوردن، تحمل کردن	Run into	اتفاقی با کسی برخوردن
Run out (of)	تمام شدن مایحتاج	Show up*	ظاهر شدن و مطرح شدن
Take after*	به فردی شبیه بودن	Take off	۱- در آودن لباس (ش) ۲- هواپیما) بلند شدن از زمین
Take out	کسی را بیرون بردن حذف کردن	Take up	یک فعالیت جدید را شروع کردن
Tear down	خراب کردن و با خاک یکسان کردن	Tear up	به اجزاء کوچکتر تقسیم کردن
Throw away	دور ریختن و خلاص شدن (ش)	Throw out	دور ریختن
Try on	پرو کردن لباس	Turn down	درجه چیزی را کم کردن (ش)
Turn off	خاموش کردن یک ماشین یا لامپ (ش)	Turn on	روشن کردن ماشین یا لامپ (ش)
Turn out	چراغ را خاموش کردن (ش)	Turn up	تشدید کردن، زیاد کردن (ش)
Add up	اضافه کردن (ش)	Give back	پس دادن (ش)
Wake up	از خواب بیدار شدن (ش)	Find out	پی بردن ، فهمیدن (ش)

1) The mother asked the teacher to kindly keep her Her Childs progress at school.

A) Informed of* b) interested in c) careful about d) friendly towards

2) At the supermarket I take my frozen vegetables from a that is completely open.

a) Off b) on* c) around d) up

- 3) Everyone in the neighborhood took part for the missing child.
 a) Searching b) to search c) in searching* d) for searched.
- 4) Do you know anyone who might be interestingbuying an old car.
 a) For b) on c) with d) in*
- 5) I am not responsible what my brother does.
 a) Of b) for* c) about d) with
- 6) Even though he was bored Doing the same thing all the time, he was nervous about making a change.
 a) Of b) from c) with* d) for
- 7) What do must people say when they the receiver?
 a) Keep on b) turn on c) pick up* d) set up
- 8) Some people are never content what they have.
 a) Of b) for c) with* d) about
- 9) It has taken years for her to the bussines to what it is today.
 a) Build up* b) turn out c) carry on d) hand in
- 10) I don't know how to the printer?
 a) Sing in b) set up* c) turn up d) check out
- 11) A: Can I get you some coffee?
 B: No thanks. I have coffe .It makes me too nervous.
 a) Given up* b) cut down c) taken off d) made out
- 12). He puts his best coat to go to a dinner party.
 a.in b.by c. on* d.off
- 13). I want to now.
 A. turns it on b. turns on it c. turns the radio on d.b and c
- 14). your shoes are dirty. Please them
 A.put-on b. turn-of c. take-off* d. pick-up

مهمترین صفاتی که حرف اضافه مخصوص به خود را دارند و برای کنکور ضروریند.

صفات هم سری در سرها در آورده اند!

البته اگر صفت‌ها وجود نداشتند تقریباً می‌توان گفت هیچ جمله‌ی معقولی در دنیا وجود نداشت و همه مثل ربات حرف می‌زدند. اما جالب است بدانید علاوه بر اینکه اسامی و افعال انگلیسی با حروف اضافه در جملات قرار می‌گیرند، گاهی صفت‌ها نیز برای تکمیل معنایی خود، به حروف اضافه نیاز دارند. اما این حروف اضافه چه وقتی در کنار صفات قرار می‌گیرند؟

حروف اضافه می‌توانند دقیقاً بعد از صفت‌ها قرار بگیرند تا احساسات یا عقایدی که صفت توصیف می‌کند را تکمیل کنند. حروف اضافه‌ای که با صفات در جمله قرار بگیرند، **adjective complements** نامیده می‌شوند. حرف اضافه همیشه مستقیماً بعد از صفت قرار می‌گیرد و معمولاً قبل از اسم یا **gerund** در جمله ظاهر می‌شود.

در ادامه شما را با رایج‌ترین حروف اضافه که در کنار صفات قرار می‌گیرند، آشنا می‌سازیم:

of	to	about	for	with	at	by	in	from
----	----	-------	-----	------	----	----	----	------

قوانین

هیچ قانون مشخصی برای ترکیب صفات با حروف اضافه وجود ندارد. در هر صورت شما باید این حروف اضافه را حفظ کنید. اما خوشبختانه چند الگو وجود دارد که برایتان پیدا کرده‌ایم. برای مثال مترادف و متضادهای آن صفات هم با همان حروف اضافه در جمله قرار می‌گیرند. روش دیگری که حفظ حروف اضافه با صفات را راحت‌تر کرده است، این است که به حرف اضافه‌ای که با اسم در جمله ترکیب شده نگاه کنید و همان را برای صفت هم به کار ببرید.

مثالی از ترکیبات رایج

صفت + of

یک صفت به خاطر بیان حالات روحی یا فیزیکی مثل ترس، خستگی، عصبانیت و ...، با حرف اضافه‌ی **of** ترکیب می‌شود. به همین ترتیب، به توصیف حالات و اعمال اشخاص کمک می‌کند. مثال:

Example Sentences	Adjective + of
-------------------	----------------

"Sam is afraid of dogs." "Many kids are frightened of clowns." "Are you scared of airplanes?" "The poor baby was terrified of her crib."	afraid of, frightened of, scared of, terrified of
"How kind of you to come early." "That was nice of your sister to treat us to dessert." "It's very sweet of John to send a gift." "It is thoughtful of passengers to thank their drivers."	kind of, nice of, sweet of, thoughtful of
"How odd of that man to wear sunglasses inside." "It's strange of you to change your mind like that."	odd of, strange of
"Mom told me she is proud of my accomplishments."	proud of
"I thought it rude of her to interrupt me."	rude of
"That's very smart of you."	smart of
"I am so sick of doing laundry every week." "Olivia confessed that she is tired of dating Mike."	sick of, tired of
"It was silly of me to assume I was right."	silly of
"How stupid of that boy to drop out of high school."	stupid of

صفت + to

وقتی صفت با **to** همراه شود، می‌تواند در توصیف رفتار، حالات یا ارتباط بین اشیاء و اشخاص به جمله کمک کند. مثال:

Example Sentences	Adjective + to
"He quickly became accustomed to city life."	accustomed to
"I think I'm addicted to action movies."	addicted to
"She is committed to the art of dance." "How dedicated to your studies are you?" "Lucy is devoted to her family."	committed to, dedicated to, devoted to
"Henry is friendly to everyone." "Was she good to you?" "You should always be kind to others." "Mrs. Roberts was nice to the cashier."	friendly to, good to, kind to, nice to
"Cassie is married to Nick."	married to

"Don't be mean to your classmates."	mean to, rude to, unfriendly to
"The couple was rude to the waitress."	
"A lot of cats are unfriendly to humans."	
"I am opposed to these changes."	opposed to
"His idea is similar to mine."	similar to

صفات + about

حرف اضافه‌ی **about** معمولاً برای بیان یک شرایط یا حادثه‌ی خاص با صفت ترکیب می‌شود. مثال:

Example Sentences	Adjective + about
"My neighbor is angry about the loud music we played last night."	angry about, furious about, mad about
"That woman is furious about having to wait in line."	
"You're always mad about something."	
"Joe is anxious about studying abroad next semester."	anxious about, nervous about, stressed about, worried about
"She seemed nervous about the test."	
"Rachel is stressed about finding a job."	
"Dad is worried about filing taxes."	
"I am excited about a new book that's coming out soon."	excited about
"Aren't you happy about the way things turned out?"	happy about
"She might be sad about her grades."	sad about, depressed about
"Bobby was depressed about his parents' divorce."	
"I'm sorry about yesterday."	sorry about, upset about
"He's probably upset about losing the soccer match."	

صفات + for

حرف اضافه‌ی **for** در کنار صفات قرار می‌گیرد تا اهداف یا دلایل مختلف را بیان کند. مثال:

- "Texas is **famous for** rodeos."
 "Australia is **known for** its large kangaroo population."
 "Coach Brown is **responsible for** the football team."

البته از حرف اضافه‌ی **for** می‌توان برای تاکید احساسات یک شخص نسبت به موضوع، حادثه یا شخصی دیگر استفاده کرد. این ترکیب از ساختار ساده‌ی زیر پیروی می‌کند:

feel/be + adjective + for + someone/something

"Marianne feels bad for her coworker."
 "Kyle is happy for his brother."
 "The company felt hopeful for the future".

صفات + With

وقتی که حرف اضافه‌ی **With** در کنار یک صفت قرار می‌گیرد، می‌تواند به دلیل بروز یک احساس یا ارتباط بین اشیاء یا اشخاص اشاره کند. مثال:

Example Sentences	Adjective + with
"Nicole is <u>angry with</u> her mother." "I heard he's <u>furious with</u> you!"	angry with, furious with
"I'm <u>annoyed with</u> this traffic." "She's <u>fed up with</u> having to clean toilets all day."	annoyed with, fed up with
"It's hard not to be <u>bored with</u> long lectures."	bored with
"Taylor was <u>content with</u> moving to Chicago." "I'm <u>fine with</u> having to rewrite the introduction." "Are you sure you're <u>OK with</u> this?"	content with, fine with, OK with
"Molly seems <u>disappointed with</u> her performance." "The boy's parents are <u>displeased with</u> his behavior."	disappointed with, displeased with
"We are very <u>pleased with</u> the number of donations we received".	pleased with

صفات + at/by

بیشتر صفت‌هایی که با حرف اضافه‌ی **at** در جمله قرار می‌گیرند، می‌توانند با **by** نیز ترکیب شوند. وقتی که این حروف اضافه با صفت‌ها ترکیب شوند، می‌توانند دلیل یک واکنش یا پاسخ احساسی خاص را توضیح دهند. از آنجا که این جمله‌ها معمولاً در حالت مجهولی بیان می‌شوند، حرف اضافه‌ی **by** می‌تواند به جای **at** در جمله قرار بگیرد.
 مثال:

- "The man was **amazed at/by** the number of people offering to help him."
- "She was **astonished at/by** the movie's poor ratings."
- "I'm **shocked at/by** his behavior."
- "Flight attendants were **surprised at/by** the plane's abrupt landing."

حرف اضافه‌ی **at** می‌تواند مهارت‌ها و توانایی‌هایی را توصیف کند که با صفات منفی و مثبت جفت شوند. برای مثال می‌توان به **good/bad** و **wonderful/terrible** اشاره کرد. در این مورد، حرف اضافه‌ی **by** نمی‌تواند به جای **at** به کار برود. این جملات مجهول نیستند.
مثال:

- "James is **good at** playing the guitar." (correct)
- "James is **good by** playing the guitar." (incorrect)
- "I'm **terrible at**" (correct)
- "I'm **terrible by**" (incorrect)

صفات + in

برخی از صفات می‌توانند با حرف اضافه‌ی **in** ترکیب شوند و ارتباط بین اشخاص و اشیاء را نشان دهند.
مثال:

- "Bernard is **interested in** joining the school band."
- "Is she **involved in** politics?"

صفات + from

صفاتی که با حرف اضافه‌ی **from** در جمله ترکیب شوند، می‌توانند به مخالفت یا نتیجه‌ی یک عمل تاکید کنند. مثال:

- "Turquoise is **different from** blue." (point of opposition)
- "We were **protected from** the storm." (point of opposition)
- "I became **tired from** studying all night." (result of an action)

صفات با چند حرف اضافه‌ی مختلف

برخی از صفت‌ها می‌توانند با چند حرف اضافه ترکیب شوند و معنی هم تغییری نکنند. این حروف اضافه می‌توانند به جای یکدیگر در جمله مورد استفاده قرار بگیرند. در ادامه چند مثال از این حروف اضافه و صفات آورده‌ایم:

- "She's very sorry about the mistake."
- "She's very sorry for the mistake."
- "Mark is disappointed with the decision."
- "Mark is disappointed in the decision."

هرچند در برخی موارد، نمی‌توان حروف اضافه را به جای یکدیگر استفاده کرد چون معنی به طور کامل تغییر می‌کند. برای مثال، وقتی with با صفات ترکیب می‌شود، به مردم اشاره می‌کند. اما وقتی با about ترکیب می‌شود، به اشیاء، حوادث یا gerunds اشاره می‌کند.

- "I'm so happy for them." (people)
- "I'm so happy about the wedding." (thing/event)
- "Dad is angry with Elizabeth." (person)
- "Dad is angry about Elizabeth's sneaking out." (gerund)

جدول ذیل کلیه صفت ها با حروف اضافه مخصوص خود همراه با معنی

معنی	صفت و حرف اضافه اش	معنی	صفت و حرف اضافه اش
خوب بودن در	(be) good <i>at</i>	عادت داشتن به	(be)accustomed <i>to</i>
مناسب برای	adequate <i>for</i>	آشنا با	acquainted <i>to</i>
خجالت زده از	ashamed <i>of</i>	ترسیده از	afraid <i>of</i>
خسته از	bored <i>with</i>	متوجه به	attentive <i>to</i>
متشکل از	composed <i>of</i>	توانا در	capable <i>of</i>
حسود به	envious <i>of</i>	پوشیده از	coverd <i>with</i>
دور از	far <i>from</i>	هیجان زده از	excited <i>about</i>
ترسیده از	frightened <i>of</i>	علاقمند به	fond <i>of</i>
امیدوار به	hopeful <i>of</i>	خوشحال از	happy <i>about</i>
پست تر از	inferior <i>to</i>	بی تفاوت به	indiffrent <i>to</i>
مصر بر	insisten <i>on/upon</i>	بی گناه در	innocent <i>of</i>
دخالت نداشتن در	uninvolved <i>in</i>	دخالت داشتن در	involved <i>in</i>
معروف به	konwn <i>for</i>	حسود به	jealous <i>of</i>
راضی از	pleased <i>with</i>	عصبی از	nervous <i>about</i>
لایق در	qualified <i>for</i>	مفتخر به	proud <i>of</i>
ناراحت از	sad <i>about</i>	صرف نظر از	regrdless <i>of</i>
دلزده از	sick <i>of</i>	راضی از	satisfied <i>with</i>
حامی	supportive <i>of</i>	برتر از	superior <i>to</i>
مظنون به	suspected <i>of</i>	متعجب از	suprised <i>at/by</i>
مسئول بودن در قبال	Responsible <i>for</i>	خسته از	tired <i>of</i>

اسم مصدر (Gerund)

اسم مصدر (Gerund) در زبان انگلیسی همیشه به **ing** ختم می شود که در واقع فعل است که به عنوان اسم عمل می کند. یک اسم مصدر (به عنوان اسم) می تواند فاعل، مفعول، مکمل و غیره باشد. ساختار اسم مصدر به شکل زیر است:

Verb (فعل) + ing

مثلا اگر شما بخواهید بگویید درس خواندن سخت است، می گوید:

- **Studying** is hard

در این مثال همانطور که می بینید از اسم مصدر **studying** استفاده کردیم.

یا اگر بخواهید بگویید من از خواندن لذت می برم، می گوید:

- I **enjoy reading**

در این مثال از اسم مصدر **reading** استفاده کردیم.

نقش های اسم مصدر در جمله

اسم مصدر می تواند نقش های متعددی داشته باشد؛ ما در اینجا به رایج ترین آنها خواهیم پرداخت.

(۱) به عنوان فاعل:

- **Reading** helps you learn English.

"خواندن به شما کمک می کند انگلیسی یاد بگیرید"

- **Eating** too much food makes people fat.

"خوردن بیش از حد غذا افراد را چاق می کند."

- Not **doing** her homework caused her to fail the test.

"انجام ندادن تکلیفش باعث شد تا در امتحان رد شود"

(۲) به عنوان مفعول:

- I don't like **smoking**

"من سیگار کشیدن را دوست ندارم."

- Are you tired of **studying**?

"آیا از درس خواندن خسته شده ای؟"

- Alex is nervous **because of not being** on time.

"الکس به دلیل سر وقت نبودن نگران است."

(۳) بعد از تعدادی افعال خاص:

به طور کلی تعدادی افعال وجود دارد که معمولاً بعد از آنها از اسم مصدر استفاده می شود. این افعال عبارتند از:

admit	تحسین کردن	forbid	قدغن کردن	postpone	به تعویق انداختن
appreciate	قدردانی کردن	forgive	بخشیدن	practise	تمرین کردن
avoid	خودداری کردن	give up	رها کردن	prevent	جلوگیری کردن
carry on	حمل کردن	Go on	ادامه دادن	put off	خاموش کردن
consider	تلقى کردن	hate	متنفر بودن	quit	ترک کردن
Defer	به تعویق انداختن	can't help	کمک نکردن	report	گزارش دادن
delay	به تعویق انداختن	imagine	تصور کردن	resent	خشمگین شدن
deny	انکار کردن	involve	شامل شدن	risk	خطر کردن
detest	نفرت پیدا کردن از	keep	نگه داشتن	can't stand	پافشاری نکردن
discuss	بحث کردن	Keep on	ادامه دادن	stop	پایان دادن
dislike	متنفر بودن	leave off	بیخیال شدن	suggest	پیشنهاد کردن
endure	تحمل کردن	like	دوست داشتن	understand	فهمیدن
enjoy	لذت بردن از	love	دوست داشتن		
escape	گریختن	mention	اشاره کردن به		
excuse	عذرخواهی کردن	mind	اهمیت دادن		
face	برخورد کردن	miss	از دست دادن		
finish	پایان دادن	notice	توجه کردن		

چند مثال:

- He avoids talking to his friend.

"او از صحبت کردن با دوستش خودداری می کند"

- She dislikes watching horror movies.

"او تماشا کردن فیلم های ترسناک را دوست ندارد"

- Do you want to postpone returning to Paris?

"آیا می خواهی رفتن به پاریس را به تعویق بندازی؟"

(۴) به عنوان مکمل فاعل:

در این نقش اسم مصدر اکثر اوقات بعد از فعل **to be** می آید:

- My favorite hobby is reading.

"سرگرمی مورد علاقه من خواندن است."

- Her problem is not coming to class on time.

"مشکل او نیامدن به موقع به کلاس است."

۵) بعد از حرف اضافه:

On	in	by	before	at	about
for	against	without	from	to	after
of	with	off	up	into	down
among	between	through	towards	out	over

- I will call you after arriving in London.

"بعد از رسیدن به لندن باهاش تماس می گیرم."

- She is good at learning languages.

"او در یادگیری زبان ها خوب است."

۶) پس از ترکیبات زیر از اسم مصدر استفاده می شود.

It's no good	It's no use	can't stand	can't help	to be busy
couldn't help	don't mind	feel like	how about	spend one's time
there's no	there's no point	what about	worth	

- It is no good going outside in this rainy day.
- How about walking home instead of taking the car?
- There's no point in complaining further.

چند نکته بسیار مهم کنکوری:

(الف) حتما می دانید **ing** می تواند برای نشان دادن اینکه مثلا چیزی هم اکنون در حال اتفاق افتادن است نیز بکار برود که مربوط به قواعد زمان حال استمراری است:

- I'm **playing** football.

"من دارم فوتبال بازی می کنم."

در این مثال **ing** فعل **play** اضافه شده است تا استمرار فعل را نشان دهد. در واقع در مثال بالا **playing** یک فعل استمراری است. بنابراین وقتی که یک فعل برای ساختار زمان حال استمراری استفاده می شود جزء اسم مصدر محسوب نمی شود این افعال جزء **present participles** می باشند.

(ب) چون اسم مصدر جنبه اسم دارد پس می تواند بعد از صفت ملکی یا حتی ('s) به کار رود.

- I appreciate her speaking.
- I appreciate Helen's speaking

(ج) شکل منفی این جملات به صورت زیر است:

- When I'm on Vacation, I **enjoy not having** to get up early.

"وقتی که در تعطیلات هستم، لذت می برم از اینکه مجبور نیستم صبح زود از خواب بیدار شوم."

(د) برای توصیف برخی فعالیت های تفریحی و ورزشی از **gerund** و فعل **go** استفاده می کنیم:

go fishing	go skiing	go skating	go shopping
go swimming	go running	go jogging	go sailing

(ه) هرگاه یک **gerund** در ابتدای جمله بکار رود و نقش فاعل داشته باشد مفرد می باشد و فعل بعد از آن حتما بایستی بصورت مفرد نوشته شود ولی هرگاه دو تا **gerund** باهم استفاده شوند فعل مورد نظر جمع خواهد شد.

- **Walking makes** me happy.
- **Cycling and jogging are** my favorite sports.

(ی) همراه با **no** در علائم هشدار دهنده که هدفش جلوگیری از انجام یک عمل بر روی تابلوهای هشدار از **gerund** استفاده می شود.

No parking - No smoking - No swimming - No fishing.



تست کنکوری

1. I'm tired of on this chair.
a. sitting b. sit c. sat d. to sit
2. My brother enjoys in the river.
a. swim b. to swim c. swimming d. swam
3. Is it dangerous to drive on this road?
No ... on this road is not dangerous.
A. drove b. driving c. drive d. drives
4. Since she moved from London, she missesable to see all her friends there.
a.being b.to be c.been d.be
5. Just imaginein a country where it is always warm and sunny.
a.living b.to live c.that live d.of living
6. When I imaginehim again, I feel so happy.
a.see b.to see c.seeing d.be seen
7. I woke up at two in the morning. I could hear my neighborsan argument.
A.to have b. having c.had d.have
8. Ted finishedtwo of his compositions last week.
a.write b.writing c.written d.to write
9. I didn't minda cat in the house only if it is clean and it doesn't smell.
a.having b.have c.to have d.that I have
10.of pottery is dependents on the durability of clay after firing.
A.to make b.the making
C.when to make d.it is making.

1- a	2-c	3-b	4-a	5-a	6-c	7-b	8-b	9-a	10-a
------	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

زبان یازدهم

درس سوم

Art & culture

Interesting Facts:

- Art increases brain's activity.
- Art helps students learn math and science better.
- Art makes people more creative and sociable.
- There are at least 12 different meanings for the word 'art' in English.

حقایق شگفت انگیز:

- هنر و کارهای هنری فعالیتهای مغز را افزایش می دهد.
- هنر به دانش آموزان کمک می کند تا ریاضی و دیگر علوم را بهتر یاد بگیرند.
- هنر مردم را خلاقتر و اجتماعی تر بار می آورد.
- در انگلیسی حدود ۱۲ معنی مختلف در مورد کلمه هنر موجود می باشد.

واژگان و نکات گرامری درس سوم پایه یازدهم

Part 1 Get ready & conversation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
کاشی کاری	Tilework	درک کردن، قدردانی کردن، ارج نهادن	Appreciate
ناراحت کننده، ترحم انگیز، تآثر آور	Touching	کسل (خسته) کردن	Bore
مردد، نامطمئن	Uncertain	کسل، خسته	Bored
آفرین، مرحبا	Well done	مربوط به خوشنویسی	Calligraphic
کارگاه، کار و مطالعه گروهی	Workshop	خوش نویس، خطاط	Calligraphy
هنر	Art	خوشحال	Cheerful
کار هنری، اثر هنری	Artwork	مجموعه	Collection
فرش	Carpet	متکی بودن، وابسته بودن	Depend on
حرفه، فن، صنعت، هنرهای دستی	Craft	تخفیف	Discount
صنایع دستی	Handicraft	کارگاه سفال گری	pottery
دست ساخت	Hand- made	محصول	Product
دوست داشتنی	Lovely	مغرور، مفتخر، افتخار	Proud
فلز کاری، کارهای فلزی	Metalwork	اجتماعی، خون گرم	Sociable
بسته بندی کردن، بستن	Pack	نرم	Soft
نقاشی، رنگ آمیزی	painting	کاشی	Tile

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. We that caring for children is an important job.
a)avoid b)appreciate c)participate d)recite
2. The company faces a highlyfuture.
a)sudden b)singular c)uncertain d)both 2&3
3. I asked for a.....because the vase was slightly damaged.
a)discount b)disorder c)pack d)product
4. It wasto see them together . They were still in love after thirty years of marriage.
a)bored b)contrastive c)touching d)famous
5. She had her back to me and didn't seem very
a)additional b)valuable c)oral d)sociable
6. My mother is going to buy theof Japanese vases.
a)collection b)donation c)carpet d)condition
7. Bob does not like her present job . In fact, he iswith it.
a)bored b)pleseant c)happy d)fantastic
8. Mrs. Curdle had learnt thisas a young girl and was an expert.
a)junk food b)tile c)handicraft d)quality
9. You would betteryour bags .We were leaving in an hour.
a)pack b)send c)depend d) sell
10. The length of time spent exercisingthe sport you are training for.
a)keeps on b)waits for c)depends on d)look at

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1- b	2-c	3-a	4-c	5-d	6-a	7-a	8-c	9-a	10-c
------	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2

New words & expression , reading

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
ارزش قائل شدن برای، قیمت گذاری کردن	Value	آداب، رسوم	Custom
خیلی بزرگ، وسیع، عظیم	vast	تنوع، گوناگونی	Diversity
بافتن	Weave	اقتصادی، مقرون به صرفه	Economy
مشهور، معروف، شناخته شده	Well-known	اثر انگشت	Fingerprint
متضاد	Antonym	پیشین، قبلی	Former
هنری، باسلیقه، باهنر	Artistic	زادگاه، موطن	Homeland
زیبایی	Beauty	هویت	Identity
صنعت گر، استادکار	Craftsman	تصور، تخیل	Imagination
صنعت گر زن	craftswoman	درآمد	Income
زینتی، تزئینی	Decorative	معرفی کردن	Introduce
سخت کوش	Hard-working	اخلاقی	Moral
بشر، انسان	Humankind	تشخیص دادن	Recognize
چپ	Left	اشاره کردن، رجوع کردن به	Refer to
نزدیک، این نزدیکی ها	Nearby	منبع، مرجع	Reference
قالیچه	Rug	منعکس کردن	Reflect
ابریشم	Silk	صعود، پیشرفت، ترقی	Rise
چوب	wood	ماهر	Skillful
		خاص، تک، بی همتا، بی نظیر	Unique

.....

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. It was malaria, but Dr. Lee hadn't the symptoms.
a) brought b) recognized c) identified d) both 2&3
2. Mr. Bahrami is a painter, and his paintings show grat.....
a) imagination b) definition c) reference d) passage
3. Dan found work on one of the farms.....
a) far from b) nearby c) above d) over
4. The new managers had to learn how to think, feel, and The employees.
a) imagine b) identify c) value d) create
5. Cultural is a central feature of modern British society.
a) diversity b) income c) fingerprint d) souvenir
6. She decides to the most beautiful blanket in the world.
a) recognize b) decorate c) weaves d) publish
7. Choose your favorite paintings from the ones available in this shop.
a) physical b) decorative c) moral d) vast
8. She that this was probably the last time she would see her brother.
a) seems b) contrasts c) attracts d) reflects
9. The most frightening form of pollution known to is poverty.
a) humankind b) poems c) neighbors d) culture
10. I know a celebrate doctor in my neighborhood. The underlined word can be replaced by
a) well down b) commemorated c) creative d) sociable

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-d	2-a	3-b	4-c	5-a	6-c	7-b	8-d	9-a	10-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3

grammar

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Amused	سرگرم	Prize	جایزه
Conditional	مشروط، مقید	Satisfied	راضی
Confused	گیج	Surprised	متعجب، شگفتی
Excite	به هیجان آوردن	Totally	کاملاً
Frighten	ترساندن	Truth	حقیقت، واقعیت، درست
Jump	پریدن	Bazaar	بازار
Present	حاضر، کنونی، فعلی، هدیه	pass	قبول شدن، پاس کردن
Present	هدیه دادن، ارائه کردن		

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Heart disease is one of thecauses of death.
a)most touching b)most certain c)commonest d)similar
- The experience has taught us some basic
a)truths b)missions c)markers d)effects
- If you are not completely You can get your money back.
a)amazing b)satisfied c)interesting d)ashamed
- Terrorism isunacceptable in a civilized world.
a)happily b)freely c)locally d)totally
- The students were totally,so I had to explain the lesson again.
a)confusing b)confused c)satisfied d)fluent
- Next session, our Arabic teacher is going to teach thesentences.
a)national b)international c)traditional d)conditional
- In this I think she was mistaken .
a)pleasure b)element c)instance d)destination

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-c	2-a	3-b	4-d	5-b	6-d	7- c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 4 Listening & Speaking , Pronunciation , Writing ,

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Achive	دست یافتن به، رسیدن به	Pleasure	لذت، خوشی
Agree	موافقت کردن، قبول داشتن	Promise	قول دادن
Along with	همراه با	Chalk	گچ
Attempt	تلاش، کوشش، تلاش کردن	Clause	جمله وار، عبارت
Catch	گرفتن	Glad	شاد، خوشحال
Earn	به دست آوردن، درآمد داشتن	Have to	مجبور بودن
Exhibition	نمایشگاه	Infinitive	مصدر
Expect	انتظار داشتن	Name	نام گذاشتن، نامیدن
Get along	توافق داشتن، تفاهم داشتن	On time	سروقت
Honor	احترام، احترام گذاشتن به	Result	نتیجه
Instance	مثال، نمونه، مورد	Shocked	شوکه شده
Object	چیز، شی		

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Are you taking the trip for business or?
a)pleasure b)pottery c)painting d)calligraphy
- She passed her driving test at the first
a)craft b)attempt c)collection d)ceremony
- He waswith an award for excellence in teaching.
a)boread b)tired c)honored d)shocked
- Wilson hasconsiderable success as an artist.
a)achieved b)imagined c)valued d)reflected
- He soonthe respect of the players.
a)expected b)earned c)agreed d)passed
- In thisI think she was mistaken.
a)pleasure b)elements c)instance d)destination

8. Emergency repairs wereto take three weeks.
a)expected b)explained c)spaced d)added
9. The college is having a(n).....of the students work in April.
a)education b)explanation c)mission d)exhibition
10. He reappeared two hours later, as
a)ashamed b)promised c)invented d)honored
11. The building was on fire , and three people could save themselves byfrom the window.
a)finishing b)jumping c)turning d)arriving
12. Thepeople escaped from their homes very fast.
a)harmful b)wide c)wrong d)frightened
13. Thefor best photography has been won by a young Dutch photographer.
a)wonder b)miracle c)prize d)art
14. The mansleft on the gun shown that he was holding the gun.
a)identities b)fingerprints c)signs d)drops
15. Our destination is a country of great religious Can you gess where we are taking a trip to ?
a)society b)diversity c)communication d)homeland
- 16.As ab Iranian , Iand culture .
a)understand my role b)appreciate my art
c)reflect my poets love of nature d)create local customs
17. In some Asian countries , a part of the countryscomes from making and selling handicrafts.
a)role b)value c)income d)dependence

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-a	2-b	3-c	4-d	5-a	6-b	7-c
8-a	9-d	10-b	11-b	12-d	13-c	14-b
15-b	16-b	17-c				

Part 5

workbook

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
قرض دادن	Lend	پذیرفتن، قبول کردن	Accept
از دست دادن	Miss	نصیحت کردن	Advise
به جز، به غیر از	Other than	شی دست ساز، مصنوع	Artifact
کف دست، درخت نخل	Palm	نگرش، دیدگاه	Attitude
اندیشیدن، تامل کردن	Reflect	تعظیم کردن، خم شدن	Bow
مودبانه، حاکی از ادب	Respectful	پوشاک، لباس	Clothing
شریک شدن، تقسیم کردن	Share	ترکیب، تلفیق، مجموعه	Combination
قادر به انجام کاری بودن	Be able to do	متفاوت، متنوع	Diverse
سلام و احوال پرسی کردن	Greet	مقاله	Essay
بازار، بازار روز	market	روبرو بودن با، روبه رو شدن با	face
استخر	Pool	دست دادن	Handshake
عمومی	public	در آغوش گرفتن	Hug
		شامل بودن، دربرداشتن	include

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. you are stronglyto take out medical insurance when visiting China.
a)advised b)promised c)passed d)recognized
2. As soon as they found out I was a doctor , their wholechanged.
a)role b)bussines c)attitude d)reference
3. Does the pricepostage?
a)increase b)include c)spend d)result
4. It is difficult to design a program that will meet theneeds of all our users.
a)selfish b)well known c)cjeerful d)diverse
5. We don't have enough books , so you will have to
a)practice b)share c)notice d)discuse

6. If children were taught to be more towards their elders , maybe these crimes wouldn't happen so often .
a)cheerful b)wonderful c)respectful d)careful
7. He can not the fact that his problems are his own fault.
a)accept b)expect c)press d)mind
8. Details of highly sensitive information have not been made
a)proud b)public c)uncertain d)common
9. Bill opened the door to Harold andhim with cries of welcome.
a)resulted b)included c)abled d)greeted
10. Emergency services areadditional problems this winter.
a)facing b)hugging d)bowing d)missing
11. An interesting fact about art is that it makes people moreand sociable.
a)impatient b)truthful c)creative d)collective
12. Bitas cousin worked as a teacher for 20 years . Then he spent the rest of his life collecting artwork and writingin his smokfilled room.
a)calligraphy b)proportion c)comprehension d)crafts
13. I tried to read thestory of the society whose people were too poor.
a)mental b)touching c)dangerous d)contrative
14. With a little, you can find great inexpensive gifts.
a)obligation c)pronunciation c)imagination d)direction
15. His parents say thewall clock is the best souvenir they can get for his grandmother .
a)productive b)reflective c)skillfull d)decorative
16. The clothfrom cotton is the best birthday present for our father.
a)woken b)grown c) woven d)blown

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-a	2-c	3-b	4-d	5-b	6-c	7-a	8-b
9-d	10-a	11-c	12-a	13-b	14-c	15-d	16-c

ترجمه مکالمه درس سوم پایه یازدهم صفحه ۸۵

Listen to the conversation between **Reza** and a **tourist**.

به گفتگوی بین رضا و گردشگر گوش دهید.

Reza: How can I help you, sir?

رضا: چطور می توانم کمکتان کنم آقا؟

Tourist: I am looking for some Iranian handicrafts.

توریست: من به دنبال صنایع دستی ایرانی هستم.

Reza: Here you can find a range of Iranian hand-made products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

رضا: شما می توانید اینجا طیف وسیعی از محصولات دست ساز ایرانی را بیابید. از فرش گرفته تا سفال و کار کاشی، اما ما کارهایی که با فلز است را نداریم.

Tourist: I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

توریست: من فرش ایرانی دوست دارم خریداری کنم. اما به نظر خیلی گران است.

Reza: The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

رضا: قیمت این محصولات به اندازه آنها بستگی دارد. در عوض شما می توانید ترمه اصفهان یا گبه قشقایی را خریداری نمایید.

Tourist: Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

توریست: واو. این گبه خیلی تاثیر گذاره ؟ قیمت آن چقدر است.

Reza: It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

رضا: قیمت آن ۸۵ دلار است. اگر شما از ۱۰۰ دلار بیشتر خرید کنید، به شما ۲۰ درصد تخفیف خواهیم داد. شما این کاشی خوشنویسی شده را می توانید فقط با ۳۰ دلار خریداری کنید.

Tourist: Well, I'll take both. Please pack them for me.

توریست: بسیار خب، من هردوی آنها را برمی دارم. لطفا آنها را برای من بپیچید. (بسته بندی نمایید)

Reza: Yes, sure.

رضا: بله البته

Tourist: Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

توریست: آیا شما در این فروشگاه کار می کنید؟ چه کسی این اشیا زیبا را ساخته است؟

Reza: Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.

رضا: در حقیقت، این کارگاه و فروشگاه متعلق به پدر من است. من اینجا بعد از مدرسه مشغول به کار می باشم. همه اعضای خانواده من برای کمک به کسب و کار خانواده این جا کار می کنند.

Tourist: Well done! How lucky you are to work in such a lovely shop. I really appreciate the culture and art of Iran.

توریست: آفرین بر شما، شما چقدر خوش شانس هستید که در این فروشگاه زیبا کار می کنید. من واقعا فرهنگ و هنر ایرانی را قدر می نهم.

Reza: Thank you very much. If you are interested in knowing more about our products, you can check this booklet.

رضا: خیلی ممنونم. اگه مشتاق هستید که در مورد کارها و محصولات ما بیشتر بدانید ، می توانید این کتابچه راهنما را مطالعه کنید.

ترجمه ریدینگ درس سوم پایه یازدهم صفحه ۹۰

Art, Culture and Society

هنر، فرهنگ و جامعه

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

هنر چیزی است که مردم آن را با تخیل و مهارت خود به وجود می آورند. هنر، به عنوان بخشی از راه و روش زندگی و هویت یک ملت را نشان می دهد و منعکس کننده تاریخ و جامعه مورد نظر است. در حقیقت، تاریخ بشر همان تاریخ هنر است. اگر ما بخواهیم تاریخ یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن جامعه را مطالعه کنیم.

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country. By handicrafts, we mean making decorative items in a skillful way using our hands. Each country and culture has its own handicrafts.

صنایع دستی مثالهای خوبی از هنر و فرهنگ یک کشور است. منظور ما از صنایع دستی، ساختن اشیاء تزئینی به شیوه های کاملاً ماهرانه و با استفاده از دستان است. هر کشور و فرهنگ و جامعه ای صنایع دستی مربوط به خود را دارند.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asian countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

ساختن و فروش صنایع دستی شیوه های خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی فرهنگش به دیگر ملتها است. بیشتر مردم دنیا صنایع دستی تولید می کنند. و آنها را به توریست ها می فروشند. در تعدادی از کشورهای آسیایی قسمتی از درآمد یک کشور از راه درست کردن و فروش صنایع دستی است.

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs and carpets, etc. If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.

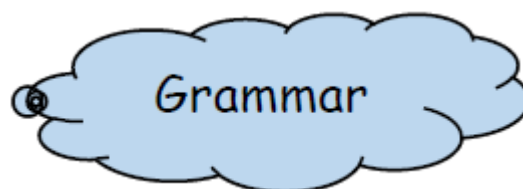
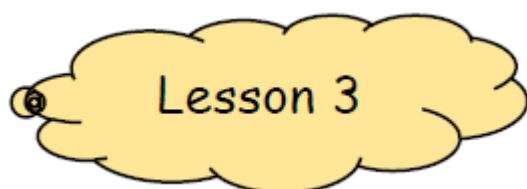
ایران در زمینه آثار هنری و صنایع دستی تاریخی پنج هزار ساله دارد که این صنایع دستی شامل سفال، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره می باشد. اگر شما به سراسر ایران سفر کنید شما در هنگام بازگشت به خانه تان برای خانواده و دوستانتان سوغاتی های زیادی از صنایع دستی ایران به ارمغان خواهید آورد.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them. Persian art is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

همچنین هنر ایرانی در تمام دنیا مشهور است. در تعداد زیادی از موزه های دنیا مجموعه ای خیلی عالی و بی نظیر از هنر ایرانی به نمایش گذاشته شده است. اگر بخواهیم کشورهایی با غنی ترین تنوع هنر و فرهنگ را به شمار بیاوریم، ایران در میان این کشورهاست. هنر ایرانی در جهان به خاطر انعکاس ارزشهای معنوی و اجتماعی ملت ایران و زیباییهای طبیعی این کشور مشهور و معروف است.

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them. Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azarbaijan or Kordestan. When tourists buy Persian rugs or carpets, they take a part of Iranian art and culture to their homelands.

استادکاران زن و مرد ایرانی بخاطر تولید آثار هنری منحصر به فرد از موادی چون، چوب، فلز و مواد دیگر در اطرافشان مشهور هستند. بیشتر مردم دنیا ارزش و قدر هنر و مهارت یک دختر ایرانی که یک فرش ابریشمی زیبا و قشنگ را در روستایی کوچک در آذربایجان یا کردستان می بافت را به خوبی می داند. وقتی توریستها قالیچه و فرش های ایرانی را خریداری می کنند، قسمتی از هنر و فرهنگ ما ایرانی ها را به میهن خودشان می برند.



Recognizing Reference Words

رفرنس (مرجع)

از رفرنس (مرجع) کلمات جهت جلوگیری از تکرار نام انسانها، مکانها، ایده ها و چیزهای دیگر استفاده می کنیم. جهت یافتن بهتر مرجع یا رفرنس کلمات بایستی به موارد زیر توجه کرد.

(۱) متن را بصورت کامل و دقیق بخوانید.

(۲) دنبال کلمات متداول رفرنس مانند **it- they - them - this - those - that** و غیره باشید.

(۳) به جملاتی که نزدیک و همجوار با این رفرنس ها قرار دارند توجه کنید تا کلمه اصلی را بیابید.

متضادها:

ANTONYMS

Antonyms are words that have opposite meanings. Sometimes antonyms are very different words, for example 'true' and 'false' or 'hot' and 'cold'. Other times, they are made by adding or changing prefixes or suffixes, for example, 'like' and 'dislike' or 'careful' and 'careless'. Learning antonyms is a good way to develop our vocabulary.

پراکاربردترین کلمات متضاد پایه های دهم، یازدهم و دوازدهم در زبان انگلیسی (۲۰۹ کلمه)

absent × present	accept × decline, refuse	accurate × inaccurate	admit × deny	alive × dead
advantage × disadvantage	agree × disagree	all × none, nothing	always × never	ancient × modern
answer × question	apart × together	appear × disappear, vanish	approve × disapprove	arrive × depart
artificial × natural	ascend × descend	attractive × repulsive	awake × asleep	backward × forward
bad × good	beautiful × ugly	before × after	begin × end	below × above
bent × straight	best × worst	better × worse, worst	big × little, small	black × white
blame × praise	bless × curse	bitter × sweet	borrow × lend	bottom × top
boy × girl	brave × cowardly	build × destroy	bold × meek, timid	bound × free
bright × dim, dull	brighten × fade	broad × narrow	calm × windy, troubled	capable × incapable
careful × careless	cheap × expensive	common × rare	contract × expand	cool × warm
correct × incorrect, wrong	courage × cowardice	create × destroy	crooked × straight	cruel × kind
compulsory × voluntary	courteous × discourteous, rude	dangerous × safe	dark × light	day × night
dead × alive	decline × accept, increase	decrease × increase	deep × shallow	definite × indefinite
demand × supply	despair × hope	disappear × appear	diseased × healthy	down × up
downwards × upwards	dry × moist, wet	dull × bright, shiny	early × late	east × west

easy × hard, difficult	empty × full	encourage × discourage	end × begin, start	enter × exit
even × odd	export × import	external × internal	fade × brighten	fail × succeed
false × true	famous × unknown	far × near	fast × slow	fat × thin
few × many	find × lose	first × last	foolish × wise	fold × unfold
forget × remember	found × lost	friend × enemy	generous × stingy	
gentle × rough	get × give	girl × boy	glad × sad, sorry	gloomy × cheerful
good × bad	great × tiny, small, unimportant	guest × host	guilty × innocent	happy × sad
hard × easy	hard × soft	harmful × harmless	hate × love	healthy × diseased, ill, sick
heaven × hell	heavy × light	here × there	high × low	hill × valley
horizontal × vertical	hot × cold	humble × proud	in × out	include × exclude
inhale × exhale	inner × outer	inside × outside	intelligent × stupid, unintelligent	interior × exterior
join × separate	junior × senior	knowledge × ignorance	known × unknown	landlord × tenant
large × small	last × first	laugh × cry	lawful × illegal	leader × follower
left × right	less × more	like × dislike, hate	limited - boundless	little × big
long × short	loose × tight	loss × win	loud × quiet	low × high
major × minor	many × few	mature × immature	maximum × minimum	melt × freeze
narrow × wide	near × far, distant	never × always	new × old	no × yes
noisy × quiet	none × some	north × south	odd × even	offer × refuse
old × young	on × off	open × closed, shut	opposite × same, similar	out × in

over × under	past × present	peace × war	permanent × temporary	plural × singular
polite × rude, impolite	possible × impossible	powerful × weak	pretty × ugly	private × public
pure × impure, contaminated	push × pull	qualified × unqualified	quiet × loud, noisy	raise × lower
rapid × slow	rare × common	regular × irregular	real × fake	rich × poor
right × left, wrong	rough × smooth	safe × unsafe	secure × insecure	scatter × collect
separate × join, together	shallow × deep	shrink × grow	sick × healthy, ill	simple × complex, hard
singular × plural	sink × float	slim × fat, thick	sorrow × joy	start - finish
strong × weak	success × failure	sunny × cloudy		

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جملات شرطی

شرطی نوع اول (واقعی) First Conditional Sentences

مفهوم و کاربرد جملات شرطی نوع اول: آینده ممکن – Future Possible

جملات شرطی شامل دو قسمت می‌باشند: یکی عبارت شرطی **If Clause** و دیگری عبارت اصلی **Main Clause**. عبارتی که حاوی **if** باشد را عبارت شرطی و عبارت دیگر را عبارت اصلی می‌نامیم.

رویدادی که در عبارت اصلی توصیف می‌شود بستگی به شرطی دارد که در عبارت شرطی بیان می‌شود. (بنابراین این نوع جمله ها ، جمله های مرکبی هستند که انجام عملی مشروط به انجام عمل دیگری می باشد.)

If it rains this evening,	We will get wet.
عبارت شرطی	عبارت اصلی

عبارت شرطی می‌تواند در انتهای جمله نیز بیاید، ولی در این صورت علامت **ویرگول (,)** حذف می‌شود:

The door opens	If you press this button.
عبارت اصلی	عبارت شرطی

به طور کلی سه نوع جمله شرطی وجود دارد:

- جملات شرطی نوع اول
- جملات شرطی نوع دوم
- جملات شرطی نوع سوم

جملات شرطی نوع اول: First Conditional Sentences

از جملات شرطی نوع اول برای بیان یک شرط (یا موقعیت) ممکن و یک نتیجه محتمل در آینده استفاده می‌شود. که با توجه به جدول زیر جمله شرط در زمان حال ساده و جواب شرط در زمان آینده ساده می‌باشد

if	حال ساده	will/won't	مصدر بدون to
if	I work hard,	I will	Pass my exams.

- ### نکته کاربردی:

- Will you **eat** less rice **if** you want to lose weight?

تست کنکوری

- 287

صفات فاعلی و مفعولی در زبان انگلیسی | صفاتی که با ing و ed ساخته می شوند

در زبان انگلیسی بسیاری از صفات با افزودن **ing** و یا **ed** به آخر افعال ساخته می شوند. به صفاتی که در آخرشان **ing** دارند صفات فاعلی گفته می شود چون نشانه اثر گذاری می باشند (present Participle). به صفاتی که در آخرشان **ed** دارند صفات مفعولی گفته می شود چون نشانه اثر پذیری می باشند. در ادامه با توضیح صفت فاعلی و صفت مفعولی همراه ما باشید (Past Participle).

صفت فاعلی و مفعولی:

صفات فاعلی: همان طور که گفته شد این صفات نشان دهنده اثر گذاری هستند و به **ing** ختم می شوند. همچنین این صفت ها ویژگی های یک شخص، شیء یا موقعیتی را نشان می دهند.

صفت مفعولی: این صفات با اضافه کردن **ed** به آخر افعال با قاعده ساخته می شوند و نشان دهنده اثر پذیری می باشند. صفت مفعولی توصیف کننده احساس کسی می باشد یعنی نشان می دهد که کسی چه احساسی نسبت به چیزی دارد. صفات مفعولی برای توصیف یک چیز موقت به کار می روند. چون فقط انسانها و برخی حیوانات دارای احساس هستند، از این رو این صفت ها برای اشیاء و موقعیت ها به کار نمی روند.

برای درک تفاوت و کاربرد های صفات فاعلی و مفعولی به مثالهای زیر دقت کنید:

- My friend is **boring**. "دوست من **خسته کننده** است."
- My friend is **bored**. "دوست من **خسته** است"

در مثال اول صفت **boring** یک صفت فاعلی است. زیرا با توجه به معنی جمله می فهمیم که دوست نویسنده جمله آدمی است که باعث خستگی و بی حوصلگی او می شود و این نشان دهنده اثر گذاری و ویژگی های این دوست است. اما در مثال دوم صفت **bored** یک صفت مفعولی است که نشان می دهد که خود دوست از چیزی خسته است این نشانه اثر پذیری از چیزی است که باعث خستگی و بی حوصلگی این دوست شده است و معنای دو جمله زمین تا آسمان با هم تفاوت دارد.

مثالهای بیشتر از صفت فاعلی و مفعولی

مثالهای زیر را مطالعه کنید و به معانی آنها نیز دقت کنید تا تفاوت کاربرد صفات فاعلی و صفات مفعولی را خوب متوجه شوید.

I am confusing. (صفت فاعلی)

"من آدم گیج کننده ای هستم. (یعنی باعث سردرگمی و گیج شدن افراد میشوم)."

I am confused.

"(من گیج) یعنی چیزی باعث گیج شدن من شده."

I was shocked because the accident was shocking.

"من شوکه بودم چون تصادف شوکه کننده بود."

This grammar lesson is boring. I am bored reading all about these grammar rules.

"این درس گرامر خسته کننده است. با خواندن این قواعد دستوری خسته شده ام."

This song is interesting. We are interested in this kind of songs.

"این آهنگ جالب است. ما به این نو آهنگ ها علاقمند هستیم."

Sara was confused by the confusing street signs in the city.

"سارا بخاطر علائم گیج کننده در خیابانهای شهر، گیج شده بود."

They were frightened by the frightening noises from upstairs.

"آنها بخاطر صداهای ترسناک از طبقه بالا، وحشت زده بودند."

I feel depressed because of this depressing sunset.

"احساس غمگین بودن میکنم به خاطر این غروب غم انگیز."

The book was very exciting and I was really excited.

کتاب خیلی مهیج بود و من واقعا هیجان زده شده بودم.

لیست صفات فاعلی و مفعولی

اگر بخواهیم تمامی این صفات را بنویسیم لیست بلندی خواهیم داشت که باعث خستگی ما و شما خوانندگان این مطلب خواهد شد. پس تنها مهم ترین آنها را در جدول زیر برای شما لیست کرده ایم.

معنی	صفت فاعلی	معنی	صفت مفعولی
دلواپس کننده	Alarming	دلواپس	Alarmed
سرگرم کننده	Amusing	سرگرم	Amused
ناراحت کننده	Annoying	ناراحت	Annoyed
شگفت انگیز	Astonishing	شگفت زده	Astonished
کسل کننده	Boring	کسل	Bored
دلباخته کردن	Captivating	دلباخته	Captivated
چالش انگیز	Challenging	به چالش کشیده شده	Challenged
دلبر، افسونگر	Charming	افسون شده	Charmed
آرام بخش	Comforting	آرام	Comforted
گیج کننده	Confusing	گیج	Confused
قانع کننده	Convincing	قانع	Convinced
غم انگیز	Depressing	غمگین	Depressed
نا امید کننده	Disappointing	نا امید	Disappointed
بیزار کننده	Disgusting	بیزار	Disgusted
پریشان کننده	Disturbing	پریشان	Disturbed
خجالت آور	Embarrassing	خجالت زده	Embarrassed
ترغیب کننده	Encouraging	ترغیب شده	Encouraged
سرگرم کننده	Entertaining	سرگرم	Entertained
هیجان انگیز	Exciting	هیجان زده	Excited
خسته کننده	Exhausting	خسته	Exhausted
مجدوب کننده	Fascinating	مجدوب	Fascinated
ترسناک	Frightening	ترسیده	Frightened
تاثیر گذار	Inspiring	متاثر	Inspired
جالب	Interesting	علاقمند	Interested

Satisfied	راضی	Satisfying	راضی کننده
Shocked	شوکه	Shocking	شوکه کننده
Surprised	غافلگیر	Surprising	غافلگیر کننده
Tempted	وسوسه شده	Tempting	وسوسه کننده
Terrified	وحشت زده	Terrifying	وحشتناک
Threatened	تهدید شده	Threatening	تهدید کننده
Worried	نگران	Worrying	نگران کننده

تست کنکوری

- The students were very when they saw that movie.
 a) Amusing - interesting b) amusing - interested
 c) Amused - interesting d) amused - interested
- Why are you always worried? Is your life really?
 a) Bore b) bored c) to bore d) boring
- Tom is almost everyone enjoy talking to him.
 a) Interesting b) interests c) an interest d) interestingly
- Ronald works very hard. It is not That he is always tired.
 a) Surprisingly b) surprising c) surprised d) surprise
- It is sometimes when you have to ask people for money.
 a) Embarrassed b) embarrass c) embarrasses d) embarrassing

1-c	2-d	3-a	4-b	5-d
-----	-----	-----	-----	-----

مصدر با to در زبان انگلیسی

To + infinitive

مصدر در زبان انگلیسی به دو روش ساخته می‌شود: با پسوند **ing** و با حرف اضافه **to** در این بخش به اسم **مصدر با to** و افعالی که با این نوع مصدر می‌آیند آشنا می‌شویم.

مصدر (**infinitive**) در زبان انگلیسی مفهوم اصلی فعل را می‌رساند ولی فرقی با فعل این است که فعل علاوه بر مفهوم، به زمان، شخص و شمار نیز اشاره می‌کند، ولی در **مصدر زمان و شخص و شمار، معلوم نیست** و به همین دلیل مصدر یکی از **اقسام اسم** به شمار می‌آید. یکی از راه‌های مصدر ساختن در زبان انگلیسی اضافه کردن **to** به شکل ساده فعل است. در زبان فارسی مصدر یا بن ماضی با اضافه کردن **ن** به بن ماضی ساخته می‌شود (مثلا خوردن، توانستن).

نکته کاربردی:

برای منفی کردن مصدر، **not** را قبل از آن قرار می‌دهیم.
مثال:

- I decided **not to** go to London. (او تصمیم گرفت که به لندن نرود.)
- He asked me **not to** be late. (او از من خواست که دیر نکنم.)
- I'd like you **not to** sing so loudly. (من از تو می‌خواهم که بلند آواز نخوانی.)
- I'd rather **not eat** meat. (من ترجیح می‌دهم گوشت نخورم.)
- I might **not** come. (من ممکن است نیایم.)

کاربردهای مصدر با to

۱. برای بیان دلیل و هدف:

برای پاسخ دادن به پرسش ... (Why) در این کاربرد **to** معنای "تا" می‌دهد. به مثال‌ها نگاه کنید:

- He bought some flowers **to give** to his wife.
"او چند تا گل خرید تا به همسرش بدهد."
- He locked the door **to keep** everyone out.
"او در را قفل کرد تا نگذارد کسی وارد شود."

در این کاربرد گاهی از عبارت **in order to** یا **in order not to** استفاده می‌کنیم.

- We set off early **in order to** avoid the traffic.
"ما زود راه افتادیم تا به ترافیک نخوریم."
- They spoke quietly **in order not to** wake the children.
"آنها آهسته حرف زدند تا بچه‌ها را بیدار نکنند."

در برخی موارد هم می‌توانیم عبارت‌های **so as to** و **so as not to** را برای بیان دلیل به کار ببریم.

- We set off early **so as to** avoid the traffic.
"ما زود راه افتادیم تا به ترافیک نخوریم."
- They spoke quietly **so as not to** wake the children.
"آنها آهسته حرف زدند تا بچه‌ها را بیدار نکنند."

۲. بعد از افعال خاصی:

الف) در زبان انگلیسی، مخصوصاً فعل‌های مربوط به (**feeling** بیان احساسات) و (**thinking** بیان اعمال فکری) و (**saying** بیان اعمال کلامی) این افعال بدون مصدر با **to** معنای ناتمامی دارند و برای کامل شدن باید همراه با مصدر بیایند. با نمونه‌ای از این افعال آشنا می‌شویم:

hope	hate	forget	expect	decide	choose
plan	mean	love	like	learn	intend
agree	would love	would like	want	remember	prefer
begin	need	tell	try	refuse	promise
	seem	offer	wish	force	permit

- They **decided to start** a business together.
"آنها تصمیم گرفتند که با همدیگر کسب و کاری راه بیندازند."
- **Remember to turn** the lights out.
"یادت باشد که چراغ‌ها را خاموش کنی."

ب) برخی افعال در انگلیسی همراه با **مفعول مستقیم** و **مصدر با to** می آیند، یعنی بعد از فعل اصلی ضمیر مفعولی یا مفعول مستقیم می آوریم و بعد از آن از مصدر با **to** برای کامل کردن جمله و به عنوان مفعول غیرمستقیم استفاده می کنیم. با نمونه ای از این افعال آشنا می شویم:

remind	persuade	order	invite	encourage	ask	advise
get	would like	would prefer	warn	expect		

- She reminded me to turn the lights out.
"او به من یادآوری کرد که چراغها را خاموش کنم."
- It is easy for you to criticize other people.
"برای شما آسان است که بقیه را مورد انتقاد قرار بدهی."
- He encouraged his friends to vote for him.
"او دوستانش را تشویق کرد تا به او رای بدهند."

۳. بعد از برخی صفات:

الف) بعد از برخی **صفات** در انگلیسی حتما باید مصدر با **to** بیاید **تا** دلیل بر آن **صفت** باشد، یعنی اگر بخواهیم دلیلی برای صفت ارائه کنیم می توانیم از مصدر با **to** استفاده کنیم. نمونه ای از این صفات عبارتند از:

(بقیه جمله) + (مصدر با to) + (for/of someone) + صفت + to be + فاعل

- 1) Disappointed (ناامید)
- 2) Glad (خوشحال)
- 3) Sad (ناراحت)
- 4) Happy (خوشحال)
- 5) Anxious (مضطرب)
- 6) Pleased (راضی)
- 7) Surprised (متعجب)
- 8) Proud (مفتخر)
- 9) Unhappy (ناراحت)

مثال در قالب جمله:

فاعل	to be	صفت	(for/of someone)	to مصدر با	بقیه جمله
It	is	good	Of you	to talk	To me.
It	is	important	for Jake	to be patient	With his little brother.
I	am	happy		to be	Here.
The dog	is	naughty		to destroy	Our couch.

(ب) دسته‌ای دیگر از صفات نیز در انگلیسی باید حتماً بعدشان مصدر با **to** بیاید. تفاوت این صفات با صفات بالا در این است که مصدر با **to** بعد از این صفات لزوماً دلیل بر آن صفت نیستند، بلکه اینها صفاتی هستند که وقتی با مصدر با **to** می‌آیند معنایشان اندکی تغییر می‌کند، مثلاً **able to** می‌شود "توانستن" یا **due to** می‌شود "به خاطر". به نمونه‌ای از این صفات توجه کنید:

- 1) **Able to** (توانستن)
- 2) **Unable to** (نتوانستن)
- 3) **Due to** (به خاطر)
- 4) **Eager to** (مشتاق به)
- 5) **Keen to** (مشتاق به)
- 6) **Likely to** (احتمال دارد که)
- 7) **Unlikely to** (نامحتمل است که)
- 8) **Ready to** (آماده برای)
- 9) **Prepared to** (آماده برای)
- 10) **Unwilling to** (بی‌میل به)
- 11) **Willing to** (مایل به)

- **It's kind of you to help.**

"مهربانی تو را می‌رساند که کمک کنی."

- Unfortunately **I was unable to work** for over a week.

"متأسفانه من نمی‌توانستم بیشتر از یک هفته کار کنم."

- I am really tired. **I'm ready to go** to bed.

"من واقعاً خسته‌ام. من آماده‌ام که بخوابم."

ج) بعد از برخی صفات مصدر با **to** می‌آید تا با کمک آن صفت، یک نظر بدهیم و کاری را با استفاده از مصدر با **to** به آن صفت اختصاص دهیم. با نمونه‌ای از این صفات آشنا می‌شویم:

- 1) **Difficult** (مشکل، سخت)
- 2) **Easy** (آسان)
- 3) **Possible** (ممکن)
- 4) **Impossible** (ناممکن)
- 5) **Hard** (سخت)
- 6) **Right** (درست)
- 7) **Wrong** (غلط)
- 8) **Nice** (خوب، خوش)
- 9) **Clever** (باهوش)
- 10) **Silly** (احمقانه)
- 11) **Foolish** (احمقانه)

- It's easy to play the piano, but it's very difficult to play well.
"پیانو نواختن آسان است، اما خوب پیانو نواختن بسیار سخت است."
- He spoke so quickly it was impossible to understand him.
"او آنقدر سریع صحبت کرد که ممکن نبود متوجه حرف‌هایش شد."

نکته:

برای اینکه نشان دهیم این پنج صفت به چه کسی بر می‌گردد از حرف اضافه **for** استفاده می‌کنیم. برای باقی صفات از حرف اضافه **of** استفاده می‌کنیم.

- 1) **Difficult** (دشوار)
 - 2) **Easy** (آسان)
 - 3) **Possible** (ممکن)
 - 4) **Impossible** (غیرممکن)
 - 5) **Hard** (دشوار)
- It was difficult for us to hear what she was saying.
"برای ما سخت بود که بشنویم او داشت چه می‌گفت."
 - It would be silly of him to spend all his money.
"او کار احمقانه‌ای می‌کند اگر تمام پولش را خرج کند."

۴. به عنوان وابسته‌های پسرو:

(Post-modifier) بعد از هسته عبارت‌های اسمی. بعد از برخی اسامی انتزاعی مصدر با **to** می‌آید تا توضیح بیشتری درباره آن اسم (یا هسته اسمی) بدهد. به مثال‌ها توجه کنید:

- 1) **Ability** (توانایی)
- 2) **Desire** (اشتیاق، میل)
- 3) **Need** (احتیاج، نیاز)
- 4) **Wish** (درخواست، خواسته)
- 5) **Attempt** (تلاش)
- 6) **Failure** (شکست)
- 7) **Opportunity** (فرصت)
- 8) **Chance** (شانس)
- 9) **Intention** (قصد)

- I have no **desire to be** rich.

"من هیچ اشتیاقی **به** ثروتمند شدن ندارم."

- They gave him an **opportunity to escape**.

"آنها به او فرصتی **برای** فرار دادند."

- She was annoyed by her **failure to answer** the question correctly.

"او از شکست خود در پاسخ صحیح **به** سوالات دادن عصبانی شد."

۵- بعنوان فاعل جمله:

در این حالت مصدر با **to** کاربرد رسمی دارد و بیش تر در انگلیسی نوشتاری استفاده می‌شود. در مکالمه انگلیسی به ندرت از مصدر با **to** بعنوان فاعل استفاده می‌شود.

- **To be** or not to be, that is the question. "بودن یا نبودن، مسئله این است"
- **To know** her is to love her. "شناختن او دوست داشتن اوست"
- **To visit** the Grand Canyon is my life-long dream. "دیدن گراند کانیون، رویای زندگی من است"
- **To understand** statistics, that is our aim. "درک علم آمار، هدف ما است"

۶- برای نشان دادن اینکه یک چیز به چه منظور می تواند استفاده شود یا استفاده خواهد شد:

در این الگو، مصدر با **to** به دنبال یک اسم یا ضمیر می آید.

- The children need a **garden to play** in. "بچه ها نیاز به یک باغ **برای** بازی کردن دارند"
- I would like a **sandwich to eat**. "من یک ساندویچ **برای** خوردن می خواهم"
- I don't have **anything to wear**. "من چیزی **برای** پوشیدن ندارم"
- Would you like **something to drink**? "چیزی **برای** نوشیدن میل دارید؟"

۷- همراه با قیود:

مصدر با **to** معمولاً با قیود **too** و **enough** برای بیان دلیل رضایت یا عدم رضایت از مسئله ای استفاده می شود. الگوی این ساختار به شکل زیر می باشد:

(مصدر با to + صفت/قید/اسم) + too/enough

همانطور که مشاهده می کنید بعد از **too** و **enough** صفت، قید یا اسم واقع می شود. در این الگو می توان مصدر با **to** را حذف کرد که در اینصورت جمله به لحاظ گرامری صحیح خواهد بود. در مثال های زیر دلیل مقدار اضافی چیزی با استفاده از مصدر با **to** بیان می شود.

مثال:

- There's **too** much sugar **to put** in this bowl. "بیش از حد شکر **برای** قرار دادن در این کاسه وجود دارد"
- I had **too** many books **to carry**. "کتاب های خیلی زیادی **برای** حمل کردن داشتم"
- This soup is **too** hot **to eat**. "این سوپ **برای** خوردن بیش از حد داغ است"
- She was **too** tired **to work**. "او **برای** کار کردن بیش از حد خسته بود"
- There isn't **enough** snow **to ski** on. "برف کافی **برای** اسکی کردن وجود ندارد"

نکته:

ما اغلب می توانیم بعد از ضمائر نامعین مثل **something, someone, anyone** و ... از مصدر با **to** به عنوان وابسته پسرو استفاده کنیم، یعنی برای توضیح بیشتر دادن درباره آن ضمیر نامعین مصدر با **to** بیاوریم:

- When I am travelling I always take **something to read**. "وقتی سفر می کنم همیشه چیزی **برای** خواندن با خود می برم."

- I was all alone. I had no one to talk to.
"من تنهای تنها بودم. هیچکسی را برای حرف زدن نداشتم."
- There is hardly anything to do in most of these small towns.
"در بیشتر این شهرهای کوچک به ندرت کاری برای انجام دادن وجود دارد."

تست کنکوری

1. The army capitan told the soldiersuntil he gave order.
A.not shoot b.not shooting c.dont shoot d.not to shoot
2. My father advised me and my brothera used car.
A.do not buy b.not to buy c.we do not buy d.to not buying
3. in the afternoon is a custom in many countries.
a.rest b.to rest c.to resting d.having resting
4. When I don't knowa word, I always look it up in a dictionary.
A.to spell b.how to spell c.spelling d.how spelling

1-d	2-b	3-b	4-b
-----	-----	-----	-----

زبان دوازدهم

درس اول

Sense of appreciation

Interesting Facts:

- Helping others lowers blood pressure.
- Kindness boosts energy and strength in elderly people.
- Teenagers who help others are more successful in life.
- Listening to the advice of older people improves our lives.
- Taking care of grandchildren increases brain function and memory.

حقایق جالب و شگفت انگیز:

- کمک به کسانی که دارای فشار خون پایینی هستند.
- مهربانی باعث افزایش انرژی و قدرت جسمانی در افراد سالمند می شود.
- جوانانی که به دیگران کمک می کنند در زندگی موفق تر می باشند.
- گوش دادن به نصایح بزرگان زندگی ما را بهتر می سازد.
- مراقبت از نوه ها باعث افزایش عملکرد مغز و حافظه می شود.

واژگان و نکات گرامری درس اول پایه دوازدهم

Part 1

Get ready & conversation

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Advice	پند، نصیحت	Select	انتخاب کردن
Boost	ترقی دادن، افزایش دادن، تقویت کردن	Spare	فروگذار کردن، مضایقه کردن، قصور کردن
Dedicate	وقف کردن، اختصاص دادن	Spare no	از هیچ چیز مضایقه نکردن
Dedicated	فداکار، ایثارگر	Strength	قوت، توانایی، استحکام
Distinguish	تشخیص دادن	Surprisingly	به شکل تعجب انگیز، به طرز شگفت آور
Distinguished	آدم برجسته، شهیر، ممتاز	Terrible	وحشتناک
Elderly	مسن، سالخورده	With regard to sth	در رابطه با چیزی
Found	بنیاد نهادن، تاسیس کردن	By the way	راستی، درضمن
Kindness	مهربانی، لطف	Diploma	دانشنامه، دیپلم
known	شناخته شده، معروف	Grandchild	نوه
Loving	مهربان، با محبت	Professor	استاد، پروفیسور
Lower	کم کردن	Teenager	نوجوان
Physician	پزشک	Temperature	دما
Pity	دریغ، افسوس، حس ترحم	textbook	کتاب درسی
Regard	مورد ملاحظه قرار دادن، در نظر گرفتن		

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. It would be doing him ato tell him the truth.
a)strength b)kindness c)diploma d)happiness
2. The project toagricultural production will be discussed at the next meeting.
a)boost b)calm c)solve d)refer
3. A(n)couple is silently eating chicken and mashed potatoes at a table by the window.
a)available b)main c)third d)elderly
4. According to a study of all thefacts ,weight problems are often caused by an addition to sugar and fat.
a)dedicated b)known c)painless d)protective
5. you can think about it,talk about it , write about it,.....your life to it.
a)save b)collect c)dedicate d)decide
6. Many find itdifficult to remember what foods they ate just yesterday.
a)creatively b)surprisingly c)dangerously d)beautifully
7. Jenny didn't have theto end the relationship.
a)beauty b)technology c)heart d)strength
8. A company is originallyby an engineer or scientist.
a)founded b)counted c)referred d)produced
9. Foregin workers have fewer right and getpayments.
a)lower b)terrible c)medical d)natural
10. I couldn'tthe words ,but his tone was clear.
a)select b)distinguish c)regard d)donate

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-b	2-a	3-d	4-b	5-c	6-b	7-d	8-a	9-a	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2

New words & expression , reading

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
کمیت، مقدار	Quantity	مدت کوتاهی	A while
ثبت کردن	Record	مکرراً، پی در پی، بارها	Again and again
مکرراً	Repeatedly	صدای بلند	Aloud
پاسخ دادن	Reply	ترکیدن	burst
امتیاز، نمره	score	ناگهان شروع به گریه / خنده کردن	Burst into tears
فریاد زدن	Shout	مراقبت کردن از	Care for
به نظر رسیدن	Sound	دفتر یادداشت، یادداشت روزانه	Diary
اشک	Tear	غذا دادن	Feed
غیر معمول، غیر طبیعی	Unnatural	بخشیدن	Forgive
که به وسیله آن	whereby	تولید کردن، به وجود آوردن	Generate
به دنیا آمدن، متولد شدن	Be born	نسل	Generation
همایند، عبارت، هم نشین	Collocation	روی پا	Lap
سنگین گوش، شنوایی سنگین	Hard of hearing	محل، مکان	Location
بوس، بوسیدن	Kiss	محبت آمیز	Lovingly
مکث کردن، درنگ کردن	Pause	معنی دار	Meaningful
کبوتر	Pigeon	از سوی دیگر، از طرف دیگر	On the other hand
مبل	Sofa	روند، فرآیند، مرحله	Process
گلدان	Vase	فراهم کردن، آماده کردن، تهیه کردن	Provide

.....

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The pipes hadand the house was under two feet of water.
a)caught b)born c)burst d)known
2. Before sitting on her moms, the little child had been fed by her grandmother .
a)stomach b)heart c)foot d)lap
3. Graham wasinformed not to work so hard.
a)repeatedly b)lovingly c)surprisingly d)suddenly
4. My little son likesthe pigeons kept in the cage.
a)killing b)bursting c)feeding d)falling
5. The students were not paying any attention to their teacher. Suddenly ,the teacher became angry andat them.
a)laughed b)talked c)attacked d)shouted
6. Tourismincome for local communities.
a)lowers b)describes c)generates d)sounds
7. A: A type of bird that has been trained to carry message is called the carrier.....
B: Ok . What is a homing..... ?
a)hen / chicken b)chicken /pigeon
c) pigeon / pigeon d)duck / chicken
8. We are hoping the enquiry willan explanation for the accident.
a)process b)provide c)pass d)prevent
9. If anything happened to the kids , I would nevermyself.
a)forget b)forbid c)face d)forgive
10. Why does cutting up onion makes my eyes?
a)generates b)pause c)tear d)kiss

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-c	2-d	3-a	4-c	5-d	6-c	7-c	8-b	9-d	10-c
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3 grammar

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
به طور تصادفی	Accidentally	نویسنده	Author
میلادی	Anno Domini	از بر، از حفظ	By heart
تصادفی	By accident	بی شمار	Countless
دوران کودکی	Childhood	کشف کردن	Discover
ماشین ظرفشویی، کارگر ظرفشو	Dishwasher	کننده، فاعل	Doer
تعمیر کردن	Fix	علم اخلاق، اخلاقیات	Ethics
زن خانه دار	Housewife	الهام	Inspiration
مایکروفر	Microwave	معمولی، عادی	Ordinary
نان شیرینی پهن	Pancake	تنور، اجاق، کوره	Oven
بی اراده، غیرفعال، مجهول	passive	شعر	Poetry
تلفن هوشمند	Smart phone	مذهبی	Religious
صدا	voice	راه حل	Solution
		ابزار	Tool

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- All new creation are built on previous creation and providefor future one.
a)inspiration b)explanation c)invitation d)description
- Mr. Brown disagrees with whatever his wife says , and I think the bestwould be for them to separate.
a)technology b)voice c)solution d)accident
- The note he made is good because it is written in friendlylanguage.
a)countless b)passive c)quick d)ordinary
- Fleming discovered the drugwhen he was researching something else.
a)ordinarily b)accidentlly c)unnaturally d)fortunately

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-a	2-c	3-d	4-b
-----	-----	-----	-----

Part 4

Listening & speaking , pronunciation , writing ,

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
بصیرت	Insight	جمع ، اضافه	Addition
آرام، مسالمت آمیز	Peaceful	توافق	Agreement
اصول اخلاقی	Principle	تعلق، وابستگی	Belonging
درباره، درباب	Regarding	نعمت، برکت، دعای خیر	Blessing
پشیمان	Regretful	بزرگ کردن، پرورش دادن	Bring sb up
جایگزین کردن، جابجا کردن	Replace	به هم پیوستن، ترکیب کردن	Combine
مسئولیت	Responsible	مرکب، جسم مرکب، ترکیب	Compound
استراحت	Rest	تایید کردن، تصدیق کردن	Confirm
علامت، نشانه	Signal	به هم متصل کردن، بهم وصل کردن	Connect
تردید، شک، بلاتکلیفی	Uncertainly	قطعا، یقینا	Definitely
پستی و بلندی، فراز و نشیب	Ups and downs	یا.....یا	Either
مایل، راضی، راغب	Willing	مسن تر، بزرگتر	Elder
عقل، خرد، خردمندی	Wisdom	بیرون کشیدن، استنباط کردن	Elicit
ارزش	Worth	تحمل کردن، بادقت انجام دادن	Go through
بااین وجود	Yet	راهنما، خط مشی	Guidance
شطرنج	Chess	متنفر بودن	Hate
نوک، راس، بالا	Top	سنگین	Heavy
.....چه عیبی دارد؟	Whats wrong with the ...?	میراث، ارمغان	Heritage
		مخفی کردن، پنهان کردن	Hide

.....

.....

.....

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The new computer system has already proved its..... .
a)tool b)voice c)worth d)author
2. I certainly hope to gain a littleas I grow older.
a)tool b)wisdom c)technology d)discovery
3. Schools try to teach children a set of
a)sights b)compounds c)belongings d)principles
4. The test uses pictures towords from the child.
a)regard b)belong c)guide d)elicit
5. These systems gave people an identity,a place,and a sense of
a)belonging b)bringing c)fixing d)regarding
6. Sportsmen know that diets are most effective whenwith exercise.
a)prepared b)combined c)practiced d)contained
7. That no one was badly hurt is a
a)kindness b)donation c)blessing d)advice
8. It is absolutelythat no one could understand the reality.
a)regardful b)surprised c)sociable d)valuable
9. The article gives us a realinto the causes of the present economic crisis.
a)wisdom b)top c)blessing d)insight
10. Under the , most agricultural prices will remain at the same level.
a)set b)agreement c)addition d)signal

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-c	2-b	3-d	4-d	5-a	6-b	7-c	8-a	9-d	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5

workbook

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
دزد، سارق	Robber	سزاوار بودن	Deserve
دزدیدن	Steal	وظیفه، مسئولیت	Duty
بدون شرط	Unconditional	منجر شدن به	End in sth
اختلاف، تغییر	Variation	شکست، کوتاهی، قصور	Failure
به درستی، هر آینه	Verily	سپاس گذار، ممنون، حق شناس	Grateful
قفس	Cage	به کاربردن، کنترل کردن	Handle
یخچال	Fridge	از این رو، بنابراین	Hence
طوطی	Parrot	اطلاع دادن، خبررساندن	Inform
اسباب بازی	toy	دعوت کردن	Invite
		نبودن، فقدان، فاقد بودن	lack

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The cost of transport is a major expense for an industry.....factory location is an important consideration.
a)with regard b)along with c)hence d)despite
- Paulaa special mention for all the help she has given us.
a)deserves b)repeats c)grows d)handles
- Successful people often aren't very good at dealing with
a)failure b)fridge c)honor d)title
- The children promised to do theiron time.
a)principle b)identity c)relation d)duty
- Inventors know that someone is always going to try totheir designs.
a)note b)steal c)feed d)handle
- If you cantthe job ,I will get someone else to do it.
a)honor b)note c)fail d)handle

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-c	2-a	3-a	4-d	5-b	6-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----

ترجمه مکالمه درس اول پایه دوازدهم صفحه ۱۹

Sara has been in the Children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the **nurse** is taking her temperature, they start talking.

سارا حدود یک هفته در مرکز درمانی کودکان حضور داشته است. او آنفلوآنزای شدید گرفته است. دکتر به او گفته که برای بهبودی بایستی در بیمارستان بماند. روی دیوار عکس مردی سالمند هست. آنها شروع به صحبت می کنند زمانیکه **پرستار** درجه تب او را اندازه می گیرد.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: مرایبخشید. مرد داخل عکس کیست؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: آها، آیا شما او را نمی شناسید؟ آیا تا بحال در باره دکتر محمد قریب چیزی شنیده ای؟

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: حدس میزنم اسمش را فقط رد کتابهای زبان انگلیسی مدرسه ام دیده ام. اما مطمئن هم نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.

Sara: Oh... can you tell me a little about his life?

سارا: او. می توانید در مورد ایشان به من اطلاعاتی بدهید؟

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در شهر تهران به دنیا آمد. بعد از دریافت مدرک دیپلمش به خارج از کشور رفت که درس پزشکی بخواند. در سال ۱۳۱۶ مدرک دکترای گرفت و به زادگاهش برگشت. در سال ۱۳۴۷ دکتر قریب به همراه یکی از دوستان نزدیکیش این مرکز را بنانهادند.

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعا؟ این را نمی دانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

پرستار: دکتر قریب مرد سخاوتمندی بود. او از هیچ فرصتی برای درمان بیماری کودکان دریغ نمی کرد. او با خانواده های فقیر با مهربانی و صمیمیت و سخاوت رفتار می کرد. دور از انتظار هم نبود که به عنوان دکتر ایثارگر در نظر گرفته شود.

Sara: It's a pity! I didn't know such a great man.

سارا: جای بسی تاسف است. که من همچنین مرد بزرگی را نشناختم.

Nurse: He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.

پرستار: او به عنوان یک پروفیسور شناخته شده و برجسته دانشگاه شناخته شده بود. ایشان اولین کتاب بیماریهای کودکان را نوشته اند. او علم پزشکی را به هزاران دانشجو تدریس کرد.

Sara: Oh, what a great man he was!

سارا: اوه. ایشان چه مرد بزرگی بودند.

Nurse: By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: و جالب است بدانید که دکتر الان شما از دانشجویهای دکتر قریب بوده است.

Sara: Really?! That's interesting!

سارا: حقیقتا هیجان انگیز است.

ترجمه ریدینگ درس اول پایه دوازدهم صفحه ۲۴

Respect your Parents

به والدین خود احترام بگذارید.

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

در صبحی بهاری پیرزنی پیر بر روی کاناپه در خانه اش نشسته بود. پسر جوان آن پیر زن در حال روزنامه خواندن بود. در آن هنگام کبوتری بر روی لبه پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It's a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

مادرش خیلی به آرامی و آهستگی از پسر پرسید این چیست؟ پسر گفت کبوتر است. دقایقی بعد برای بار دوم از پسرش پرسید این چیست؟ پسر گفت: الان بهت گفتم این پرنده است پرنده. مدت کمی بعد مادر پیر برای بار سوم از پسرش پرسید این چیست؟ این دفعه پسر بر سر مادرش فریاد زد: چرا سوالهای تکراری می پرسی؟ مگر شما مشکل شنوایی و شنیداری دارید؟

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

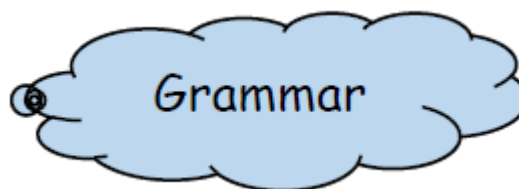
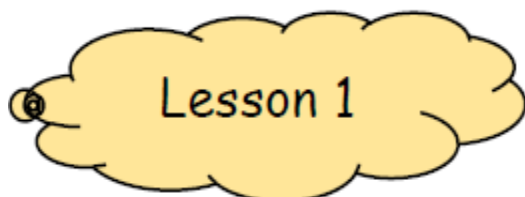
دقایقی بعد، مادر به اتاق رفت و همراه با یک دفترچه خاطرات روزانه بازگشت. مادر گفت: فرزند عزیز من این دفتر خاطرات را زمانیکه تو متولد شدی خریداری کردم. سپس صفحه ای را باز نمود و با مهربانی از فرزندش خواست که آن صفحه را بخواند. فرزندش به آن صفحه نگاهی و کثی کرد و به با صدای بلند به خواندن پرداخت.

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز پسر من روی پام نشسته است. و قتیکه کبوتری روی لبه پنجره نشست. فرزندم ۱۵ دفعه از من پرسید که این چه چیز بود. من هر ۱۵ دفعه برایش تکرار کردم که این کبوتر است. و هر دفعه که پسر من همان سوال را از من می پرسید من بامهربانی در آغوشش می گرفتم. ایدا احساس عصبانیت نکردم. در حالیکه به خاطر پسر دوست داشتیم احساس خوشحالی و سرور می کردم.

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

پس ناگهان زد زیر گریه و مادرش را در آغوش گرفت. و تکرار می کرد مادر، مادر من را ببخش ، لطفا من را ببخش. پیر زن فرزندش را در بغل گرفت و او را بوسید و به آرامی گفت :بایستی از کسانی که زمانی از ماها مراقبت کرده اند مواظبت کنیم. می دانیم که والدین برای هر مساله ای کوچک به فرزندانشان اهمیت می دهند. فرزندانشان بایستی آنها را دوست داشته باشند و به والدینشان احترام بگذارند. و از آنها به خوبی مراقبت کنند.



انواع سوال در انگلیسی و کاربرد هر کدام از آنها

بسیاری از زبان‌آموزان برای یادگیری زبان انگلیسی از ساختارهای اصلی زبان شروع می‌کنند. این یک تصمیم خوب است. پس از یادگیری ساختارهای اصلی یکی از موضوعاتی که باعث سردرگمی بسیاری از زبان‌آموزان می‌شود ساختارهای جانبی هر کدام از الگوهای اصلی است. مثل ساختار منفی و پرسشی. در این گفتار می‌خواهیم به بررسی انواع سوال در انگلیسی بپردازیم.

برای اجتناب از این سردرگمی مناسب است ابتدا سوال‌ها را در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود بررسی نماییم.

انواع سوال در انگلیسی:

در یک تقسیم‌بندی کلی، ما دو نوع سوال در انگلیسی داریم:

۱) سوال‌های بله و خیری یا **yes/no questions**

۲) سوال‌های با استفاده از کلمه پرسشی یا **wh-questions**

نوع اول سوال در انگلیسی: بله و خیری یا Yes/No Questions

به یک جمله خبری ساده مانند مثال زیر توجه کنید.

- Jack **is** an English teacher. "جک یک معلم انگلیسی است"
- برای ساختن جمله پرسشی بله و خیری، در این مثال بالا که ما فعل **is** را داریم، جای فاعل و مفعول را برای ساختن فرم سوالی عوض می‌کنیم:
- A: **Is** Jack an English Teacher? "آیا جک یک معلم انگلیسی است؟"
- B: Yes, he **is**. "بله. هست"

نوع دوم سوال در انگلیسی: با کلمه پرسشی یا Question Words

فرم سوال دارای کلمه پرسشی نیز به میزان فراوانی به سوال بله و خیری شبیه است. حتماً با کلمات پرسشی که معمولاً از جنس **wh-question words** نیز هستند آشنا هستید **what** و **where** و **when** و **who** و **how** و **which** و **why** و همچنین **how many** و **how much** به این مثال‌ها توجه فرمایید:

- **What is** your day job? "حرفه روزانه‌ات چیست؟"
 - **Where can** I buy a suitcase? "از کجا می‌توانم یک چمدان تهیه کنم؟"
 - **Who has painted** this wall? "چه کسی این دیوار را رنگ کرده است؟"
- در جمله‌های بالا، سوال با کلمه پرسشی داریم که در آن‌ها فعل کمکی نیز موجود است.

- حال به سوالات زیر توجه کنید که در آن‌ها فعل کمکی نداریم و از **do** و **does** بهره برده‌ایم.
- **How do** you do your hard job? "تو چگونه کار دشوارت را انجام می‌دهی؟"
- **Why does** your friend visit you? "چرا دوست تو به دیدارت نمی‌آید؟"
- **How** many books **did** you buy? "چند عدد کتاب خریدی؟"

Question Starter	Possible Answer
Who	Person
What	Object, Description or Process
Where	Location
When	Time
Why	Reason
How	Quantity, Process or Description

منظور از Collocation چیست؟

همایند یا **collocation** دو یا چند کلمه هستند که معمولاً با هم استفاده می‌شوند. تنها این ترکیبها هستند که از نظر یک فرد انگلیسی زبان طبیعی است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا، در صورت استفاده از کلمات دیگر به جای این ترکیبهای درست این ترکیبها یا عبارات ممکن است غیرعادی یا حتی «نادرست» باشند. به مثالهای زیر دقت کنید:

unnatural English عبارات نامصطلح و نادرست انگلیسی	natural English عبارات صحیح و مصطلح انگلیسی
train the quick food quick	the fast train fast food
shower a fast meal a fast	a quick shower a quick meal

اهمیت یادگیری همایندها یا collocation های زبان انگلیسی

چرا زبان آموزان باید همایندها یا collocation ها را بیاموزند؟
 با آموختن **همایندها** شما قادر خواهید بود به شکلی صحیح و طبیعی از زبان انگلیسی (یا سایر زبانهای خارجه) استفاده نمایید.
 از سویی دیگر می توانید آنچه که قصد بیانش را دارید (از توصیف یک اتفاق یا شرح حال خود) به شکلی متنوع، زیبا و همواره صحیح به زبان انگلیسی بیان نمایید و همیشه راهها و کلمات و صفات مختلف و متنوعی را برای منظوره‌های مختلف در ذهن دارید.
 همچنین، از آنجایی که در زبانشناسی و شیوه های تدریس زبان نیز ثابت شده است، در هنگام فراگیری یک زبان جدید مغز ما معنی و کاربرد ترکیب ها را راحت تر از کلمات تکی و مجزا به خاطر میسپارد.

چگونه کالوکیشن یا همایندهای یک زبان خارجی را بیاموزیم؟

(الف) تا می توانید به ترکیبات و همایندهای مختلفی که در زمان ها یا منابع گوناگون می بینید یا می شنوید دقت نمایید و سعی کنید آنها را برای **به خاطر** داشته باشید.

(ب) ترکیب های کالوکیشن یا همایندها را به عنوان **یک واحد زبانی** در نظر بگیرید و به عنوان مثال نگویید با فعل support، قید strongly استفاده میشود، بلکه با هم و بصورت **strongly support** یاد بگیرید و تکرار و استفاده کنید.

(ج) زمانی که کلمه جدیدی می آموزید، همایندهای آن کلمه یا در واقع کلماتی را که میتوان با آنها استفاده کرد را نیز در کنار آنها بنویسید. مثلاً برای فعل **remember**، میتوان این ترکیبها را یافت:

Remember rightly, remember distinctly, remember vaguely, and remember vividly

(د) تا میتوانید مطالعه کنید. **مطالعه و خواندن کتاب**، اخبار، مقالات و غیره بهترین و طبیعی ترین راه آموختن لغات جدید و ترکیبات درست یا همایندهای آنها در زمینه های مختلف است.

(ه) آنچه را می آموزید **چندبار بررسی کنید** تا مطمئن شوید از عبارات و ترکیبات صحیح و مناسب استفاده می کنید. سعی کنید هرچه سریعتر کالوکیشن ها یا همایندها را در زمینه ی مربوطه استفاده نمایید.

(ی) همانطور که در مورد یادگیری لغات همواره تأکید می شود، همایندها یا **collocation** ها را نیز در دسته بندی هایی که فکر میکنید برای شما مفیدتر است بیاموزید. مثلاً ترکیبها و همایندهای مربوط به یک موضوع (زمانها، اعداد، آب و هوا، پول، خانواده، و ...) یا همایندها و **collocation** هایی که با یک واژه میتوانند ترکیب گردند مثلاً همایندهای فعل **take** یا ترکیبات درست و مصطلح آن:

(take action, take a chance, take an exam,)

چگونه آنها را بیابیم؟

در هر دیکشنری جامع و کاملی میتوانید این هماینها را بیابید. همچنین کتاب های آموزشی یا دیکشنری های گوناگونی هستند که منحصرأ به آموزش هماینها یا کالوکیشن ها می پردازند. چند نمونه:

Most Useful "Do" Collocations

کالوکیشن یا همایندهای مهم فعل **do**

The infographic lists the following collocations for the verb 'do':

- homework
- housework
- your best
- research
- an experiment
- exercise
- sb a favor
- harm/damage
- your hair
- the ironing/shopping/washing/...

Additional text on the infographic includes:

- همایندهای مهم فعل **do**
- most useful **DO** collocations
- English in Use!
- انگلیسی کاربردی
- definitions in:
- telegram.me/englishinuse
- http://504.ariatarjoman.com
- آریا ترجمان
- /englishinuse

do one's homework ? انجام دادن تکالیف منزل	do one's housework ? کارهای خانه رو انجام دادن
do one's best ? نهایت تلاش خود را کردن	do research/an experiment ? تحقیق کردن / آزمایش کردن
do exercise ? ورزش کردن	do somebody a favor ? به کسی کمکی کوچک یا لطفی کردن
do harm/damage ? آسیب رساندن / خسارت رساندن	do one's hair ? موها رو مرتب کردن
do the ironing /shopping/ washing /dishes ? اتو کشیدن، خرید کردن، شستشو کردن، ظرف ها رو شستن	

Most Useful "Make" Collocations

کالوکیشن یا همایندهای مهم فعل **make**



make a decision ? تصمیم گرفتن	make progress ? پیشرفت کردن
make a list (of ...)? چیزی را لیست کردن، یا لیست تهیه کردن	make money ? پول در آوردن
make friends (with someone)? با کسی دوست شدن	make a promise ? قول دادن
make breakfast ? صبحانه درست کردن	make dinner ? شام درست کردن
make a phonecall ? تماس گرفتن	make a mistake ? اشتباه کردن

Most Useful "take" Collocations

کالوکیشن یا همایندهای مهم فعل take



take a look نگاه انداختن	take an exam امتحان دادن
take a chance کاری را علیرغم ریسکش انجام دادن	take a break استراحت کوتاه کردن
take a taxi تاکسی گرفتن	take a risk ریسک کردن
take notes یادداشت برداشتن	take a vacation مرخصی گرفتن و به محل کار، دانشگاه و ... نرفتن برای استراحت یا مسافرت
take a photo عکس گرفتن	take an interest in به چیزی علاقه پیدا کردن

جملات مجهول (passive)

در **جملات مجهول** بر خلاف جملات معلوم، **عملی که انجام شده** اهمیت دارد و اینکه چه کسی یا چه چیزی باعث انجام کار شده است، مهم نیست و یا کمتر اهمیت دارد. بنابراین ممکن است انجام‌دهنده عمل ذکر نشود و یا در آخر جمله با حرف اضافه **by** ذکر شود. جملات مجهول را (**passive** یعنی گذرا) و جملات معلوم را (**active** یعنی فعال) می‌نامند.

جمله‌های مجهول به این علت **passive** نامیده می‌شوند که از فاعل می‌گذریم و مفعول را مطرح می‌کنیم. **جمله‌های معلوم** به این علت **active** نامیده می‌شوند که فاعل در آنها مطرح و فعال است. مثال:

• **I keep the butter in the fridge** "من کره را در یخچال نگه می‌دارم"
جمله فوق معلوم است؛ زیرا فاعل (I) در آن مطرح شده و عمل فعل یعنی نگه‌داشتن را انجام می‌دهد. در این جمله تمرکز بر روی فاعل یعنی I است.

• **The butter is kept in the fridge.** "کره در یخچال نگه داشته می‌شود"
این جمله مجهول است؛ زیرا فاعل در آن مطرح نشده است و مفعول (**butter**) اهمیت دارد. در این جمله انجام‌دهنده عمل نگه‌داشتن مطرح نشده و از نظر گوینده فاقد اهمیت است. در این جمله تمرکز بر روی **butter** است نه کسی که آن را در یخچال نگه می‌دارد.

❖ برخی دلایل مجهول کردن جملات به شرح زیر است:

- (الف) هنگامی که فاعل جمله کلمه‌ای مبهم نظیر **people, someone, they** و غیره باشد. مثال:
- **Someone stole my car last night.** "کسی ماشین من را شب گذشته دزدید"
 - **My car was stolen last night.** "ماشین من شب گذشته دزدیده شد"
- (ب) هنگامی که عمل انجام‌شده به مراتب مهم‌تر از این است که چه کسی یا چیزی آن را انجام داده است.
- **There was a terrible storm last night.** "شب گذشته طوفان هولناکی بود"
 - **Hundreds of houses were destroyed.** "صدها خانه خراب شده‌اند"

(ج) هنگامی که فاعل جمله به حدی آشکار باشد که بتوان از گفتن آن صرف نظر کرد.

- The teacher has corrected the exam papers.
"معلم برگه‌های امتحان را تصحیح کرده است."
- The exam papers have been corrected by the teacher.
"برگه‌های امتحان توسط معلم تصحیح شده‌اند."

مراحل مجهول کردن جمله معلوم

زمانی که می خواهیم جمله ای را از حالت معلوم به مجهول تبدیل کنیم اتفاقات زیر رخ میدهد:

- (۱) مفعول مستقیم جمله معلوم به فاعل جمله مجهول تبدیل می شود.
- (۲) فاعل جمله معلوم حذف می شود. (یا پس از واژه **by** در انتهای جمله آورده می شود).
- (۳) فعل **be** (در شکل صرف شده مناسب) به عنوان فعل کمکی به جمله اضافه می شود.
- (۴) بعد از فعل **be** شکل سوم از فعل اصلی آورده می شود.

جدول زیر به صورت ساده این تبدیل را باز می کند:

مفعول	فعل	فاعل	
The man.	hit	A car	معلوم
(by a car)	was hit	The man	مجهول

نکته: زمان های حال کامل استمراری و گذشته کامل استمراری شکل مجهول ندارند. معمولا برای همان کاربرد در حالت مجهول از زمان حال کامل و گذشته کامل استفاده می شود.

ساختن جملات مجهول از جملات معلوم با ۲ مفعول

در جمله هایی که دو مفعول دارند، هر یک از مفعول ها می تواند به عنوان فاعل جمله انتخاب شود. به جدول زیر توجه کنید:

	فاعل	فعل	مفعول مستقیم	مفعول غیر مستقیم
حالت معلوم	Someone	has given	first aid	to him.
مجهول	He	has been given	first aid	(by someone).
مجهول	First aid	has been given	to him	(by someone).

ضمایر فاعلی و مفعولی

زمان ساختن یک جمله مجهول از جمله معلوم باید به ضمایر جمله توجه زیادی کرد. ضمیر مفعولی که در جایگاه فاعل قرار داده می شود باید به ضمیر فاعلی تبدیل شود. در صورتی که جمله چند ضمیر مفعولی داشت تنها آن ضمیری که در جایگاه فاعل قرار گرفته به صورت فاعلی آورده می شود. جدول زیر نحوه تبدیل ضمایر را نشان میدهد:

جمله مجهول	ضمیر فاعلی	ضمیر مفعولی	جمله معلوم
I was hit (by his car).	I	me	He hit me with his car.
You were hit (by his car).	you	you	He hit you with his car.
She was hit (by his car).	she	her	He hit her with his car.
He was hit (by his car).	he	him	He hit him with his car.
It was hit (by his car).	it	it	He hit it with his car.
We were hit (by his car).	we	us	He hit us with his car.
They were hit (by his car).	they	them	He hit them with his car.

ساختار افعال مجهول و زمانهای مجهول پذیر را در جدول زیر ملاحظه می فرمایید:

زمان حال ساده	
Am, is, are + pp	
جمله معلوم	He cleans the house every day.
جمله مجهول	The house is cleaned every day.

حال استمراری	
am/is/are + being + pp	
جمله معلوم	He is cleaning the house at the moment.
جمله مجهول	The house is being cleaned at the moment.

حال کامل	
have/has + been + pp	
جمله معلوم	He has cleaned the house since you left.
جمله مجهول	The house has been cleaned since you left.

گذشته ساده	
was/were + pp	
جمله معلوم	He cleaned the house yesterday.
جمله مجهول	The house was cleaned yesterday.

گذشته استمراری	
was/were + being + pp	
جمله معلوم	He was cleaning the house last week.
جمله مجهول	The house was being cleaned last week.

گذشته کامل	
had + been + pp	
جمله معلوم	He had cleaned the house before they arrived.
جمله مجهول	The house had been cleaned before they arrived.

شرطی گذشته	
would have + been + pp	
جمله معلوم	He would have cleaned the house if it had been dirty.
جمله مجهول	The house would have been cleaned if it had been dirty.

آینده ساده	
will be + pp	
جمله معلوم	He will clean the house next week.
جمله مجهول	The house will be cleaned next week.

آینده استمرای	
will be + being + pp	
جمله معلوم	He will be cleaning the house tomorrow.
جمله مجهول	The house will be being cleaned tomorrow.

آینده کامل	
will have + been + pp	
جمله معلوم	He will have cleaned the house.
جمله مجهول	The house will have been cleaned.

to مصدر بدون	
be + pp	
جمله معلوم	He must clean the house before we arrive.
جمله مجهول	The house must be cleaned before we arrive.

to مصدر با	
to be + pp	
جمله معلوم	The teacher wants to teach.
جمله مجهول	The students want to be taught.

ing مصدر	
being + pp	
جمله معلوم	He enjoy teaching.
جمله مجهول	The students enjoy being taught.

نکته کنکوری:

تمامی افعال معین یا وجهی (modals) با اضافه کردن **be** و قسمت سوم فعل **past participle** مجهول می شوند.

- They **will/may/could/should** invite us to their party. (معلوم)
- They **will/may/could/should** **be** invited to their party. (مجهول)

تست کنکوری

- The land next to our housesold to the government recently.
A. is b.was c.has been d.had been
- The footballerout of field because of his shouting at other players.
a.sent b.is sent c.was sending d.was sent
- How many timesthese shoessince you bought them?
A.were- repaired b.did - repaire
C. have - been repaired d.have - repaired
- When he got back to the car park, his car wasn't there.It
A.has stolen b.had stolen c.would be stolen d.was stolen
- People should How to use energy property.
A.be taught b.be teaching c.have taught d.teach
- Teams from many countriesto take part in the previous Olympic Games.
A.did not invited b.have been not invited
C.were not invited d.have not invited

- ## پاسخنامه تست های فوق

325

سوالات ضمیمه (Tag Questions)

گاهی در انگلیسی برای تأکید یا تعجب در آخر جملات خبری از یک عبارت سوالی که شامل **ضمیمه** **فاعلی** و **فعل کمکی** می باشد استفاده می شود. **سوالات کوتاه**، آن دسته از سولاتی هستند که در پایان یک جمله آمده (مثبت یا منفی) و معمولاً کاربرد آن کسب اطمینان از یک مسئله است. به عبارت دیگر، گوینده فرض را بیان میکند (مثبت یا منفی) و سپس یک سوال کوتاه را اضافه میکند تا مطمئن شود فرض درست است. حال این فرض میتواند یک خبر، درخواست، حقیقت علمی و باشد.

برای ساختن اینگونه از سوالات که به سوالات ضمیمه، تأکیدی یا کوتاه معروف هستند، نکات زیر را در نظر می گیریم.

(۱) سوال ضمیمه از نظر مثبت یا منفی بودن، **عکس** جمله اصلی می باشد یعنی اگر جمله ی اصلی مثبت باشد، سوال ضمیمه منفی خواهد بود و چنانچه جمله ی اصلی منفی باشد، سوال ضمیمه می بایست بشکل مثبت بکار رود.

? ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی..... جمله ی خبری مثبت

? ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت..... جمله ی خبری منفی

- He is a student, isn't he?
- He is not a student, is he?

(۲) در سوال ضمیمه همیشه بعد از فعل کمکی از **ضمیر فاعلی** استفاده میشود بدین صورت که چنانچه در جمله اصلی فاعل بشکل اسم یا عبارت اسمی آمده باشد، در سوال ضمیمه از ضمیر فاعلی مشابه آن استفاده می شود.

- Mina was playing well, wasn't she?
- My brothers aren't at school, are they?

(۳) در سوالات ضمیمه چنانچه بخواهیم فعل کمکی را بشکل منفی بکار ببریم، آنرا می بایست بشکل **مخفف** بکار برد.

- Reza will go to Isfahan, won't he?
- They were watching TV, weren't they?

(۴) چنانچه جمله ی اصلی فعل کمکی داشته باشد از همان فعل کمکی در سوال ضمیمه استفاده می شود ولی چنانچه جمله فاقد فعل کمکی باشد در اینحالت از یکی از مشتقات **do** متناسب با فعل اصلی در سوال ضمیمه استفاده می شود بدین صورت که اگر فعل اصلی گذشته باشد از **did** و اگر فعل اصلی **s** یا **es** داشته باشد از **does** و اگر فعل بشکل ساده باشد از **do** استفاده می شود .

- I listen to the teacher, don't I?
- We don't wash the car, do we?
- Ali swims in the river, doesn't he?
- She doesn't speak English, does she?
- His father opened his store at 8, didn't he?
- He didn't clean the store, did he?

(۵) جمله ی اصلی و سوال ضمیمه بوسیله **کاما** از یکدیگر جدا می شوند .

(۶) چنانچه در جمله ی مثبت از **I am** استفاده شده باشد در سوال ضمیمه از **aren't I** استفاده میشود.

- I am a good student, aren't I?

(۷) اگر در جمله اصلی قید منفی نظیر کلمات **never, hardly, scarcely, seldom, rarely** بکار رفته باشد، سوال کوتاه بشکل مثبت خواهد بود.

- He never eats breakfast, does he?
- The old man could hardly walk, could he?
- There is nothing in the kettle, is there?

(۸) اگر فاعل جمله نا مشخص باشد، یعنی یکی از کلمات زیر باشد **nobody, everybody, everyone**

Somebody, someone, در سوال کوتاه فعل و ضمیر فاعلی جمع خواهد بود.

- Somebody borrowed my book yesterday, didn't they?
- Nobody knows the answer, do they?
- Everybody knows the answer, don't they?

(۹) در جملات امری (مثبت و منفی) سوال کوتاه با **will you?** ساخته می شود.

- **Open** the door, **will you?**
- **Don't** turn on the radio, **will you?**

(۱۰) جملاتی که با **let's** شروع می شوند ، سوال کوتاه با **shall we?** ساخته می شود.

- **Let's** play in the yard, **shall we?**

(۱۱) جملاتی که با **let us** شروع می شوند ، سوال کوتاه با **will you?** ساخته می شود.

- **Let us** go for a swim, **will you?**

(۱۲) کلمات **few** و **little** جمله را منفی می کنند . لذا باید از **tag** مثبت استفاده کرد.

- **Few** people have known how to earn money, **have they?**

(۱۳) هیچگاه در **tag** از اسم استفاده نمیکنیم و همواره از ضمیر استفاده میکنیم یا از کلماتی نظیر **there** یا **one** استفاده میکنیم .

- **No one** can answer this question, **can he?**

(۱۴) برای **had to / has to / have to** مانند جمله های بدون فعل کمکی عمل می شود.

- You **had to** see a doctor, **didn't you?**

(۱۵) برای **there** از خود کلمه **there** در جمله سوال کوتاه استفاده می شود.

- **There** is a cat in that room, **isn't there?**

(۱۶) برای ضمیرهای اشاره **that** و **this** از ضمیر **it** در سوالی کوتاه و برای **those** و **these** از ضمیر **they** در سوالی کوتاه استفاده می کنیم.

- **This** is your car, **isn't it?**
- **Those** are your friends, **aren't they?**

(۱۷) اگر در جمله خبری قید **only** به کار رفته باشد می توان سوالی کوتاه را به دو صورت منفی و مثبت نوشت.

- You have **only** one brother, **do you?** / **don't you?**

تست کنگوری

1. They answered the question..... they?
 a. doesn't b. do c. didn't d. did
2. You can see him at school,..... you?
 a. can't b. doesn't c. see d. did
3. We don't live near here, we?
 a. does b. do c. did d. didn't
4. My brother, Ali is playing in the yard, isn't.....?
 a. Ali b. my brother c. my brother Ali d. he
5. James built the first steam engine,?
 a. did he b. didn't he c. did James d. didn't James

پاسخنامه تست های فوق

1-c	2-a	3-b	4-d	5-b
-----	-----	-----	-----	-----

انواع جملات در زبان انگلیسی

الف) جمله ساده ب) جمله مرکب ج) جمله پیچیده د) جمله مرکب پیچیده.

نوع اول، جمله ساده: simple sentence

هر جمله ساده حداقل یک فاعل و یک فعل دارد. جمله ای ساده است که فقط یک عبارت مستقل داشته باشد. جمله ساده لزوماً کوتاه یا ساده نیست و نباید فریب اسمش را خورد. به دو مثال زیر توجه کنید.

- Jack opened the door.
- Jack opened his bag, stopped for a second, pulled out a pen, and start writing.

نوع دوم، جمله مرکب: compound sentence

اگر جمله ای بیش از یک فاعل و یک فعل داشته باشد و با حروف ربط به هم وصل شوند، به آن جمله مرکب گفته می شود.

- Jack opened his bag, something else distracted his attention.

مهمترین حروف ربط عبارت اند از

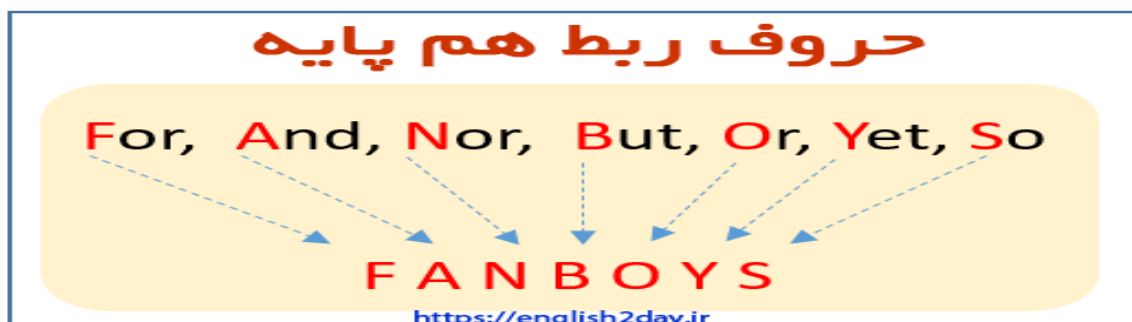
(for , and, nor, but, or, yet, so, because , even):

وقتی به شیوه ای صحیح دو جمله ساده و کاملاً مستقل از هم را به یکدیگر متصل کنیم جمله مرکب پدید می آید. این اتصال از دو راه ممکن است:

راه اول: با استفاده از یک نقطه ویرگول (؛).

راه دوم: با یک ویرگول و یک حرف ربط مناسب مثل حروف ربط بالا که به صورت اختصار **fanboys** خوانده می شوند.

هر کدام از حروف ربط فوق برای بیان منظوری خاص به کار می روند که تنها از راه دانستن معنی جمله پایه و جمله پیرو می توان به رابطه بین آنها پی برد و از حرف ربط مربوط به آن استفاده کرد.



کاربرد And

And زمانی استفاده می شود که می خواهیم توضیحاتی جدید را به عبارت قبلی اضافه کنیم.

- I go to the park every Sunday to watch the ducks on the lake **and** the men playing soccer.

"من یکشنبه ها به پارک می روم تا مرغابی ها را در دریاچه تماشا کنم **و** مردانی را که فوتبال بازی می کنند را نگاه کنم."

- I like tea **and** coffee

"من چای **و** قهوه دوست دارم."

کاربرد But

But از این حرف زمانی استفاده می شود که می خواهیم تضاد جمله جدید با جمله پایه را نشان دهیم.

- He reads magazines, **but** he doesn't like to read books

"او مجلات را می خواند **ولی** خواندن کتاب را دوست ندارد."

- The soccer in the park is entertaining in the winter, **but** it's better in the heat of summer.

"بازی فوتبال در پارک در زمستان سرگرم کننده است **ولی** در گرمای تابستان یک چیز دیگر است."

کاربرد Or

از **or** برای جایگزین کردن یا انتخاب کردن از بین گزینه های موجود استفاده می شود.

- Do you like tea **or** coffee

"قهوه **یا** چای دوست داری؟"

- He doesn't have a television **or** a video." او تلویزیون **یا** یک دستگاه ویدئویی ندارد.
- Shall we go out to the cinema **or** stay at home.
"به نظرت بریم سینما **یا** خانه بمانیم؟"

So کاربرد

از **so** برای نشان دادن نتیجه یا پیامد کاری یا بیان علت و معلول، استفاده می شود.

- We were bored with the movie, **so** we left cinema.
"ما از فیلم خسته شده بودیم، **بنابراین** سینما را ترک کردیم."
- there are no more chairs available, **so** you will have to stand
"آنجا صندلی اضافی برای نشستن نیست، **بنابراین** تو باید سرپا بایستی."

For کاربرد

کلمه **for** برای نشان دادن دلیل یا هدف به کار برده می شود.

- I go to the park every Sunday, **for** I love to watch the ducks on the lake.
"من یکشنبه ها به پارک می روم، **زیرا** عاشق اینم که اردک ها را در دریاچه تماشا کنم."
- Comfort her, **for** he is sad. "او را دلداری بده، **زیرا** که او ناراحت است."
- Father, forgive them **for** they know not what they do.
"خداوندا، آنان را ببخش **زیرا** نمی دانند چه می کنند."

Nor کاربرد

این عبارت را زمانی به کار می بریم که می خواهیم یک ایده منفی را جایگزین عبارت منفی ای که از قبل در جمله وجود داشته، کنیم.

- I don't go for the fresh air **nor** really for the ducks. Honestly, I just like the soccer.

"من نه برای هوای خوری می روم **نه** برای دیدن اردک ها، فقط بازی فوتبال را دوست دارم."

- It was not my fault, **nor** was his. it just an accident.

"نه تقصیر من بود، **نه** تقصیر اون. این فقط یک تصادف بود."

Yet کاربرد

همانند **but** برای نشان دادن تضاد بین دو جمله به کار برده می شود.

- I always take a book to read, **yet** I never seem to turn a single page.
"من همیشه یک کتاب برای خواندن می گیرم. **با این حال** هیچ وقت حتی یک صفحه از آن ها را نمی خوانم."
- He is so young, **yet** so experienced. "او بسیار جوان است، **ولی** بسیار با تجربه است."

Because کاربرد

از این کلمه هنگامی استفاده می شود که می خواهیم دلیل چیزی یا کاری را توضیح دهیم.

- She goes to the tennis club **because** she likes to play tennis.
"او به باشگاه تنیس می رود، **زیرا** دوست دارد تنیس بازی کند."
- She did not come to school, **because** she was ill
"او به مدرسه نیامد، **به دلیل اینکه** او مریض بود."

Even کاربرد

Even زمانی به کار برده می شود که علیرغم وجود برخی موانع، محدودیت ها یا مشکلات، اتفاقی روی خواهد داد.

- I am going to the party, **even** if it rains. "من به مهمانی خواهم رفت، **حتی** اگر باران بیاد."
- She likes swimming, **even** in winter. "او شنا کردن را دوست دارد **حتی** در زمستان."

زبان دوازدهم

درس دوم

Look it up

Interesting Facts:

- The first Persian dictionary was compiled around 1000 years ago.
- The largest dictionary in the world took 134 years to complete (from 1864 to 1998).
- Around 4,000 new words are added to the English dictionary every year.
- The size of the smallest dictionary in the world is about $27 \times 18 \text{ mm}^1$ which needs to be read with a magnifying glass.

حقایق جالب و شگفت انگیز:

- اولین فرهنگ لغت فارسی حدود ۱۰۰۰ سال قبل جمع آوری شد.
- تالیف و گردآوری بزرگترین فرهنگ لغت جهان ۱۳۴ سال به طول انجامید. (از سال ۱۸۶۴ تا ۱۹۹۸).
- حدود ۴۰۰۰ لغت جدید هر ساله به زبان انگلیسی اضافه می شود.
- اندازه کوچکترین فرهنگ لغت جهان حدود ۲۷×۱۸ میلی متر می باشد که جهت خواندن آن بایستی از ذره بین استفاده نمود.

واژگان و نکات گرامری درس دوم پایه دوازدهم

Part 1 Get ready & conversation

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Advanced	پیشرفته	Monolingual	یک زبانه
Bilingual	دو زبانه	Recommended	توصیه کردن
Compile	گردآوری کردن، تالیف کردن	Suppose	گمان کردن، فرض کردن
Design	طراحی کردن، طراحی	Wherever	هرجا
Elementary	ابتدایی، مقدماتی	App	برنامه کاربردی کامپیوتر
Function	عمل، عملکرد، کارکرد	By	(در بیان ابعاد) در
Intermediate	میانه، متوسط	If	اگر، آیا که آیا
Look up	پیدا کردن معنی چیزی، جستجو	Level	سطح
Magnify	بزرگ کردن	PC	کامپیوتر شخصی
Magnifying glass	ذره بین	Pocket	جیب

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- I asked the doctors advice ,and shethat I get more exercise.
a)advanced b)recommended c)supposed d)completed
- Our workers arethe information for an online database.
a)compling b)magnifying c)spending d)bowing
- This microscopethings one hundred times.
a)choose b)designs c)produce d)magnifies
- There were many more deatthes than was first.....
a)completed b)sliced c)supposed d)exchanged
- My grandfather forgets things easily ,so he has downloaded an that reminds him of things he has to do?
a)imagine b)glass c)area d)PC

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-b	2-a	3-d	4-c	5-d
-----	-----	-----	-----	-----

Part 2

New words & expression , reading

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
جزئی ، کوچک	Minor	اختصار	Abbreviation
پیشنهاد کردن	Offer	اجازه دادن	Allow
وقتی که	Once	ترتیب دادن، چیدن، مرتب کردن	Arrange
مبدأ، اصل، سرچشمه	Origin	بزرگ شده، برجسته، چشم انداز روشن	Bold
آلودگی	Pollution	ادعا کردن	Claim
هدف	Purpose	ارتباطی، اهل معاشرت	Communicative
به خواندن ادامه دادن	Read on	پیچیده	Complicated
بخش، قسمت	Section	قابل فهم	Comprehensible
نشان دادن، نمایانگر چیزی بودن	Stand for	محصول کشاورزی	crop
حمایت کردن	Support	قطع کردن، جدا کردن	Disconnect
قاعده دار، اصولی، منظم	Systematic	به طور موثری	Effectively
سراسر، در همه	Throughout	کل، تمام	Entire
توصیه، راهنمایی، نکته	Tip	ورود، فرهنگ و فهرست مدخل	Entry
غیر قابل تغییر	Unchangeable	ضروری اساسی	Essential
بطور غیر منتظره	Unexpected	توسعه دادن، منبسط کردن	Expand
شناخته نشده، نامعلوم، گمنام	Unknown	کشف کردن، فهمیدن، حل کردن	Figure out
کار کردن	Work	راهنمایی کردن، هدایت کردن	Guide
حل کردن، کشف کردن، فهمیدن	Work out	برجسته کردن، با ماژیک مشخص کردن	Highlight
مجرد ، تنها	Single	فورا	Immediately
مار	Snake	دور از فهم، باور نکردنی، نامفهوم	Incomprehensible
سمبل، نشانه	Symbol	مقدمه، معرفی	Introduction
تکنیک، فن	technique	موضوع، مسئله، قضیه	Issue
کاربر	user	به طور ناگهانی برای انجام کاری تصمیم گرفتن	Jump into
		تنها به سر بردن، توی لاک خود بودن	Keep to onself

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. All the faction are making air dirty ,and we should do something about it.If we don't take air seriously , it will be hard for future generations to breathe.
a)addition b)pollution c)destruction d)protection
2. The scientists says that the experiment produced someresults.
a)unhappy b)unexpected c)weekly d)cruel
3. Children have to learn to communicate
a)hopelessly b)elementarily c)effectively d)bloodily
4. Kevin passed away in Germany ,and his family made for his body to be flown back.
a)connections b)celebrations c)discussions d)arrangements
5. Kevin who passed away a few months ago in Germany was a quiet man who had..... .
a)kept to himself b)jumped into c)looked up d)figured out
6. The procedure must be clear and to all staff.
a)immediate b)minor c)comprehensible d)calm
7. You may not achieve all of them ,but a(n).....plan gives you the best chance of doing so.
a)systematic b)known c)entire d)bold
8. Things willyou will see.
a)call up b)work out c)jump into d)keep up
9. The computer industry hasgreatly over the last decade.
a)recognized b)produced c)expected d)expanded
10. If you have made an effort ,you should explain the and the reason behind it.
a)item b)purpose c)business d)improvement

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-b	2-b	3-c	4-d	5-a	6-c	7-a	8-b	9-d	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3 grammar

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
به طور وسیع، تاحدزیادی	Widly	اگرچه	Although
عاقل، عاقلانه	Wise	شلوغ، پرازدحام	Crowded
وارد شدن	Enter	شخص، فرد	Guy
عینک	Glasses	چندین	Several
شتر مرغ	Ostrich	پایه، بساط، ایستگاه	Stand
		گنجینه، ثروت، نفیس، پربها	treasure

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Tom finally figured out where thehad been hidden.
a)treasure b)origin c)issue d)offer
- It isto check whether the flight times have changed before you leave for the airport.
a)wide b)wise c)neat d)original
-in poor health ,Mother Teresa continued to carry out her duties.
a)because b)when c)wherever d)although
- We will always do our best toour students to be successful.
a)support b)stand c)borrow d)expect
- Hillary was surprised to see thatof her classmates agreed with her decision.
a)lmost b)several c)lot d)amount
- Theare on the D drive if you want to look at them.
a)CDs b)tapes c)PDFs d)flashes
- Copies of the report have been madeavailable.
a)widely b)essentialy c)originally d)heavily

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-a	2-b	3-d	4-a	5-b	6-c	7-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

Part 4 Listening & speaking , pronunciation , writing ,

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
رنج بردن	Suffer	رسیدن به، دست یافتن به	Access
احاطه کردن، دور کردن	Surround	کمک	Aid
شیرین، خوش، مطبوع	Sweet	فضانورد	Astronaut
واژه، اصطلاح	Term	محوطه آبی، آب زیاد	Body of water
پخش کردن، فرستادن، انتقال دادن	Transmit	راهنما، سرنخ	Clue
مشکلات، دردسر	Trouble	حرف، ندا، جیغ، فریاد	Exclamation
لرزش، ارتعاش	vibration	کف اتاق، طبقه	Floor
در حالی که، اما	Whereas	شکل، قالب	Format
بال	Wing	عموما	Generally
خواستن، آرزو داشتن	Wish	گروه بندی کردن، گرد آوردن	group
مور تپه	Anthill	تصوری، تخیلی	Imaginary
دوراز	Away	به جای کسی بودن	In somebody shoes
مرورگر	Browser	واقعا، البته	Indeed
پایگاه اطلاعاتی	Database	عفونت	Infection
آب شیرین	Fresh water	داخلی	inner
سخت کوش	Hardworking	حشره	Insect
یکی پس از دیگری	One after another	نامرئی، مخفی	Invisible
به علاوه، به اضافه	Plus	فقدان، خسارت، شکست	Loss
نمک	Salt	آهن ربا، مغناطیس	Magnet
شکل	Shape	اقیانوس	Ocean
فوق بشری	superhuman	اساسا، عمدتا، به ویژه	Primary
		فکر کسی را خواندن	Read sb mind

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. The gas isbut highly dangerous .
a)invisible b)general c)middle d)inner
- 2.The firefighter looked at the people whothe palace.
a)moved b)surrounded c)transmitted d)wished
3. The systeminformation over digital phone lines.
a)translates b)transports c)magnifies d)transmits
4. I think hequite a lot when his wife left him.
a)suffered b)supported c)surrounded d)spared
5. The people in this area are really poor ,and we couldn't meet their needs .But after receiving forgingfrom many countries , we were able to solve some of their problems.
a)exchange b)database c)app d)aid
6. We must protect older people from harm ,whether it is real or
a)invisible b)imaginary c)amazing d)inventive
7. The blood supply in this area is much better and the risk oftherefore much less.
a)infection b)access c)explanation d)insect
8. The second -floor neighbor said that they could feel theof the music through the floor.
a)imagination b)communication c)expection d)vibration
9. "Want some coffee? " you "
a)read my mind b)keep to yourself c)help myself d)behave yourself
10. He killed the wild animal because he had to. I think anyone in his Would have done the same thing.
a)laps b)sites c)works d)shoes

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-a	2-b	3-d	4-a	5-d	6-b	7-a	8-d	9-a	10-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5

workbook

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
میزان، درجه، مقیاس	Scale	پشت	Behind
به دنبال مردار و زباله گشتن	Scavenge	وجود، هستی	Being
لاشخور، زباله گرد	Scavenger	گاز گرفتن، گاززدن	Bite
جلد، کتاب	Volume	مستعمره، گروه، دسته	Colony
هر آنچه	whatever	تجاری، بازرگانی	Commercial
بدون بال، بی بال	Wingless	خشکسالی	Drought
دست، بازو	Arm	متوجه شدن، فهمیدن	Find out
مربوط به شرح زندگی کسی	Biographical	متاع، کالا، لوازم	Goods
زندگی نامه	Biography	تنومند، بزرگ جثه	Huge
برق، الکتریسیته	Electricity	دراز کشیدن، قرارداداشتن	Lie
پا، واحد اندازه گیری، فوت	Foot	سازمان دادن	Organize
سبک، روش، طرز بیان	Style	دردناک	Painful
تکنیکی	Technical	مسافر	Passanger
آبراه، راه آبی	waterway	تولید مثل کردن	Reproduce
		منبع	resource

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- The scientists need tothemselves and work as a team.
a)present b)lie down c)organize d)find out
- The United States was once aof Great Britain.
a)clue b)country c)countryside d)colony
- A severe has caused most of the corn crop to fail.
a)drought b)destruction c)position d)preparation
- My wife is going to change furniture and other householdvery soon.
a)forms b)gifts c)goods d)values

5. The country has few energyof its own.
a)topics b)orders c)resources d)websites
6. Which wild animalsamong the rubbish?
a)present b)researches c)surround d)scavenge
7. The virus which has been discovered recently is able toitself very rapidly.
a)reproduce b)recorder c)repeat d)repair
8. My father planted these trees two years ago, and he says that they were planted foruse.
a)painful b)commercial c)early d)willing
9. It is really surprising. I suggest ,he always disagrees.
a)However b)Although c)Whatever d)While
10. At first we thought the man would hear whatever we said ,but a few minutes later weout that he was deaf.
a)found b)put c)imagined d)guessed
11. Whenever you want to read this book , you should use s(n).....glass.
a)expanding b)magnifying c)essential d)bright
12. Have you ever heard the saying ".....speak louder than words"
a)prayers b)sections c)actions d)activities
13. A:What is the use of a learners dictionary ?
B: It isfor foreign students to help them learn English better.
a)recommended b)designed c)supposed d)combined
14. Everybody can carry a(n).....dictionary wherever they go because it is small.
a)pocket b)elementary c)native d)basic

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-c	2-d	3-a	4-c	5-c	6-d	7-a
8-b	9-c	10-a	11-b	12-c	13-b	14-a

ترجمه مکالمه درس دوم پایه دوازدهم صفحه ۴۷

Majid is going to choose a suitable dictionary for his English class. He is talking to his English teacher during the break.

مجید: قصد دارد تا یک فرهنگ لغت مناسب برای کلاس انگلیسی خود انتخاب کند. او در زنگ تفریح در حال بحث کردن با معلم انگلیسی اش است.

Majid: Excuse me Mr. Iranmehr, I wonder if you could help me.

مجید: عذرخواهی می کنم آقای ایران مهر. با خود فکر می کردم که شما بتوانید کمک کنید.

Mr. Iranmehr: Sure. How can I help you?

آقای ایران مهر: مطمئناً، چطور می توانم کمکتان بکنم.

Majid: I'd like some information about a good English dictionary.

مجید: اطلاعاتی در باره یک فرهنگ لغت خوب می خواستم.

Mr. Iranmehr: Oh, well. Have you ever used a dictionary?

آقای ایران مهر: اوه، خب، آیا تا به حال از فرهنگ لغت استفاده کرده ای ؟

Majid: Actually, I haven't. But I've heard that using a good dictionary can really help me learn English better.

مجید: حقیقتاً تا به حال از فرهنگ لغت استفاده نکرده ام. اما شنیده ام که استفاده کردن از یک فرهنگ لغت خوب مارا در یادگیری بهتر زبان انگلیسی کمک می کند.

Mr. Iranmehr: That's right. First, I recommend a learner's dictionary.

آقای ایران مهر: درست است. در وهله اول من به شما یک فرهنگ لغت یاددهنده را سفارش می کنم.

Majid: What is a learner's dictionary?

مجید: فرهنگ لغت یادگیرنده چیست؟

Mr. Iranmehr: It is designed for foreign students. It also helps them learn English better.

آقای ایران مهر: این فرهنگ لغت برای دانش آموزان غیر بومی و خارجی طراحی شده است. و به آنها کمک می کند که زبان انگلیسی را بهتر یاد بگیرند.

Majid: Is there only one type of it?

مجید: آیا فقط به گونه از این نوع فرهنگ لغت وجود دارد؟

Mr. Iranmehr: No, in fact dictionaries have different types, levels, and sizes.

آقای ایران مهر: البته که نه؟ در حقیقت فرهنگ لغت ها انواع و سطوح و اندازه های مختلفی دارند.

Majid: What type do you suggest?

مجید: شما کدامیک را پیشنهاد می کنید؟

Mr. Iranmehr: I suppose a monolingual dictionary is more suitable for you, because you can find word information in English.

آقای ایران مهر: به نظر من فرهنگ لغت یک زبانه برای شما بهتر و مفیدتر است، بخاطر اینکه شما می توانید اطلاعات بیشتری در مورد کلمات زبان انگلیسی به انگلیسی پیدا کنید.

Majid: And what about levels?

مجید: در مورد سطوح های گوناگون چطور؟

Mr. Iranmehr: Well, there are usually three levels: elementary, intermediate and advanced. For you as a high school student, an elementary one is OK.

آقای ایران مهر: خب، معمولاً سه نوع سطح وجود دارد. ابتدایی، متوسط، و پیشرفته. برای شما به عنوان یک دانش آموز سطح دبیرستانی سطح مقدماتی و ابتدایی مناسب تر است.

Majid: Do I need a small size one?

مجید: آیا من به اندازه کوچک فرهنگ لغت احتیاج دارم.

Mr. Iranmehr: Yes, a pocket dictionary. You can carry it wherever you go.

آقای ایران مهر: بله به یک فرهنگ لغت جیبی. شما می توانید آنرا هر کجا که خواستید ببرید.

Majid: Oh, it's very good. And hmm..., is it expensive?

مجید: اوه، بسیار عالی است. و گران است؟

Mr. Iranmehr: No, such dictionaries are not expensive. By the way, you can use a free online dictionary, too. And also there are some free dictionaries for PCs and apps for smart phones.

آقای ایران مهر: خیر، این قبیل فرهنگ لغت ها گران نیستند. همچنین شما می توانید از فرهنگ لغت های آن لاین که بصورت رایگان هستند نیز استفاده کنید. و همچنین فرهنگ لغت هایی نیز برای کامپیوتر های شخصی و نرم افزارهایی برای گوشی های هوشمند در دسترس هستند.

Majid: Thanks, that's a good idea, but I'd like to use a pocket dictionary!
مجید: متشکرم. ایده بسیار خوبی است، اما من ترجیح می دهم از فرهنگ لغت جیبی استفاده کنم.

ترجمه ریدینگ درس دوم پایه دوازدهم صفحه ۵۱

How to Use a Dictionary

چطور از فرهنگ لغت استفاده کنیم.

A good dictionary gives the user information about words such as spellings, pronunciations and definitions. It also gives examples of how to use the words in sentences correctly. Therefore, it is essential to know how to use a dictionary. In this lesson, we provide you with some helpful tips on how to use a dictionary effectively.

یک فرهنگ لغت خوب اطلاعاتی درمورد کلمات مانند املاها و تلفظ ها و معنای آنها به کاربر یا استفاده کننده می دهد. همچنین نمونه ها و مثالهایی را برای نشان دادن اینکه چطور آنها را بصورت درست و صحیح در جمله استفاده کنند به ما می دهد. در نتیجه مهم است بدانیم چگونه از یک فرهنگ لغت استفاده کنیم. در این مطالعه، ما نکات مهم و مفیدی را برای شما درباره استفاده موثر از فرهنگ لغت را فراهم می کنیم.

1. Choose the Right Dictionary. There are many different types of dictionaries such as learner's dictionaries, general dictionaries, picture dictionaries, etc. Therefore, first identify your needs. Without choosing the right one you cannot meet your language needs.

۱. **فرهنگ لغت درستی را انتخاب کنید.** تعداد زیادی انواع فرهنگ لغت وجود دارد مانند فرهنگ لغت های یادگیرنده، فرهنگ لغت های عمومی، فرهنگ لغت های تصویری و در نتیجه در ابتدا نیازهای مایحتاجی خودتان را مشخص نمایید. بدون در نظر گرفتن انتخاب درست فرهنگ لغت مناسب، شما نیاز زبانی تان را نمی توانید برطرف کنید.

2. Read the Introduction. The best way to learn how to use your dictionary effectively is to read its introduction. This section explains issues like how entries are arranged, what information is offered in entries and what abbreviations and pronunciation symbols are used throughout the entries.

۲. **مقدمه فرهنگ لغت را بخوانید.** بهترین راه جهت اینکه بدانید چگونه از فرهنگ لغت بصورت مفیدتر و موثرتر استفاده کنید این است که مقدمه فرهنگ لغت را مطالعه کنید. بخش مقدمه، مسائلی مانند چطور و با چه ترتیبی لغات چیده شده اند و اینکه چه اطلاعاتی در مورد کلمات داده شده و دارای چه علائم اختصاری و نشانه های تلفظی هستند را برای ما توضیح می دهد.

3. Learn the Abbreviations. Different types of abbreviations are often used in the definitions for a word. This can be confusing if you do not know what the abbreviations stand for.

۳. **علائم مخفف و اختصاری را فراگیرید.** انواع مختلف و گوناگونی از اختصارات جهت شرح و توصیف یک کلمه استفاده شده است. اگر شما این اختصارات را بلد نباشید برای شما گیج کننده خواهد بود.

4. Learn the Guide to Pronunciation. If you immediately jump into using the dictionary without understanding the pronunciation guide, it can be difficult to figure it out.

۴. **راهنمای چگونگی تلفظ را فراگیرید.** اگر شما فوراً و قبل از اینکه راهنمای تلفظ را فراگیرید به دنبال استفاده کردن از فرهنگ لغت باشید، فهمیدن آن برای شما سخت خواهد بود.

5. Read the Guide Words. These are the two words at the top of each page that show the first and last entries on the page. These words will help you find the word you are looking for in the right letter section.

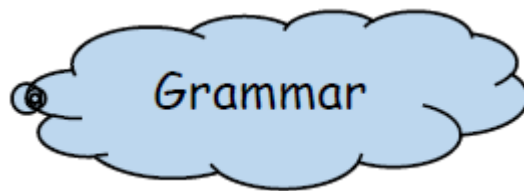
۵. کلمه های راهنما را مطالعه کنید. دو کلمه در بالای هر صفحه وجود دارد. که کلمه ی اول و کلمه آخر نوشته شده در هر صفحه را نشان می دهد. این کلمات به شما در پیدا کردن کلمه ای که دنبالش هستید کمک شایانی می کند.

6. Read the Definitions. Once you find an entry, you can find the exact meaning of the word, its pronunciation, part of speech, synonyms, antonyms, and probably its origin.

۶. معانی را بخوانید. زمانی که شما کلمه ای را پیدا کردید. شما می توانید معنی دقیق کلمه مورد نظر، تلفظش، نقش کلمه در جمله، مترادف ها، متضاد ها و به طور حتم ریشه اش را نیز پیدا کنید.

7. Look for Collocations. Learning the meaning of a single word is not usually enough. Through sentence examples, try to learn 'words in combination' to expand your vocabulary.

۷. به دنبال کلمات هماوند یا همنشین بگردید. معمولا یاد گرفتن معنای صرف یک لغت کافی نمی باشد. در میان مثالهای جملات، کلمات همنشین و ترکیبی را فرابگیرید تا دایره لغات شما گسترش یابد.



Key Point Highlighting

One way to remember what you have read is to highlight important information. Use these guidelines for highlighting a text:

- Highlight the main ideas.
- Highlight the key points not minor details or less important information.
- Highlight phrases and parts of sentences instead of entire sentences.
- Do not highlight many sentences or too much of the text.

استراتژی حمله به کلمه ناآشنا در متن (Word Attack Strategies)

WORD PART FAMILIES

استراتژی حمله به کلمه کمک می کند تا خواننده رمز گشایی، تلفظ، و درک معنی کلمات ناآشنا را به درستی انجام دهد این استراتژیها به خوانندگان کمک می کند تا با قطعه قطعه کردن کلمات ناآشنا به هر کدام از آنها از زاویه ای متفاوت حمله کنند. رعایت اصول زیر در به کارگیری این استراتژیها مفید است.

الف) استفاده از تصاویر **ب) تکرار بلند صدای حروف خارج از کلمه**

ت) شکستن کلمه به اجزای تشکیل دهنده:

این استراتژی یکی از مهمترین استراتژیهای درک لغات است. سعی کنید چند حرف را در کنار هم بخوانید. این مجموعه حروف ممکن است صدا، نماد، پیشوندها، پسوندها، پایانه های واژه ای کل کلمات یا کلمات پایه باشند.

دانستن معنی پسوندها و پیشوندها و ریشه های لغات خیلی مفید و اساسی است. اما یادگیری تمام آنها کار آسانی نیست. به ویژه که ریشه بیشتر آنها ریشه در زبان لاتین دارد. هر بخش از یک کلمه را بخوانید و سعی کنید معانی و کاربرد آن را درک کنید. سپس بخش های مختلف را باهم ترکیب کنید. و کلمه را با صدای بلند بخوانید. به دنبال انواع مختلف یک کلمه در جمله باشید. مثلاً ممکن است شما فعل یک کلمه را بدانید اما از همان فعل با استفاده از پسوند یا پیشوند اسم صفت یا قیدی ساخته شده باشد که تا بحال با آن برخورد نکرده باشید. بنابراین شما معانی تمام انواع همان کلمه را می دانید.

ج) اتصال کلمه جدید با دانش لغوی گذشته:

سعی کنید کلمه جدید را با یک کلمه که می دانید متصل کنید. در مورد کلمه ای مشابه که می دانید فکر کنید. کلمه آشنا را به کلمه ناآشنا مقایسه کنید. ببینید آیا کلمه آشنا مشابه یا شکلی از کلمه ناآشنا نیست. برای امتحان این نکته از کلمه شناخته شده در جمله استفاده کنید. اگر شباهتی وجود دارد پس معنای کلمه ناآشنا را فهمیده اید.

د) خواندن بیش از یک بار جمله :

فکر کنید که چه کلمه ای ممکن است در جمله معنادار باشد. همان کلمه را بکار ببرید و ببینید جمله معنی دارد.

ه) گذر از کلمه ناآشنا:

از کلمه ناآشنا بگذرید و به دنبال سرنخ ها بروید. اگر همان کلمه در جمله بعدی تکرار شود جمله دوم را با جمله اول مقایسه کنید. چه کلمه ای ممکن است در هر دو جمله معنی داشته باشد؟

ی) استفاده از دانش پیشین:

در مورد آنچه که در مورد موضوع کتاب, پاراگراف یا جمله می دانید فکر کنید. و به دانش قبلی خود در مورد همان موضوع رجوع کنید. این تکنیک به ویژه در مورد متن هایی که اطلاعات علمی و ... را از مجلات و کتابها و ... ارایه می کنند می تواند مفید واقع شود.

جمله واره های موصولی (relative clauses) در زبان انگلیسی

Relative pronouns and relative clauses in English

جمله واره موصولی یا ضمائر موصولی در زبان انگلیسی و کاربرد آنها (Relative Pronouns)

ضمائر موصولی، (ضمایری هستند که دارای **wh** می باشند و در بین دو جمله یا وسط جمله به کار می روند) بعنوان معرف جمله واره های موصولی استفاده می شوند. رایج ترین ضمائر موصولی عبارتند از:

ضمیر موصولی	کاربرد ضمیر موصولی
who	ضمیر موصولی فاعلی برای انسان
whom	ضمیر موصولی مفعولی برای انسان
which	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی برای غیر انسان
what	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی بدون مرجع صریح
whose	ضمیر موصولی ملکی برای بیان حالت ملکی در انسان و گاهی غیر انسان
that	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی برای انسان و غیر انسان
of which	ضمیر موصولی ملکی برای بیان تعلق و اختصاص در غیر انسان

نکته ۱: نوع ضمیر موصولی که ما استفاده می کنیم به اسمی که به آن اشاره دارد و نوع جمله واره موصولی بستگی دارد.

نکته ۲: ضمائر موصولی در زبان فارسی بصورت " که " معنی می شود.

نکته ۳: به جمله هایی که با ضمائر موصولی شروع شود جملات موصولی می گویند.

نکته ۴: ضمیر موصولی مانند دیگر ضمائر در زبان انگلیسی اسم یا ضمیر قبل از خود را شرح می دهند.

در مثال هایی که در ادامه می آید در زیر اسم هایی که ضمائر موصولی به آنها اشاره دارند خط کشیده شده است.

ضمیر موصولی: who

ادامه جمله + who + اسم انسان

از ضمیر موصولی **who** برای اشاره به انسان و گاهی اوقات برای اشاره به حیوانات خانگی استفاده می کنیم. از این ضمیر موصولی برای تعریف جمله‌واره موصولی تعریف کننده یا جمله‌واره موصولی غیر تعریف کننده استفاده می گردد.

- I think there'd be a lot of children **who'd** love to have a climbing wall in school. (تعریف کننده)
- That's the dog **who** doesn't like me. (تعریف کننده: اشاره به یک حیوان خانگی)
- There's this guy at work, **who's** one of my friends, well he's never been on a train. (غیر تعریف کننده)

کاربرد who بعنوان فاعل و مفعول:

ما می توانیم از **who** بعنوان فاعل یا مفعول یک جمله‌واره موصولی استفاده کنیم.

- She's going out with a bloke **who's** in the army.
"او با یک مرد **که** در ارتش است بیرون می رود".
 - The woman **who** I saw yesterday was Sheila .
"زنی **که** دیروز من دیدم شیلا بود"
- در مثال اول **who** به **bloke** که فاعل جمله‌واره موصولی است، اشاره دارد .
- در مثال دوم **who** به **the woman** که مفعول فعل (saw) در جمله‌واره موصولی است، اشاره دارد.

حرف اضافه + who

از ضمیر موصولی **who** می‌توانیم بعنوان یک متمم حرف اضافه استفاده کنیم.

- It was Cath **who** Ian gave the keys **to**. It wasn't me.

"آن کیث بود که یان کلید ها را به او داد. من نبودم."

در این مثال **who** به **Cath** اشاره دارد و متمم ضمیر **to** می‌باشد.

نکته: در این ساختار حرف اضافه در انتهای جمله وارۀ موصولی واقع می‌شود و بلافاصله قبل از ضمیر موصولی **who** قرار نمی‌گیرد.

- Of all my friends, she's the one **who** I know I can rely **on**. (درست)
- Of all my friends, she's the one **on who** I know I can rely. (نادرست)

کاربرد **who** همراه با گروه های جمعی افراد:

ما اغلب **who** را برای اسامی جمعی انسان استفاده می‌کنیم، مانند:

team	brigade	police	panel	group	government	committee
تیم	تیپ، جوخه	پلیس	گروه	گروه	دولت	کمیته

- Nicola phoned the fire brigade, **who** then alerted the police and social workers.

"نیکولا به گروه آتش نشانی تلفن کرد، کسانی که پلیس و مددکاران اجتماعی را آگاه کردند."

نکته: از **who** برای اشیاء استفاده نمی‌کنیم.

مثال:

- There are some very good art books **which** you can get ideas from. (درست)
- There are some very good art books **who** you can get ideas from. (نادرست).

ضمیر موصولی: whom

ادامه جمله + فاعل + whom + اسم انسان

از **whom** در انگلیسی رسمی یا نوشتاری و فقط زمانی که **whom** به شخصی که مفعول جمله است اشاره دارد، استفاده می‌کنیم. در واقع استفاده از **whom** در نوشتار انگلیسی رایج تر از گفتار انگلیسی است.

- **The man whom you met yesterday is coming to dinner.**

"مردی را **که** دیروز ملاقات کردید برای شام می‌آید."

در این جمله **whom** اشاره به **the man** دارد که مفعول برای فعل جمله یعنی **met** می‌باشد.

حرف اضافه + **whom**

رایج‌ترین کاربرد **whom**، استفاده از آن با حرف اضافه است. ما می‌توانیم **whom** را بعنوان متمم یک حرف اضافه استفاده کنیم.

- **Drama in schools is particularly good for pupils for whom English is a second language.**

"نمایش درام در مدرسه بویژه برای دانش‌آموزان **که** زبان دوم آنها زبان انگلیسی است، مناسب است."

نکته: حرف اضافه باید قبل از **whom** واقع شود.

ضمیر موصولی **whose**

: **whose**

حالت مالکیت

ما معمولاً از ضمیر موصولی **whose** برای اشاره به مالکیت افراد یا حیوانات استفاده می‌کنیم. از **whose** قبل از اسم و به جای عبارات ملکی نظیر: (**my, your, his, her, its, our, their**) استفاده می‌کنیم.

- **He's marrying a girl whose family don't seem to like him.**

"خانواده دختری **که** او در حال ازدواج است بنظر می‌رسد او را دوست ندارند."

حرف اضافه + **whose**

از ساختار {اسم + **whose**} می‌توان بعنوان متمم حرف اضافه استفاده کرد.

- **Kate, whose sister I used to share a house with, has gone to work in Australia.**

"کیت، خواهر کسی **که** من یک خانه را با او سهیم بودم، برای کار به استرالیا رفته است."

در این ساختار ما می‌توانیم حرف اضافه را بلافاصله قبل از ضمیر موصولی (در سبک نوشتاری رسمی) یا در انتهای جمله‌واره موصولی (در انگلیسی غیررسمی) قرار دهیم.

ضمیر موصولی which

ادامه جمله + which + اسم غیر انسان

از **which** در جمله‌واره‌هایی که به اشیاء یا حیوانات اشاره دارند، استفاده می‌شود. ما از این ضمیر موصولی برای معرفی جمله‌واره‌های موصولی تعریف‌کننده یا غیر تعریف‌کننده استفاده می‌کنیم. برای معرفی جمله‌واره‌های موصولی وقتی که اشاره به کل جمله یا جمله‌واره دارند، همیشه از **which** استفاده می‌کنیم.

- You need to tick the box **which** says yes.
"شما باید جعبه‌ای را **که** می‌گوید بله تیک بزنید."
- He won't have much time to prepare for the meeting, **which** is this afternoon.
- She had to get up and walk all the way to the other side of the room, **which** isn't easy with a bad back.
"او مجبور بود بیدار شود و تمام راه را به طرف دیگر اتاق قدم بزند، **که** با ستون فقراتِ معیوب آسان نیست."

در مثال اول ضمیر موصولی یک جمله‌واره تعریف‌کننده و در مثال دوم ضمیر موصولی یک جمله‌واره غیر تعریف‌کننده را معرفی می‌کند. در مثال سوم، **which** به کل جمله که قبل از خودش واقع شده، اشاره دارد.

نکته: به جای **which** می‌توان از **that** استفاده کرد اما از **what** نمی‌توان استفاده کرد.

- Another activity **which/that** I have chosen is photography. (نادرست)
- Another activity **what** I have chosen is photography. (درست)

کاربرد which بعنوان فاعل و مفعول

از **which** می توان به عنوان فاعل و مفعول برای جمله‌واره موصولی استفاده کرد.

- The new sports complex, **which** will be built on the site of the old power station, will provide facilities for cricket, soccer, bowls and badminton.
"مجتمع ورزشی جدید **که** در محل نیروگاه قدیمی ساخته خواهد شد امکانات کریکت، فوتبال، بولینگ و بدمینتون را فراهم خواهد کرد."

- It was the same picture **which** I saw at the National Gallery.
"این همان تصویری است **که** من در گالری ملی دیدم."

در مثال اول **which** به **the new sports complex** اشاره دارد که فاعل برای فعل **will be built** در جمله‌واره موصولی می‌باشد.

در مثال دوم **which** به **the same picture** اشاره دارد که مفعول برای فعل **saw** در جمله‌واره موصولی است، اشاره دارد.

حرف اضافه + which

از **which** می توان بعنوان متمم حرف اضافه استفاده کرد.

- Early in the Autumn Term there is a reception **at which** you can meet current staff and students.
"در اوایل دوره پاییز، پذیرایی وجود دارد **که** می توانید کارمندان و دانش آموزان فعلی را ملاقات کنید."
- Close by, in the churchyard, is the famous Rudston stone, **from which** the village takes its name.

"در نزدیکی کلبه، سنگ مشهور رودستون است **که** روستا نام خود را از آن می گیرد."

در مثال اول **which** اشاره به **a reception** دارد و متمم حرف اضافه **at** می‌باشد.

در مثال دوم **which** اشاره به **the famous Rudston stone** دارد و متمم حرف اضافه **from** است.

در این ساختار ما می توانیم حرف اضافه را بلافاصله قبل از ضمیر موصولی (در سبک نوشتاری رسمی) یا در انتهای جمله‌واره موصولی (در انگلیسی غیررسمی) قرار دهیم.

کاربرد which بعنوان اشاره کننده به کل یک جمله

جمله‌واره‌های موصولی که اشاره به کل جمله دارند همیشه با which معرفی می‌شوند.

- There's going to be a new headteacher in September, **which** is good. It's time for a change.

"در سپتامبر یک مدیر جدید خواهد بود، **که** خوب است. زمان تغییر است."

ضمیر موصولی that

از **that** به جای **who** یا **whom** یا **which** در جمله‌واره‌های موصولی که به افراد، حیوانات و اشیاء اشاره دارند، استفاده می‌کنیم. ضمیر موصولی **that** فقط برای معرفی جمله‌واره‌های تعریف‌کننده، استفاده می‌شود. **That** بسیار رسمی‌تر از **who**، **whom** و **which** است.

- We met somebody last night **that** did the speech therapy course two years after you. (انسان)

"ما شب گذشته شخصی را ملاقات کردیم **که** دو سال بعد از شما دوره گفتار درمانی را انجام داده است."

- The 8.30 is the train **that** you need to get. (شیء)

"قطار ۸،۳۰ است **که** شما باید آن را بگیرید."

- She blamed herself for everything **that** had happened.

"او خود را برای آنچه **که** اتفاق افتاده بود سرزنش کرد."

کاربرد that بعنوان فاعل و مفعول

That می‌تواند بعنوان فاعل و مفعول یک جمله‌واره موصولی استفاده شود.

- Don't take money **that** doesn't belong to you.

"پولی را **که** به شما تعلق ندارد، نگیرید."

- It's the same cooker **that** my mother has.

"این همان اجاق گاز است **که** مادر من دارد."

در مثال اول، **that** اشاره به **money** دارد که وابسته به فاعل جمله‌واره موصولی است.

در مثال دوم، **that** اشاره به **the same cooker** دارد که مفعول برای فعل **has** در جمله واره موصولی می باشد.

حرف اضافه + **that**

ضمیر موصولی **that** می تواند به متمم حرف اضافه اشاره کند.

- We've got some tennis balls **that** you can play with.
 "ما چند توپ تنیس داریم **که** می توانید با آن بازی کنید."
 در این مثال، **that** به **some tennis balls** که متمم حرف اضافه **with** است، اشاره دارد.
- توجه: بر خلاف **whom**، **which** و **whose** بلافاصله قبل از **that** از حرف اضافه استفاده نمی گردد. جمله زیر نادرست است:

- We've got some tennis balls **with that** you can play. (سپس)
 نکته: عبارت **in that** به معنای **because** و عبارت **with that** به معنای **then** می باشند.
- I was fortunate **in that** I had good friends.
 "من خوش شانس بودم **زیرا** دوستان خوبی داشتم."
- She turned off the light and **with that** she flounced out of the room.
 "او چراغ را خاموش کرد و **سپس** از اتاق خارج شد."

نکته: بعد از کلمات زیر و صفات عالی و اعداد ترتیبی، **that** به کار برده می شود.

anybody	anything	all	anyone	anybody	anywhere
somebody	something	nothing	nowhere	nobody	only

هر چیزی را که او پس انداز کرد، از دست رفت.	Anything that he saved was lost.
هر جا که می روم، چهره آرام او را به خاطر می آورم.	Everywhere that I go remember his gentle face.

<u>سومین</u> تصادفی بود <u>که</u> دیروز دیدم.	It was the <u>third</u> accident <u>that</u> I saw yesterday.
او <u>بلندقد ترین</u> مردی بود <u>که</u> تا آن وقت دیده بودم.	He was the <u>tallest</u> man <u>that</u> I had ever seen.
آن <u>تنها</u> چیزی بود <u>که</u> ارزش دیدنش را داشت.	It was the <u>only</u> thing <u>that</u> was worth seeing.
<u>همه</u> کتاب هایی را <u>که</u> خوانده ام متعلق به کتابخانه او است.	<u>All</u> the books <u>that</u> I have read belong to his library.

حذف ضمیر موصولی

در سبک غیررسمی انگلیسی، معمولاً ضمیر موصولی حذف می‌شود. حذف ضمیر موصولی فقط در جمله‌واره‌های موصولی تعریف‌کننده و زمانی که ضمیر موصولی به مفعول جمله‌واره اشاره دارد. انجام می‌شود.

- German is a language which I've found hard to learn.
"آلمانی زبانی است که من آن را برای یادگیری سخت یافتم."
- German is a language I've found hard to learn.
"آلمانی زبانی است که من آن را برای یادگیری سخت یافتم."

هر دو جمله صحیح هستند؛ زیرا **which** مفعول جمله‌واره موصولی تعریف‌کننده است و به درستی در جمله دوم حذف شده است.

- She's the singer who I heard on the radio.
"او خواننده ای است که در رادیو شنیده ام."
- She's the singer I heard on the radio.
هر دو جمله صحیح هستند؛ زیرا **who** مفعول جمله‌واره موصولی تعریف‌کننده است و به درستی در جمله دوم حذف شده است.

- There's a hill **which** begins three miles after the start of the race.
"یک تپه وجود دارد **که** سه مایل بعد از شروع مسابقه آغاز می شود."
- There's a hill begins three miles after the start of the race.
جمله دوم **نادرست** است؛ زیرا **which** فاعل جمله‌واره موصولی توصیف‌کننده است.
- Sir James, **whose** birthday is on February 26, plans to lay on a big party.
"سر جیمز، روز تولدش در ۲۶ فوریه، قصد دارد در یک مهمانی بزرگ باشد."
- Sir James, birthday is on February 26, plans to lay on a big party.
جمله دوم **نادرست** است؛ زیرا جمله‌واره موصولی بعد از **whose** غیر تعریف‌کننده است.

حذف ضمائر موصولی در ساختار (حرف اضافه + ضمیر موصولی):

- زمانیکه ضمیر موصولی بعنوان یک متمم حرف اضافه در جمله‌واره موصولی تعریف‌کننده باشد، می‌توان آن را حذف کرد. در این حالت حرف اضافه پس از حذف ضمیر موصولی، در انتهای جمله‌واره موصولی قرار می‌گیرد.
- She was at the garden party **which** I was telling you **about**.
"او در مهمانی باغ بود **که** من در مورد آن به شما گفتم."
 - She was at the garden party **about which** I was telling you.
 - She was at the garden party I was telling you **about**.
در جمله پایانی ضمیر موصولی **which** به درستی حذف شده و حرف اضافه **about** در انتهای جمله‌واره موصولی واقع شده است.

ضمائر موصولی **when**، **where** و **why**

- در انگلیسی غیررسمی برای معرفی جمله‌واره موصولی به جای **which**، **at**، **on** و **for** **when**، **where** و **why** استفاده می‌شود.

Where (مکان‌ها)

- I know a restaurant **where** the food is excellent.
(... a restaurant at which the food is excellent)

When (زمان ها)

- There isn't a day **when** I don't feel rushed off my feet.
(... a day on which I don't feel rushed ...)

Why (دلایل)

- Do you know the reason **why** the shop is closed today?
(... the reason for which the shop is closed ...)

خطاهای رایج در استفاده از ضمائر موصولی

خطای (۱) نمی‌توانیم از **that** به جای **who**، **whom** و **which** در جمله‌واره موصولی غیر تعریف کننده استفاده کنیم.

- It gives me a good chance to improve my Italian, **which** has become a little bit rusty.
(درست)
It gives me a good chance to improve my Italian **that** has become a little bit rusty.
(نادرست)

خطای (۲) نمی‌توانیم از **what** بعنوان ضمیر موصولی استفاده کنیم.

- So, he can make himself easily understood in the two languages, **which** helps a lot.
(درست)
So, he can make himself easily understood in the two languages, **what** helps a lot.
(نادرست)

خطای (۳) برای اشیاء از **who** استفاده نمی‌کنیم.

- She's written some great cookery books **which** have got pictures of delicious-looking recipes. (درست)
She's written some great cookery books **who** have got pictures of delicious-looking recipes. (نادرست)

حذفیات جمله واره های موصولی در کنکور سراسری

در بیشتر موارد می‌توان جمله واره های توصیفی **Adjective clause** را کوتاه کرده و از عبارت توصیفی **Adjective phrase** استفاده کرد. جمله واره های توصیفی ممکن است یکی از روشهای زیر به عبارت توصیفی تبدیل شوند.

مهم و حیاتی

(۱) چنان چه فعل جمله واره توصیفی به زمان حال استمراری یا گذشته استمراری باشد. می‌توان ضمیر موصولی و فعل کمکی بعد از آن (**am, is, are, was, were**) را باهم از جمله حذف کرد.

- Do you know the woman **who is sitting** in the car?
Do you know the woman **sitting** in the car?
- The taxi **which was taking** us to the airport broke down.
The taxi **taking** us to the airport broke down.

(۲) چنان چه فعل جمله واره ی توصیفی به زمان حال ساده یا گذشته ساده باشد. می‌توان ضمیر موصولی را حذف کرد و فعل جمله را به شکل **-ing** دار (وجه وصفی معلوم) بیان کرد.

- All over the world there are people **who pollute** the environment.
- All over the world there are people **polluting** the environment.

- Life must be very difficult for people who live near airports.
Life must be very difficult for people living near airports.
- People who lived in the past had their own problem.
People living in the past had their own problem.

(۳) چنان چه جمله واره ی توصیفی ساختار مجهول داشته باشد می توان ضمیر موصولی و فعل کمکی بعد از آن (**am , is , are , was , were**) را با هم از جمله حذف کرد. بدیهی است در این صورت عبارت توصیفی معنی مجهول دارد.

- The boy who was injured in the accident was taken to the hospital.
The boy injured in the accident was taken to the hospital.
- The cars that are produced in this factory are very expensive.
The cars produced in this factory are very expensive.
- Some of the people who have been invited to the party can not come.
Some of the people invited to the party can not come.

تست گرامری کنکوری

- The psychologiststhe nature of sleep has made important discoveries.
a) studying b) study c) to study d) be syuding
- The childrenthat school receive a good education.
a) attend b) attended c) attending d) are attending
- The experiment at the University of Tehran was successful.
a) conducted b) conducting c) which conducted d) to conduct

4. The children painting won a prize were given 10 pounds each.
a) who b) that c) what d) whose
5. Voters are faced with a lot of parties to choose.
a) of which b) of them c) from them d) from which
6. Somebody jack phoned while you were out.
a) named b) naming c) being named d) which named
7. At the conference there were several writers the most famous was Paul Theroux.
a) of whom b) of those c) from them d) writer of whom
8. The tulip tree is native to the eastern United States the tallest and largest broadleaf tree.
a) where b) where it is c) it is where d) is where
9. The writer has written this interesting story is very famous.
a) whose b) whom c) which d) who
10. The mechanic is repairing the car is his friend.
a) Whose b) whom c) who d) which
11. I don't like people lose their tempers easily.
a) whom b) who c) whose d) which
12. The man telephoned you lives in this house.
a) whose b) whom c) who d) which
13. The lady I expected hasn't come in yet.
a) whose b) which c) whom d) what
14. The man They employed has blue eyes.
a) Whose b) which c) where d) whom

15. The car was talking us to the airport broke down.
a) Which b) who c) whose d) whom
16. The ladder on I was standing began to slip.
a) Whose b) where c) which d) that
17. The cars were fixed yesterday are over there.
a) Which b) who c) where d) whom
18. The letter he has written is in his room.
a) Who b) whom c) which d) whose
19. The children painting prize were given ten pounds each.
a) Who b) that c) what d) whose
20. The writer works are always admired by people all over the world is William Shakespeare.
a) Whose b) whom c) which d d) who
21. Amin father works in this department store is in our class.
a) That b) which c) whose d) whom
22. The man over there name I don't remember is an artist.
a) Who b) whose c) whom d) that
23. The boys football are my friends.
a) Play b) playing c) plays d) are playing
24. The man in the accident was taken to hospital.
a) Who injured b) injured c) whom injured d) that injured

1-a	2-c	3-a	4-d	5-d	6-a	7-b	8-b
9-d	10-c	11-b	12-c	13-c	14-d	15-a	16-c
17-a	18-c	19-d	20-a	21-c	22-b	23-b	24-b

شرطی نوع دوم (Conditional #2)

شرطی نوع دو **Second Conditional Phares** به موقعیتی بعید یا فرضی و نتایج احتمالی اش اشاره دارد. این جملات بر پایه موقعیت واقعی نیستند. موقعیت های غیر واقعی، موقعیت هایی تلقی می شوند که صرفاً در واقعیت اتفاق نیفتاده و در فضای ذهن و یا فانتزی وجود دارند.

برای درک عمیق تر زمان های غیر واقعی به این مثال توجه کنید: اگر درس خوانده بودم، الان امتحان ام را قبول شده بودم. در مثال ذکر شده، می گوئیم 'اگر درس خوانده بودم'، یعنی این فقط یک فانتزی است فقط در ذهن جای دارد و واقعیت این است که درس نخوانده ام، و امتحان رو رد شده ام، از این رو، به این موارد در زبان انگلیسی **غیر واقعی** می گوئیم. در جملات شرطی نوع دو، زمان ممکن است الان یا هر زمان دیگری باشد و موقعیت فرضی است.

یک جمله شرطی از دو بند تشکیل می شود؛

بند شرطی یا **If Clause** و بند نتیجه یا **Main Clause**

ترتیب قرار گرفتن این دو بند به شکل زیر است:

if	گذشته ساده	would('d) would not (wouldn't)	مصدر بدون to
if	I had more money, I	would ('d)	buy a new car.
if	you lived in England, you	would ('d)	Soon learn English.

در این نوع جمله شرطی قسمت "**if clause**" گذشته ساده و نتیجه شرط در گذشته می باشد. اما نکته در اینجاست که، با اینکه جمله دارای فرم گذشته است ولی مفهوم آن در زمان حال می باشد و گوینده زمانی از این نوع جمله شرطی استفاده میکند که اول جمله "**if clause**" قابل اجرا نباشد.

- **If** we went by bus, it would be cheaper.

"اگر با اتوبوس میرفتم، ارزان تر می شد."

همان طور که از معنای جمله مشخص است، گوینده منظورش زمان حال است اما افعال جمله در زمان گذشته می باشند.

- **If** I had his number, I would call him.

"اگر شماره اش رو داشتم، با او تماس میگرفتم. (یعنی شماره او را ندارم، پس نمیتوانم با او تماس بگیرم)."

- **If** I **found** her address, I **would** send her an invitation.
"اگر آدرسش رو پیدا کردم، براش دعوتنامه می فرستم (احتمال پیدا شدن آدرس بسیار کم است)."
 - **If** he **inherited** a billion dollars, he **would** travel to the moon.
اگر یک میلیارد دلار بهش ارث میرسید، به کره ی ماه سفر می کرد (احتمال ارث یک میلیارد دلاری صفر است).
- همانطور که در مثال های بالا مشاهده می شود، زمان گذشته ی ساده (**Past Simple**) در عبارت شرط به کار گرفته شد، در حالی که عبارت پیامد از **"would"** و یک فعل ساده استفاده کرد.

If + Past Simple, Would + Simple verb

نکته اول: در شرطی نوع دوم این است که شما نباید در عبارت شرط **was** را به کار بگیرید. لذا پس از **He, She, It, I,** و دیگر فاعل های سوم شخص مفرد، به جای **was** از **were** استفاده می شود:

- **If** I **were** you, I **would** save my money.
"اگر جای تو بودم، پول هامو جمع میکردم."
- **If** I **were** you, I **wouldn't** be rude to the boss.

نکته ی دوم: استفاده از دیگر افعال مودال (**Modal**) در جمله ی پیامد است.
شما می توانید از افعال **could** و **might** نیز به جای فعل **would** استفاده کنید.
(**Should, May** و **Must** نیز کم و بیش کاربرد دارند):

- **If** Jack **studied** more, he **might** pass the exam.
- **If** I **won** a million pounds, I **could** stop working.

در آخر: جملات شرطی نوع دوم برای **مودبانه** صحبت کردن نیز به کار میروند:

- **If** you **wanted**, I **could** help you study.
"اگر خواستی، میتونم تو درس خوندن کمکت کنم."
- **If** you **wouldn't** mind, I **could** use some help.
"اگه ایرادی نداره، یه خورده کمک لازم دارم."

نحوه نوشتن و درک یک پاراگراف انگلیسی

اگر تا به حال به متن کتابها و مقاله ها دقت کرده باشید، دیده اید که متن ها به صورت کامل و باهم نیامده اند بلکه یک متن به تکه های مختلفی تقسیم شده است. هر کدام از این بخش ها با یک فاصله ایی از بخش قبلی خود جدا شده اند. ما به هر کدام از این بخش ها و دسته های نوشته، **پاراگراف** می گوییم. خواندن نوشته ایی که پاراگراف بندی نشده خسته کننده است. اما این پاراگراف بندی تنها جنبه زیبایی ندارد. بلکه هر پاراگراف در واقع **ایده خاص** یا **کمی متفاوت** از پاراگراف قبلی خود را بیان می کند. پس در واقع پاراگراف بندی یک نوشته از **ساختار خاصی** پیروی می کند. که در جلسه امروز قرار است با هم درباره آن صحبت کنیم.

چرا ما نیاز داریم با ساختار یک پاراگراف آشنا شویم؟

بلد بودن ساختار یک پاراگراف هم به عنوان یک خواننده، هم به عنوان یک نویسنده و هم برای حل سوالات درک مطلب امتحانات مختلف دبیرستانی و دانشگاهی و .. بسیار مفید است. به عنوان یک نویسنده از آن نظر مفید است که به شما کمک می کند راحت تر و حرفه ایی تر افکار و اطلاعات تان را سازماندهی کنید. پاراگراف بندی خوب متن شما را زیباتر، ساده تر و برای خواننده قابل فهم تر می کند. اکثر آزمون های زبان در مدارس، دانشگاه ها و ... داری بخشی هستند به عنوان **درک مطلب**. در این بخش سوالات زیادی درباره جمله موضوعی، عنوان مناسب برای این پاراگراف، ایده اصلی نویسنده و ... می پرسند. اگر با ساختار یک پاراگراف آشنا باشید، پاسخویی به این سوالات برای شما بسیار ساده تر خواهد شد. از آنجایی که اکثر داوطلبان به این سوالات پاسخ نمی دهند، پاسخ صحیح شما می تواند برایتان بسیار امتیاز آور شود.

پاراگراف چیست؟

هر متن یا مقاله از حداقل یک یا چند **پاراگراف** تشکیل می شود. پاراگراف واحد تشکیل دهنده یک متن است. پاراگراف ها گروهی از جملات هستند که در کنار هم **ایده خاصی** را بیان می کنند. ایده اصلی معمولاً در جمله موضوعی (**topic sentence**) آن بیان می شود. و بقیه جملات پاراگراف به شرح، بسط و تقویت جمله موضوعی می پردازند.

ظاهر یک پاراگراف

اول هر پاراگراف باید کمی از حاشیه اصلی فاصله داشته باشد (در زبان انگلیسی به این فاصله Indentation می گویند). به این ترتیب خواننده متوجه می شود ایده جدیدی مطرح شده یا جنبه کمی متفاوت تر موضوع قرار است مورد بحث قرار گیرد.

نکته: هنگام ترجمه یک متن بسیار دقت داشته باشید که مترجم موظف است دقیقا چیدمان پاراگرافبندی نویسنده را حفظ کند و در این زمینه باید کاملا تابع نویسنده باشد.

طول یک پاراگراف

یک پاراگراف ممکن است بسیار طولانی و یا بسیار کوتاه باشد. اما اکثر پاراگراف ها معمولا از بیش از سه جمله تشکیل می شوند. و حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلمه دارند.

سه بخش مهم برای نوشتن پاراگراف عالی

ساختاری که کتاب های آيلتس برای یک پاراگراف بدنه پیشنهاد می کنند به این صورت است.

- جمله موضوع Topic Sentence
- جملات پشتیبان Supporting Sentences
- جمله پایانی Concluding sentence

جمله موضوع (Topic sentence)

به مهمترین ایده پاراگراف که در قابل یک جمله بیان می شود جمله موضوع می گوید. جمله موضوع در واقع هسته اصلی پاراگراف است. این جمله ممکن است در اول پاراگراف بیاید. ممکن است در وسط پاراگراف (به عنوان پیوند بین دو مبحث) مطرح شود. و یا ممکن است (به عنوان نتیجه گیری) در آخر پاراگراف بیان شود اما متداول ترین و بهترین مکان آن در اول پاراگراف است. وقتی اولین جمله پاراگراف جمله موضعی باشد، هم شما راحتتر پاراگراف خود را بسط می دهید و هم خواننده راحتتر مبحث را متوجه می شود.

چگونه یک متن را براساس پاراگراف ها بنویسیم؟

اجازه دهید این موضوع را با یک مثال برای شما شرح دهیم. فرض کنید می خواهید در مورد موضوع فوتبال مطلبی بنویسد.

Topic یا موضوع کلی متن شما می شود “فوتبال”.

حال فکر کنید می خواهید درباره کدام جنبه های فوتبال صحبت کنید؟

- تاریخ فوتبال

- مقایسه آن با دیگر ورزش ها

- قوانین آن

- بزرگترین فوتبالیستهای جهان و...

هرکدام از این جنبه های مختلف یک عنوان فرعی و یک یا چند پاراگراف را به خود اختصاص می دهند. ابتدا اصل مطلب را در اولین جمله پاراگراف تان بنویسید سپس شروع به شرح دادن آن کنید.

جزئیات بیشتر را اضافه نمایید و یا به آن **شاخ و برگ** دهید. البته باید دقت کنید تمام این موارد را باید فقط حول و حوش جمله اصلی بیان کنید. پس با توجه به این توضیحات راحتترین راه این است که قبل از شروع مقاله و یا متن خود **یک طرح کلی** از آن داشته باشید و تصمیم بگیرید درباره کدام جنبه های موضوع قرار است صحبت کنید.

حتی قبل از شروع شرح پاراگراف ها بهتر است **چیدمان موضوع** را نیز مشخص کنید. یعنی بدانید کدام جنبه و موضوع فرعی اول بیاید، کدام دوم و ...

و تصمیم بگیرید به هر کدام چقدر قرار است شاخ و برگ دهید. یعنی کلمات و جملات کلیدی هر پاراگراف یا عنوان فرعی را از قبل مشخص کنید.

۱) فوتبال اولین بار در کجا و چه زمانی بازی شد.

۲) این ورزش چگونه به کشورهای دیگر راه یافت.

۳) به مرور زمان چه تغییراتی در نحوه بازی آن رخ داد.

۴) تفاوت این ورزش با دیگر ورزش ها در چیست.

جملات حمایت کننده (supporting sentence)

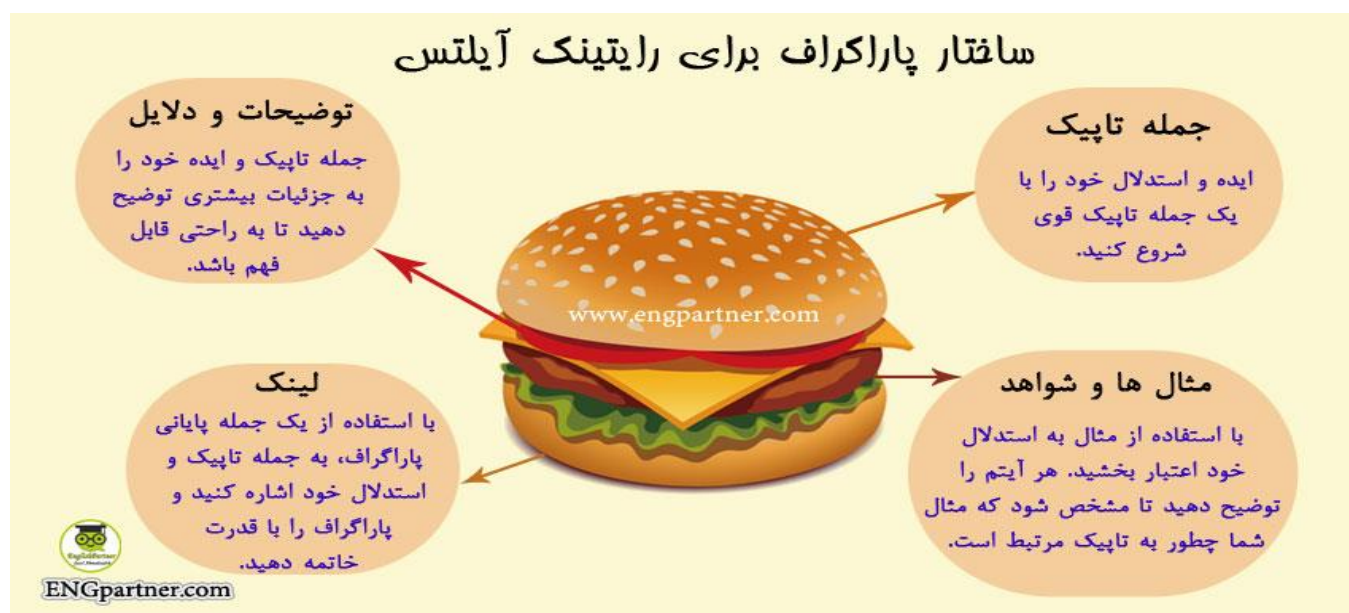
علاوه بر جمله موضوعی (**topic sentence**)، یک پاراگراف از جملات دیگری هم تشکیل می شود. این جملات به بسط و شرح جمله موضوعی می پردازند. به این جملات **supporting sentence** می گویند.

جملات ساپورت به توضیح و تکمیل جمله موضوع یا **Topic Sentence** می پردازند. به طور مشخص، این جملات (**Supporting Sentences**) با استفاده از **دلایل Reasons**، **مثال ها Examples**، **واقعیت ها Facts**، **نتایج Results**، **آمار Statistics** یا هر چیز دیگری که نشان دهد شما درست است به توضیح و بحث درباره جمله تاپیک می پردازند.

یک پاراگراف همیشه یک **topic sentence** دارد اما تعداد **supporting sentence** ها معمولاً بیش از دو جمله است. غیر از **topic sentence**، همه جملات دیگر یک پاراگراف **supporting sentence** هستند.

بخش سوم جمله نتیجه گیری (Concluding Sentence): (اختیاری)

یک جمله نتیجه در پاراگراف می تواند برای پایان دادن به پاراگراف رایتینگ استفاده شود. این جمله به خواننده نکات مهم را یادآوری می کند. این جمله در واقع پارافریز Paraphrase جمله موضوع یا Topic Sentence است. جملات نتیجه گیری اختیاری هستند و در بیشتر مواقع پاراگراف ها فاقد جملات نتیجه گیری هستند.



مثال برای موارد فوق الذکر:

Studying abroad (topic) has two main benefits (controlling idea).

ترجمه فارسی : تحصیل در خارج دو فایده دارد.

به عنوان مثال به جملات پشتیبان زیر که درباره تاپیک درس خواندن در خارج Studying Abroad می پردازند دقت کنید:

People get a better job when they return home (اولین ایده جمله پشتیبان)

- Better qualifications and experience mean better pay and promotion. (دلیل)
- Now has a high standard of living (نتیجه)

Students gain independence (دومین ایده جمله پشتیبان)

- Students have to cope with the challenges of living alone and meeting new people from different cultures. (مثال)
- Students will become more confident in their life and relationships (نتیجه)

حالا با خواندن مطالب بالا درباره نحوه نوشتن پاراگراف ، پاراگراف عالی زیر در رابطه با Studying Abroad را بخوانید و نکات ذکر شده را تمرین کنید:

Studying Abroad

Studying abroad has two main benefits. Firstly, people who study abroad can get a better job when they return to their home country. This is because their qualifications and experience mean that they tend to get jobs that are higher paid, and they can also gain promotion quickly. Another advantage of studying abroad is the independence students can gain. For example, students have to cope with the challenges of living alone and meeting new people from different cultures. As a consequence, they will become more confident in their life and in their relationships with others. All in all, it is clear that studying abroad is a beneficial experience.

ترجمه فارسی موضوع در رابطه با تحصیل در خارج:

تحصیل در خارج دو فایده دارد. اول، افرادی که در خارج تحصیل می کنند هنگام برگشت به کشور خودشان می توانند شغل بهتری بدست آورند. به این خاطر که مدارک و تجربیات آنها به معنی شغل پر درآمد تر و ترفیع سریع شغلی است. فایده دیگر تحصیل در خارج استقلال دانشجویان است. برای مثال، دانشجویان باید با چالش های تنها زندگی کردن و دیدن افراد جدید از فرهنگ های مختلف دست و پنجه نرم کنند. در نتیجه، دانشجویان، افراد با اعتماد به نفس بیشتری در زندگی و روابط با دیگران می شوند. در کل، مشخص است که تحصیل در خارج تجربه ی مفیدی است.

زبان دوازدهم

درس سوم

Renewable energy

Interesting Facts:

- The first wind machine was used in ancient Persia around 300 BC¹.
- One wind turbine can produce enough electricity to power 300 homes.
- Renewable energy sources create three times more jobs than fossil fuels.
- Albert Einstein² won the Nobel Prize in 1921 for his experiments with solar power.

واژگان و نکات گرامری درس سوم پایه دوازدهم

Part 1 Get ready & conversation

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
نخ، ریسمان، رشته	String	دستگاه تهویه مطبوع	Air conditioner
نور خورشید، تابش آفتاب	Sunlight	وزیدن	Blow
تابش آفتاب، نور آفتاب	sunshine	تبدیل کردن	Convert
قبل از میلاد مسیح	B.C.	خنک، خونسرد، آرام ماندن	Cool
اشکالی نداشتن، ایرادی نداشتن	Be ok with sb	سوخت	Fuel
مسیح	Christ	گرم، حرارت، گرم کردن	Heat
الکتریکی، برقی	Electrical	نیروگاه آبی	Hydropower
انرژی، نیرو	Energy	جنبشی، وابسته به حرکت	Kinetic
پنکه	Fan	دوام داشتن، ادامه یافتن	last
فسیل	Fossil	قدرت، نیرو، توان، برق	Power
ال ای دی، دیود نورافشان	LED	یادآوری کردن، یاد آوردن، شدن	Remind
مکانیکی، ماشینی	Mechanical	تجدید پذیر	Renewable
مانیتور، نمایشگر	Monitor	آب جاری	Running
توربین	Turbine	شمسی، خورشیدی،	Solar
مربوط به بخش پایین (بخش دوم)		سرچشمه، منبع	Source
آلی، ارگانیک	Organic	اقدام، تدبیر، اندازه، مقیاس	Measure
قالب، تابلو	Panel	هسته ای، اتمی	Nuclear
ربات	Robot	آلوده کردن	Pollute

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. He made a few notes tohimself of what he wanted to say.
a)generate b)remind c)check d)monitor
2. I thinkenergy sources such as wind and solar power are the cheapest sources of energy available for us.
a)renewable b)fossil c)nonrenewable d)opposite
3. In classical physics,there are two types of energy:.....and potential.
a)renewable b)combinable c)kinetic d)discoverable
4. I believe that coal is one the cheapest
a)labels b)value c)turbines d)fuels
5. Sheonto her coffe to cool it down.
a)belw b)measured c)drank d)referred
6. The firstpanels were developed by Bell Laboratories in 1954 as part of the space program.
a)kinetic b)solar c)additional d)communication
7. The car will be powered by
a)string b)fan c)air conditioner d)electricity
8. The Tabans lived in a three -bedroom house. Since they needed just two bedrooms , they the extra one into an office.
a)converted b)cheked c)generated d)heated
9. The flight has been cancelled due to Failure.
a)kinetic b)renewable c)mechanical d)sociable
10. While we were sitting near the river , the sound of water could be heard like background music.
a)coming b)boling c)burning d)running

پاسخنامه تست های واژگان بخش اول

1-b	2-a	3-c	4-d	5-a	6-b	7-d	8-a	9-c	10-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 2 New words & Expression , Reading

معنی (۱)	کلمه (۱)	معنی (۲)	کلمه (۲)
عملی، کاربردی	Practical	جذب کردن، به خود کشیدن	Absorb
ضرب المثل	Proverb	قبلا، پیش از این، هم اکنون	Already
تابش، تشعشع	Radiation	پایه، اساس	Basis
رسیدن	Reach	آبگوشت، سوپ آبکی	Broth
تقلیل دادن، کم کردن	Reduce	سوخته	Burnt
سقف، بام	Roof	ویژگی، شخصیت	Character
متفاوت، مختلف، جداگانه، جدا	Separate	زغال سنگ	Coal
درخشان، پر نور، نورانی	Shiny	جمع کننده، کلکسیونر	Collector
بینایی، دید، منظره	Sight	به ایده تازه ای رسیدن، ارائه دادن	Come up with
خراب یا ضایع کردن، فاسد شدن	Spoil	مصرف کردن، خوردن، نوشیدن	Consume
موفق شدن	Succeed	همکاری کردن	Cooperate
موج، جزر و مد	Tide	نیاز، تقاضا	Demand
مصرف کردن، تحلیل بردن	Use up	ترسیدن از، ترس، بیم	Dread
تنوع، گوناگونی، نوع	Variety	محیط زیست	Environment
نمایان، قابل رویت	Visible	معادل، هم معنی	Equivalent
آیا، خواه، چه	Whether	پر	Feather
کرم	worm	تندرستی، سلامتی	Fitness
بالکن	Balcony	گله، گروه، جمعیت	Flock
شیمیایی	Chemical	برای همیشه	Forever
چینی	China	به تدریج	Gradually
فرمول	Formula	تخم گذاشتن، جوجه بیرون آمدن	Hatch
بزرگراه	Highway	هدایت کردن، راهنمایی کردن	Lead
دهان، دهانه، مدخل	Mouth	احتمال	Likelihood
تجدید ناپذیر	nonrenewable	جادو، سحر، سحر آمیز	Magic
نفت، روغن	Oil	حاشیه، کناره	Margin

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. As the weeks passed , I..... accepted the idea of him leaving.
a)magically b)separately c)verily d)gradually
2. There was very littleof her getting the job.
a)likelihood b)variety c)fitness d)service
3. She was being for her wedding dress.
a)replaced b)measured c)collected d)separated
4. A smaller means of transport will less fuel.
a)absorb b)rise c)consume d)radiate
5. Use double spacing and wideto leave room for comments.
a)formulas b)basis c)goals d)margins
6. You can improve yourby going for a daily run.
a)fitness b)services c)demand d)basis
7. The two groups are talking about a wideof topics.
a)proverb b)formula c)margin d)variety
8. She hasall the hot water.
a)come up with b)given up c)used up d)stood for
9. Both sides agreed to to prevent illegal fishing in the area.
a)cooperate b)spoil c)lead d)refer
10. The eggs take three days to
a)lie b)hatch c)flock d)burn

پاسخنامه تست های واژگان بخش دوم

1-d	2-a	3-b	4-c	5-d	6-a	7-d	8-c	9-a	10-b
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 3

grammar

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Bill	قبض، صورتحساب	Principle	مدیر مدرسه
Delivery	تحویل، تسلیم	Warn	هشدار دادن، اخطار دادن
Garbage	آشغال، زباله، حرف بی ارزش	Waste	اتلاف، آشغال، زباله
Give off	بیرون دادن، ساطع کردن	Global	جهانی
Landfill	دفن زباله و آشغال در زیر خاک	Truck	کامیون
Obey	اطاعت کردن		

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- Travelers to Africa are beingabout the danger of HIV infection.
a)appreciated b)attacked c)warned d)predicted
- You can expectin a week to ten days .
a)delinery b)principal c)landfill d)garbage
- "Sit " he said , and the dog him immediately.
a)warned b)oneyed c)flew d)belw
- You are clever enough not toyour money on that junk.
a)join b)cross c)send d)waste
- Over the past year ,her friends have noticedchanges in her behavior.
a)commercial b)renewable c)interested d)gradual
- He paid the hotelby credit card.
a)model b)truck c)bill d)cook
- The wooda sweet smell as it burned .
a)came up b)gave off c)used up d)put out
- A small school with just three teachers and a(n) is what people need in this area.
a)principal b)society c)invertor d)marker

پاسخنامه تست های واژگان بخش سوم

1-c	2-a	3-b	4-d	5-d	6-c	7-b	8-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

Part 4 Listening & speaking , pronunciation , writing ,

معنی (۲)	کلمه (۲)	معنی (۱)	کلمه (۱)
Anger	عصبانیت، خشم	Pull over	به کنار جاده رفتن و متوقف کردن
Apologize	عذرخواهی کردن	Racehorse	اسب مسابقه
Apply	درخواست دادن، به کار بستن	Require	نیاز داشتن
Client	موکل، مشتری	Revolve	چرخیدن، گردش کردن
Come over	سرزدن، دیدن کردن	Run	دویدن، اداره کردن، به کار انداختن
Component	جزء، قطعه	Stable	اسطبل
Conclude	نتیجه گیری کردن	Structure	ساختار، ساختمان، ترکیب
Consist of	تشکیل شدن از	Subject	موضوع
Cross out	خط زدن	Suitcase	چمدان
Defence	دفاع، حمایت	Supply	تدارک دیدن، فراهم کردن
Distance	مسافت، فاصله	Wave	دست تکان دادن
Document	مدرک، سند	Weigh	سنجیدن، وزن کردن، وزن داشتن
Herd	گله، گروه	Atmosphere	جو، اتمسفر
Joint	مفصل	Barbecue	کباب، سیخ و منقل
Kite	بادبادک	Futsal	فوتسال
load	بار	Hand-size	سایز دست
Miss	دلتنگ شدن، از دست دادن	Pound	پوند (واحد وزن)
namely	یعنی، بدین معنا، به عبارت دیگر	Sauce	سس
pomegranate	انار	videophone	تلفن تصویری

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

1. Exercise is one of the keyof a healthy lifestyle.
a)distances b)packs c)components d)loads
2. I was surprised to see that Alice hadher name the day before the match.
a)crossed.....out b)gave.....up c)replaced.....with d)went.....through
3. Ronaldo had injured his kneeand couldn't play football yesterday.
a)organ b)joint c)member d)ankle
4. I love all his films , but "Rashomon" is my
a)subject b)videophone c)structure d)favourite
5. Bobs older brother to four universities and was accepted by all of them
a)applied b)apologized c)loaded d)missed
6. Most houseplantsregular watering.
a)conclude b)require c)weigh d)revolve
7. The new classmate standing in the school yardat us when we were leaving school.
a)waited b)listened c)waved d)interested
8. In Britain , theof the country has historically been left to the navy.
a)defence b)document c)supply d)pound
9. Michael didn't behave properly at the meeting and laterfor his behavior.
a)waited b)missed c)required d)apologized
10. The reportthat the school should be closed immediately.
a)wasted b)cooperated c)measured d)concluded

پاسخنامه تست های واژگان بخش چهارم

1-c	2-a	3-b	4-d	5-a	6-b	7-c	8-a	9-d	10-d
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

Part 5

workbook

کلمه (۱)	معنی (۱)	کلمه (۲)	معنی (۲)
غلبه کردن، چیره شدن	Overcome	Absence	غیبت، فقدان
به برق وصل کردن	Plug	Alternative	انتخاب، جایگزین
قابل حمل، دستی	Portable	Benefit	سود، مزیت
غلت خوردن، گشتن	Roll	Community	جامعه، اجتماع
ذخیره کردن	Store	Constantly	دائماً
اجاق گاز	Stove	Deal with sth/sb	از عهده چیزی بر آمدن
سبزیجات	Veggie	Digest	هضم کردن، هضم شدن
آلومینیوم	Aluminum	Disability	ناتوانی، عجز، عدم قابلیت
باتری	Battery	Fall asleep	به خواب رفتن
شارژ کردن	Charge	Fond	علاقه مند، مشتاق، شیفته
چراغ قوه	Flashlight	Gadget	وسیله مکانیکی
بنزین	Gasoline	Hybrid	پیوندی، ترکیبی
کنترل از راه دور	Remote control	Outlet	پریز، راه خروج

تست های کنکوری مربوط به بخش فوق با کمی تغییرات

- I was always interested in studying , but I never had theof a university education .
a)benefit b)load c)unit d)economy
- That receptionist that my mother is talking is on the phone
a)gradually b)constantly c)portably d)magically
- My grandparents were facing lots of problems. Fortunately , I could help them some of their problems.
a)convert b)cooperate c)store d)overcome
- Ms. Robinson , our manager , couldn't go to work because of an illness , so she asked Mary to run the factory during her
a)presence b)prevention c)responsibility d)absence

5. You say that you hate the job and want to quit it. Have you any suggestions?
 a)another b)alternative c)imaginary d)elementary
6. She is a(n).....mother and does not see her own children s faults.
 a)fond b)Excited c)sick d)frightented
7. My father says that my iron doesn't work properly , but I think it is good and just theon it needs changing .
 a)plug b)fuel c)string d)monitor
8. He showed her several electronicsuch as a watch that you can use as a phone.
 a)LEDs b)turbines c)sources d)gadgets
9. My teacher always says that lack of education is the greatesta person my have.
 a)benefit b)disability c)principle d)pattern
10. Most babies cana wide range of food easily.
 a)digest b)check c)consume d)rise
11. By using wind turbines , we canthe kinetic energy in the wind into mechanical power.
 a)save b)send c)consume d)convert
12. A: Why don't electric carsthe air?
 B:Because they don't gasoline in the engine .
 a)spoil/burn b)spoil/consume c)pollute/run d)pollute/burn
13. Knowing that thedevice is cheap ,I decided to buy it for my little son as a gift.
 a)joint b)renewable c)probable d)portable
14. These electric cars can be plugged right into a regular electrical wall.....
 a)space b)gadget c)outlet d)region

پاسخنامه تست های واژگان بخش پنجم

1-a	2-b	3-d	4-d	5-b	6-a	7-a
8-d	9-b	10-a	11-d	12-d	13-d	14-c

ترجمه مکالمه درس سوم پایه دوازدهم صفحه ۷۵

Emad and his **father** are traveling to Guilan. On the way, in Manjeel, Emad sees huge wind turbines.

عماد و پدرش دارند به استان گیلان سفر می کنند. در طول مسیر، در شهر منجیل، عماد یک توربین بادی بزرگی را دید.

Emad: Daddy, look at those big fans!

عماد: پدر به پنکه های بزرگ نگاه کن.

Father: They are actually wind turbines.

پدر: آنها توربین های بادی هستند.

Emad: Wind turbines?

عماد: توربین های بادی؟

Father: Yes, wind turbines are used to produce electricity from wind power.

پدر: بله. از توربین های بادی جهت تولید برق (الکتریسیته) از نیروی باد استفاده می شود.

Emad: I know electricity can be produced from water and sunlight. How might it be generated from wind?

عماد: می دانم که برق از نور خورشید و آب تولید می شود. ولی اینکه چگونه امکان دارد که از باد نیز تولید شود.

Father: Well, a wind turbine works the opposite of a fan. Instead of using electricity to make wind, a turbine uses wind to make electricity. It is a type of clean energy.

پدر: خب، توربین بادی برخلاف پنکه عمل می کند. در عوض استفاده از برق برای تولید باد، توربین از باد جهت تولید برق استفاده می کند. این انرژی یک انرژی پاک محسوب می شود.

Emad: These wind turbines remind me of what I read about using wind power in Yazd's buildings.

عماد: توربین بادی، چیزهای را که درباره استفاده از قدرت باد در بناهای یزد خوانده بودم را به ذهنم می آورد.

Father: You mean wind towers?

پدر: شما منظورتان همان برج های بادی است.

Emad: Yes, they are natural air cooling systems and can be used instead of electrical air conditioners. This is another source of clean energy, isn't it?

عماد: آنها سیستم های خنک کننده طبیعی هوا هستند و می توانند به جای تهویه هی برقی استفاده شوند. این گونه دیگری از انرژی پاک است. مگه نه؟

Father: Yes, it is. An excellent type of clean energy!

پدر: بله، نوعی عال ای از انرژی پاک است.

Emad: Daddy, can we travel to Yazd this Norooz?

عماد: پدر، آیا ما می توانیم نوروز به یزد سفر کنیم؟

Father: That's OK with me. Let's check it with others.

پدر: من که موافقم. باید با دیگران نیز هماهنگ بشویم.

ترجمه ریدینگ درس سوم پایه دوازدهم صفحه ۷۹

Earth for our Children

زمین برای بچه هایمان

Energy is the ability to do work. It can take a variety of forms: mechanical, electrical, chemical, and nuclear. To produce any type of energy, the resources of the earth are used. The main resources of the earth are fossil fuels such as natural gas, oil, and coal.

انرژی توانایی انجام کار است. و در انواع شکلهای مختلف مکانیکی، الکتریکی، شیمیایی و هسته ای موجود می باشد. برای تولید هر نوع انرژی از منابع طبیعی استفاده می شود. منابع اصلی سوخت های فسیلی که این منابع گاز طبیعی، نفت و زغال سنگ هستند.

We get most of our energy from these fossil fuels, but this is harmful to the environment. Fossil fuels are nonrenewable and cannot be replaced easily. Once we use them up, they're gone forever. They are not clean as they pollute water or air.

بیشتر انرژیهای مان را از همین سوختهای فسیلی به دست می آوریم. اما این مسئله برای محیط زیست بسیار مضر است. سوختهای فسیلی تجدید پذیر نمی باشند و بنابراین آنها را نمی توان به راحتی جایگزین کرد. اگر فقط یک بار از آنها استفاده کنیم برای همیشه از بین می روند. آنها پاکیزه و تمیز نیستند زیرا آب و هوا را آلوده می کنند.

In recent years, scientists try to use other types of energy resources. They call them clean energy resources because they do not pollute the earth. Clean energy is renewable. It is made from resources that can be replaced, like wind, water, sunshine, tides, and plants. When renewable energy resources are used, the demand for fossil fuels is reduced.

در این سالها، دانشمندان سعی کردند از منابع دیگر انرژی استفاده کنند. دانشمندان این انرژیها را منابع انرژی پاک نام نهاده اند زیرا این انرژیها زمین را نابود نمی کنند. انرژی پاک تجدیدپذیر هستند. این انرژی های پاک از منابعی تشکیل شده اند مانند باد، آب، نور خورشید، جزرو مد و گیاهان که می توانند جایگزین شوند. زمانیکه از انرژی های تجدید شونده استفاده می کنیم دیگر نیاز به سوخت های فسیلی کم می شوند.

The most common type of clean energy is the solar power. Solar energy is produced by the radiation that reaches the earth. People have used the sun as a heat source for thousands of years. Iranians, for instance, use special designs and arrangements of windows, balconies and yards to get the most sunshine. Different types of materials might also be used in building the houses. This keeps people warm during cold seasons and cool during hot days of the year.

عمومی ترین و رایج ترین گونه از انرژی پاک، انرژی خورشیدی است. انرژی خورشید از تابش نور خورشید به زمین تولید می شود. انسانها سالهای زیادی است که از انرژی خورشیدی به عنوان یک منبع گرمایشی استفاده می کنند. برای مثال، ایرانیان سال هاست که با چیدمان و طراحی های بی نظیر برای پنجره ها، بالکن ها و حیاط منازلشان برای استفاده بهینه از جذب تابش نور خورشید استفاده کرده اند. انواع مختلفی از مواد هم ممکن است جهت بنای

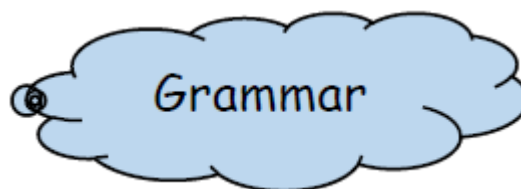
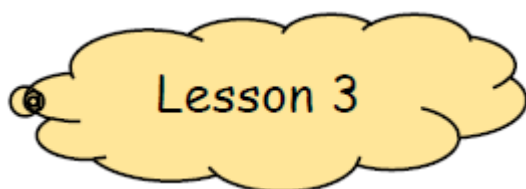
ساختمانها استفاده شوند. این مسئله مردم را در فصل های سرد سال گرم، و در طول فصلهای گرم سال خنک نگه می دارد.

Nowadays, solar energy can be converted into other forms of energy, such as heat and electricity. Solar energy might be used for heating water and air in homes, buildings, or swimming pools. Maybe you've seen buildings or houses with big shiny panels on the roof. These are solar collectors that collect heat by absorbing sunlight and producing solar power. Also, solar energy can be used in generating electricity to provide power for watches, highway signs, houses and even space stations.

امروزه می توان انرژی یخورشیدی را به انرژیهای دیگری مانند گرما و (الکتریسیته) برق تبدیل نمود. بایستی انرژی خورشیدی برای گرم نگه داشتن محیط خانه ها، ساختمان ها، یا استخرهای شنا استفاده شود. احتمالا شماها ساختمانها یا خانه هایی با قطعه هایی بزرگ در پشت بام خانه ها دیده باشید. اینها گردآورنده های انرژی هستند که گرمای موجود را با استفاده از جذب نور خورشید به دست می آورند در نتیجه انرژی خورشیدی تولید می کنند. و همچنین انرژی خورشیدی می تواند جهت تولید برق ساعت ها، تابلوهای بزرگ اتوبانها، خانه ها و ایستگاههای فضایی استفاده کرد.

Clean energy resources are widely used in many countries to keep cities and villages clean. As a result, fewer fossil fuels are consumed each year and they are saved for the future generations.

منابع انرژی پاک بصورت بسیار گسترده ای در اغلب کشورها جهت پاکیزه نگه داشتن روستاها و شهرها استفاده می گردد. در نتیجه هرساله سوخت های فسیلی کمتری استفاده می شود و می توانیم برای نسل های آینده باقی بگذاریم.



خلاصه نویسی زبان انگلیسی Note taking

در مورد خلاصه نویسی زبان، مطلب خاصی برای گفتن ندارم. فقط حتماً مرحله‌های زیر را پیش از خلاصه نویسی رعایت کنید:

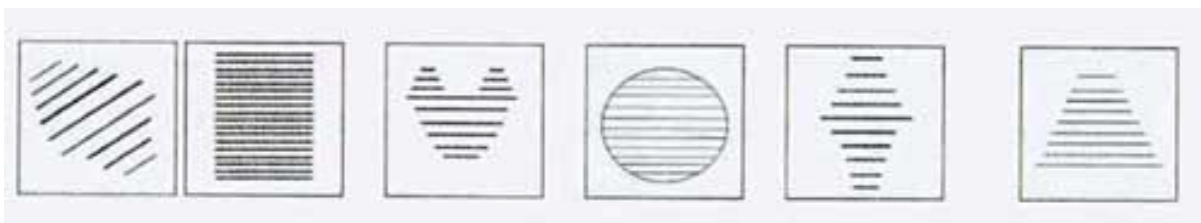
(۱) برای یادداشت برداری ابتدا باید بدانید که کل کتاب درباره چه موضوعی صحبت می کند و قرار است به شما چه مطالبی را آموزش دهد، پس بهتر است قبل از خلاصه نویسی ابتدا یک بار کل درس را با دقت بخوانید و لغت‌ها، نکات مهم و قواعد مهم (صفت، قید، کلمات ربط، کاربرد افعال، افعال کمکی، حرف تعریف the و ضمائر موصولی) را مشخص کنید و بعد از مشخص کردن لغت ها و نکات مهم و کلیدی درس، کمی تست بزنید و دوباره سراغ متن کتاب بروید. این بار لغت ها را در قسمتی از خلاصه و قواعد را در قسمتی دیگر از خلاصه خود وارد کنید.

(۲) برای یادداشت برداری باید مطالب را درک کنیم و سپس از استنباط خودمان شروع به نوشتن مطالب کلیدی نمائیم یعنی یادداشت برداری فقط با کلمات قابل فهم و به زبان خودمان باشد و لغات کتاب را خلاصه نکنیم و نکات اساسی را بیان کنیم یعنی یادداشت ها اصلاً باز نویسی مطالب نباشد بلکه چکیده و استنتاج مطالب به صورت کلمات کلیدی باشد به طوری که با دیدن کلمه مفهوم فوق به یادمان بیاید.

(۳) می‌توانید یک قسمت از خلاصه‌ی زبان انگلیسی را به نکته‌های متفرقه اختصاص دهید. مثلاً نکته‌هایی که در متن درس‌ها به آن برمی‌خورید یا مثلاً نکته‌های ترکیبی و ...

(۴) وقتی خلاصه نوشتید، سعی کنید حداقل هفته‌ای ۲ روز و روزی ۴۵ دقیقه خلاصه‌ی زبان و به‌خصوص لغت‌ها را مرور کنید. آن قدر این کار را انجام دهید تا تقریباً تمام کلمه‌ها را با کاربردشان حفظ شوید.

(۵) برای اینکه دایره لغتتان وسیع تر شود و لغات بیشتری را بیاموزید بهتر است بعد از نوشته خلاصه برای هر لغت سعی کنید حتماً معنی‌های مختلف آن را بیاورید و حتی یک مثال نیز از هر کدام بزنید. سعی کنید اگر هم معنی یا متضادی نیز برای آن می‌شناسید یا در جایی دیدید حتماً بنویسید.



(۶) از نمودارهای مختلف در نوشته های خود استفاده کنید از نمودارهای خطی، زنجیری و پله ای بیشتر برای یادداشت هایی استفاده کنید که یا رابطه علت و معلولی دارند یا تقدم و تأخر آنها مهم است.

(۷) اصل اساسی در هر گونه یادداشت برداری حذف توضیحات اضافی و اهمیت سنجی مطالب است. برای این منظور باید اصل و فرع مطالب را از هم تشخیص دهید.

(۸) یکی از راههای موفقیت، خلاصه برداری کردن از روی یادداشت هاست برای این کار تمرین خلاصه نویسی کنید.

(۹) بخاطر داشته باشید که هر گونه یادداشت برداری باید هدفمند باشد. یعنی پاسخگوی نیازی یا جوابگوی سؤالی باشد.

(۱۰) یادداشتهایتان را به گونه ای تهیه کنید که قابل حمل باشد و به سهولت بتواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین استفاده از سر رسید و سالنامه ها را توصیه نمی کنیم.

(۱۱) بهترین وضعیت برای یادداشت برداری آن است که آنها را روی اوراقی جداگانه و بهم پیوسته بنویسیم تا اگر نیازی به چک و اصلاح آن بود بتوانیم با بازنویسی آن دوباره به مجموعه ای قابل قبول برسیم.

(۱۲) به طور کلی خلاصه نویسی مهم ترین منبع یادگیری می باشد زیرا می توانید همیشه خلاصه درس خود را به همراه داشته باشید و در اوقات فراغت یا دوره فراموش کردن لغتی از آن استفاده کنید و در ضمن وقتی می توانید مطالب را خلاصه بنویسید یعنی آن را درست فهمیده اید زیرا با نوشتن بسیاری از ابهامات رفع می شود.

(۱۳) یادگیری زبان انگلیسی دغدغه بسیاری از ماست پس سعی کنید کلمات مهم را بزرگتر یا با خودکار رنگی بنویسید و بین موضوعات اصلی و فرعی را به کمک ساختار درختی نمایش دهید هرچه زمان بیشتری برای ساختار درختی در نظر گرفته شود بهتر است چون به در ک بهتر کمک می کند.



(۱۴) سؤالات و تست ها به سمت مفهومی شدن حرکت می کنند پس همه مطالب خوانده شود.

(۱۵) تکرار در فواصل زمانی مشخص باعث ذخیره در حافظه موقت و انتقال آن به حافظه دائمی می شود این مرور در مراحل زیر انجام می شود:

- ✓ اولین مرور ده دقیقه بعد از یک مطالعه یک ساعته می باشد.
- ✓ دومین مرور روز بعد و به مدت ۳ تا ۴ دقیقه صورت می گیرد.
- ✓ سومین مرور یک هفته بعد و در پایان هر ماه مرور کلی باعث می شود ۹۵ درصد مطالب در حافظه بلند جایگزین شود.

Note taking

ABCDKJHBVXCZD

Learning to take good notes is very important. Good notes can help you remember and review a text you have read. There is no magic formula to taking notes when reading. You have to find out what works best for you. However, the following guidelines are suggested:

- ◆ Be sure to include all the important ideas and examples.
- ◆ Write only important words, not complete sentences.
- ◆ Use abbreviations and symbols.

You can write your notes in the margins or on a separate page. For example, the notes of the following paragraph were taken as follows:

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history. In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

Healthier lifestyle
1) checking general health: blood pressure & heartbeat
2) checking family health history

ضرب المثلهای کتاب های زبان انگلیسی از هفتم تا دوازدهم

The early bird catches the first worm.	سحر خیز باش تا کامروا شوی.
Better be alone than in bad company.	از همنفسی که رنج دل خواهی برد/حقا که هزار بار تنهایی به
Fall from a frying pan into the fire .	از چاله در آمد به چاه افتاد.
Actions speak louder than words.	دو صد گفته چون نیم کردار نیست.
A word is enough to the wise.	از این به نصیحت نگوید کست /اگر عاقلی یک اشارت بست
Don't teach your grandmother to suck eggs.	مادر مرده را شیون میاموز.
Art is long, life is short.	عمر کم، فصل ادب بسیار است.
Clothes do not make the man.	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
God never sends mouths but He sends meat.	هر آنکس که دندان دهد نان دهد.
Stretch your leg according to your coverlet.	پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.
Knowledge is the power.	توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود
A golden key opens every door.	هر که را زور در ترازوست، زور در بازوست.
There is something in the wind .	کاسه ای زیر نیم کاسه است.

A fox without tail wants others too without.	خرمن سوخته خرمن سوخته خواهد.
God helps those who help themselves .	از تو حرکت از خدا برکت
Friends may meet, but mountains never greet .	کوه به کوه نرسد، آدمی به آدمی رسد.
The end makes all equal.	خواجه در ابریشم و ما در گلیم / عاقبت ای دل همه یکسر گلیم
A blind man's wife needs no paint.	سر کچل شانه نمی خواهد.
An idle brain is the devil's workshop.	بیگاری به که بیکاری.
The best fish swim near the bottom .	سعدی به لب دریا در دانه کجا یابی در کام نهنگان رو گرمی طلبی کامی
Habit is second nature.	توبه گرگ مرگ است.
Too many cooks, spoil the broth	آشپز که دوتا شد آش یا شور می شود یا بی نمک
Absence makes the heart grow fonder.	زان عزیز است آفتاب که او گاه پیدا و گاه نا پیداست
There is a time to speak and a time to be silent .	دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی
Never judge a book with its cover.	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
Any port in a storm .	در بیابان کفش کهنه نعمت است.
Union is strength.	نبینی که چون باهم آیند مور ز شیران جنگی بر آرند شور
Travel broadens the mind.	بسیار سفر باید تا پخته شود خامی.
An ass is but an ass, though laden with gold.	خرار جل اطلس بپوشد خر است.
Charity begins at home.	چراغی که به خانه رواست به مسجد حرامست.
Practice makes perfect	کارنیکو کردن از پر کردن است
Birds of a feather flock together	کبوتر با کبوتر باز با باز
Easy come easy go	باد آورده را باد می برد
Two heads are better than one	هرسری عقلی دارد
Don't count your chickens before they hatch	جوجه را آخر پاییز می شمارند.
Out of sight out of mind	از دل برود هر آنکه از دیده برود
Cut your coat according to your cloth	پارابه اندازه گلیم خود دراز کن
A burnt child dreads the fire	مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.
Kill two birds with a stone	بایه تیر دوشان زدن
Don't look a gift horse in the mouth	دندان اسب پیش کشی را نمی شمارند.
Money doesn't grow on trees	پول علف خرس نیست.
There is no place like home	هیچ جایی خونه خود آدم نمیشه
Absence makes the heart grow fonder	دوری و دوستی
A friend in need is a friend indeed	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
No gain , no pain	نابرده رنج گنج میسر نمی شود

مجهول افعال ناقص (Modals)

can/may/ should/must/could/ought to/have to/ has to/ had to + be + P.P. + مفعول جمله معلوم

جمله معلوم

جمله مجهول

The principal **should call** the parents.

The parents **should be called** (by the principal).

The cook **may make** a fish salad for dinner.

A fish salad **may be made** for dinner (by the cook).

People must **obey** the traffic rules.

The traffic rules **must be obeyed** (by everyone).

مجهول کردن افعال بالا دقیقاً مانند مجهول نمودن زمانهای قبلی می باشد که مطالعه نمودید و دقیقاً همان فرمول و دستورالعمل های خوانده شده جهت مجهول نمودن نیز در این افعال دخیل می باشد.

طریقه مجهول کردن فعلهای Modal

نکته مهم: زمانی که بخواهیم جمله دارای افعال مدال را مجهول کنیم فقط کافی است :

(۱) مفعول را به اول جمله آورده

(۲) به فعل مورد نظر **be** اضافه نموده

(۳) فعلی اصلی را به **p.p** تبدیل کنیم.

نکته های گرامری مهم:

(الف) فعلهایی که بعد از افعال **modal** می آیند بدون استثنا ساده بوده و **ing, to, ed, s, es** نمی گیرند.

(ب) فعلهای **modal** مانند فعلهای کمکی در جمله عمل کرده و همیشه بین **فاعل** و **فعل اصلی** ساده می آیند.

(ج) برای سوالی و منفی کردن جملاتی که دارای افعال **modal** هستند دیگر نیازی به فعل اصلی نبوده و با همان فعلهای **modal** جمله سوالی و منفی می شود.

(د) فعلهای modal قسمت سوم یا همان p.p ندارند.

تست گرامری کنکوری

1. People should How to use energy property.

a) be taught* b) be teaching c) have taught d) teach

Past Perfect Tense زمان گذشته کامل در زبان انگلیسی

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید یا **past perfect tense** یکی از زمان‌های ۱۲ گانه اصلی در زبان انگلیسی است. زمان گذشته کامل از نظر ساختاری و همچنین معنایی و کاربردی نیاز به دقت دارد. چرا که معمولاً در کنار زمان‌های دیگر به کار می‌رود و در حضور زمان‌های دیگر معنا پیدا می‌کند. همچنین در این زمان شکل سوم فعل یا **past participle** یا وجه وصفی گذشته است.

(۱) ساختار

فعل این زمان با استفاده از فعل کمکی **had** و قسمت سوم فعل (**past participle**) ساخته می‌شود. همانند زمان حال کامل (ماضی نقلی) یا آینده کامل، در این زمان نیز قسمت سوم فعل با استفاده از اضافه کردن **-ed** یا **-d** به آخر افعال با قاعده ساخته می‌شود در حالی که قسمت سوم فعل افعال بی قاعده از قواعد خاصی پیروی نمی‌کند.

کلمات ربطی که بیشتر در این زمان استفاده می‌شوند عبارتند از:

- When
- Before
- Because
- As soon as

جدول زیر سه حالت این زمان را نشان می دهد:

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید

جملات مثبت

. . . + قسمت سوم فعل + had + فاعل

- They **had practiced** together before they gave the concert.
"آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم **تمرین کرده بودند**."

جملات منفی

. . . + قسمت سوم فعل + had not/hadn't + فاعل

- They **hadn't practiced** together before they gave the concert.
"آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم **تمرین نکرده بودند**."

جملات سوالی

Had + قسمت سوم فعل + فاعل + ...?

- **Had** they **practiced** together before they gave the concert?
"آیا آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم **تمرین کرده بودند**؟"

۲) کاربردهای ماضی بعید

مهم ترین استفاده های این زمان عبارتند از :

الف) برای بیان عمل یا کاری که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد از گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود که نیازمند دو عمل است: عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل بعید و عملی که بعدا انجام شده به شکل گذشته ساده بیان می شوند.

- When my little baby brother **got up**, I **had eaten** my breakfast.
"هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار **شد**، من صبحانه ام را **خورده بودم**."

- My mother **had gone** shopping before she **started** cooking dinner.
"قبل از پختن شام مادرم **خرید کرده بود**."

نکته ۱: اگر بخواهیم به مقایسه گذشته ساده و ماضی بعید اشاره کنیم، می توان گفت اگر دو عمل در گذشته پشت سر هم یا با فاصله کوتاهی انجام شده باشند هر دو عمل به شکل گذشته ساده بیان می شوند و اگر عملی در گذشته قبل از عمل دیگر با فاصله انجام شده باشد از گذشته بعید استفاده می شود. به دو مثال زیر دقت کنید:

- When I **arrived** at the airport, the plane **had landed**.
"وقتی که به فرود گاه **رسیدم**، هواپیما **به زمین نشسته بود**."
- When I **arrived** at the airport, the plane **landed**.
"وقتی که به فرود گاه **رسیدم**، هواپیما **به زمین نشست**."

نکته ۲: اگر چندین عمل در گذشته با فاصله کم یا یکی پس از دیگری اتفاق افتاده باشد از گذشته ساده استفاده می کنیم نه ماضی بعید. (رجوع شود به قسمت گذشته ساده).

- I **arrived** home at 1:30, **ate** my lunch, **took** a nap, and **did** my homework.
"ساعت یک و نیم به خانه **رسیدم**، ناهار **خوردم**، چرت **زدم** و تکالیفم را **انجام دادم**."

ب) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تا انجام دادن عملی دیگر در گذشته ادامه داشته است.

- My teacher **had lived** in Paris before he **studied** art there.
"معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز **کند**، آنجا **زندگی کرده بود**."
- By the time his uncle **got** a very good job, he **had taken** many risks.
"تا زمانی که عمویش شغل خوبی **بدست آورد**، ریسک های زیادی را **کرده بود**."

ج) برای بیان عمل یا حالتی که در زمان مشخص در گذشته اتفاق افتاده است علاوه بر گذشته ساده از ماضی بعید نیز می توان استفاده کرد. کلمات **before** و **after** تعیین کننده هستند که کدام عمل ابتدا انجام شده است.

- I **sent** an email on October 7th **before** she **asked** me on October 10th.
"قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر **درخواست کند**، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر **فرستادم**."

- I **had sent** an email on October 7th **before** she **asked** me on October 10th.
"قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر درخواست کند، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر فرستاده بودم."

نکته ۳: اما اگر ماضی بعید به انجام دادن عملی در گذشته در زمانی مشخص اشاره نکند، نمی توان از آن استفاده کرد. این بدان معنی است که ما مفهوم دیگری جز انجام دادن عملی در گذشته در زمان مشخص را داریم. به عنوان مثال گذشته کامل در جمله زیر دلالت بر کمبود تجربه کافی را دارد تا انجام دادن عملی در زمان مشخص:

- He never **drove** a car before he **got** his driving license. (Not correct).
"او قبل از این که گواهی نامه رانندگی بگیرد، رانندگی نمی کرد."
- He **had never driven** a car before he got his driving license. (Correct)
"او قبل از این که گواهی نامه رانندگی بگیرد، رانندگی نکرده بود."

د) قوانین زیر به طور معمول در کتابهای گرامر به چشم می خورد:

ماضی بعید	before	گذشته ی ساده
ماضی بعید	when	گذشته ی ساده
گذشته ی ساده	because	ماضی بعید
گذشته ی ساده	after	ماضی بعید

(۳) صرف فعل در زمان ماضی بعید

(الف)

جملات مثبت خبری		
I	had	gone to the cinema before 8.
You, We, They		
He, She, It		

(ب)

جملات منفی		
I	had not / hadn't	gone to the cinema before 8.
You, We, They		
He, She, It		

(ج)

جملات سوالی		
Had	I	gone to the cinema before 8?
	You, We, They	
	He, She, It	

مثال:

- After she'd gone home, she turned on the TV.
"بعد از این که او به خانه رسید، تلویزیون را روشن کرد."
- Her father hadn't had a day off for weeks.
"پدر او هفته هاست که به مرخصی نرفته بود."
- The teacher didn't check our homework until everyone had arrived.
"تا زمانی که همه برسند، معلم ما تکالیفمان را چک نکرد."
- They hadn't studied well for the test because they didn't take it seriously.
"آنها برای امتحان خوب درس نخوانده بودند چون با آن به طور جدی برخورد نکردند."

- **I'd been** a professional chess player before my friend **gave** me a chess set.

"قبل از این که دوستم ست شطرنج به من **بدهد**، یک شطرنج باز حرفه ای **بوده ام**."

- **You'd given** a lot of money to charity before.

"شما قبلا پول زیادی را به خیریه **داده بودید**."

۴) اشکال کوتاه شده ی فعل

Contractions اختصار

Positive مثبت

I had
You had
He had
She had
It had
We had
They had

I'd
You'd
He'd
She'd
It'd
We'd
They'd

Negative منفی

I had not
You had not
He had not
She had not
It had not
We had not
They had not

I hadn't
You hadn't
He hadn't
She hadn't
It hadn't
We hadn't
They hadn't

تست گرامری کنکوری

1. John passed the exam because he enough before taking it.

- a) had studied b) has studied c) would study d) was studying

*جمله قبل از **because** زمان گذشته است و بعد از آن ماضی بعید استفاده می کنیم.
 "جان امتحانش را پاس کرد چون درس هایش را قبل از امتحان خوب مطالعه کرده بود." پس اولین عمل را به ماضی بعید می نویسیم یعنی خوب درس خوانده و بعد امتحان داده است. امتحان دادن را به گذشته ساده می نویسیم. پس گزینه **a** درست است.

2. Ithe rooms before they arrived.

- a) cleaned b) had cleaned c) cleaning d) have cleaned

*قبل از اینکه آنها برسند من اتاقم را تمیز کرده بودم. دو تا عمل در گذشته انجام دادم. اول تمیز کردن اتاق ها بوده، دومین عمل رسیدن آنها بوده است. اولین عمل را به ماضی بعید می نویسیم و جلوی **before** گذشته ساده قرار گرفته است. پس با توجه به جمله این که بعد از **before** آمده است و گذشته ساده است پس گزینه **b** درست است.

3. The ladythe dinner before her husband arrived.

- a) will cook b) had cooked c) would cook d) has cooked

*آن بانو قبل از اینکه شوهرش برسد غذا را پخته بود. جمله بعد از **before** گذشته ساده است و پشت آن ماضی بعید قرار می گیرد. گزینه **b** درست است.

4. The guests left after they lunch.

- a) have eaten b) eat c) ate d) had eaten

*مهمان ها بعد از اینکه ناهارشان را خورده بودند رفتند. پس مهمان ها دو تا کار انجام دادند اول ناهار خوردند بعد رفتند. عملی که اول انجام دادند خوردن ناهار بوده است پس باید ماضی باشد و عملی که بعد از آن انجام شده گذشته ساده است. پس گزینه **d** درست است.

5. When I spoke to the woman, I realized that I her somewhere before.

- a) have met b) would have met c) had met d) am going to met

6. My friend and I were late for school yesterday, when we got to the classroom, the lesson

- a) had already started b) has just started
 c) will start soon d) has already started

1-a	2-b	3-b	4-d	5-c	6-a
-----	-----	-----	-----	-----	-----

جملات حمایت کننده (supporting sentence)

(که در درس قبلی مفصلاً شرح داده شده است.)

Supporting sentences

In Lesson Two you got familiar with the paragraph format as well as the structure of a topic sentence. Now, two other components of a paragraph, namely supporting sentences and concluding sentence are introduced.

Supporting sentences come after the topic sentence. These sentences can:

- explain the idea in the topic sentence
- give reasons
- give examples
- tell a short story

بخش سوم جمله نتیجه گیری (Concluding Sentence): (اختیاری)

(که در درس قبلی مفصلاً شرح داده شده است.)

The concluding sentence

The last sentence in a paragraph is often a concluding sentence. This sentence repeats the idea of the topic sentence.

Remember: Not all paragraphs have concluding sentences.

ضمائم

افعال بی قاعده Irregular verbs

افعال بی قاعده در زبان انگلیسی

افعال بی قاعده افعالی هستند که شکل گذشته و سوم آنها **ed** نمی‌گیرد. یعنی شکل گذشته و سوم آنها در بیشتر مواقع با فعل تفاوت دارد. به همین دلیل به آنها افعال بی قاعده می‌گوییم و باید آنها را حفظ کرد.

انواع افعال بی قاعده

این افعال در زبان انگلیسی اساساً سه نوع هستند:

نوع اول: افعال بی قاعده ای که **سه شکل آنها یکسان** است. برای مثال:

معنی	فعل	قسمت دوم	قسمت سوم
بریدن	cut	cut	cut
قرار دادن	put	put	put
خواندن	read	read	read

نوع دوم: فعل‌های بی قاعده ای که **دو قسمت آنها یکسان** است. مانند:

معنی	فعل	قسمت دوم	قسمت سوم
نشستن	sit	sat	sat
دویدن	run	ran	run
گفتن	say	said	said

نوع سوم: فعل‌های بی قاعده ای که **سه شکل متفاوت** دارند. مثال:

معنی	فعل	قسمت دوم	قسمت سوم
نوشیدن	drink	drank	drunk
آواز خواندن	sing	sang	sung
نوشتن	write	wrote	written

در جدول زیر پر کاربردترین افعال بی قاعده را مشاهده میکنید

نکته مهم: برخی از فعل ها هم بصورت بی قاعده و هم بصورت افعال با قاعده به کار میروند. یعنی هم ed میگیرند و هم شکل آنها تغییر میکند. این افعال در جدول زیر با رنگ آبی مشخص شده اند.

معنی	فعل	قسمت دوم	قسمت سوم
A			
بلند شدن	arise	arose	arisen
بیدار کردن / شدن	awake	awoke	awoken
B			
بودن	be	was / were	been
حمل کردن / تحمل کردن	bear	bore	born(e)
زدن	beat	beat	beaten
شدن	become	became	become
شروع کردن	begin	began	begun
خم کردن / شدن	bend	bent	bent
شرط بستن	bet	bet	bet
به هم بستن	bind	bound	bound
گاز گرفتن	bite	bit	bitten
خونریزی کردن	bleed	bled	bled
وزیدن	blow	blew	blown
شکستن	break	broke	broken
پرورش دادن	breed	bred	bred
آوردن	bring	brought	brought
پخش کردن	broadcast	broadcast	broadcast
ساختن	built	built	build
سوزاندن	burn	burnt / burned	burnt / burned
منفجر شدن	burst	burst	burst

خریدن	buy	bought	bought
C			
گرفتن	catch	caught	caught
انتخاب کردن	choose	chose	chosen
چسبیدن	cling	clung	clung
آمدن	come	came	come
قیمت داشتن	cost	cost	cost
خزیدن	creep	crept	crept
بریدن	cut	cut	cut
D			
داد و ستد داشتن	deal	dealt	dealt
کندن	dig	dug	dug
انجام دادن	do	did	done
نقاشی کردن	draw	drew	drawn
خواب دیدن	dream	dreamt / dreamed	dreamt / dreamed
نوشیدن	drink	drank	drunk
رانندگی کردن	drive	drove	driven
E			
خوردن	eat	ate	eaten
F			
افتادن	fall	fell	fallen
غذا دادن	feed	fed	fed
احساس کردن	feel	felt	felt
جنگیدن	fight	fought	fought
پیدا کردن	find	found	found
پرواز کردن	fly	flew	flown
ممنوع کردن	forbid	forbade	forbidden
فراموش کردن	forget	forgot	forgotten
بخشیدن	forgive	forgave	forgiven

منجمد کردن / یخ زدن	freeze	froze	frozen
G			
تهیه کردن / شدن	get	got	gotten
دادن	give	gave	given
رفتن	go	went	gone
خرد کردن	grind	ground	ground
رشد کردن / پرورش دادن	grow	grew	grown
H			
آویزان کردن	hang	hung	hung
داشتن	have	had	had
شنیدن	hear	heard	heard
مخفی کردن	hide	hid	hidden
زدن	hit	hit	hit
نگه داشتن / برگزار کردن	hold	held	held
صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
K			
نگهداری کردن	keep	kept	kept
زانو زدن	kneel	knelt	knelt
دانستن / شناختن	know	knew	known
L			
قرار دادن	lay	laid	laid
راهنمایی کردن	lead	led	led
تکیه دادن / خم شدن	lean	leant / leaned	leant / leaned
یاد گرفتن	learn	learnt / learned	learnt / learned
ترک کردن	leave	left	left
قرض دادن	lend	lent	lent
دراز کشیدن	lie (in bed)	lay	lain
دروغ گفتن	lie	lied	lied
روشن کردن	light	lit / lighted	lit / lighted

از دست دادن	lose	lost	lost
M			
درست کردن / مجبور کردن	make	made	made
ممکن بودن	may	might	...
معنی دادن	mean	meant	meant
ملاقات کردن	meet	met	met
چیدن	mow	mowed	mown / moved
O			
چیره شدن	overtake	overtooke	overtaken
P			
پرداخت کردن	pay	paid	paid
قرار دادن	put	put	put
R			
خواندن	read	read	read
راندن	ride	rode	ridden
زنگ زدن	ring	rang	rung
بالا رفتن / طلوع کردن	rise	rose	risen
دویدن	run	ran	run
S			
اره کردن	saw	sawed	sawn / sawed
گفتن	say	said	said
دیدن	see	saw	seen
فروختن	sell	sold	sold
فرستادن	send	sent	sent
تنظیم کردن / غروب کردن	set	set	set
دوختن	sew	sewed	sewn / sewed
لرزاندن / لرزیدن	shake	shook	shaken
بیرون ریختن	shed	shed	shed
درخشیدن	shine	shone	shone

شلیک کردن	shoot	shot	shot
نمایش دادن	show	showed	shown
کوچک شدن	shrink	shrank	shrunk
بستن	shut	shut	shut
آواز خواندن	sing	sang	sung
غرق شدن	sink	sank	sunk
نشستن	sit	sat	sat
خوابیدن	sleep	slept	slept
سُر خوردن	slide	slid	slid
بوییدن	smell	smelt	smelt
بذر افشانی کردن	sow	sowed	sown / sowed
صحبت کردن	speak	spoke	spoken
هجی کردن	spell	spelt / spelled	spelt / spelled
خرج کردن / گذراندن	spend	spent	spent
افشا کردن	spill	spilt / spilled	spilt / spilled
تُف کردن	spit	spat	spat
گسترده / پخش شدن	spread	spread	spread
ایستادن	stand	stood	stood
دزدیدن	steal	stole	stolen
چسباندن / چسبیدن	stick	stuck	stuck
نیش زدن	sting	stung	stung
بوی بد دادن	stink	stank	stunk
ضربه زدن	strike	struck	struck
قسم خوردن	swear	swore	sworn
جارو کردن	sweep	swept	swept
باد کردن / متورم شدن	swell	swelled	swollen / swelled
شنا کردن	swim	swam	swum
تاب خوردن	swing	swung	swung

T			
گرفتن	take	took	taken
درس دادن	teach	taught	taught
پاره کردن	tear	tore	torn
گفتن	tell	told	told
فکر کردن	think	thought	thought
پرتاب کردن	throw	threw	thrown
U			
فهمیدن	understand	understood	understood
W			
بیدار کردن	wake	woke	waken
پوشیدن	wear	wore	worn
گریه کردن	weep	wept	wept
برنده شدن	win	won	won
کوک کردن / شدن	wind	wound	wound
نوشتن	write	wrote	written

موفق باشید که هستید.....

۱۰۰ تست کنکوری واژگان با کمی تغییرات بخش اول

1. She worked with me over aof twenty months.
a)circle b)charity c)span d)chart
2. All the family members know that Bitu is old enough toof the baby
a)take out b)take care c)pay attention d)pay toll
3. The teacher always says , "the first letter of proper nouns.
a)Identify b)Match c)Capitalize d)Circle
4. The photos that my brotherof animals in the zoo are in his bag.
a)made b)drew c)sent d)took
5. I believe thatnature clean is one of our roles in life.
a)taking b)keeoing c)getting d)holding
6. Wethat work between us and finished it on time.
a)divided b)followed c)kept d)chose
7. Do you havetime to study allthings and learn everything.
a)enough / alive b)special / alive
c)enough / living d)quiet / living
8. Toy hoped to live a happy life, nut a bad eventto him and
.....his hopes of happiness.
a)happened / lost b)happened / destroyed
c)hurt / lost d)hurt / destroyed
9. A national wildlife museum or park is a place that gives goodabout
how to endangered animals and their homes.
a)report / prepare b)news / give food to
c)idea / raise d)information protect

19. To buy new clothes ,my mother always thinks of price andat the same time.

- a)opinion b)quality c)fact d)span

20. It is important to know the names of planets in?

- a)Germany b)England c)Persia d)Persian

21. Which word does NOT go with "cell".?

- a)white b)blood c)brain d)pain

22. Nima and his brotherin many ways.

- a)alike b)like c)are alike d)are like

23. To our,this is the first time it has happened.

- a)value b)prophet c)cradle d)knowledge

24. The baby rested peacefully in his

- a)cradle b)bulb c)airplane d)pattern

25. Many famousdo not believe this idea to be important .

- a)brains b)scientists c)organs d)prophets

26. The teachers working in this school don't loke to talk about a course.

- a)as b)so c)both d)such

27. Sometimes you may see some grown menlike schoolboys.

- a)inventing b)behaving c)publishing d)booking

28. He thought this was the easiest way to get

- a)strange b)ashamed c)unfortunate d)rich

29. Mom , it is difficult for me to give you aof how I feel.

- a)description b)narration c)developing d)value

30. She found herself a rich husband . The underlined word is the opposite of

- a)weak b)powerful c)selfish d)poor

31. A small bed for a baby , especially one that moves from side to side is called a

- a)cradle b)metro c)grave d)bulb

32. My uncle is some research into the role of women in our town .

- a) making b)taking c)carrying d)doing

33. My grandfather says all he wants is someand quiet.he doesn't like noise at all.

- a)knowledge b)skill c)action d)peace

34. Some students don't like to read books about famous people and say thatbooks are not interesting.

- a)many b)some c)such d)much

35. The sick man never feels well because he neverhis medicine.

- a)eats b)drinks c)takes d)does

36. Mina believes that everybody becomes successfully byhard .

- a)traveling b)wanting c)trying d)worrying

37. The holy prophet orders the Muslims toknowledge during their life .

- a)save b)sign c)solve d)seek

38. A: Alice is not good at speaking skill . What should she do?

B: I think she should study this book. It canher speaking skill.

- a)donate b)develop c)describe d)defend

39. That the lazy student knows little about the world is completely clear. He is not interested inand never tries.

- a)science b)translation c)parents d)arrow

40. My son read a novel about an Iranian scientist who is going to a book about stars.

- a)participate b)paint c)protect d)publish

41. If news or informationaround , it is told to a lot of people.

- a)comes b)stays c)gets d)takes

42. All the scientists work hard andreaserch to solve problems and find.

- a)do / experiment b)make / experiment
c)make / facts d)do / facts

43. It was a small shop ,and there wasn't much

- a)notice b)memory c)choice d)emotion

44. More than a millioncome to Qom to visit the holy shrine.

- a)pilgrims b)agents c)commemoration d)nations

45. They areto turn the site of the factory into a park.

- a)attracting b)planning c)building d)inventing

46. Here are somefor more activites .

- a)destinations b)vacations c)suggestion d)attraction

47. Milad acts as a(n).....for the sales department.

- a)site b)suggestion c)plan d)agent

48. The restaurant servesfood.

- a)voluntary b)international c)traditional d)both 2 & 3

49. London s airports handle one hundred thousandflights a year.

- a)historical b)domestic c)delicious d)expensive

50. It is a nice school ,and children love it. It is really afor children.

- a)culture b)flight c)paradise d)monument

51. Theindustry plays an important part in the economies of many of the countries.

- a)tourism b)nation c)language d)traveler

52. There is Parnian. Why don't you goand say hello?

- a)around b)anove c)across d)aside

53. He had the clesrestin his mind of his mother and father.

- a)respect b)translation c)sense d)image

54. The music was sothat I had to shout .

- a)loud b)proper c)continuous d)sad

55. I don't feel it woud befor me to give you that information.

- a)familiar b)successful c)proper d)weak

56. My daughter wants to talk to Mr. Ansari about her schedule , but he is away onuntil the 1st of March

- a)holiday b)midday c)station d)embassy

57. One of our teachers says some students study a lot , but they don'twhat they study very well.

- a)respect b)understand c)save d)translate

58. The new boy in our class is really clever. He knowsthree foreign languages.

- a)at least b)at last c)finally d)angrily

59. Tomorrow , there is a(n).....of snow on high ground.

- a)obligations b)possibility c)contrast d)circle

60. The climbers weretogether by ropes.

- a)remembered b)prepared c)looked d)linked

61. We are completely free and can do a(n).....of acticites.

- a)dish b)range c)image d)circle

62. When visiting aa traveler should take care of people , places and culture.
 a)vacation b)suggestion c)publication d)destination
63. Do you believe that every travel can be a greatfor us.
 a)destination b)situation c)experience
 d)experiment
64. Eileen wants to visit the great museum in Esfahan . but she doesn't know where it is
 a)located b)found c)described d)attracted
65. A four -season country like Iran which enjoys many historical sites and amazing nature cana lot of tourists every year.
 a)attack b)attend c)add d)attract
66. Yazd is an old city , and visitors to Yazd can seewind towers which are really.....
 a)modern / appropriate b)ancient / attractive
 c)ancient / domestic d)modern / proper
67. Before going, every body needs to get passports and visas.
 a)abroad c)around c)foreign d)international
68. You may not enjoy your trip if you don't becomethe destination before your trip.
 a)similar to b)familiar with c)free from d)happy with
69. A: What must thr traverlrs not to do if they want to have a good and safe trip?
 B: They must not
 a)like the host s culture b)respect the host s values
 c)give a good image of their culture d)break any rules
70. After 10 hours on the,my parents arrived at their destination.
 a)street b)streets c)road d)roads

71. When we want to contrast two things , we say both of them with
a)pronounciation b)comprehention c)emphasis d)power
72. The students were in a hurry , but they waitedfor the bus.
a)rudely b)patiently c)bravely d)appropriately
73. The children were saved,but the fire.....their home.(کنکور خارج ۹۶)
a)described b)noticed c)destroyed d)stated
74. John had an accident last week and was badly injured.After staying in hospital for about ten days , he is fortunately out ofnow.(کنکور خارج ۹۶)
a)endangering b)danger c)dangerous d)endangerd
75. As the man is lazy and has noof responsibility , he does not work to make money for his family.(کنکور ریاضی ۹۶)
a)sense b)image c)key d)action
76. Seeingon the moon is not possible whiout a telescope .you know it is only possiblea telescope. (کنکور ریاضی ۹۶)
a)details / by b)details / through c)hints / with d)hints / throught
77. Some people think that watching television is not good at all, but my friend gets all his generalform watching TV.(کنکور خارج ۹۶)
a)reaserch b)experiment c)science d)knowledge
78. It seemed to happen all of a: I felt terrible and asked to be taken to hospital.(کنکور زبان ۹۵)
a)sudden b)material c)sign d)strange
79. To God sent our holy prophet ,Muhammad (.....be upon him),to teach us our religious beliefs.(کنکور خارج ۹۵)
a)pilgrim b)hint c)peace d)paradise

80. The traffic was too heavy as it was raining hard , so we reached thetwo hours late.(کنکور خارج ۹۴)

- a)destination b)definition c)suggestion d)attraction

81. The policethe copy with the original ,but there was not much different.(کنکور هنر ۹۴)

- a)commemorated b)created c)compared d)contrasted

82. Scientists areresearch into the effects of smoking on brain damage.(کنکور هنر ۹۴)

- a)making b)acting c)taking d)doing

83. I am sure this is an event that willin your mind for quite a long time.(کنکور انسانی ۹۴)

- a)stick b)gain c)keep d)lose

84. The doctormy answers with those of people who were happy in certain jobs.(کنکور خارج ۹۵)

- a)saw b)read c)matched d)filled

85. The book was written in a styleto the age of the children.(کنکور خارج ۹۳)

- a)attractive b)appropriate c)contrastive d)based on

86. According to the information I have , we can find all these materials in(کنکور خارج ۹۳)

- a)earth b)plaster c)plow d)nature

87. He didn't pay as muchas he had to when the store owner was describing the product , so he later realized what he had bought was of little use to him. (کنکور انسانی ۹۳)

- a)information b)attraction c)increase d)attention

88. You will be paidthe amount of work you do.
 a)because b)frequently c)according to d)absolutely
89. In that country I was very hungry , so I usedto ask for food.
 a)sign language b)project c)mother tongue d)conversation
90. Parking is readilynear the station entrance.
 a)probable b)weak c)possible d)available
91. Parents sometimes find it difficult towith their teenage children.
 a)locate b)communicate c)base d)commemorate
92. Mr. and Mrs. Amiri are international tourists. They go abroad
 a)honestly b)exactly c)suddenly d)frequently
93. David watched her car until itfrom view.
 a)disappeared b)existed c)experienced d)considered
94. Most peopleknow the importance of a healthy diet.
 a)above b)nowdays c)however d)daily
95. Goods will be sent within 24 hours of receiving your
 a)project b)institute c)order d)experience
96. To makefollow the directions on page 18.
 a)loaves b)hosts c)spaces d)skills
97. My mother is very good atphotographs.
 a)taking b)drawing c)making d)getting
98. Well,I got my chance.
 a)at once b)at most c)in case d)at last
99. Ted is the kind of person who is able toevery body .
 a)ask b)buil c)make d)feel
100. She startedthe furniture in the living room.
 a)measuring b)rearrangement c)borrowing d)arriving

پاسخنامه تست های فوق

1-c	2-b	3-c	4-d	5-b	6-a	7-c	8-b	9-d	10-c
11-a	12-a	13-c	14-b	15-a	16-d	17-a	18-d	19-b	20-d
21-d	22-c	23-d	24-a	25-b	26-d	27-b	28-d	29-a	30-d
31-a	32-d	33-d	34-c	35-c	36-c	37-d	38-b	39-a	40-d
41-c	42-d	43-c	44-a	45-b	46-c	47-d	48-d	49b-	50-c
51-a	52-c	53-d	54-a	55-c	56-a	57-b	58-a	59-b	60-d
61-b	62d-	63-c	64-a	65-d	66-b	67-a	68-b	69-d	70-c
71-c	72-b	73-c	74-b	75-a	76-b	77-d	78-a	79-c	80-a
81-c	82-d	83-a	84-c	85-b	86-d	87-d	88-c	89-a	90-d
91-b	92-d	93-a	94-b	95-c	96-a	97-a	98-d	99-c	100-b

۱۰۰ تست کنکوری واژگان با کمی تغییرات بخش دوم

1. You could use the money for your home.
a)improving b)attracting c)hosting d)imagining
2. There isto do and see in this beautiful vacation area.
a)both b)plenty c)each d)none
3. He opened the cardboard box and took out each
a)wish b)site c)plan d)item
4. It says "Dry clean " on the
a)report b)baggage c)label d)bookled
5. Where can students learn a foreign language if there are no language institue.
a)international b)successful c)available d)possible
6. Sign language is a that uses hand monements instead of words.
a)language / spoken b) language /written
c)piece / spoken d)piece / written
7. If you want towith people from other countries , you need to know their language , or you will not be able to exchange information.
a)connect b)compare c)attract d)communicate
8. My father says that our president s interview waslive across Europe .
a)communicated b)broadcast c) celebrated d)brought
9. Among many languagesin the world , am going to learn English.
a)exchange b)escaping c)existing d)explaning
10. scientists believe that human sto talk makes him different from animals.
a)ability b)creation c)comprehension d)wish

11. I think havingto clean water in this region is impossible.
a)acess b)sense c)lake d)channel
12. Workers in Iran are the most honest in the country,.....a new report.
a)because of b)rather than c)relevant to d)according to
13. Exchanging knowledge , belifs , wishes and felling is possible language .
a)despite b)through c)over d)across
14. Endangered languagesup nearly 8 precent of the world s language.
a)make b)keep c)give d)come
15. My son blew the lightedbefore receiving the birthday presents.
a)candles b)devices c) signs d)means
16. They are interested in receving any suggestions that willrelation between the two countries.
a)measure b)mention c)improve d)double
17. My old classmate , Nancy , makes me laugh , and I realy enjoy out with her.
a)taking b)hanging c)getting d)coming
18. I put on a lot of weight . Knowing that being too fatmy heart in many ways , I went to my doctor for some advice.
a)influence b)depresses c)prevents d)enables
19. A: Is aspirin good for me to?
B:Yes , it is a simple but highlycure.
a)eat / effective b)eat / harmful
c)take / effective d)take / harmful
20. It is necessary for everyone to eat balancedof bread, vegetables and fruits.
a)qualities b)shares c)ranges d)servings

d) general / pressure

d)fast

d)factors

d)medicine

d)express

d) measurement

d)social

d) express

d)frightened

d)art

31. It is difficult to say what is impossible , for the dream of yesterday , today is hope , but also can become tomorrow s (کنکور ریاضی ۹۷)

- a)prize b)case c)reality d)matter

32. Port Aransas is a city in which the people s income is entirely dependant on tourism . That is why they do whateverto make the city attractive for them.(کنکور ریاضی ۹۷)

- a)exact b)available c)necessary d)economical

33. Here in Paris , as well as just about everywhere these days , it is possible to pay foreverything with a credit card or a phone.

(کنکور ریاضی ۹۷)

- a)similary b)secretly c)softly d)nearly

34. The police officer told the wringdoer to try to be asas possible When answering the questions.(کنکور زبان ۹۷)

- a)actual b)honest c)public d)artistic

35. Sometimes a higher price doesnotmean that the service you are buying is of high quality.(کنکور انسانی ۹۵)

- a)commonly b)carefully c)publicly d)necessary

36. He was until verythe most powerful banker in the city , but some more powerful ones have started work.(کنکور ریاضی ۹۵)

- a)mentaly b)commonly c)formerly d)recently

37. A: Why are you going out?

B: I am going tomy coat from the cleaner s . Is there anything I can do for you ? (کنکور ریاضی ۹۴)

- a)pick up b)look after c)call out d)make up

38. Muslims alwaystheir shoes before entering a mosque or other holy places .(کنکور تجربی ۹۴)

- a)take off b)turn off c)make up d)call up

39. This type of lan , which is rare here , isfound in the mountains of South America. (کنکور تجربی ۹۴)

- a)fantastically b)attractively c)commonly d)skillfully

40. I would like to know how Helen mnages to keepbefore examination . (کنکور انسانی ۹۴)

- a)excited b)calm c)similar d)natural

41. The course is intended to help teachers learn how to communicatewith young learners . (کنکور زبان ۹۴)

- a)exactly b)commonly c)effectively d)recently

42. She suffered from anproblem after her husband s death , and unfortunately none of her friends was ready to help her. (کنکور هنر ۹۴)

- a)emotional b)effective c)excited d)addective

43. The new factory producted high quality shoes insizes and colors. (کنکور هنر ۹۴)

- a)actual b)various c)creative d)continuous

44. Reza is not happy with his income , so he isa new job in a larger city. (کنکور هنر ۹۴)

- a)turning on b)turning up c)looking for d)looking after

45. It was really hot, so the childrentheir clothes and jumped into the river in order to swim . (کنکور خارج ۹۴)

- a)looked for b)picked up c)turned on d)took off

پاسخنامه تست های فوق

1.a	2.b	3.d	4.c	5.c	6.a	7.d	8.b	8.c	10.a
11.a	12.d	13.b	14.a	15.a	16.c	17.b	18.a	19.c	20.d
21.a	22.b	23.d	24.b	25.a	26.c	27.a	28.b	29.d	30.c
31.c	32.c	33.d	34.b	35.d	36.d	37.a	38.a	39.c	40.b
41.c	42.a	43.b	44.c	45.d					

چمد نمونه کلوز تست کنکوری سالهای قبل با ترجمه و پاسخنامه تشریحی

Cloze Test No. 1

Direction: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Wages, or salaries as they are also called, are payments by employers to their employees in return for work. Sometimes they are(۱)..... on time - the worker being paid at a rate of so much an hour or so much a week, and sometimes they are paid for the(۲)..... produced - a shirt maker, for example, is being paid so much for every shirt made. Wages are paid in money, but sometimes they(۳)..... payments in kind, as when a caretaker is provided with a rent - free house. This type of payment is(۴)..... controlled by law,(۵)..... the worker is protected against a bad employer who might try to pay all or nearly all this wage in kind.

1	a. passed	b. crossed	c. based	d. awarded
2	a. individuals	b. sources	c. features	d. articles
3	a. devote	b. require	c. include	d. influence
4	a. Socially	b. strictly	c. straightly	d. similarly
5	a. for	b. so that	c. so as	d. in order to

ترجمه کلوز تست شماره ۱

دستمزد که حقوق هم نامیده می شود، مبلغی است که از جانب کارفرمایان به کارگران در ازای کار آن ها پرداخت می شود. بعضی وقت ها حقوق ها بر اساس زمان کاری پرداخت می شوند. به یک کارگر به ازای هر ساعت و یا هر هفته ی کاری مبلغی پرداخت می شود. بعضی اوقات به کارگران به خاطر کالاهای تولید شده حقوق داده می شود، برای مثال به یک پیراهن دوز مبلغی به ازای هر پیراهنی که می دوزد پرداخت می شود. دستمزدها به صورت پول داده می شود، اما بعضی وقت ها شامل پرداختهای غیر نقدی می باشد، درست همچون زمانی که برای یک سرایدار، خانه ی بدون اجاره فراهم می شود، این نوع پرداخت به شدت توسط قانون کنترل می شود، به این منظور که کارگر در برابر کارفرمای بدی که تلاش دارد تمام و یا تقریباً همه دستمزد را به صورت غیر نقدی پرداخت کند، محافظت شود.

۱- گزینه «۳» پاسخ صحیح است.

(۱) انتقال دادن (۲) عبور کردن (۳) بر اساس بودن (۴) اهدا کردن

۲- گزینه «۳» پاسخ صحیح است.

(۱) افراد (۲) منابع (۳) ویژگی ها (۴) کالاها

۳- گزینه «۳» پاسخ صحیح است.

(۱) وقف کردن- اختصاص دادن (۲) احتیاج داشتن (۳) شامل شدن (۴) اثر گذاشتن

۴- گزینه «۲» پاسخ صحیح است.

(۱) به طور اجتماعی (۲) به شدت (۳) مستقیماً (۴) به طور مشابه

۵- گزینه «۲» پاسخ صحیح است.

با توجه به فرم جمله، از **so that** برای ارتباط دو جمله استفاده می شود.

Cloze Test No. 2

Direction: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

Why some very good students often fail exams was recently studied by a professor of psychology. Professor Iris Fodor conducted some(۱)..... on the anxiety of some students before taking exams. He(۲)..... that many students fail exams because they become(۳)..... nervous and can not think(۴)..... , although they have studies hard, they are afraid of whatever is on the exam . Therefore those who are(۵)..... forget everything they have studied.

1	a. research	b. posture	c. training	d. procedure
2	a. enhanced	b. rattled	c. stated	d. measured
3	a. softly	b. interchangeably	c. exactly	d. extremely
4	a. Even so	b. Because	c. Whether	d. Besides
5	a. rural	b. useless	c. nervous	d. irrelevant

ترجمه کلوز تست شماره ۲

این که چرا برخی از دانش آموزان خیلی خوب، اغلب در امتحانات مردود می شوند. اخیراً توسط یک استاد روان شناسی مورد مطالعه قرار گرفت. پروفیسور آیریس فودور تحقیقی را بر روی اضطراب تعدادی از دانش آموزان قبل از امتحان انجام داد. او بیان کرد که بسیاری از دانش آموزان مردود می شوند چون به شدت مضطرب شده و نمی توانند فکر کنند. به علاوه، اگرچه بسیار درس خوانده اند ولی از آنچه در امتحان است می ترسند. بنابراین آن هایی که مضطرب هستند، هر چیزی را که خوانده اند فراموش می کنند.

۱- گزینه «۱» پاسخ صحیح است.

(۱) تحقیق (۲) ژست (۳) آموزش (۴) فرآیند

۲- گزینه «۳» پاسخ صحیح است.

(۱) افزایش دادن (۲) به صدا درآوردن (۳) بیان کردن (۴) اندازه گیری کردن

۳- گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

(۱) به نرمی (۲) به جای هم (۳) دقیقاً (۴) به شدت

۴- گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

(۱) حتی با این وجود (۲) زیرا (۳) که آیا (۴) به علاوه

۵- گزینه «۳» پاسخ صحیح است.

(۱) روستایی (۲) بی مصرف (۳) عصبی، مضطرب (۴) نامربوط

Cloze Test No. 3

Directions: Read the passage and decide which choice (1), (2), (3) or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Little boys are usually active. They do things. Much of the time, girls sit together and talk. When children grow up, nothing(۱)..... changes. Men usually do things together or they talk about activities such as sports and cars. They talk to give or get(۲)..... . But for women, people and feelings are more important. Women often talk to show interest and emotions.(۳).... a man and a woman speak the same language, sometimes they don't(۴)..... each other. Men's talk and women's talk are almost tow(۵)..... languages. But maybe men and women will know each other if they realize the differences in speech.

1	a. carefully	b. previously	c. anxiously	d. really
2	a. comparison	b. direction	c. expectation	d. information
3	a. Because	b. However	c. Therefore	d. Although
4	a. predict	b. understand	c. enhance	d. ignore
5	a. different	b. social	c. artificial	d. extra

ترجمه کلوز تست شماره ۳

پسر بچه ها معمولا فعالاند. آنها کارها را انجام می دهند. بیشتر اوقات دختر بچه ها دور هم نشسته و صحبت می کنند. وقتی بچه ها بزرگ می شوند هیچ چیز واقعا تغییر نمی کند. مردان معمولا کارها را باهم انجام می دهند یا در مورد فعالیت هایی مثل ورزش و اتومبیل صحبت می کنند. آنها صحبت می کنند تا اطلاعاتی را بدست آورده یا ارائه دهند. اما برای زنان افراد و احساسات مهم تر هستند. زنان اغلب صحبت می کنند تا علاقه و احساسات را نشان دهند. اگر چه مردان و زنان به زبانی مشابه صحبت می کنند ولی بعضی اوقات آنها همدیگر را درک نمی کنند. صحبت مردان و صحبت زنان تقریبا دو زبان متفاوتند. اما شاید مردان و زنان اگر تفاوت های گفتاری را درک کنند همدیگر را بشناسند.

۱- گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

(۱) با دقت (۲) قبلا (۳) با نگرانی (۴) واقعا

۲- گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

(۱) مقایسه (۲) سمت (۳) انتظار (۴) اطلاعات

۳- گزینه «۴» پاسخ صحیح است.

(۱) زیرا (۲) با این حال (۳) بنابراین (۴) اگر چه

۴- گزینه «۲» پاسخ صحیح است.

(۱) پیش بینی کردن (۲) درک کردن (۳) افزایش (۴) نادیده گرفتن

۵- گزینه «۱» پاسخ صحیح است.

(۱) متفاوت (۲) اجتماعی (۳) تصنعی (۴) اضافی

Cloze Test No. 4

Directions: Read the passage and decide which choice (1), (2), (3) or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

The study of language --- (1) --- a tool of expression or communication necessarily --- (2) --- the study of gestures and sounds. Since animals use gestures and make sounds, they as well as humans may have language. It seems --- (3) --- that although as a system of --- (4) --- is not uniquely human, human language has unique features. We put together --- (5) --- signs and units of grammar to form an endless set of never-before heard, thought, or read sentences.

1	a. with	b. throughout	c. as	d. when
2	a. compiles	b. includes	c. supposes	d. wonders
3	a. clear	b. public	c. friendly	d. serious
4	a. connection	b. competition	c. communication	d. vibration
5	a. personal	b. facial	c. opening	d. lingual

ترجمه کلوز تست شماره ۴

مطالعه زبان به عنوان وسیله بیان یا برقراری ارتباط الزاماً بررسی حرکات معنی دار و صداها را در بر می گیرد. از آنجایی که حیوانات نیز از حرکات معنی دار استفاده می کنند و اصواتی را تولید می کنند، ممکن است آنها نیز مانند انسان ها زبان داشته باشند. واضح است که اگرچه زبان به عنوان یک نظام ارتباطی منحصر متعلق به انسان نیست، زبان انسان خصوصیات منحصر به فردی دارد. ما علامت ها و واحد های دستوری زبانی را در کنار هم قرار می دهیم تا مجموع های بی پایان از جملاتی را به وجود بیاوریم که هرگز پیش از این شنیده، پنداشته، یا خوانده نشده است

پاسخنامه کلوز تست شماره ۴				
1.c	2.b	3.a	4.c	5.d

Cloze Test No. 5

People in a wide area, from southern Somalia to northern Mozambique and the ---(1)--- of Kenya, speak Swahili. There are about five million first-language speakers and fifty million second language speakers. Swahili has become a language ---(2)--- people can communicate within East Africa and the ---(3)--- regions. The Swahili language began to be spoken by the Swahili people who live on the coast of East Africa and on the islands near the coast, ---(4)--- Zanzibar, which is now a part of Tanzania. Swahili which has been influenced ---(5)--- many other languages like Arabic, is an official language in some African countries such as Tanzania and Kenya.

1	a. entire	b. combination	c. origin	d. single
2	a. in which	b. that	c. when	d. with which
3	a. general	b. surrounding	c. environmental	d. natural
4	a. or	b. i.e	c. including	d. without
5	a. with	b. in	c. by	d. by means of

ترجمه کلوز تست شماره ۵

مردم در نواحی وسیعی، از جنوب سومالی تا شمال موزامبیک و در تمام کنیا، به زبان سواحیلی صحبت می کنند. در حدود پنج میلیون نفر زبان اولشان سواحیلی است و برای پنجاه میلیون نفر نیز سواحیلی زبان دوم به شمار می آید. سواحیلی تبدیل به زبانی شده که مردم می توانند با آن در شرق آفریقا و نواحی مجاور ارتباط برقرار کنند. تکلم به زبان سواحیلی توسط مردم سواحیلی آغاز شد که در سواحل شرق آفریقا و در جزایر نزدیک ساحل، از جمله زنگبار که اکنون بخشی از تانزانیا است، زندگی می کردند. سواحیلی که تحت تاثیر خیلی از دیگر زبان ها از جمله زبان عربی قرار گرفته است، زبان رسمی بعضی از کشور های آفریقایی مانند تانزانیا و کنیا است.

پاسخنامه کلوز تست شماره ۵				
1.a	2.d	3.b	4.c	5.c

Cloze Test No. 6

Directions: Read the passage and decide which choice (1), (2), (3) or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Environmental noise is defined as the noise (1) from sources such as road, rail and air traffic, industries, construction and public works, and (2) Noise has been (3) high among forms of pollutions, (4) air pollution, radioactive waste pollution, water pollutions, etc. In recent years, noise has received considerable worldwide attention as a result of the many studies (5) noise pollution to various health effects that include auditory (6) non-auditory health effects. It should be noted here that the effect of noise is seldom catastrophic, and is often only transitory.

(۷), its adverse effects can be cumulative with prolonged or repeated (8) Excessive noise causes sleep disruption, reduction in performance and the inability to enjoy one's property or (9) time. It impairs the quality of life. In addition, several studies have linked extended exposure to high noise levels (10) cardiovascular diseases, including high blood pressure and irregular heart (11) It has also been reported that high noise levels have an economic effect, especially on tourism and real estate sectors, (12) that the prices of houses tend to be higher in (13) areas. There is also some evidence that noise can adversely affect general health and well-being

in (14) chronic stress. Because of these factors, and the recent public awareness of the adverse effects of noise in (15), many studies and noise monitoring programs have been established in various parts in the world.

Answers:

1. ۱) situated ۲) emitted ۳) occurred ۴) converted
2. ۱) the neighborhood ۲) is the neighborhood
۳) the neighborhood is ۴) that from the neighborhood
3. ۱) ranked ۲) adjusted ۳) preserved ۴) distributed
4. ۱) and includes ۲) which include
۳) that includes ۴) in which is included
5. ۱) they link ۲) link with ۳) linking ۴) linked
6. 1) beside ۲) in spite of ۳) regardless ۴) as well as
7. ۱) Since ۲) Likewise ۳) However ۴) Although
8. ۱) exposure ۲) prevention ۳) scenery ۴) emphasis
9. ۱) tension ۲) proper ۳) leisure ۴) anxious
10. ۱) due to ۲) of ۳) in ۴) to
11. ۱) beat ۲) beating ۳) to beat ۴) that beats
12. ۱) reported ۲) which is reported
۳) they reported ۴) where it has been reported
13. ۱) shopping ۲) traffic ۳) quiet ۴) downtown

- 433

تحلیل و پاسخ تشریحی کلوز تست ۶

۱. گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

در اصل *which is emitted* بوده که عبارت *which is* قابل حذف است. در ضمن *emit* به معنی انتشار می باشد.

۲. گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

neighborhood به معنی "مجاورت، نواحی مجاور" می باشد.

۳. گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

to rank به معنی "رتبه بندی کردن" بکار رفته است.

۴. گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

which include با توجه به ساختار گرامری جمله بهترین و مناسبترین گزینه می باشد.

۵. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

از عبارت وصفی *linking* استفاده شده است.

۶. گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

as well as بعنوان واژه ترکیبی رابط و به معنای "و همچنین" مورد استفاده قرار گرفته است.

۷. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

however به معنی "به هر حال" در ابتدای جمله بکار می رود. در این حالت بعد از آن حتما از کاما (،) استفاده می شود.

۸. گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

از کلمه *exposure* به معنای علامت و نشانه آشکار شدن چیزی استفاده شده است.

۹. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

time leisure به معنای "اوقات فراغت" مورد استفاده قرار می گیرد.

۱۰. گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

link to به معنای مربوط و متصل کردن پاسخ صحیح است.

۱۱. گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

irregular heart beat به مفهوم "تپش نامنظم قلب" می باشد.

۱۲. گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

where it has been reported با مفهوم "که در آنجا گزارش شده است" گزینه صحیح می باشد.

۱۳. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

با توجه به مفهوم جمله و جمله قبل، **quiet** به معنای "ساکت و آرام" پاسخ صحیح می باشد.

۱۴. گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

ترکیب واژه **in the same manner as** به معنای "با روشی مشابه" مناسب ترین پاسخ این تست می باشد.

۱۵. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

in the few last decades به معنای "در چند دهه گذشته" پاسخ صحیح این تست می باشد.

متن‌های تمرینی درک مطلب زبان کنکور

در این مقاله، به تحلیل چند متن درک مطلب استاندارد از مون‌های **زبان کنکور** می‌پردازیم. با توجه به اینکه سهم تست‌های درک مطلب (۸ تست) نسبت به کل تست‌های **زبان کنکور** (۲۵ تست) بسیار قابل توجه می‌باشد **حدود ۳۲ درصد کل تست‌های آزمون زبان!**، و از طرفی متأسفانه بطور کلی سرعت عمل دانش‌آموزان و داوطلبان گرامی کنکور در این بخش کم بوده و در نتیجه، از تعداد زیادی از تست‌های این قسمت جا می‌مانند، بر آن شدیم که مقاله دیگری در مورد تمرین این متون درک مطلب تهیه نماییم.

متن اول

Economic circumstances also affect life expectancy, which is a statistical measure of the average time an organism is expected to live. For example, in the United Kingdom, life expectancy in the wealthiest and richest areas is several years higher than in the poorest areas. This may reflect factors such as diet and lifestyle, as well as access to medical care. It may also reflect a selective effect: people with chronic life - threatening illnesses are less likely to become rich or to live in rich areas. In Glasgow, the difference is amongst the highest in the world: life expectancy for males in the heavily deprived Calton area stands at 54, which is 28 years less than in the rich area of Lenzie, which is only 8 km away.

Life expectancy is also likely to be affected by exposure to high levels of highway air pollution or industrial air pollution. This is one way that people's job can have a major effect on life expectancy. Coal miners (and in prior generations, asbestos cutters) often have lower life expediencies than average life expediencies. Other

factors affecting an individual's life expectancy are genetic illnesses, drug use, tobacco smoking, fatness, access to health care, diet and exercise.

۱. What does the paragraph before this passage most probably discuss?

- ۱) A factor or factors influencing life expectancy
- ۲) When the idea of life expectancy first appeared
- ۳) People's economic conditions in different countries
- ۴) Why people now live longer than they did in the past

۲. What aspect of life expectancy in the United Kingdom does the first paragraph deal with?

- ۱) The reasons why it is so high
- ۲) Techniques used to increase it
- ۳) Why it is not fixed from year to year
- ۴) How it is affected by people's economic conditions

۳. The word "which" in the first paragraph refers to

- ۱) Glasgow ۲) difference ۳) Calton area ۴) life expectancy

۴. Which of the following is NOT mentioned in the passage as a factor affecting life expectancy?

- ۱) Job ۲) Country one lives in ۳) Diet and exercise ۴) Access to health care

ترجمه متن اول به همراه پاسخ تشریحی

شرایط اقتصادی هم بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد که یک مقیاس آماری از زمان متوسطی است که یک موجود زنده انتظار دارد که زنده بماند. به عنوان مثال در انگلستان، امید به زندگی در مرفه‌ترین و ثروتمندترین مناطق، چندین سال بیشتر از فقیرترین مناطق است. این ممکن است عواملی از قبیل رژیم غذایی و سبک زندگی را به مانند دسترسی به مراقبت پزشکی نشان می‌دهد. این ممکن است همچنین اثری انتخابی را منعکس کند: افراد با بیماری‌های مزمن تهدیدکننده زندگی به احتمال کمتر ثروتمند می‌شوند یا اینکه که در مناطق ثروتمند زندگی می‌کنند. در گلاسکو این تفاوت در میان بالاترین در دنیاست: امید به زندگی برای مردان در منطقه به شدت محروم کلتن ۵۴ سال است که ۲۸ سال کمتر از منطقه ثروتمند لنزی است که فقط ۸ کیلومتر دورتر است.

امید به زندگی همچنین احتمالاً تحت تأثیر در معرض آلودگی هوای بزرگراه یا آلودگی هوای صنعتی قرار گرفتن، می‌باشد. این روشی است که شغل افراد می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر امید به زندگی بگذارد. معدنچیان زغال سنگ (و در نسل‌های پیشین قطع‌کننده‌های آریست) اغلب نسبت به کسانی که امید به زندگی متوسطی داشتند، امید به زندگی کمتری داشتند.

۱- **گزینه ۱** پاراگراف قبل از این متن احتمالاً در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟ عامل یا عواملی که بر امید به زندگی تأثیر می‌گذارد.

۲- **گزینه ۴** پاراگراف اول به کدام جنبه از امید به زندگی در انگلستان ارتباط دارد؟ چگونه آن (امید به زندگی) تحت تأثیر شرایط اقتصادی قرار می‌گیرد.

۳- **گزینه ۴** کلمه **which** در پاراگراف اول به امید به زندگی اشاره می‌کند.

۴- **گزینه ۲** به کدامیک از موارد زیر به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر امید به زندگی اشاره نشده است؟ کشوری که شخص در آن زندگی می‌کند.

متن دوم

The strongest earthquake to hit Mexico for decades left at least 58 dead and hundreds injured on Friday, after wreaking destruction on the country's south which is a poor region. Rescue workers were struggling to reach isolated rural communities across the worst-hit states of Chiapas and Oaxaca, many of them located high in rugged mountains. The powerful quake damaged buildings as far away as Mexico City. It was also felt in much of Guatemala, where damage to buildings was reported.

Enrique Pena Nieto, the Mexican president, said the quake had registered a magnitude of 8.2, the strongest the country had suffered in more than a century. Mr. Pena Nieto reported more than 260 aftershocks up to a magnitude of 6.1, and warned there could be more to come, encouraging people to stay safe and listen to public announcements. He said the quake was felt by around 50 million of Mexico's roughly 120 million populations. Schools were closed in 11 states so officials could inspect the buildings for structural damage.

۱. According to the passage, the earthquake

- ۱) mostly affected a poor region of Mexico
- ۲) was felt by all the people in Mexico
- ۳) measured 6.1 on the Richter scale
- ۴) happened near Mexico City

۲. Many of the villages affected by the earthquake

- ۱) received help immediately after the event
- ۲) had already experienced a strong quake
- ۳) were located in the mountains
- ۴) were destroyed to the ground

۳. Which of the following is TRUE about the aftershocks mentioned in the passage?

- ۱) They caused more damage than expected.
- ۲) They were as strong as the earthquake itself.
- ۳) They were greater than two hundred and fifty in number
- ۴) They had worried Mexico's President because the people seemed careless about them.

۴. The passage is most probably part of a

- ۱) scientific paper
- ۲) news report
- ۳) geography book
- ۴) president's speech

ترجمه متن دوم به همراه پاسخ تشریحی

در طی چندین دهه، قوی‌ترین زلزله‌ای که به مکزیک اصابت کرد بعد از ایجاد تخریب بسیار زیان‌آور در جنوب کشور که منطقه فقیری است حداقل ۵۸ کشته و صدها مجروح در روز جمعه به جای گذاشت. امدادگران تلاش می‌کردند تا به جوامع روستایی دور افتاده در ایالت‌های Chiapas و Oaxaca که شدیدترین اصابت را داشتند برسند، بسیاری از آنها در کوه‌های ناهموار قرار داشتند، این تکان قوی به ساختمان‌های دورتر از مکزوسیتی آسیب رساند. آن (تکان) در بیشتر مناطق گواتمالا که خسارت به ساختمان‌ها گزارش شد نیز احساس شد.

انریک پنایتو رئیس جمهور مکزیک گفت این تکان با بزرگی ۸/۲ ثبت شده بود، قوی‌ترین تکانی است که کشور در طی یک قرن گذشته متحمل شده بود. آقای پنایتو بیش از ۲۶۰ پس‌لرزه تا بزرگی ۶/۱ را گزارش کرد و هشدار داد که تعداد بیشتری هم خواهد بود در حالیکه مردم را تشویق می‌کرد که آرام بمانند و به اطلاعیه‌های عمومی گوش دهند. او گفت که این لرزه توسط تقریباً ۵۰ میلیون مکزیک‌ای و تقریباً ۱۲۰ میلیون نفر احساس شد. مدارس در ۱۱ ایالت بسته شدند تا مقامات بتوانند ساختمان‌ها را برای آسیب‌های ساختاری مورد بررسی قرار دهند.

۱- گزینه ۱ مطابق متن این زلزله بیشتر بر مناطق فقیر مکزیک اثر گذاشت.

۲- گزینه ۳ بسیاری از روستاهای تحت تأثیر زلزله در کوه‌ها قرار داشتند.

۳- گزینه ۳ کدامیک از موارد زیر در مورد پس‌لرزه‌های اشاره شده در متن درست است؟ آنها بیشتر از ۲۵۰ تا در تعداد بودند.

۴- گزینه ۲ این متن به احتمال زیاد بخشی از یک گزارش خبری است.

متن سوم

According to the National Academy of Science, the Earth's surface temperature has risen by about 1 degree Fahrenheit in the past century, with increased warming during the past two decades. There is new and stronger evidence that most of the warming over the last 50 years is because of humans activities. Humans activities have changed the chemical composition of the atmosphere by build up of greenhouse gases-primarily carbon dioxide, methane, and nitrous oxide. The heat-trapping property of these gases is inevitable although doubts exist about exactly how earth's climate responds to them.

۱- The text says that

- ۱) The twentieth century has had no change in temperature.
- ۲) In the present century the Earth is not getting warmer.
- ۳) The last two decades have been warmer than before.
- ۴) The Earth's inner temperature has decreased in the past century.

۲- Human activities

- ۱) have been the cause of increase in greenhouse gases.
- ۲) might be very useful for the atmosphere.
- ۳) have changed the shape of the atmosphere.
- ۴) have kept the chemical composition of the atmosphere fixed.

۳- The underlined word "primarily" is closest in meaning to

- ۱) hardly ۲) mainly ۳) terribly ۴) lastly

۴- Which one is NOT among the damaging gases mentioned in the text?

- ۱) methane ۲) carbon dioxide 3) nitrous oxide ۴) carbon monoxide

۵- Which of the following sentences is NOT true?

- ۱) Green house gases trap heat in the atmosphere.
- ۲) Human activities disturb the balance of the gases in the atmosphere.

- ۳) There is no evidence about global warming.
 ۴) Green house gases are dangerous for the planet.

ترجمه متن سوم به همراه پاسخ تشریحی

طبق (گزارش) آکادمی ملی علوم، دمای سطح زمین در حدود یک درجه‌ی فارنهایت در قرن پیش افزایش یافته است، همراه با افزایش گرما در دو دهه‌ی گذشته، شواهد محکم و جدیدی وجود دارد که بیش‌تر گرما در طی ۵۰ سال اخیر به علت فعالیت‌های انسان است. فعالیت‌های انسان، ساختار شیمیایی جو را به وسیله‌ی ایجاد گازهای گلخانه‌ای خصوصاً دی‌اکسید کربن، متان و اکسید نیتروژن تغییر داده است. خاصیت نگهداری گرمای این گازها حتمی است اگر چه شک‌هایی وجود دارد در مورد اینکه آب و هوای زمین چگونه به آن‌ها دقیقاً جواب می‌دهد.

۱- گزینه ۳ متن می‌گوید که: دوده‌ی گذشته، گرم‌تر از قبل بوده است.

۲- گزینه ۱ فعالیت‌های انسان: علت افزایش گازهای گلخانه‌ای بوده است.

۳- گزینه ۲ کلمه مشخص شده «primarily» نزدیک‌ترین معنی را به «mainly» (خصوصاً) دارد.

۴- گزینه ۴ کدام یک در میان خسارت‌های گازها که در متن اشاره شده، نمی‌باشد؟ منواکسید کربن

۵- گزینه ۳ عبارت "شواهدی برای گرم شدن کلی زمین موجود نیست" صحیح نمی‌باشد.

متن چهارم

BPA is a chemical that is put into plastics that are used as food containers. Unfortunately, some of the BPA passed from the containers in to the foods that they are meant to protect. When people and animals eat those foods, BPA goes in to their bodies. There are studies that have found that BPA can increase our chances of getting a number of serious diseases. Many food companies are concerned about that risk and are starting to use containers that contain no BPA.

1 - According to this article, BPA

- ۲- Food companies are starting to

- २- Some of the new food containers

- ۴- The underlined word "concerned" is closest in meaning to

- δ- The final paragraph of the article makes the point that

- 443

مورد این خطر نگران شده‌اند و شروع به استفاده از ظرف‌هایی کرده‌اند که BPA ندارند. چیزی بعنوان ظرف غذای سالم وجود ندارد.

بسیار خوب، درست است؟ لزوماً نه. بعضی از دانشمندان می‌گویند که دیگر مواد شیمیایی که استفاده می‌شوند ممکن است همچنین خطرناک از آب دربیایند. ممکن است آن‌ها حتی خطرناک‌تر باشند.

۱- گزینه ۱ بر طبق این مقاله، BPA به داخل غذا نفوذ می‌کند.

۲- گزینه ۳ شرکت‌های غذایی شروع به استفاده از ظرف‌هایی کرده‌اند که شامل BPA نمی‌شوند.

۳- گزینه ۲ برخی از ظروف غذا ممکن است مواد شیمیایی را داشته باشند که خطرناک می‌باشند.

۴- گزینه ۲ کلمه مشخص شده concerned نزدیکترین معنی را به کلمه‌ی worried (نگران) دارد.

۵- گزینه ۱ چیزی بعنوان ظرف غذای سالم وجود ندارد

متن پنجم

Weather forecasting is the use of science and technology to predict the state of the atmosphere for a given location. Human beings have tried to predict the weather informally for thousands of years, and formally since the nineteenth century. Weather forecasts are made by collecting quantitative data about the current state of the atmosphere on a given place and using scientific understanding of atmospheric processes to predict how the atmosphere will be on that place.

Once an all-human endeavor based mainly upon changes in barometric pressure, current weather conditions, and sky condition, weather forecasting now relies on computer-based models that considers atmospheric factors. Human input is still required to select the best possible forecast model to base the forecast upon,

which involves pattern recognition skills, teleconnections, knowledge of model performance, and knowledge of model basis. The ever changing nature of the atmosphere, the great computational power required to solve the equations that describe the atmosphere, error involved in measuring the initial conditions, and an incomplete understanding of atmospheric processes mean that forecasts become less accurate as the difference in current time and the time for which the forecast is being made increases.

۱. According to the passage, weather forecasting.....

- ۱) is a new technology
- ۲) has a long history
- ۳) began less than 100 years ago
- ۴) is not as effective as it used to be

۲. The passage is mainly concerned with.....

- ۱) the reasons why humans are attracted to weather forecasting.
- ۲) the circumstances under which weathermen make mistakes
- ۳) a definition of weather forecasting and the way it is done.
- ۴) the early methods used to predict weather conditions.

۳. What does the passage state about the role of humans in modern weather forecasting?

- ۱) Human work is necessity
- ۲) There is no need for humans.
- ۳) Even people with no expert knowledge can do weather forecasting.
- ۴) It now depends more on human intervention than was the case in less modern weather forecasting models.

۴. The word "which" near the end of paragraph 2 refers to.....

- ۱) processes
- ۲) Forecasts
- ۳) difference in current time
- ۴) Time

ترجمه متن پنجم به همراه پاسخ تشریحی

پیش بینی وضع هوا کاربرد علم و فن آوری برای پیش بینی وضعیت جو برای منطقه ای خاص است. انسان تلاش کرده است برای هزاران سال آب و هوا را به طور غیر رسمی و از قرن ۱۹ به طور رسمی پیش بینی کند. پیش بینی هوا با جمع آوری اطلاعات کمی در مورد وضعیت کنونی جو در مکانی خاص و استفاده از درک علمی از فرآیندهای جوی برای پیش بینی اینکه جو در آن محل چگونه خواهد بود، انجام می شود.

زمانی تلاش بشر عمدتاً بر اساس تغییرات در فشار بارومتريک، شرایط آب و هوایی موجود، و وضعیت آسمان بود، در حالیکه امروزه پیش بینی هوا بر مدل های کامپیوتری که عوامل جوی را در نظر می گیرد، بستگی دارد. اطلاعات انسان هنوز برای انتخاب بهترین مدل پیشگویی ممکن، برای اینکه پیش بینی را بر اساس آن قرار دهیم مورد نیاز است، که این مدل شامل مهارت های تشخیص الگو، ارتباط از راه دور، دانش اجرای مدل، و آگاهی از مبنای مدل می شود. ماهیت تغییر پذیری دائم جو، قدرت محاسبه ای بالا برای حل معادلاتی که جو را توصیف می کنند، خطای اندازه گیری شرایط اولیه، و درک ناقص از فرآیندهای جوی به این معنی است که هرچه تفاوت در زمان جاری و زمانی که برای آن پیش بینی انجام می شود افزایش یابد، پیش گویی ها از درستی کمتری برخوردارند.

۱- گزینه ۲ طبق متن، پیش بینی هوا از تاریخ طولانی برخوردار است.

۲- گزینه ۳ این متن عمدتاً با تعریف "پیش بینی آب و هوا و روش آن" ارتباط دارد.

۳- گزینه ۱ کار انسان (در پیش بینی مدرن آب و هوا) یک ضرورت است.

۴- گزینه ۴ کلمه which در خط آخر متن به Time اشاره می کند.

متن ششم

For centuries there have been descriptions of unusual behavior happening before and related to earthquakes. In cases where animals show unusual behavior some tens

of seconds before a quake, it has been suggested they are responding to the P-waves. These travel through the ground about twice as fast as the S-waves that cause most severe shaking. They predict not the earthquake itself—that has already happened—but only the possible arrival of the more destructive S-waves.

In the 1970s, scientists thought that a practical method for predicting earthquakes would soon be found, but by the 1990s continuing failure led many to question whether it was even possible. Demonstrably successful predictions of large earthquakes have not occurred and the few claims of success are not accepted by all scientists. For example, the most famous claim of a successful prediction is related to the 1975 Haicheng earthquake. A later study said that there was no valid short-term prediction. Extensive searches have reported many possible earthquake signals, but, so far, such signals have not been reliably identified across significant spatial and temporal scales. While part of the scientific community hold that, considering non seismic signals or precursors and given enough resources to study them extensively, prediction might be possible, most scientist are not that positive and some say that earthquake prediction is inherently impossible.

۱. The word "They" in paragraph 1 refers to

- ۱) P-wave ۲) animals ۳) S-waves ۴) both S-waves and P-waves

۲. Which of the following can be understood from the passage about scientists' opinion about earthquake prediction?

- ۱) They do not agree with one another about possibility of earth quake prediction.
 ۲) They believe that using old method such as animal behavior observation is very useful.
 ۳) They argue that due to a change in earthquake types, earthquake prediction is not as exact as it used to be.

۴) They state that success in earthquake prediction is more likely if they just engage themselves in short-term predictions.

۳, The writer mentions the 1975 Haicheng earthquake in paragraph 2 because it

- ۱) is well known all over the world.
- ۲) was predicted pretty well and just in time.
- ۳) was one of the strongest earthquakes that could have caused much damage.
- ۴) is claimed to have been predicted, a claim with which not all scientists actually agree.

۴, There is enough information in the passage to answer which of the following questions?

- ۱) How much faster do P-waves travel compared to S-waves?
- ۲) Why is it that S-waves are more destructive than P-Waves are?
- ۳) In what cases did scientists fail to predict earthquakes in the 1990s?
- ۴) What kind of unusual animal behavior can be a signal of an upcoming earthquake?

ترجمه متن ششم به همراه پاسخ تشریحی

در طول قرن ها توصیفاتی درباره رفتار غیر معمول حیوانات قبل از وقوع و در ارتباط با زلزله وجود داشته است. در مواردی که حیوانات چند ده ثانیه قبل از زمین لرزه رفتار غیرعادی نشان می دهند، عقیده بر این است که آنها نسبت به امواج P واکنش نشان می دهند. این امواج با سرعتی تقریباً دو برابر امواج S که باعث تکان های بسیار شدید می شوند در زمین حرکت می کنند. آنها خود زلزله را پیش بینی نمی کنند - زلزله قبلاً رخ داده است - بلکه رسیدن احتمالی امواج مخرب تر S را پیش بینی می کنند.

در دهه ۱۹۷۰، دانشمندان فکر می کردند که به زودی روشی عملی برای پیش بینی زلزله پیدا خواهد شد، اما در دهه ۱۹۹۰ شکست های پی در پی باعث شد بسیاری تردید کنند که اصولاً پیش بینی زلزله امکان پذیر باشد. پیش بینی های موفق قابل توجهی درباره ی زلزله های بزرگ انجام نشده است و معدود ادعاهای موفق توسط دانشمندان مورد موافقت قرار نگرفته است. بعنوان نمونه، مشهورترین ادعا ی پیش بینی موفق به زلزله "های

چنگ" سال ۱۹۷۵ مربوط می شود. تحقیقات بعدی نشان داد که پیش بینی کوتاه مدت معتبری انجام نشده است. در مطالعاتی گسترده نشانه های محتمل فراوانی (برای وقوع) زلزله گزارش شده است، اما تا کنون اعتبار این نشانه ها با معیارهای زمانی و مکانی قابل توجه ثابت نشده است. درحالیکه بخشی از جامعه علمی معتقدند که در نظر گرفتن علایم و یا پیش آمد های غیر لرزه ای و با داشتن منابع کافی برای مطالعه جامع آنها، پیش بینی (زلزله) امکان پذیر می باشد، اکثر دانشمندان تا این حد امیدوار نمی باشند و بعضی می گویند پیش بینی زمین لرزه اساساً غیرممکن است.

۱- گزینه ۱ کلمه ی they در پاراگراف ۱ به امواج P اشاره می کند.

۲- گزینه ۱ آنها با یکدیگر درمورد احتمال پیش بینی وقوع زلزله هم نظر نیستند."

۳- گزینه ۴ ادعا می شود که (آن زلزله) پیش بینی شده است، ادعایی که در واقع تمامی دانشمندان با آن موافق نیستند."

۴- گزینه ۱ در مقایسه با امواج S ، امواج P چقدر سریعتر حرکت می کنند؟"

متن هفتم

When we are learning a foreign language, we tend to think that it is important to understand everything that we hear. But when you are listening to someone talking in your own language, you probably don't listen at 100% and nor do you probably need/wish to.

Thus, an essential rule for improving your understanding of native English speakers is not to expect to understand everything they say. My wife and I are both from Tokyo in Japan. When we watch DVDs of English television series, we watch with subtitles - if we don't have subtitles, we sometimes miss about 20% of what is said.

However, even if we don't turn on the subtitles and thus miss 20%, we still understand enough to follow the story.

Understanding enough to follow the plot should be your objective too. By "plot," I mean a conversation in a restaurant, a formal presentation, a telephone call.

In non-strictly technical or scientific encounters, conversations are often more a means of being together, a socio-cultural event in which relations are established, rather than an opportunity for exchanging information. Most of the time, what is said may be completely irrelevant. Quite often talking is merely an end in itself. When we go out for dinner with friends, the main object is not to collect useful information but simply to interact with the people we are with and to enjoy each other's company.

۱. Why does the author refer to the experience of talking in the mother tongue (paragraph 1)?

- ۱) To prove that learning a new language is not easy
- ۲) To show that our knowledge of our native language is perfect
- ۳) To support the main point mentioned in an earlier statement in the same paragraph
- ۴) To state that the mental effort you make to understand when others are talking to you is more than the mental effort you make when you yourself are

۲. According to paragraph 2, when one is watching a film, in a foreign language

- ۱) subtitles are to be used if one is expected to be able to follow the line of the story perfectly enough
- ۲) one can understand and enjoy the story even if one does not understand everything that the film characters say

۳) one is very likely to miss 20 percent of the content of the film even if one is watching the film with subtitles

۴) it is enough for one to understand 20 percent of what the characters in a film say in order to understand the general points in the film

۳, In which paragraph has the author used exemplification to make herself better understood?

۱) Only paragraph 1

۲) Only paragraph 2

۳) Only paragraph 4

۴) Both paragraph 2 and paragraph 4

۴, What makes the focus of paragraph 4 different from the focus of the first three paragraphs is that this paragraph is concerned more with the role of language in

۱) bringing people together

۲) research - related activities

۳) enhancing scientific achievements

۴) cultural development in the world

ترجمه متن ششم به همراه پاسخ تشریحی

هنگامی که در حال آموختن یک زبان خارجی هستیم، مایل هستیم که فکر کنیم فهمیدن هر چیزی که می شنویم مهم است. اما وقتی که شما در حال گوش دادن به صحبت فردی به زبان خودتان هستید، احتمالاً ۱۰۰ درصد گوش نمی دهید و یا اینکه شاید نیاز/ تمایل (به آن) ندارید.

بنابراین، یک اصل ضروری برای بهبود فهم شما از انگلیسی زبانان بومی این نیست که توقع داشته باشید هر آنچه را می گویند، متوجه شوید. من و همسر هر دو اهل توکیوی ژاپن هستیم. وقتی که DVD های سریال های تلویزیونی انگلیسی را می بینیم، با زیرنویسی نگاه می کنیم - اگر زیرنویسی نداشته باشیم، بعضی وقتها حدود ۲۰ درصد چیزی که گفته می شود را از دست می دهیم. با این وجود حتی اگر زیرنویس را روشن نکنیم و در نتیجه ۲۰ درصد را از دست بدهیم، هنوز به قدر کافی برای دنبال کردن داستان می فهمیم.

هدف شما هم بایستی به قدر کافی فهمیدن برای دنبال کردن مهمترین بخش موضوع مورد بحث (plot) باشد. منظور من از «مهمترین بخش موضوع مورد بحث» گفتگویی در یک رستوران، ارائه یک سخنرانی رسمی، یک تماس تلفنی است.

در ملاقاتهایی که صرفاً علمی یا فنی نمی‌باشند، گفتگوها معمولاً، بیشتر عاملی برای با هم بودن است، یک واقعه اجتماعی- فرهنگی که در آن روابط شکل می‌گیرند تا فرصتی برای تبادل اطلاعات باشند، در اکثر مواقع، آنچه که بیان می‌شود ممکن است کاملاً بی‌ربط باشد. اغلب اوقات صرفاً حرف زدن به خودی خود هدف است. وقتی با دوستان برای شام به بیرون می‌رویم، هدف اصلی جمع‌آوری اطلاعات مفید نیست بلکه در واقع ارتباط با افرادی که با آنها هستیم و لذت از همراهی با همدیگر می‌باشد.

۱- گزینه ۳

متن سوال : چرا نویسنده به تجربه صحبت کردن به زبان مادری اشاره می‌کند (پاراگراف ۱)؟

متن پاسخ گزینه ۳ : که منظور اصلی ذکر شده در جمله پیش‌تر در همان پاراگراف را مورد حمایت قرار دهد.

۲- گزینه ۲

متن سوال : طبق پاراگراف ۲، وقتی شخصی فیلمی را به زبان خارجی تماشا می‌کند

متن پاسخ گزینه ۲ : آن شخص می‌تواند داستان را متوجه شود و از آن لذت ببرد حتی اگر همه چیزی که شخصیت‌های فیلم می‌گویند را متوجه نشود.

۳- گزینه ۴ مطابق متن، هم پاراگراف ۲ و هم پاراگراف ۴ نویسنده از مثال زدن استفاده کرده تا خود را بهتر بفهماند.

۴- گزینه ۱ این پاراگراف بیشتر به بررسی نقش زبان "در دور هم جمع کردن انسان‌ها" پرداخته است.

مجموعه تست های نمونه استاندارد زبان کنکور

امیدواریم که این مجموعه تست ها کمک شایانی در یادگیری نکات تستی در گروه های مختلف واژگان، گرامر؛ کلوز و درک مطلب شما عزیزان باشد. بطور حتم تمرین تستهای واقعی کنکور، بهترین راه افزایش توانایی داوطلبان گرامی در پاسخ به سوالات زبان کنکور ۱۴۰۰ می باشد. (تست ها و نکات مربوط به آنها)

1. It was large earthquake that it damaged almost all the houses in the village.

- ۱) so ۲) so a ۳) such ۴) such a

پاسخ:

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

معنای جمله: چنان زمین لرزه بزرگی بود که تقریباً به همه خانه های روستا آسیب رساند.

نکته گرامری:

بعد از such a/an اسم قابل شمارش یا صفت و سپس کلمه ربط (مانند) that و سپس جمله بعدی بکار می رود.

2. My wife told me to change my clothes because she thought I was not dressed for the party.

- ۱) seriously ۲) personally ۳) commonly ۴) appropriately

پاسخ:

گزینه ۴ پاسخ صحیح می باشد.

معنی جمله: همسر من گفت که لباسم را عوض کنم زیرا فکر می کرد بطور مناسب برای مهمانی لباس نپوشیده ام.

معنی گزینه های این تست:

- ۱) با جدیت ۲) بطور شخصی ۳) معمولاً ۴) بطور مناسب

3. When people eat, however, they tend to confuse or combine information from the tongue and mouth with in the nose.

- ۱) that happens ۲) the thing happens
۳) what it happening ۴) what is happening

پاسخ:

گزینه ۴ پاسخ صحیح می باشد.

معنی جمله: موقعی که افراد غذا می خورند، به هر حال، تمایل دارند به اینکه اطلاعات دریافت شده از زبان و دهان را با آنچه که در بینی رخ می دهد، به اشتباه بگیرند یا ترکیب کنند.

4. Biology is one of Ali`s main interests. He finds it very

- ۱) confusing ۲) surprising ۳) interesting ۴) boring

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: زیست شناسی یکی از علاقه های اصلی علی است. او آن را خیلی جالب می داند.

معنی گزینه ها: ۱. گیج کننده ۲. مهیج ۳. جالب ۴. کسل کننده

5. The dishes yet. Could you please wash them up.

- ۱) have been not washed ۲) have not been washed
۳) are not being washed ۴) had not been washed

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: ظرفها هنوز شسته نشده است. لطف می کنی آنها را بشوری.

نکته گرامری:

۱. فعل wash متعدی بوده و بعد از نقطه چین مفعول بکار نرفته است. بنابراین ساخت مجهول پیدا میکند.

۲. کلمه yet نشانه ی زمان حال کامل با ساختار زیر می باشد: قسمت سوم فعل + have/has

6. Stars' lifetimes vary from a few million years to billions of years, how fast a star uses up its nuclear fuel.

- ۱) depending on ۲) picking up ۳) consisting of ۴) surviving on

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح می باشد.

معنی جمله : عمر ستاره ها از چند میلیون سال تا میلیارد ها سال متفاوت می باشد، که بستگی دارد به اینکه چقدر سریع یک ستاره سوخت هسته ای خود را مصرف می کند.

معنی گزینه های این تست :

- (۱) بستگی داشتن (۲) برداشتن (۳) شامل شدن (بودن) (۴) زنده ماندن

7. The refrigerator is full of fruit and vegetables. My father to the store.

- ۱) must go ۲) should go ۳) Should have gone ۴) must have gone

پاسخ :

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

معنای جمله : یخچال پر از میوه و سبزیجات است. پدر من حتما به فروشگاه رفته است.

نکته گرامری :

عبارت قسمت سوم فعل must have بیانگر نتیجه گیری منطقی در انجام کاری با توجه به شواهد مربوط به زمان حال و گذشته می باشد.

8. The answer to this question, which human beings since ancient times, still remains unclear.

- ۱) is interested ۲) has interested ۳) had interested ۴) was interesting for

پاسخ :

گزینه ۲ پاسخ صحیح می باشد.

معنی جمله : پاسخ به این پرسش، که انسان را از دوران باستان علاقمند کرده است، هنوز نامشخص باقی مانده است.

نکته : وجود کلمه since در این جمله، به روشنی استفاده از ساختار زمانی ماضی نقلی (has interested) را نشان می دهد.

در ضمن، واژه human beings به معنای "انسان" مورد استفاده قرار می گیرد.

Ancient times نیز همان "دوران باستان" می باشد.

9. Although it took a lot of time and energy to raise the money needed to rebuild the school, in the end everyone agreed that it had been a valuable

- ۱) feature ۲) guidance ۳) quality ۴) endeavor

پاسخ:

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : گر چه زمان و انرژی زیادی برای تهیه پول مورد نیاز برای بازسازی مدرسه صرف شد، (ولی) در آخر همه موافق بودند که کوشش ارزشمندی بوده است.

معنی گزینه های این تست:

۱. خصوصیت، ویژگی ۲. هدایت ۳. کیفیت ۴. کوشش و تلاش

10. There is still not much..... like movie theaters for young people in some small towns.

- ۱) employment ۲) entertainment ۳) connection ۴) environment

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنای جمله : در تعدادی از شهرهای کوچک برای جوانان هنوز تفریح و سرگرمی زیادی مانند سینما وجود ندارد.

معنی هر چهار گزینه:

۱. استخدام ۲. تفریح و سرگرمی ۳. ارتباط ۴. محیط

11. Thousands of pieces of data are in a computer memory.

- ۱) exchanged ۲) stored ۳) connected ۴) transferred

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : هزاران اطلاعات در حافظه کامپیوتر ذخیره می شود.

معنی گزینه ها:

۱. تبادل می گردد ۲. ذخیره می شود ۳. متصل می شود ۴. منتقل می گردد

12. Astronomers know that the planets Pluto and Triton have nearly the same size, mass, and

- ۱) scene ۲) reality ۳) density ۴) mechanism

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : ستاره‌شناس‌ها باور دارند که سیارات پلوتون و تریتون تقریباً دارای اندازه، جرم و چگالی مشابه هستند.

معنی گزینه های این تست:

- ۱) صحنه ۲) واقعیت ۳) چگالی، تراکم ۴) مکانیزم

13. These trees are flexible enough; they do not break, but only , in the wind.

- ۱) stretch ۲) bend ۳) lean ۴) react

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : این درختان به اندازه کافی انعطاف‌پذیر می باشند؛ آنها در باد نمی‌شکنند، بلکه فقط خم می‌شوند.

معنی گزینه های این تست:

- ۱) کش آمدن، امتداد دادن ۲) خم شدن، خم کردن، انحراف
۳) تکیه کردن، متکی شدن ۴) عکس العمل نشان دادن

14. Peter is to become a police officer. He is only 165 cm tall.

- ۱) so short ۲) too short ۳) too tall ۴) tall enough

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : پیتر برای پلیس شدن خیلی کوتاه است. او فقط ۱۶۵ سانتیمتر قد دارد.
نکته گرامری:

با توجه به معنی جمله دوم که دارای بار منفی است (به کلمه **only** دقت کنید)، گزینه صحیح بایستی نشان دهنده عدم موفقیت او در کار مورد نظر باشد. بنابراین گزینه **too short** به منظور نشان دادن کوتاهی بیش از حد قامت، پاسخ صحیح خواهد بود.

15. I'm not sure we have got to print out the document.

- ۱) enough paper ۲) paper enough ۳) such a paper ۴) such paper

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: من مطمئن نیستم که ما به اندازه کافی کاغذ گرفته ایم که (بتوانیم) کل مدرک را چاپ نماییم.
نکته:

با توجه به وجود مصدر با **to** بعد از نقطه چین، استفاده از **such** نادرست خواهد بود. گزینه ۲ نیز صحیح نیست چراکه اسم بعد از **enough** بکار می رود.

16. A: "Nobody could move the piano."

B: "I think it was to move."

- ۱) so heavy ۲) too heavy ۳) very heavy ۴) such heavy

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله:

A: هیچکس نتوانست پیانو را جابجا کند.

B: فکر میکنم آن برای حرکت دادن خیلی سنگین بود.

نکته:

با توجه به تکیه نگارنده تست بر **Nobody** و مفهوم منفی ناشی از عدم انجام کار، گزینه **too heavy** به معنای "زیادی سنگین بودن" پیانو استفاده خواهد شد.

17. Fortunately, the storm was not strong enough any serious damage to the town.

- ۱) to cause ۲) it didn't cause ۳) that didn't cause ۴) to be caused

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنی جمله:

خوشبختانه توفان به اندازه کافی شدید نبود که خسارت جدی به شهر وارد آورد.

نکته:

با توجه به وجود enough، فعل بعد از آن بصورت مصدر (to) بایستی بکار رود. از طرفی معنای جمله نشاندهنده استفاده از ساختار فعل معلوم (to cause) برای جمله است که گزینه ۱ پاسخ صحیح خواهد بود.

18. Trying to the weather is not an easy job, as it requires special equipment.

- ۱) estimate ۲) mention ۳) forecast ۴) express

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنای جمله: تلاش برای پیش بینی هوا کار ساده ای نیست، بدلیل اینکه نیاز به تجهیزات خاصی دارد.

معنی هر چهار گزینه:

۱، تخمین زدن ۲، اشاره کردن ۳، پیش بینی کردن ۴، بیان کردن

19. We were late getting to the airport, but for us, the plane was delayed.

- ۱) luckily ۲) basically ۳) certainly ۴) entirely

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنای جمله: ما به فرودگاه دیر رسیدیم، اما خوشبختانه هواپیما تاخیر داشت.

معنی هر چهار گزینه: ۱، خوشبختانه ۲، اساساً ۳، حتماً ۴، کاملاً

20. Bahram is not a child anymore. It is time he life more seriously.

- ۱) mode ۲) took ۳) put ۴) did

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنای جمله : بهرام دیگر بچه نیست. زمان آن رسیده است که زندگی اش را جدی تر بگیرد.

(چیزی) را جدی گرفتن : Take (something) serious

پراکندگی و تنوع تست های گرامر

با وجه به محدودیت تست های گرامر به کتاب های زبان دو سال آخر، تنوع سوالهای گرامر در آزمون زبان کنکور چندان بالا نمی باشد و این بدین معناست که با مرور و مطالعه دقیق تعداد قابل قبول آزمون دوره های قبل، تسلط بر پاسخگویی این تست ها بشدت افزایش خواهد یافت.

21., Looking at the magnificent crystal blue water of the sea, Eileen thought she had never seen

- ۱) anything so beautiful ۲) so beautiful anything
۳) so beautiful anything was ۴) anything was so beautiful

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : ایلین (Eileen) در حالی که به آب آبی با شکوه شفاف دریا نگاه می کرد، به این فکر کرد که هرگز چیزی به این زیبایی ندیده بود.

نکته : از لحاظ ساختاری، صفت بعد از واژه anything قرار می گیرد.

22, Finding a solution to the long-lasting problems of unemployment an easy task to do.

- ۱) seem not to be ۲) does not seem to be
۳) not seeming to be ۴) that is not seemingly

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله : پیدا کردن راه حلی برای مشکلات دیرینه بیکاری به نظر نمی رسد که کار ساده ای باشد.

نکته:

برای منفی کردن فعل **"seem"** در زمان حال ساده از **"does not"** استفاده می‌شود و بعد از آن مصدر با **to** می‌آید.

23., Fortunately, the storm was not strong enough any serious damage to the town.

- ۱) to cause ۲) it didn't cause ۳) that didn't cause ۴) to be caused

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنی جمله:

خوشبختانه توفان به اندازه کافی شدید نبود که خسارت جدی به شهر وارد آورد.

نکته:

با توجه به وجود **enough**، فعل بعد از آن بصورت مصدر (با **to**) بایستی بکار رود. از طرفی معنای جمله نشاندهنده استفاده از ساختار فعل معلوم (**to cause**) برای جمله است که گزینه ۱ پاسخ صحیح خواهد بود.

24., I'm not sure we have got to print out the document.

- ۱) enough paper ۲) paper enough ۳) such a paper ۴) such paper

پاسخ:

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: من مطمئن نیستم که ما به اندازه کافی کاغذ گرفته ایم که (بتوانیم) کل مدرک را چاپ نماییم.

نکته:

با توجه به وجود مصدر با **to** بعد از نقطه چین، استفاده از **such** نادرست خواهد بود. گزینه ۲ نیز صحیح نیست چراکه اسم بعد از **enough** بکار می‌رود.

25., I'm sure we will succeed and get the best result as we have worked

- ۱) enough hard ۲) such hard ۳) so hard enough ۴) hard enough

پاسخ:

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

معنی جمله:

من مطمئن هستم که ما موفق خواهیم شد و بهترین نتایج را می گیریم چون بقدر کافی سخت تلاش کرده ایم .
 نکته: همیشه صفت و قید قبل از enough می آیند. در ضمن such نیز با صفت تنها بکار نمی رود.

تست های تمرینی واژگان زبان کنکور

در این متن، سعی می کنیم برای تمرین بیشتر داوطلبان عزیز کنکور، تعدادی تست استاندارد واژگان زبان کنکور را به همراه پاسخ تشریحی مرور نماییم.
 به داوطلبان گرامی توصیه می گردد در این مقطع زمانی باقیمانده تا کنکور، با مرور و تمرین زیاد تست های استاندارد، مهارت تست زنی خود را در درس زبان کنکور تا حد امکان افزایش دهند.
 لازم به توضیح است که تست های این مجموعه به مرور افزایش می یابند، پس تا شب کنکور هر هفته سری به این مجموعه بزنید!

1, The driver was taken to hospital as he had been badly injured in the car accident.

- ۱) wisely ۲) immediately ۳) seriously ۴) entirely

پاسخ:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: راننده بلافاصله به بیمارستان برده شد چون در تصادف اتومبیل به شدت مجروح شده بود.

گزینه اول به معنی "عاقلاانه"، گزینه سوم به معنی "بطور جدی" و گزینه چهارم به معنی "بطور کامل" می باشند.

2., When he finally graduated, Victor felt he had everything he set out to do.

- ۱) combined ۲) expressed ۳) achieved ۴) suggested

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: وقتی که سرانجام فارغ التحصیل شد، ویکتور احساس کرد که هر چه را برای انجام دادن تعیین کرده بود بدست آورده است.
گزینه اول به معنی "ترکیب کردن"، گزینه دوم به معنی "بیان کردن" و گزینه چهارم به معنی "پیشنهاد کردن" می باشند.

3., One of the club members raised a question but it was not taken because everyone agreed that it was totally irrelevant to the subject under discussion.

۱) surely ۲) suitably ۳) seriously ۴) necessarily

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: یکی از اعضای باشگاه سوالی پرسید اما جدی گرفته نشد چراکه همگی موافقت کردند که کاملاً با موضوع در دست بررسی بی ارتباط بوده است.
معنی گزینه ها:

۱) بطور حتم ۲) بطور مناسب ۳) جدی ۴) الزامی

4. , Reza is not happy with his income, so he is a new job in a large city.

۱) turning on ۲) turning up ۳) looking for ۴) looking after

پاسخ:

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: رضا از درآمدی که دارد راضی نیست، بنابراین او در یک شهر بزرگ به دنبال یک کار جدید می گردد.

معنی گزینه ها:

۱) روشن کردن ۲) بلند کردن (صدا) ۳) دنبال گشتن ۴) مراقبت کردن

5., Machines can now perform many tasks in the home.

۱) irrelevant

۲) surrounding

۳) anxious

۴) repetitive

پاسخ :

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

معنی جمله: حالا ماشین ها می توانند کارهای تکراری زیادی را در خانه انجام دهند.

۴, تکراری

۳. نگران

۲, اطراف

معنی گزینه ها: ۱, نامربوط

سوالات کنکور زبان انگلیسی

رشته علوم تجربی

سال ۹۷

همراه با:

پاسخنامه تشریحی

- 76- Not only am I late getting started, but I also ----- what to buy for everyone so far.
1) haven't decided 2) hadn't decided 3) didn't decide 4) won't decide
- 77- The word "panorama", which names a type of painting ----- in 1787, comes from two Greek words.
1) invented 2) was invented 3) had invented 4) that invented
- 78- The show I went to see last night was such an exciting one ----- I didn't breathe for an hour.
1) so that 2) while 3) that 4) as
- 79- I have never forgotten the ----- table at which we all used to eat our meals.
1) beautiful brown large wooden 2) large wooden beautiful brown
3) beautiful large wooden brown 4) beautiful large brown wooden
- 80- Unless you make sure that your body receives all the ----- it needs, I don't think you will begin to feel healthy.
1) profits 2) nutrients 3) features 4) clues
- 81- She was ----- good at covering emotions she didn't want to show, but he read them all and threw them back in her face.
1) carefully 2) seriously 3) normally 4) wisely
- 82- There is no way to know how many people will be affected by the storm, but we ----- it will be in the thousands.
1) survive 2) estimate 3) inform 4) prepare
- 83- The important thing in life is not success, but the -----; the important thing is not to have won but to have fought well.
1) mission 2) union 3) struggle 4) pressure
- 84- Because of my illness I am sure that my doctor would ----- me to eat sugar for at least a couple of weeks.
1) remove 2) refuse 3) ignore 4) forbid
- 85- Jamie has been in a ----- state of pain ever since he was injured in a car accident.
1) constant 2) common 3) direct 4) human
- 86- Humans are born with 300 bones in their body; however, when a person reaches adulthood they only have 206 bones. This occurs because many of them ----- together to make a single bone.
1) join 2) carry 3) cause 4) involve
- 87- The moment you realize that it is your right to be happy, you have actually taken a ----- step towards happiness.
1) hardworking 2) nervous 3) heavy 4) giant

Part B: Cloze Test

Directions: Questions 88-92 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark your answer sheet.

A lot of students are not (88) ----- aware of the initial difficulties of living in a new country. When you live in a foreign country, you do not spend your time in cafes or looking at the artistic or natural heritage. You have to make friends. And (89) ----- you have to speak the language. If you don't, you find yourself in need of help from others to do (90) ----- the simplest tasks—post a letter, make a bank transfer, get a work permit, pay a bill etc. It can (91) ----- at times, especially when you have to (92) ----- yourself in the simplest terms as you haven't yet learned the language.

- | | | | | |
|-----|----------------|------------------|-----------------|-------------------|
| 88- | 1) actively | 2) briefly | 3) previously | 4) truly |
| 89- | 1) you do that | 2) that to do | 3) to do that | 4) by doing that |
| 90- | 1) as | 2) even | 3) very | 4) although |
| 91- | 1) disturb | 2) be disturbing | 3) be disturbed | 4) have disturbed |
| 92- | 1) keep | 2) follow | 3) produce | 4) express |

Part C: Reading Comprehension

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

When we are learning a foreign language, we tend to think that it is important to understand everything that we hear. But when you are listening to someone talking in your own language, you probably don't listen at 100% and nor do you probably need/wish to.

Thus, an essential rule for improving your understanding of native English speakers is not to expect to understand everything they say. My wife and I are both from Tokyo in Japan. When we watch DVDs of English television series, we watch with subtitles—if we don't have subtitles, we sometimes miss about 20% of what is said. However, even if we don't turn on the subtitles and thus miss 20%, we still understand enough to follow the story.

Understanding enough to follow the plot should be your objective too. By "plot," I mean a conversation in a restaurant, a formal presentation, a telephone call.

In non-strictly technical or scientific encounters, conversations are often more a means of being together, a socio-cultural event in which relations are established, rather than an opportunity for exchanging information. Most of the time, what is said may be completely irrelevant. Quite often talking is merely an end in itself. When we go out for dinner with friends, the main object is not to collect useful information but simply to interact with the people we are with and to enjoy each other's company.

- 93- **Why does the author refer to the experience of talking in the mother tongue (paragraph 1)?**
 1) To prove that learning a new language is not easy
 2) To show that our knowledge of our native language is perfect
 3) To support the main point mentioned in an earlier statement in the same paragraph
 4) To state that the mental effort you make to understand when others are talking to you is more than the mental effort you make when you yourself are talking.
- 94- **According to paragraph 2, when one is watching a film in a foreign language -----,**
 1) subtitles are to be used if one is expected to be able to follow the line of the story perfectly enough
 2) one can understand and enjoy the story even if one does not understand everything that the film characters say
 3) one is very likely to miss 20 percent of the content of the film even if one is watching the film with subtitles
 4) it is enough for one to understand 20 percent of what the characters in a film say in order to understand the general points in the film

- PASSAGE 2:**

The cause of environmental damage is deeply rooted in human culture. Through hundreds of years of industrialization and exploitation of natural resources, humans are acting on the assumption that we are the best species on earth. Because of our cleverness, science and power and materialism we have lost our respect for nature, which would definitely result in our own destruction in the long term. In a world in which materialistic standards are in control, people are made to inefficiently use more natural resources, since personal wealth is becoming the ultimate measure of success in the eye of society.

- 467

۷۶. گزینه ۱

با توجه به زمان جمله که حال است، گزینه ۲ و ۳ رد خواهند شد. اما با توجه به قید *so far* به معنی تاکنون، نمی‌توانیم از زمان آینده نیز استفاده کنیم. پس گزینه ۴ هم رد خواهد شد. حال کامل پاسخ صحیح است.

۷۷. گزینه ۱

نقاشی، اختراع نمی‌کند بلکه اختراع می‌شود. پس در حالت وجه وصفی کوتاه‌شده مجهول (PP) هستیم.

۷۸. گزینه ۳

با توجه به ساختار زیر، باید از *that* استفاده کرد.

جمله کامل + *that* + گروه اسمی + *a/an* + *Such*

۷۹. گزینه ۴

ترتیب قرارگیری صفات قبل از اسم از راست به چپ به صورت زیر است:

اسم + جنس + رنگ + اندازه + کیفیت

beautiful large brown wooden table

۸۰. گزینه ۲

فکر نمی‌کنم احساس سلامتی کنی، مگر اینکه مطمئن شوی بدن تو همه **مواد مغذی** موردنیاز خود را دریافت می‌کند.

۱. فواید ۲. مواد مغذی ۳. خصوصیات ۴. راهنماها

۸۱. گزینه ۳

او در پنهان کردن احساساتی که نمی‌خواست نشان دهد، خیلی **عادی** بود، اما ...

۱. با دقت ۲. به طور جدی ۳. به طور عادی ۴. عاقلانه

۸۲. گزینه ۲

راهی برای دانستن تعداد افراد متاثر از طوفان وجود ندارد. اما ما آن را در حدود چند هزار **تخمین می‌زنیم**.

۱. زنده ماندن ۲. تخمین زدن ۳. آگاهی دادن ۴. آماده کردن

۸۳. گزینه ۳

مساله مهم در زندگی موفقیت نیست. بلکه تلاش و کوشش است. ...

۱. ماموریت ۲. اتحاد ۳. تلاش و کوشش ۴. فشار

۸۴. گزینه ۴

اطمینان دارم به علت بیماری‌ام، دکتر حداقل چند هفته من را از خوردن شکر **منع** خواهد کرد.

۱. رفع کردن ۲. رد کردن ۳. نادیده گرفتن ۴. منع کردن

۸۵. گزینه ۱

جیمی از زمان تصادف رانندگی، همواره دارای درد **ثابت** است.

۱. ثابت، مستمر ۲. عادی ۳. مستقیم ۴. انسانی

۸۶. گزینه ۱

انسان‌ها با ۳۰ استخوان در بدنشان متولد می‌شوند. هرچند در سن بلوغ تعداد آن‌ها به ۲۰۶ عدد می‌رسد. علت این اتفاق این است که تعدادی از آن‌ها به هم **متصل می‌شوند** تا یک استخوان را بسازند.

۱. متصل شدن ۲. حمل کردن ۳. موجب شدن ۴. شامل شدن

۸۷. گزینه ۴

لحظه‌ای که بفهمی خوشبختی حق توست، قدم **بزرگی** به سمت خوشبختی برداشته‌ای.

۱. سخت‌کوش ۲. عصبی ۳. سنگین ۴. بزرگ

ترجمه Cloze

تعدادی از دانش‌آموزان **به درستی** از سختی‌های اولیه زندگی در یک کشور جدید آگاه نیستند. هنگامی که در یک کشور خارجی زندگی می‌کنید، نباید وقت خود را در کافه‌ها صرف کنید یا اینکه میراث طبیعی یا هنری را مشاهده نمایید. شما مجبورید دوستانی پیدا کنید. و **برای انجام آن** باید به آن زبان صحبت کنید. اگر این کار را انجام نمی‌دهید، **حتی** برای انجام ساده‌ترین کارها مانند پست نامه، انتقال بانکی، جواز کار، پرداخت قبض و غیره خودتان را نیازمند دیگران می‌کنید. این گاهی **می‌تواند آزاردهنده باشد** به‌خصوص زمانی که مجبورید خودتان را با ساده‌ترین اصطلاحات **ابراز** نمایید، چون هنوز زبان را یاد نگرفته‌اید.

۸۸. گزینه ۴

۱. به‌طور فعال ۲. به‌طور خلاصه ۳. قبلاً ۴. به درستی

۸۹. گزینه ۳

برای بیان هدف از to استفاده شده است و تنها معنی گزینه ۳ برای تکمیل جمله مناسب است.

۹۰. گزینه ۲

پس از very باید از صفت مطلق استفاده شود، پس گزینه ۳ رد می‌شود. گزینه ۱ و ۴ نیز از حروف ربط بین دو جمله هستند که این جملات کامل وجود ندارند. بنابراین گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۹۱. گزینه ۲

عمل آزار دادن بر روی فرد انجام می‌شود. همچنین با توجه به وجود فاعل (It) در ابتدای جمله، پس نیاز به صفت فاعلی داریم که توسط فرمول verb+ ing ساخته می‌شود. گزینه ۳ صفت مفعولی است که اشتباه است.

۹۲. گزینه ۴

۱. نگاه داشتن ۲. پیروی کردن ۳. تولید کردن ۴. ابراز کردن

ترجمه متن ۱

هنگامی که در حال یادگیری زبان خارجی هستیم، تمایل داریم فکر کنیم که فهمیدن هرآنچه می‌شنویم مهم است. اما زمانی که به فرد هم‌زبان خود گوش می‌دهید، احتمالاً ۱۰٪ گوش نمی‌دهید و احتمالاً نیاز یا تمایلی به انجام این کار ندارید.

بنابراین یک قانون لازم برای بهبود فهم گوینده‌های انگلیسی‌زبان این است که انتظار نداشته باشید هر آنچه را می‌گویند بفهمید. من و همسر هر دو از توکیوی ژاپن هستیم. هنگامی که ما دی‌وی‌دی‌های سریال‌های انگلیسی تلویزیون را نگاه می‌کنیم، آن را با زیرنویس تماشا می‌کنیم. اگر زیرنویس نداشته باشیم، گاهی ۲۰٪ مکالمات را از دست می‌دهیم. اما با این وجود نیز هنوز به اندازه کافی فهم دنبال کردن داستان را داریم.

فهم کافی برای دنبال کردن موضوع اصلی باید همچنین هدف شما باشد. با "موضوع اصلی": مکالمه در رستوران، ارایه رسمی یا یک تماس تلفنی برای من معنی و مفهوم پیدا می‌کند. در مواجهه‌های علمی یا غیرفنی، مکالمات مفهومی فراتر از یک دورهمی پیدا می‌کنند. در یک مراسم فرهنگی بیشتر روابط شکل می‌گیرند تا اینکه اطلاعاتی رد و بدل شود. در بیشتر اوقات، چیزی که گفته می‌شود شاید کاملاً بی‌ربط باشد. صحبت کردن، اغلب به تنهایی یک فرجام است. وقتی که برای شام با دوستانمان بیرون می‌رویم، جمع‌آوری اطلاعات مفید هدف اصلی نیست، اما واقعا برای تعامل با افراد همراه ماست و برای لذت‌بردن از معاشرت با آن‌ها خواهد بود.

۹۳. گزینه ۳

ارجاع نویسنده به تجربه صحبت به زبان مادری، برای پشتیبانی از نکته اصلی گفته‌شده در همان پاراگراف یا عبارت قبلی بوده است.

۹۴. گزینه ۲

با توجه به پاراگراف ۲: هنگامی که یک نفر فیلمی به زبان خارجی نگاه می‌کند، می‌تواند داستان را بفهمد و از آن لذت ببرد. حتی اگر هرچیزی را که شخصیت‌های فیلم می‌گویند متوجه نشود.

۹۵. گزینه ۴

نویسنده در پاراگراف‌های ۲ و ۴ از مثال استفاده کرده است.

۹۶. گزینه ۱

وجه تمایز پاراگراف ۴ از ۳ پاراگراف اول متن این است که این پاراگراف بیشتر نگران نقش زبان در جمع کردن افراد دور هم می‌باشد.

ترجمه متن ۲

مسائل محیط زیست مرتبط با انسان جدید نیستند. مشکل جنگل‌زایی، بیابان‌زدایی، آلودگی آب، تغییرات آب و هوایی و انقراض گونه در طول تاریخ زمین وجود داشته است. هرچند با علم و تکنولوژی پیشرفته امروزی، مردم می‌توانند آسیب‌های بزرگتری به طبیعت بزنند و این را سریع‌تر انجام دهند. اثرات آن بیشتر روی هم جمع خواهد شد. از طرف دیگر، به علت رشد جمعیت؛ انسان‌ها بیشتر از همیشه ترغیب شده‌اند که از منابع طبیعی بهره بگیرند تا نیاز افزایش جمعیت را فراهم نمایند. هرچند آن‌ها می‌دانند که هر کاری که انجام دهند بدون نتیجه‌های زیست محیطی نیست. اما بیشتر از همه اثر تغییرات زیست محیطی بشر دیگر محدود به محله و منطقه نخواهد بود و کل سیاره را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

علت تخریب زیست محیطی کاملاً ریشه در فرهنگ انسانی دارد. در طول صدها سال صنعتی‌سازی و استخراج منابع طبیعی، انسان‌ها با این فرض عمل می‌کنند که ما بهترین گونه بر روی زمین هستیم. به علت هوش، علم، قدرت و ماده‌گرایی، احترام خود به طبیعت را از دست داده‌ایم. که قطعاً در درازمدت منجر به نابودی خودمان می‌شود. در جهانی که استانداردهای ماده‌گرایی تحت کنترل هستند، مردمی برای استفاده بیشتر و غیربهرینه از منابع طبیعی به وجود آمده‌اند تا زمانی که ثروت شخصی به اندازه نهایی از موفقیت در چشم جامعه بدل شود.

۹۷. گزینه ۱

کدامیک منجر به تخریب‌های بیشتر محیط زیست توسط انسان نمی‌شود؟ با توجه به متن، گزینه صحیح انقراض حیوانات و گیاهان است.

۹۸. گزینه ۴

ضمیر آن در پاراگراف اول به تخریب طبیعت برمی‌گردد.

۹۹. گزینه ۴

اگر انسان‌ها ماده‌گرایی را مدیریت کنند، تخریب محیطی کمتری نسبت به تخریب جهانی اتفاق نخواهد افتاد.

۱۰۰. گزینه ۱

جامعه انسانی امروز به‌طور کلی با استانداردهای ماده‌گرایانه حکمرانی می‌کند.

سوالات کنکور زبان انگلیسی

رشته ریاضی فیزیک

سال ۹۷

همراه با:

پاسخنامه تشریحی

- 76- The employees ----- to the manager as soon as they occurred realized that they were more easily and quickly solved.
 1) reported the problems 2) who reported the problems
 3) that the problems they reported 4) whom the problems reported
- 77- It is important for every single individual living in this world ----- hard to protect the environment.
 1) to work 2) for working 3) and works 4) that works
- 78- They ----- the race they took part in, but they didn't try hard enough.
 1) had won 2) might win 3) have to win 4) could have won
- 79- She read the agreement again ----- she would make sure there was nothing wrong in it.
 1) as 2) so that 3) whereas 4) even though
- 80- It is difficult to say what is impossible, for the dream of yesterday, today is the hope, but also can become tomorrow's -----.
 1) prize 2) case 3) reality 4) matter
- 81- The researchers would ----- several other areas where the Inkley nation used to live to collect more information about them.
 1) guess 2) spread 3) respect 4) explore
- 82- It is ----- for you to have your health condition checked before you decide to climb Mount Everest.
 1) aware 2) previous 3) advisable 4) responsible
- 83- Not to be able to overcome his foot injury to be able to play on his team in next month's important game is the footballer's main -----.
 1) lack 2) concern 3) procedure 4) imagination
- 84- Port Aransas is a city in which the people's income is entirely dependent on tourism. That is why they do whatever ----- to make the city attractive for them.
 1) exact 2) immediate 3) necessary 4) economical
- 85- I think the Johnsons should ----- their child more: he is always getting into trouble at school.
 1) discipline 2) overcome 3) emphasize 4) enhance
- 86- Here in Paris, as well as just about everywhere these days, it's possible to pay for ----- everything with a credit card or a phone.
 1) similarly 2) efficiently 3) softly 4) nearly
- 87- The mother asked the teacher to kindly keep her ----- her child's progress at school.
 1) informed of 2) interested in 3) careful about 4) friendly towards

Part B: Cloze Test

Directions: Questions 88-92 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark your answer sheet.

James Anderson writes about the waste of energy in hotels: overheated rooms, lights (88) ----- on all night, towels that are used once and then sent to be washed. He is right, but why stop with hotels? Would it not be better (89) ----- all the other mindless waste that characterizes modern life?

In the morning I walk down the high street past shops whose doors are wide open, (90) ----- hot air into the street. At the supermarket I take my frozen vegetables from a (91) ----- that is completely open. My children leave their computers (92) ----- when they go out and their phone chargers plugged in with no phone on the other end. What does all this waste show?

- 88- 1) are left 2) leaving 3) which leave 4) that are left

PASSAGE I:

She remembers the moment the photographer took her picture. The man was a stranger, but he asked if he could and she agreed to let him take it. She had never been photographed before and until they met a second time seventeen years later, she was not photographed again.

The photographer, Steve McCurry, remembers the moment too. It was 1984 and he was recording the lives of Afghan refugees in a camp in Pakistan. She was looking out of the school tent and he admits thinking at the time that the picture would be nothing special. Yet the 'Afghan girl', as the picture is now known, became, after a few years, one of the most iconic images. McCurry used her intense expression, so untypical of an average, carefree girl, to warn us not to ignore the victims of war, especially its young victims.

In 2002 *National Geographic* encouraged McCurry to return to Pakistan to look for the girl. After showing her photo around the refugee camp, he found a man who had known her as a child and knew where to find her. He offered to bring her from her home in the Tora Bora mountains in Afghanistan and after three days returned with Sharbat Gula, a woman perhaps 29 years old. McCurry knew at once that this was her.

- 93- It can be understood from the passage that the first time Sharbat Gula was photographed she was about -----.
- 1) 11 2) 17 3) 29 4) in her twenties
- 94- According to the passage, the picture Steve McCurry took from the Afghan girl -----.
- 1) was one he himself knew would become famous
2) was made popular by *National Geographic*
3) gained people's attention later on
4) was an immediate success
- 95- According to the passage, when Steve McCurry came back in 2002 to took another picture -----.
- 1) Sharbat Gula had changed so much that he was greatly surprised
2) he had to wait for three days before he could see Sharbat Gula
3) he managed to find Sharbat Gula himself and very quickly
4) Sharbat Gula was living in another camp in Pakistan
- 96- The passage is most likely to continue with -----.
- 1) an explanation of why Steve McCurry agreed to go to Pakistan a second time
2) reasons why Sharbat Gula and other Afghan women look attractive in pictures
3) what the focus of *National Geographic* in news reporting is
4) a description of what Sharbat Gula looked like then

PASSAGE 2:

People love to compare and contrast. In most parts of England, you buy your bus ticket on the bus. In France, you buy it at a metro station. In Australia, you can buy it from a newsagent. We all find this kind of comparison amusing. Books on cross-cultural communication use our curiosity by focusing on differences between people across the world: in social behavior, the roles they play in society, their viewpoint towards money, the importance of their body language, etc.

Proxemics, the study of different standards of personal space, is one example. How close I stand to someone when I am speaking to them depends not only on my relationship to them, but also on my culture. This is important because if the person I am with is not used to standing as near as I do when we are talking to each other, they might feel uncomfortable. Statistics tell us that the average distance at which two people stand in a social context—neighbors talking together, for example—is anything between 1.2 meters and 3.5 meters. In Latin cultures (South America, Italy, etc) and also in China this distance tends to be smaller, while in Nordic cultures (Sweden, Denmark, etc.) people usually stand further apart.

- 97- Which of the following best describes the way the information in the passage is presented?
- 1) A particular event is mentioned and the reasons for its existence are discussed.
 - 2) A general point is made and then a particular case related to it is mentioned.
 - 3) An interesting topic is introduced and the ideas for and against it are stated.
 - 4) Different aspects of the same thing are introduced and are then compared.
- 98- According to the passage, how close we stand to someone we are communicating with varies based on the following factors EXCEPT -----.
- 1) our culture
 - 2) our country
 - 3) our neighbors
 - 4) our relationship with them
- 99- According to the passage, the distance at which people stand in a social context -----.
- 1) is 1.2 meters or 3.5 meters all over the world
 - 2) is the smallest in the world in Latin cultures
 - 3) tends to change in the course of time
 - 4) is not fixed under all circumstances
- 100- Which of the following is defined in the passage?
- 1) proxemics
 - 2) social context
 - 3) social behavior
 - 4) cross-cultural communication

۷۶. گزینه ۲

نیاز به یک ضمیر موصولی در وسط جمله داریم که با توجه به وجود فاعل در ابتدای جمله (employees)، ضمیر فاعلی (who) خواهد بود. بنابراین گزینه ۲ صحیح است. گزینه ۴ به دلیل استفاده از ضمیر موصولی مفعولی (whom) نادرست است.

۷۷. گزینه ۱

با توجه به فرمول It، نیاز به فعل ساده همراه با to خواهیم داشت.

شکل ساده فعل + to + مفعول + for + صفت + to be + It

۷۸. گزینه ۴

با توجه به احتمال انجام کار در گذشته، تنها گزینه صحیح استفاده از ساختار PP + have + could خواهد بود.

۷۹. گزینه ۲

او توافقی را دوباره خواند به منظور اینکه اطمینان یابد عاری از اشتباه است. برای بیان هدف از so that باید استفاده کنیم.

۸۰. گزینه ۳

گفتن غیرممکن دشوار است. زیرا رویای دیروز، امیدواری امروز و همچنین می تواند واقعیت فردا باشد.

۱. جایزه ۲. موقعیت ۳. واقعیت ۴. موضوع

۸۱. گزینه ۴

با توجه به کلیدواژه محققان (researchers)، به سادگی می توان بدون معنی کردن جمله: گزینه صحیح را جستجو و بررسی کردن انتخاب کرد.

۱. حدس زدن ۲. توسعه دادن ۳. احترام گذاشتن ۴. جستجو کردن

۸۲. گزینه ۳

چک کردن شرایط سلامتی قبل از تصمیم صعود به کوه اورست، برای شما قابل توصیه است.

۱. آگاه ۲. قبلی ۳. قابل توصیه (مقتضی) ۴. مسئولیت پذیر

۸۳ گزینه ۲

نگرانی اصلی فوتبالیست، عدم غلبه بر مصدومیت پا به منظور بازی برای مهم تمیش در ماه آینده است.

۱. فقدان ۲. نگرانی ۳. روند ۴. تصور

۸۴ گزینه ۳

پورت آرتاساس شهری است که درآمد مردم آن کاملاً به تورسم وابسته است. به همین دلیل، آن‌ها هر چیز ضروری شهر را به منظور جذاب‌شدن شهر برای توریست انجام می‌دهند.

۱. دقیق ۲. فوری ۳. ضروری ۴. اقتصادی

۸۵ گزینه ۱

من فکر می‌کنم جانسون باید بچه‌اش را بیشتر تربیت کند. او همیشه در مدرسه به مشکل می‌خورد.

۱. تربیت کردن ۲. غلبه کردن ۳. تاکید کردن ۴. بالابردن

۸۶ گزینه ۴

اینجا در پاریس مشابه این روزها در همه جا، تقریباً پرداخت هر چیزی با کارت اعتباری یا تلفن همراه ممکن است.

۱. به‌طور مشابه ۲. به‌طور موثر ۳. به نرمی ۴. تقریباً

۸۷ گزینه ۱

مادر از معلم خواست تا او را از پیشرفت فرزندش در مدرسه مطلع کند.

۱. مطلع از ۲. علاقمند به ۳. با دقت به ۴. دوستانه با

ترجمه Cloze

جیمز اندرسون درباره ائتلاف انرژی در هتل‌ها می‌نویسد: اتاق‌های بیش از حد گرم، چراغ‌هایی که در تمام شب روشن گذاشته می‌شوند، حوله‌های یکبار مصرف شده که برای شستشو فرستاده شده‌اند. حق با اوست، اما چرا توسط هتل‌ها متوقف شود؟ آیا بهتر نیست همه ائتلاف‌های دیگر که زندگی مدرن را مشخص می‌کند، ذکر شوند.

هنگام صبح، مغازه‌هایی از بازار را به سمت پایین پیاده‌روی می‌کنم که درهایشان کاملاً باز هستند و هوای گرم را در خیابان می‌دمند. در سوپرمارکت، سبزیجات یخ‌زده را از قفسه سردکننده برمی‌دارم که کاملاً باز هستند. فرزندان من هنگام بیرون‌رفتن از منزل، رایانه‌های خود را روشن رها می‌کنند و شارژرهای تلفن‌های همراهشان نیز بدون اتصال گوشی در پریز برق است. این همه ائتلاف چه چیزی را نشان می‌دهد؟

۸۸. گزینه ۴

نیاز به ضمیر موصولی و ساختار مجهول (to be + PP) داریم. از روی ساختار تکرار شده در جمله بعدی نیز (towels that are used) نیز می‌توان به جواب صحیح پی برد.

۸۹. گزینه ۱

با توجه به ساختار It + to be + better. نیاز به شکل ساده فعل همراه با to داریم.

۹۰. گزینه ۱

۱. دمیدن ۲. تولیدکردن ۳. عبورکردن ۴. بلندکردن

۹۱. گزینه ۴

عمل سردکردن توسط قفسه (cabinet) بر روی سبزیجات انجام می‌شود. پس نیاز به صفت فاعلی برای غیرانسان داریم که توسط فرمول verb+ ing ساخته می‌شود.

۹۲. گزینه ۲

فعل جداشتنی leave on به معنی رهاکردن مورد سوال واقع شده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، مفعول (their computers) بین جزء اول و دوم فعل قرار گرفته است.

ترجمه متن ۱

او لحظه‌ای را به یاد می‌آورد که عکاس، عکسش را گرفت. آن مرد غریبه بود، اما برای عکس اجازه گرفت و دختر موافقت کرد تا از او عکس بگیرد. از او هرگز قبلاً عکسی گرفته نشده بود و زمانی که آن‌ها ۱۷ سال بعد و برای بار دوم یکدیگر را ملاقات کردند، دوباره از او عکسی گرفته نشد.

عکاس، استیو مک‌کوری نیز آن لحظه را به یاد می‌آورد. سال ۱۹۸۴ بود و او در حال ضبط کردن زندگی پناهندگان افغانی در کمپ پاکستان بود. دختر از چادر مدرسه مراقبت می‌کرد و استیو در آن زمان این فکر را که یک عکس چیز خاصی نیست، تصدیق می‌کرد. با این حال، "دختر افغان" بعد از چند سال به عنوان یکی از تصاویر شناخته‌شده تبدیل شد.

مک‌کوری از سیمای مشتاقانه دختر بی‌سرپرست استفاده کرد تا به ما هشدار دهد قربانیان جنگ به‌خصوص قربانیان جوان را نادیده نگیریم.

نشنال جئوگرافیک در سال ۲۰۰۲ مک‌کوری را تشویق کرد تا برای جستجوی آن دختر به پاکستان برود. پس از نشان دادن عکس او در کنار کمپ، مردی را یافت که دختر را می‌شناخت و از محل او اطلاع داشت. او پیشنهاد داد که دختر را از خانه خود در کوه‌های تورا بورا در افغانستان بیاورد و پس از سه روز با زنی ۲۹ ساله به نام شربت گولا بازگشت. مک‌کوری در همان بار اول فهمید که او همان دختر است.

۹۳. گزینه ۱

اولین باری که از شربت گولا عکس گرفته شد حدوداً چند ساله بود؟

اولین عکس در سال ۱۹۸۴ و دیدار دوم در سال ۲۰۰۲ و در سن ۲۹ سالگی شربت گولا بوده است. بنابراین او در سال ۱۹۸۴، ۱۱ سال داشته است.

۹۴. گزینه ۳

با توجه به پاراگراف دوم عکسی که مک‌کوری از دختر افغان گرفت چند سال بعد مشهور شد و توجه مردم را جلب کرد.

۹۵. گزینه ۲

در پاراگراف سوم بیان شده است که مک‌کوری هنگام برگشت به کمپ افغانستان پس از ۳ روز، شربت گولا را دید.

۹۶. گزینه ۴

اگر قرار بود پاراگراف بعدی برای متن ذکر شود، باید درباره اتفاق بعدی متن باشد. ظاهر شربت گولا پس از ۱۸ سال بهترین گزینه انتخابی خواهد بود.

ترجمه متن ۲

مردم، مقایسه و تضاد را دوست دارند. در بیشتر بخش‌های انگلستان، بلیت اتوبوس را در اتوبوس می‌خرید. در فرانسه ان را از ایستگاه مترو خریداری می‌کنید. در استرالیا، می‌توانید از دکه روزنامه بخرید. ما همه این نوع از مقایسه را سرگرم‌کننده می‌یابیم. کتاب‌های ارتباط بین فرهنگی با تمرکز بر روی تفاوت‌های بین مردم جهان، از کنجکاوی ما استفاده می‌کنند. این تفاوت‌ها در رفتار اجتماعی، نقشی که آن‌ها در جامعه بازی می‌کنند، دیدگاه آن‌ها نسبت به پول، اهمیت زبان بدن آن‌ها و غیره هستند.

جاکاربردشناسی، یعنی مطالعه استانداردهای متفاوت جایگاه شخصی، یکی از این مثال‌ها است. مقدار فاصله از فردی که با او سخن می‌گوییم نه تنها به ارتباط من با او بلکه به فرهنگ من نیز وابسته است. ممکن است فردی که با او صحبت می‌کنیم مانند ما عادت به نزدیک شدن به فرد را نداشته باشد. پس ممکن است احساس راحتی نکند. به همین علت، این موضوع اهمیت دارد. آمار به ما می‌گویند که میانگین فاصله دو فرد در هنگام مکالمه با یکدیگر، به عنوان مثال گفتگو با همسایه، بین ۱٫۲ و ۳٫۵ متر است. در فرهنگ‌های لاتین (آمریکای جنوبی، ایتالیا و غیره) و همچنین در چین، این فاصله کمتر است، در حالی که در فرهنگ‌های شمال اروپا (سوئد، دانمارک و غیره) مردم معمولاً در فاصله دورتری می‌ایستند.

۹۷. گزینه ۲

روش ارائه اطلاعات چگونه است؟ مشخص است که در پاراگراف اول یک موضوع کلی (general point) و در پاراگراف‌های بعدی یک موضوع خاص (a particular case) بررسی شده است.

۹۸. گزینه ۳

با توجه به متن، مقدار فاصله از افراد هنگام مکالمه به فرهنگ، کشور و ارتباط ما بستگی دارد و ربطی به همسایه‌های ما ندارد.

۹۹. گزینه ۴

مقدار فاصله از افراد هنگام مکالمه تحت همه شرایط ثابت نخواهد بود.

۱۰۰. گزینه ۱

جاکاربردشناسی (proxemics) در سطر اول پاراگراف دوم متن تعریف شده است.

سوالات کنکور زبان انگلیسی

رشته علوم انسانی

سال ۹۷

همراه با:

پاسخنامه تشریحی

- 76- My father returned to the lovely island where he ----- all his childhood already.
1) had lived 2) has lived 3) must have lived 4) was going to live
- 77- One year ago, Jennifer decided that she was going to change her lifestyle ----- taking better care of her health.
1) starting 2) who starts
3) so as to start 4) because of his start
- 78- Thomas Edison, who was the inventor of the light bulb and the phonograph, -----.
1) was too stupid believed by his teacher to learn
2) to learn by his teachers was too stupid to believe
3) believed to be too stupid to learn by his teachers
4) was believed by his teachers to be too stupid to learn
- 79- Many of those people ----- are actually against the idea of a factory in this area.
1) wanting to protect the environment 2) want the environment to protect
3) they want to protect the environment 4) who want the environment to protect
- 80- To be ----- that you do not know as much as you should is a great step to knowledge.
1) responsible 2) conscious 3) reasonable 4) careful
- 81- Although it took a lot of time and energy to raise the money needed to rebuild the school, in the end everyone agreed that it had been a valuable -----.
1) feature 2) guidance 3) quality 4) endeavor
- 82- William Faulkner once stated that the man who ----- a mountain begins by carrying away small stones.
1) crosses 2) removes 3) stretches 4) climbs
- 83- I don't ----- having spoken about it to her before, but she says she is sure that we discussed it just last week.
1) suggest 2) prefer 3) recall 4) predict
- 84- The philosopher once said that our real happiness does not ----- the hunger for money or fame; it can, in fact, be only found nowhere but in living in peace.
1) lie in 2) react to 3) succeed in 4) concentrate on
- 85- Some animal and plant species have already disappeared from the face of the Earth; now scientists believe that a greater and quicker ----- of many animals and plants is on the way due to climate change.
1) emergency 2) forecast 3) extinction 4) inaction
- 86- Out of my entire time in high school, one day in particular ----- in my mind the day of the big biology test.
1) digs 2) sticks 3) arises 4) rings
- 87- In wintertime the town becomes crowded because many people from the ----- villages come there to work.
1) attaching 2) advertising 3) connecting 4) surrounding

As you know, a computer needs to have an operating system in order to run programs. When most people think about the first operating systems that were (88) ----- for the personal computer, Microsoft or Bill Gates may come to (89) ----- . Actually, the truth is somewhat different.

In the late 1970s, there was a man in Seattle (90) ----- Tim Paterson, who worked for a company that was called Seattle Computer. He was a computer programmer and (91) ----- . Paterson got tired of waiting for another company to create one (92) ----- to develop his own program. He called it QDOS, which meant "quick and dirty operating system." It took him about four months to develop it.

- 88- 1) joined 2) ranked 3) caused 4) developed
 89- 1) mind 2) reality 3) existence 4) industry
 90- 1) his name was 2) was named 3) naming 4) named
 91- 1) an operating system needed for his computer
 2) needed an operating system for his computer
 3) for his computer an operating system needed
 4) his computer was needed for an operating system
 92- 1) decided 2) deciding 3) and decided 4) that decided

PASSAGE 1:

To overlearn is "to continue studying or practicing (something) even after one somehow has learned something completely so as to strengthen the learned material or skill," according to *The American Heritage Dictionary*.

For many students, it's difficult to understand this idea. If Emily has learned a lesson, she wants to put her pencil down and walk away. If Scott has got a high mark on a test, he's ready to throw away his notes from the studying session the night before.

According to psychological studies, however, overlearning is important to successful retention of material and performance of tasks. "Don't Just Learn—Overlearn," a blog post by Annie Murphy Paul, explains the empirical evidence behind overlearning. Murphy Paul mentions a study conducted by assistant professor Alaa Ahmed, which measured the amount of energy spent on a task that was repeated over and over. The study, published in *The Journal of Neuroscience*, found that as participants became more skilled at a task, the amount of energy used to perform that task decreased. "By the end of the learning process, the amount of effort they made to do the task had decreased about 20 percent from when they started," Murphy Paul writes.

- 93- The writer has referred to Emily and Scott in paragraph 2 in order to -----.
 1) list two main effects of overlearning
 2) prove that many students do practice overlearning even without their own knowing of what it really is
 3) exemplify the fact that a number of students do not have a clear understanding of overlearning
 4) give an actual example of how easy it is for students to succeed if they have already studied a subject to the point of overlearning
- 94- The author has provided all of the following in relation to overlearning EXCEPT its -----.
 1) effects 2) causes 3) function 4) definition
- 95- According to the passage, who got an article published in *The Journal of Neuroscience*?
 1) Alaa Ahmed 2) Alaa Ahmed and his assistant
 3) Murphy Paul 4) Murphy Paul and Alaa Ahmed
- 96- According to the study reported in paragraph 3, the amount of energy spent on a task that is repeated over and over -----.
 1) decreases in the course of time
 2) is the major cause of overlearning
 3) leads to more efforts to accomplish tasks
 4) needs to be more than normal if overlearning is ever going to happen

PASSAGE 2:

You probably don't like the term 'staycation'. Me neither. But you mustn't be put off. As a concept, it is quite attractive. Perhaps you've already had one, but weren't aware that's what it was called. Staycations don't just mean staying in doing things around the house or just relaxing at home. They involve getting out more by taking day trips from your home to see local sights. If you don't want to stay at home, you can holiday locally—for example, camping at a local campsite.

Staycations originally became popular after the financial crisis of 2008, when people were looking for ways to reduce their spending. Apart from the savings, let's not ignore the other benefits: you don't have any of the problems associated with travel, such as packing, long drives, delays at airports and so on; and you bring money to the local economy, by eating out, for example. The only people who hope this kind of holiday won't become popular are the holiday companies themselves.

Some staycationers who base themselves at home like to follow a set of rules, such as setting a start and end date, planning their activities ahead of time and avoiding routine. You don't have to do these things, but it helps to create the feel of a traditional vacation. Others, aware that an extra barbecue and a visit to the local zoo may not match the thrill of foreign travel, take it a step further. A recent example was Karen Ash, whose story appeared in the *Wall Street Journal*.

- 97- The passage introduces staycation as an alternative to -----.
- | | |
|--------------------|---------------------|
| 1) staying indoors | 2) foreign travel |
| 3) doing business | 4) playing outdoors |
- 98- What is the author's purpose of the following sentence taken from the first paragraph?
"Staycations don't just mean staying in doing things around the house or just relaxing at home."
- 1) To define a new term
 - 2) To prevent a wrong generalization
 - 3) To provide an example for a clear description
 - 4) To deny the claim that doing housework can be fun
- 99- According to the passage, what caused staycation to appear as a popular trend was -----.
- 1) problems associated with traveling abroad
 - 2) people's interest in local attractions
 - 3) a financial problem
 - 4) holiday companies
- 100- What is the paragraph immediately following this passage most likely to discuss?
- 1) Reasons why staycation would become even more popular
 - 2) People's opinion about staycation
 - 3) Excitement of foreign travel
 - 4) Karen Ash's story

۷۶. گزینه ۱

جمله اول گذشته ساده است (returned) و یا توجه به اینکه عمل دوم یعنی زندگی کردن (live) در زمان دورتری اتفاق افتاده است، نیاز به گذشته کامل (had + PP) داریم. نشانه دیگر جواب، کلمه already است که به معنی قبلاً می‌باشد. پدرم به جزیره دوست‌داشتنی برگشت جایی که تمام دوران کودکی‌اش را قبلاً زندگی کرده بود.

۷۷. گزینه ۳

یک سال قبل، جنیفر تصمیم گرفت سبک زندگی‌اش را تغییر دهد برای اینکه ... برای بیان هدف و منظور باید از so as to استفاده کنیم.

۷۸. گزینه ۴

به ترکیب ثابت by his teachers در گزینه‌ها دقت کنید. می‌دانیم که جملات مجهول دارای ساختاری به شکل فاعل + to be + PP + by + مفعول

روبرو هستند:

عبارت was believed کلیدواژه حل این تست است. همچنین به ساختار زیر نیز دقت کنید:

شکل ساده فعل + to + (صفت) + to be + too + stupid

توماس ادیسون که مخترع لامپ حیایی و صدانگار بود، توسط معلمانش برای یادگیری خیلی کندذهن در نظر گرفته می‌شد.

۷۹. گزینه ۱

آن دسته از افرادی که می‌خواهند محیط زیست را حفاظت کنند، جمله یا فاعل شروع شده و در ادامه به یک ضمیر موصولی فاعلی و فعل نیاز داریم. محیط زیست (environment) نیز مفعولی برای فعل حفاظت کردن (protect) است. فعل ing دار، کوتاه‌شده ضمیر موصولی همراه فعل است.

Many of those people who want (wanting) to protect the environment ...

۸۰. گزینه ۲

آگاه بودن به اینکه به مقدار لازم نمی‌دانید، یک گام بزرگ برای دانایی است.

۱. مسئول ۲. آگاه ۳. منطقی ۴. یا دقت

۸۱. گزینه ۴

هرچند زمان و انرژی زیادی برای جمع‌آوری پول مورد نیاز برای یازسازی مدرسه صرف شد، اما در نهایت همه قبول کردند که تلاش ارزشمندی بوده است.

۱. ویژگی ۲. راهنمایی ۳. کیفیت ۴. تلاش

۸۲. گزینه ۲

ویلیام فالکنر در زمانی بیان کرد مردی که کوهی را **از بین می‌برد**، یا جایجا کردن سنگ‌های کوچک شروع کرده است.

۱. عبور کردن ۲. از بین بردن ۳. دراز کردن ۴. بالا رفتن

۸۳. گزینه ۳

من مکالمه با آن خانم درباره این موضوع را پیش از این **به یاد نمی‌آورم**. اما او یا اطمینان می‌گوید که همین هفته پیش درباره آن بحث کردیم.

۱. پیشنهاد کردن ۲. ترجیح دادن ۳. به یاد آوردن ۴. پیش‌بینی کردن

۸۴. گزینه ۱

فیلسوفی زمانی گفت که شادی واقعی ما در اشتیاق به پول و شهرت **قرار ندارد**. در واقع این شادی هیچ جایی مگر در آرامش زندگی کردن نمی‌تواند پیدا شود.

۱. قرار داشتن ۲. واکنش نشان دادن به ۳. موفق شدن در ۴. تمرکز کردن روی

۸۵. گزینه ۳

برخی از گونه‌های گیاهی و حیوانی تا کنون از روی زمین ناپدید شده‌اند. امروزه دانشمندان متعقدند که **انقراض** سریع‌تر و یزرگتر بسیاری از حیوانات و گیاهان ناشی از تغییر آب و هوا در راه است.

۱. اورژانس ۲. پیش‌بینی ۳. انقراض ۴. بی‌حرکتی

۸۶. گزینه ۲

در طول کل دوران دبیرستانم، به‌طور خاص یک روز در دهم **می‌ماند**، روز امتحان یزرگ زیست‌شناسی.

۱. جفر کردن ۲. ماندن ۳. برخاستن، رخ دادن ۴. زنگ زدن

۸۷. گزینه ۴

در طول زمستان، شهر شلوغ می‌شود. چون افراد زیادی از روستاهای **اطراف** برای کار به اینجا می‌آیند.

۱. ضمیمه ۲. تلیقاتی ۳. متصل ۴. اطراف

ترجمه Cloze

همان‌طور که می‌دانید، یک کامپیوتر به سیستم عامل نیاز دارد برای اینکه برنامه‌ها را اجرا کند. وقتی اغلب مردم درباره اولین سیستم عامل‌هایی که برای رایانه شخصی توسعه داده شدند، فکر می‌کنند؛ ممن است نام مایکروسافت یا بیل گیتس به ذهن بیاید. در واقع حقیقت چیز دیگری است.

در اواخر دهه هفتاد، مردی در سیاتل بود که تیم پیترسون نام داشت. او برای شرکت یا نام سایل کامپیوتر کار می‌کرد. او یک برنامه‌نویس کامپیوتر بود و به یک سیستم عامل برای کامپیوترش نیاز داشت. پیترسون از انتظار برای تولید سیستم عامل توسط یک شرکت دیگر خسته شد و تصمیم گرفت برنامه خودش را توسعه دهد. او سیستم عامل را QDOS نامید که به معنی سیستم عامل کثیف و سریع است. توسعه آن چهارماه طول کشید.

۸۸ گزینه ۴

۱. ملحق شدن
۲. رتبه‌بندی کردن
۳. موجب شدن
۴. توسعه دادن

۸۹ گزینه ۱

۱. ذهن
۲. واقعیت
۳. وجود
۴. صنعت

۹۰ گزینه ۴

وجه وصفی مجهول داریم که تنها گزینه صحیح شکل سوم فعل است. در واقع اصل جمله به شکل زیر بوده است که ضمیر موصولی و فعل to be آن حذف شده است. A man in Seattle who was named Tim Paterson.

۹۱ گزینه ۲

یا توجه به قرار گرفتن فاعل در ابتدای جمله (He) و تکرار ساختار یا استفاده از and، نیاز به جمله‌ای یا ساختار معلوم خواهیم داشت. بنابراین پس از فاعل، ابتدا فعل و سپس مفعول قرار می‌گیرد.

۹۲ گزینه ۳

پیترسون خسته شد و تصمیم گرفت گزینه‌های دیگر همگی یا حرف ربط که شروع می‌شوند که معنی آن در جمله اشتباه است.

ترجمه متن ۱

بر اساس واژه‌نامه American Heritage، فرایادگیری عبارت است از "ادامه مطالعه یا تمرین (چیزی) حتی پس از اینکه تاحدی آن مطلب را کامل یاد گرفته است تا مهارت یادگرفته‌شده را تقویت کند".

فهمیدن این ایده برای بسیاری از دانش‌آموزان بسیار دشوار است. اگر امیلی درسی را یاد گرفته است، او می‌خواهد قلم را کنار گذاشته و برود. اگر اسکات نمره یالایی در آزمون گرفته است، برای دورانداختن یادداشت‌های مطالعه شب قبل خود آماده است.

هرچند بر اساس مطالعات روانشناسی، فرایادگیری برای نگهداری موفق مطالب و اجرای وظایف مهم است. "فقط فرایادگیری را نیاموزید". یک صفحه اینترنتی ساخته‌شده توسط آنی مورفی پاول، شواهد تجربی پشت فرایادگیری را توضیح می‌دهد. مورفی پاول به تحقیقی اشاره می‌کند که توسط آلا احمد انجام شده است که مقدار انرژی صرف‌شده برای تکرار چندباره یک فعالیت اندازه‌گیری شد. این مقاله چاپ‌شده در مجله Neuroscience یافت که اگر شرکت‌کنندگان در انجام کاری ماهرتر شوند، انرژی مصرفی برای اجرای آن کار کاهش می‌یابد. مورفی پاول می‌نویسد: تا پایان پروسه یادگیری، میزان تلاش برای انجام کار حدود ۲۰ درصد نسبت به زمان شروع آن فعالیت کاهش داشته است.

۹۳. گزینه ۳

علت ارجاع نویسنده به امیلی و اسکات در پاراگراف دوم چیست؟

جمله اول پاراگراف دوم یعنی عدم درک واضح دانش‌آموزان از فرایادگیری در انتهای گزینه ۳ آمده است. علت ارجاع نویسنده نیز ارائه مثال یوده است.

۹۴. گزینه ۲

موارد مرتبط با فرایادگیری مانند تعریف، اثرات و عملکرد آن توضیح داده شده است. اما علت فرایادگیری مطرح نشده است.

۹۵. گزینه ۱

در پاراگراف سوم بیان شده است که تحقیق چاپ‌شده در مجله توسط آلا احمد انجام شده است.

۹۶. گزینه ۱

میزان انرژی صرف‌شده درباره کاری که چند بار تکرار می‌شود، در طی زمان کاهش می‌یابد.

ترجمه متن ۲

احتمالا اصطلاح 'staycation' (سفرهای کم‌خرج در مسافت‌های کوتاه) را دوست ندارید. من هم نه. اما نباید طفره بروید. به عنوان یک مفهوم، کاملا جذاب است. شاید تاکنون نیز یکی از آن‌ها را داشته‌اید. اما از اینکه چرا اینگونه نامیده شد، آگاه نیستید. اِستی‌کیشن‌ها، تنها به معنی ماندن برای انجام کارهایی اطراف خانه یا استراحت در منزل نیستند. این‌ها بیشتر شامل بیرون رفتن از منزل برای سفرهای روزانه به منظور مشاهده مناظر محلی است. اگر نمی‌خواهید در منزل بمانید، می‌توانید به عنوان مثال یا چادرزدن در یک اردوگاه، تعطیلات را به شکل محلی سپری کنید.

اِستی‌کیشن‌ها پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ مشهور شدند، وقتی که مردم به دنبال راه‌هایی برای کاهش هزینه‌های خود بودند. جدا از ذخیره کردن پول، فواید دیگر اِستی‌کیشن‌ها را نادیده نگیرید: شما هیچکدام از مشکلات مربوط به سفر مانند جمع کردن چمدان، رانندگی‌های طولانی، تاخیرهای فرودگاه‌ها و غیره را ندارید. و به عنوان مثال، یا غذا خوردن در بیرون، پولی را وارد اقتصاد محلی می‌کنید. تنها افرادی که امیدوارند این نوع از گذران تعطیلات محبوب نشوند، خود شرکت‌های مسافرتی هستند.

برخی از اِستی‌کیشن‌ها که مینای خودشان را در خانه قرار می‌دهند، پیروی از مجموعه‌ای از قوانین مانند تنظیم تاریخ شروع و پایان، برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود پیش از زمان معمول و اجتناب از روزمرگی را دوست دارند. مجبور به انجام این کارها نیستید، اما برای خلق احساس یک تعطیلات سنتی به شما کمک می‌کند. همچنین یا آگاهی از اینکه کیاب‌پختن در فضای باز یا یازدید از باغ‌وحش محلی ممکن است یا هیچ‌ان یک سفر خارجی مطابقت نداشته باشد؛ یک گام رو به جلو بردارید. مثال اخیر، کارن آش یود که داستان او در مجله Wall Street دیده شد.

۹۷. گزینه ۲

یا توجه به پاراگراف دوم متن، اِستی‌کیشن‌ها جایگزینی برای سفرهای خارجی خواهند بود.

۹۸. گزینه ۲

یا توجه به پاراگراف اول، نویسنده می‌خواهد معنی اِستی‌کیشن‌ها را جا بیندازد و از یاور عمومی اشتباه جلوگیری کند.

۹۹. گزینه ۳

جمله اول پاراگراف دوم به وضوح علت معروف شدن اِستی‌کیشن‌ها را بحران مالی بیان کرده است.

۱۰۰. گزینه ۱

جمله آخر متن درباره داستان کارن آش یوده است. پس اگر متن ادامه پیدا می‌کرد، به احتمال زیاد پاراگراف بعدی درباره این داستان بود.

منابع مورد استفاده در تالیف این اثر:

- (۱) کتاب واژه های ضروری مترجمان سعید سبزیان و کاوه نیک منش انتشارات رهنما
- (۲) زبان عمومی انگلیسی انتشارات سازمان سنجش
- (۴) کتاب A practical English grammar انتشارات دانشگاه آکسفورد
- (۵) کتاب study skills دکتر رحیم اکبری انتشارات دانشگاه پیام ور
- (۶) کتاب English phrasal verbs in use دانشگاه کمبریج
- (۷) کتاب study of language مولف جورج یول انتشارات دانشگاه کمبریج
- (۸) کتاب English grammar in use اثر مورفی دانشگاه کمبریج
- (۹) کتاب گرامر از راهنمایی تا دانشگاه تالیف تمدن
- (۱۰) کتاب گرامر جامع عباس فرزام
- (۱۱) کتاب واژگان ضروری ۵۰۴ انتشارات خط سفید مترجم علی صحرایی
- (۱۲) کتاب جامع واژگان انگلیسی کنکور رضا سعیدی و زهرا فهیمی انتشارات نخبگان
- (۱۳) جزوات کنکوری آقایان احمدی و شهاب اناری و مهندس محمدی